

ویژه‌نامه گرامیداشت
هفته میراث فرهنگی
و روز جهانی موزه‌ها

ایران

میراث فرهنگی
سرمایه‌ای برای فردای ایران
(میراث فرهنگی و آینده)



ایران

ویژنامه گرامیداشت هفته میراث فرهنگی و روز جهانی موزه‌ها

مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری
مدیر عامل:
علی متقیان
سردبیر:
هادی خسروشاهین
سرپرست بازرگانی:
محمد بابائی
دبیر ویژه‌نامه:
امین محمودی

• خبرنگاران:
معصومه غفاری، کوثر کریمی، الناز
صدری، زینب صفری، نرگس جلیلیان،
کامران زارعی، شایان جدید، فاطمه
شیخ‌زاده، امیر محمدی، فاطمه
کریمی، شادی کابیانی
• ویرایش عکس:
شبنم رضوانی
• صفحه‌آرایی:
هادی خطیبانی، مجید بیات و
فاطمه داشخانه

• ویراستاری:
حمیدرضا کاشی‌ها
بهرام موسی‌سروش
• معاونت اجرایی:
امین شاجانی
• مدیر چاپ:
بابک اسکندرنیا
• رئیس لیتوگرافی:
محمد آقارضا
• لیتوگرافی و چاپ:
مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴

۲ میراث فرهنگی؛ معماری قدرت نرم تمدن ایرانی در نظام جهانی
۳ میراث فرهنگی پلی میان گذشته و آینده پایدار
۴ ایکوموس ایران؛ پل ارتباطی با دانش و تجربه جهانی
۶ به وسیله موزه گذشته را با آینده پیوند می‌زنیم
۹ حفاظت از میراث فرهنگی نیازمند مشارکت ملی و نگاه راهبردی
۱۰ پایگاه‌های میراث فرهنگی؛ نگهبانان هویت و گنجینه‌های تاریخ
۱۲ بازآفرینی فرهنگ در میراث مجازی
۱۳ حکمرانی حکمت بنیان در میراث فرهنگی ضرورتی برای فرهنگ عمومی
۱۴ میراث فرهنگی؛ سرمایه‌ای فراتر از نفت
۱۵ میراث فرهنگی؛ آینه هویت ملی و ضرورت بازنگری در ریل گذاری مالی کشور
۱۶ جشنواره چند رسانه‌ای میراث فرهنگی پلی میان رسانه و مردم
۱۸ جشنواره میراث فرهنگی؛ از روایت اصیل تا وفاق ملی
۲۷ بهبود زیرساخت با اجرای طرح «هر شهر یک موزه»
۳۰ در باب اهمیت میراث ناملموس فرهنگی
۳۲ فناوری‌های دیجیتال، ابزاری برای اشاعه میراث فرهنگی ناملموس
۳۶ میراث ناملموس فرهنگی؛ گنجینه‌ای زنده و پویا
۴۰ خواست و حمایت جوامع محلی زمینه ساز ثبت جهانی
۴۲ یکپارچگی جامعه جهانی زنگ خطر نابودی میراث ناملموس
۴۳ تقویت جایگاه باستان‌شناسی شهری در کشور
۴۶ بیان اصالت میراث فرهنگی گامی مهم برای حفظ داشته‌هایمان است
۴۹ میراث فرهنگی، میراث جهانی و آینده

۵۰ حفاظت از میراث فرهنگی در دیار استرآباد
۵۲ پاسداری از هویت تاریخی و فرهنگی با ثبت حریم و احیای آثار
۵۶ نقش وزارتخانه در حفاظت از میراث جهانی
۵۹ میراث فرهنگی استان خوزستان؛ گنجینه‌ای از تاریخ و تمدن
۶۲ خراسان رضوی؛ بارگاه خورشید، خاستگاه فرهنگی
۶۴ لرستان؛ گنجینه پنهان زاگرس و تاریخ
۶۶ میراث فرهنگی آذربایجان شرقی
۶۸ سیستان و بلوچستان؛ گنجینه‌ای از میراث کهن و هویت ایرانی
۷۲ راهیان نور؛ سفری فرهنگی برای تبیین میراث ایثار و مقاومت
۷۴ ماموریت وزارت میراث فرهنگی در حفظ هویت ملی ایران
۷۶ صنایع دستی؛ تجلی هویت، نبض تپنده میراث ناملموس
۷۸ صنایع دستی روایت زنده از فرهنگ ناملموس
۸۲ احیای آثار تاریخی؛ پلی به سوی توسعه پایدار میراث فرهنگی
۸۶ میراث فرهنگی و گردشگری؛ روایتگری تاریخ و مسیر آینده ایران
۸۸ بازتعریف تجربه گردشگری در بستر میراث فرهنگی
۹۰ میراث فرهنگی ایران؛ ثروتی فراموش شده در گذر زمان
۹۰ حفاظت از تاریخ و فرهنگ با آموزش و آگاهی نسل جوان
۹۵ ارتقای حکمرانی مشارکتی گامی کلیدی در پایداری میراث فرهنگی
۹۷ مردم و میراث فرهنگی پیوندی ناگسستنی در قلب جوامع محلی
۹۹ نقش دیپلماسی میراث فرهنگی در تقویت تعاملات جهانی
۹۹ توسعه آگاهی و سواد میراث فرهنگی، ضامن حفظ هویت نسل‌ها

• نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۵۵۳۸ • تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نامبر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
• تلفن سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: ۸۸۵۰۰۶۰۱-۴ و ۱۸۷۷



تجلی زیبایی‌های هنر ایرانی - اسلامی در آبگینه‌های حکاکی شده

میراث فرهنگی؛ معماری قدرت نرم تمدن ایرانی در نظام جهانی

دیپلماسی فرهنگی ما نه در ادبیات رسمی، بلکه در معماری، آیین، رنگ و روایت، در شعرو شعور متجلی است. این گنجینه‌ها در لحظه‌ای که یک گردشگر خارجی در برابرشان می‌ایستد، تبدیل به یک «ارتباط فرهنگی و تمدنی» می‌شوند؛ گفت‌وگویی بی‌کلام اما ژرف میان ایران و جهان.

وظیفه ما در قبال این سرمایه، حفاظت و صیانت از آن به عنوان یک امانت تاریخی و انتقال خلاقانه‌اش به نسل آینده به مثابه یک اندوخته معنوی است. حفاظت فیزیکی کافی نیست؛ باید میراث را در ذهن و زبان نسل جدید نهادینه کنیم. اگر دانش‌آموز ایرانی بدانند بر روی چه خاکی گام می‌گذارد و چه تاریخ شکوهمندی را حمل می‌کند، هرگز از هویت خود گسسته نخواهد شد. کارشناسان میراث فرهنگی ما، صرفاً معماران و مرمت‌گران بنا نیستند، بلکه روان‌شناسان هویت‌اند؛ آنان که ترک‌های ساختمان‌ها را مرمت می‌کنند تا از گسست‌های هویتی آینده جلوگیری شود. هر سنگ، هر طاق، هر گنبد، حامل معنایی است که بازسازی آن، یعنی بازگرداندن معنا به کالبد اجتماعی ما.

امروز، در بحبوحه نبرد روایت‌ها و تصویرها، آن‌چه ما را از فروغ می‌اندازد، نه دشمنی بیگانه، بلکه غفلت خودی است. اگر نظام آموزشی ما به جای تکرار مدام محفوظات، کودکان را هر هفته به موزه‌ها، بناها و مکان‌های تاریخی ببرد، آینده‌مان را نه فقط با سوادتر، بلکه باشعورتر ساخته‌ایم. میراث فرهنگی ایران، نه فقط هویت ما، که ابزار آینده‌سازی ماست. در جهانی که قدرت‌های فرهنگی رقیب، به‌سوی بازنویسی تاریخ و هویت ملت‌ها حرکت می‌کنند، ما باید با گفتمان میراث، با دیپلماسی فرهنگی و با پیوندهای بین‌نسلی، سرمایه تمدنی خود را از انفعال به کنشگری بدل کنیم.

میراث ما مقدس است؛ نه تنها از آن‌رو که تبلور تاریخ است، بلکه به این سبب که شالوده آینده‌ای هویت‌مند و سربلند خواهد بود.

در عصر بازاریابی قدرت‌ها، جایی که جغرافیای ژئوپلیتیک به‌سوی الگوهای نوین نفوذ و اثربخشی در حرکت است، مفهوم نو از قدرت در حال شکل‌گیری است: قدرتی نه متکی بر سخت‌افزارهای نظامی، ساختارهای اقتصادمحور یا ائتلاف‌های سیاسی، بلکه مبتنی بر هویت، فرهنگ و میراث؛ آن‌گونه که در ادبیات راهبردی از آن با عنوان «قدرت نرم تمدنی» یاد می‌شود. در این هندسه نوین جهانی، ایران نه صرفاً با تکیه بر منابع نفتی و معدنی، بلکه با سرمایه‌های تاریخی‌اش، یعنی میراث فرهنگی، در حال بازیابی جایگاه تمدنی خویش است. این میراث، حافظه جمعی و هویت تاریخی ملتی است که در پرتو گفت‌وگو، عرفان، زیبایی‌شناسی و خلاقیت شکل گرفته است.

تا امروز، ۲۸ اثر ملموس و طبیعی از ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده‌اند که در بیش از ۱۰۷ مکان تاریخی و فرهنگی پراکنده‌اند؛ از بیابان لوت تا مجموعه‌های عظیم پاسارگاد و تخت‌جمشید، از ارگ بم تا باغ‌های ایرانی، از کلیساهای ارامنه تا سازه‌های آبی شوشتر.

این آثار، صرفاً بناهای تاریخی نیستند، بلکه متون گویای تمدن غنی ایران در دیدگان جهانیان‌اند؛ آثاری که اسنادی زنده‌اند و ایران را نه فقط در هیئت یک ملت یا دولت، بلکه به مثابه یک مفهوم تمدنی برتر به جهانیان معرفی می‌کنند. در حوزه میراث ناملموس نیز ایران با ۲۶ اثر جهانی، اکنون در زمره چهار کشور پیشرو در این عرصه قرار دارد. این میراث ناملموس— از نوروز و تعزیه گرفته تا موسیقی مقامی، آیین‌های منحصربه‌فرد و دانش بومی زیست‌محیطی—شاکله‌ای از نظام دانایی سنتی ایرانی است که در برابر جهانی‌سازی همسان‌ساز، باعث مانایی و استواری این سرزمین شده است.

امروز، هر کاشی از مسجد جامع اصفهان، هر آجر از چغازنبیل و هر طرح گلابتون‌دوزی در هرمزگان، یک سفیر مجسم و درعین‌حال فاخر ایران است.



سیدرضا صالحی‌امیری
وزیر میراث فرهنگی، گردشگری
و صنایع دستی



۲- بهره‌گیری خلاقانه از فناوری

فناوری‌های نوین، واقعیت مجازی و هوش مصنوعی می‌تواند به خدمت شناسایی، حفظ، مرمت، معرفی، روایت و ترویج میراث فرهنگی درآید. دیجیتال‌سازی میراث فرهنگی نه تنها به حفظ آن کمک می‌کند، بلکه دسترسی عمومی به این گنجینه‌ها را نیز افزایش می‌دهد. نمایشگاه‌ها و موزه‌های مجازی در آینده فرصت دسترس‌پذیری آثار تاریخی و موزه‌ها را ارتقا می‌دهد.

۳- مشارکت جوامع محلی و حکمرانی مشارکتی

حفاظت پایدار از میراث فرهنگی تنها با مشارکت فعال جوامع محلی امکان‌پذیر است. باید صدای حاملان و وارثان اصلی میراث فرهنگی در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها شنیده شود و نقش آنان در مدیریت میراث فرهنگی تقویت گردد. راه حفاظت پایدار از میراث فرهنگی از مسیر حکمرانی مشارکتی می‌گذرد.

۴- آموزش و آگاهی بخشی

باید نسل‌های جوان و پرسرگرم را با ارزش و اهمیت میراث فرهنگی آشنا کنیم و مهارت‌های لازم برای حفظ، به کارگیری و انتقال ارزش‌های میراث را به آنها بیاموزیم. موزه‌ها، مدارس و رسانه‌ها نقشی کلیدی در این زمینه دارند. نیازمند باز تحول منابع و شیوه‌های آموزشی برگرفته از ارزش‌ها و کارکرد میراث فرهنگی هستیم.

۵- دیپلماسی مبتنی بر میراث فرهنگی

حفاظت و معرفی میراث فرهنگی ظرفیتی فرامرزی است. تبیین شایسته و روشن از چهره واقعی کشور در اذهان جهانی از مسیر معرفی ارزش‌های برگرفته از میراث غنی و ارزشمند فرهنگی می‌گذرد. معرفی و هدیه ارزش‌های فرهنگی ایران اسلامی به جهانیان، دنیا را مشحون می‌کند.

برای دستیابی به مراتب پیش گفته، ضرورت دارد:

توسعه موزه‌ها و حفاظت از میراث فرهنگی را در کانون برنامه‌های توسعه پایدار قرار دهیم.

مشارکت مردمی و سرمایه‌گذاری در حفاظت و احیای میراث فرهنگی را افزایش دهیم.

از نوآوری‌های فناورانه در خدمت به میراث فرهنگی حمایت کنیم.

مشارکت جوامع محلی و نهادهای اجتماعی در مدیریت میراث فرهنگی را تقویت نماییم.

آموزش میراث فرهنگی را در بطن جامعه تقویت و به نهادهای آموزشی کشور تسری دهیم.

با تلفیق حکمت گذشته و نوآوری‌های امروز، نه تنها میراث فرهنگی را حفظ کنیم، بلکه آن را به جنبشی پویا برای شکل دادن به فردایی بهتر تبدیل کنیم.

"میراث گذشته را پاس بداریم و میراث آینده را با حکمت بیافرینیم"

میراث امروز را با خرد و حکمت بیافرینیم. امروز میراث فرهنگی با تهدیدهای متعددی روبروست و چالش‌های پیش رو، اقدامات مورد نیاز را به ضرورت مبدل کرده است:

الف- تغییرات اقلیمی و زیست‌محیطی خشکسالی‌ها، سیل‌های ویرانگر، فرونشست و آلودگی هوا، آثار تاریخی و طبیعی ما را تهدید می‌کنند. بناها و بافت‌های تاریخی و محوطه‌های باستان‌شناسی که قرن‌ها در برابر گذر زمان پایداری کرده‌اند، اکنون در برابر تغییرات سریع اقلیمی آسیب‌پذیر شده‌اند.

ب- دگرگونی‌های فناورانه جهان دیجیتال، فرصت‌ها و چالش‌های بی‌سابقه‌ای را پیش روی ما قرار داده است.

از یک سو، فناوری‌های نوین امکان شناسایی، ثبت، حفاظت، معرفی و روایت میراث فرهنگی را به شکلی نوآورانه، دقیق و کاربردی فراهم می‌کند و از سوی دیگر، سلطه فضای مجازی، خطر فراموشی سنت‌ها و میراث ناملموس جوامع را افزایش می‌دهد.

ج- تحولات اجتماعی و فرهنگی دگرگونی ارزش‌ها، تغییر سبک زندگی، شهرنشینی و توسعه و عمران شتابان؛ پیوندهای جوامع با میراث فرهنگی را دستخوش تغییر کرده و زبان‌های بومی، آیین‌های سنتی و دانش بومی در خطر فراموشی قرار گرفته‌اند این فراموشی، غنا و قوام جوامع در آینده را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد.

از این رو ضرورت اتخاذ رویکردی جامع و آینده‌نگر برای دستیابی به آینده‌های پایدار با تکیه بر میراث فرهنگی امری اجتناب‌ناپذیر است:

۱- حفاظت هوشمند و سازگار با اقلیم

باید روش‌های نوینی را برای حفاظت از آثار در برابر تغییرات اقلیمی در پیش گیریم. این امر مستلزم تلفیق دانش سنتی با فناوری‌های پیشرفته، طراحی راهکارهای سازگار با اقلیم و ادغام حفاظت از میراث فرهنگی در برنامه‌های اقلیمی و مدیریت بحران در سطح ملی و بین‌المللی است.



علی دارابی
قائم مقام وزیر و معاون
میراث فرهنگی

امروز در حالی به استقبال روز جهانی موزه و هفته میراث فرهنگی می‌رویم که جهان در آستانه تحولات عمیق و بی‌سابقه‌ای قرار دارد. میراث فرهنگی ما، این گنجینه بی‌بدیل تجربیات، دانش و هنر پیشینیان؛ اکنون بیش از هر زمان نیازمند حمایت، صیانت و بازاندیشی است.

میراث فرهنگی گنجینه‌ای از گذشته برای امانت به آینده است. در عصر دگرگونی‌های شتابان، این میراث می‌تواند چراغ راهی برای ساختن آینده‌ای پایدار و برگرفته از ارزش‌های انسانی باشد.

رابطه میراث فرهنگی و آینده جوامع انسانی، رابطه‌ای دوسویه است.

میراث فرهنگی تنها یادگاری از گذشته نیست، منبعی الهام‌بخش برای خلق آینده‌ای پایدار است. در عصری که با سرعتی بی‌سابقه در حال تغییر است، گنجینه‌های فرهنگی، نقشی بی‌بدیل در هویت‌بخشی، انسجام اجتماعی و طی طریق برای دستیابی به توسعه‌ای پایدار ایفا می‌کنند.

جوامع انسانی در آینده، وارثان میراثی هستند که ما امروز حفظ می‌کنیم و همزمان، خالق میراثی برای نسل‌های آتی هستیم. این رابطه دوسویه، مسئولیتی عظیم بر دوش ما می‌گذارد تا با نگاهی آینده‌نگر، میراث گذشته را پاس بداریم و

ایکوموس ایران؛ پل ارتباطی با دانش و تجربه جهانی برای حفاظت از میراث فرهنگی



مهدی حجت
رئیس ایکوموس ایران

ارزش‌ها به تدریج اصلاح و با رفع معایب جواهره آن‌ها به نسل‌های بعد منتقل می‌شود.

دریافت ارزش‌ها و پیام انسانی مهمی هست که در میراث فرهنگی وجود دارد؛ البته برای اینکه انسان در زندگی روزمره خود با این ارزش‌ها روبه‌رو شود باید شرکت در جشن‌ها و مراسمات، بازدید از موزه و یا سفر داشته باشد.

مشکلی که به وجود آمده این است که این نوع ملاقات توأم با تفریح، سرگرمی و گردش است و به تدریج این جنبه تفریحی مواجه شدن با آثار بر جنبه انتقال ارزش‌ها و درک اینکه اثر چه می‌گوید و زندگی امروز و فردای من چه اثرگذاری دارد، بر این موارد غالب شده است.

امروز بیشتر با میراث فرهنگی تفریح می‌کنیم تا اینکه از آن درس بگیریم و بفهمیم که سیاق زندگی کردن در این سرزمین چگونه است؛ اگر کسی سؤال بپرسد که ایرانی بودن یعنی چه یعنی به روشی زندگی کردن که در طول هزاران سال در این سرزمین مردم با مجموعه اعتقادات، حوادثی که بر آنها گذشته و تجاربی که به دست آوردند.

یکی از مشخصات موجود در کشور آورده‌های اقلیمی، تاریخی و اعتقادی هست که بر همدیگر تأثیر گذاشته و بر این اساس ایران مردمی اهل تعاون دارد؛ مشارکت و کمک به یکدیگر از ویژگی مردم هست چون تاریخ این سرزمین به ما نشان داده که با تعاون و کمک به یکدیگر می‌توان در این سرزمین زندگی کرد.

یکی از خصوصیات مردم این سرزمین کمک کردن است و باید آن را فهمید؛ در این شرایطی که هر فردی در یک گوشه دنیا به خاطر افزوده شدن امکانات ارتباطی خودش را ژاپنی، فرانسوی یا اسپانیایی معرفی می‌کند، در این شرایط اینکه چه کسی هستیم، بیشتر مطرح می‌شود. در گذشته‌های دور اگر فردی در روستایی زندگی می‌کرد، نیاز به اینکه بفهمد چه کسی هست، زیاد وجود نداشت؛ برای اینکه اطراف او خبری نبوده و اطلاعی برای مقایسه کردن نداشت ولی امروزه هرچه لوازم ارتباط جمعی بیشتر گسترش پیدا کرده سؤال هویتی و کیستی بیشتر مطرح می‌شود.

بحران، چون وقوع بلایای طبیعی یا تهدیدهای انسانی، در کنار سایر نهادها به ارزیابی خسارات، مستندسازی و ارائه راهبردهای مرمت اضطراری می‌پردازد. این کمیته با برگزاری همایش‌ها، کارگاه‌های آموزشی، نشست‌های تخصصی و انتشار نشریات علمی، سعی داشته است دانش مرمت و حفاظت را در جامعه حرفه‌ای گسترش دهد و زمینه ارتقای فرهنگ حفاظت از میراث فرهنگی را در سراسر کشور فراهم آورد.

نقش ایکوموس ایران تنها به همکاری‌های داخلی محدود نمی‌شود، بلکه با شرکت در رویدادها و پروژه‌های بین‌المللی، حضور فعالی در شبکه جهانی حفاظت از میراث فرهنگی دارد و نماینده‌ای شایسته برای میراث ایران در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود. حضور و فعالیت اعضای این کمیته در گروه‌های تخصصی ایکوموس جهانی، به انتقال تجربه‌ها و معرفی دستاوردهای علمی ایران کمک شایانی کرده است.

در مجموع، ایکوموس ایران حلقه واسطی میان تجربه‌های بومی و دانش جهانی در حوزه میراث محسوب می‌شود؛ نهادهای که تلاش دارد آثار تاریخی و فرهنگی کشور نه تنها برای نسل امروز، بلکه برای آیندگان نیز زنده و پایدار باقی بمانند، به همین منظور و برای بررسی بیشتر موضوع به سراغ مهدی حجت، رئیس ایکوموس ایران آمده‌ایم تا از وی جويا شویم.

به عنوان سؤال ابتدایی جناب دکتر

در خصوص چیستی میراث فرهنگی و چشم‌انداز آن در آینده بفرمایید؟

همانطور که توجه دارید، مفهوم میراث فرهنگی از طریق دو کلمه منتقل می‌شود، یکی میراث (مجموعه آنچه انسان به صورت مادی یا معنوی به وجود آورده) و دیگری فرهنگی یعنی اینکه آنچه توسط انسان به وجود آمده دارای یک پیام فرهنگی است و ارزش‌هایی را به انسان امروز و فردا منتقل می‌کند.

با این پیام‌های منتقل شده می‌توان زندگی کرد؛ در حقیقت میراث فرهنگی محمل مجموعه ارزش‌هایی است که در یک سرزمین در طول تاریخ توسط انسان‌های آن سرزمین کسب و آموخته می‌شود؛ این

ایکوموس ایران، به عنوان شاخه ملی شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌ها (ICOMOS)، یکی از نهادهای اصلی و تخصصی در زمینه حفاظت، مرمت و مدیریت علمی میراث فرهنگی کشور به شمار می‌رود. این کمیته ملی، فعالیت خود را از سال ۱۳۵۲ آغاز کرد و همواره تلاش داشته است با به‌کارگیری جدیدترین دستاوردهای علمی و مهارت‌های تخصصی، نقش فعالی در حفظ میراث تاریخی ایران ایفا کند.

هدف اصلی ایکوموس ایران ارتقای استانداردهای حفاظت و مرمت، افزایش آگاهی عمومی و همکاری حرفه‌ای میان پژوهشگران، معماران، باستان‌شناسان، مرمنگران و سایر متخصصان مرتبط با میراث فرهنگی است. این نهاد، نه تنها به انتقال تجربه‌های جهانی و رویکردهای نوین حفاظت از طریق همکاری با ایکوموس جهانی می‌پردازد، بلکه بستری برای هم‌اندیشی، تبادل نظر و آموزش‌های تخصصی در سطح ملی فراهم می‌کند. از مهمترین وظایف ایکوموس ایران می‌توان به مشاوره و همفکری با سازمان‌های دولتی مانند وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اشاره کرد. این کمیته در تهیه و تدوین پرونده‌های ثبت آثار تاریخی ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو نیز نقش مشورتی و محوری دارد و با انجام مطالعات علمی، ارزیابی وضعیت آثار و ارائه راهکارهای حفاظتی، به پیشبرد روند ثبت و حفاظت آثار کمک می‌کند.

ایکوموس ایران همچنین در مواقع



منحرف شدن احتمالی فرزندان از مسیر اصلی خود باشیم؛ تنها راه تداوم فرهنگی، استقرار و پیدا کردن هویت و موجودیت ایرانی این است که ارزش‌های میراث فرهنگی را دریافته، آنها را به یکدیگر توصیه و با آن زندگی کنیم تا ایرانی و مفتخر باشیم.

در پایان بفرمایید چه خلاصه یا مشکلاتی در این امر وجود دارد؟

آنچه که امروز بیش از هر چیزی مورد نیاز است، گسترش پژوهش در زمینه میراث فرهنگی در کشور است؛ متأسفانه خیلی از این وجه مورد توجه نیست.

شناسایی تعداد خانه‌ها و پایگاه‌های میراث فرهنگی یا اعلام ارقام در حوزه بافت تاریخی به معنای پژوهش نیست؛ باید روشن شود که هراتر چه تأثیرگذاری در زندگی امروز و فردا دارد.

اینکه هراتر تاریخی چه ارزشی را حمل می‌کند، باید مورد تحقیق قرار بگیرد؛ پیام انسانی آثار تاریخی باید مورد تحقیق قرار گرفته و در جامعه نقش پیدا کند.

اگر همه کاری انجام دهیم ولی نتوانیم اتصال بین دیروز، امروز و فردا برقرار کنیم، گذشته چراغ راه آینده نخواهد بود؛ به شدت نیاز داریم که تحقیق کنیم چه روش و اعتباری در مجموعه آن چه از گذشته برایمان مانده وجود دارد و چگونه ممکن است آن را به نسل‌های امروز و فردا منتقل کنیم تا براساس سیاق زیست ایرانی که باید وجود داشته باشد، حرکت کنیم.

ایرانی بودن نیست، باید سیاق زندگی کردن را فهمیده، از آن بهره‌مند شده و پس از تکامل دادنش با آن زندگی کنیم. عموماً وقتی به موزه‌ها مراجعه شود، با آن می‌توان سلفی گرفته و یا تعجب کرد، ولی باید بدانیم هر شی باستانی و تاریخی چه تأثیری برای زندگی امروز و فردای من دارد.

واکنش احساسی نسبت به آثار تاریخی کافی نیست، آنها مملو از ارزش‌هایی هستند که توسط راهنمایان، کتب، رسانه و وزارت میراث فرهنگی باید به مردم منتقل شود. متأسفانه امروز در انتقال ارزش‌های میراث فرهنگی به مخاطبان خیلی کوتاهی داریم؛ فقط از بخش تشویق به بازدید از آثار بهره گرفته شده است.

کشوری با پیشینه چند هزار ساله همچون ایران باید در انتقال ارزش‌های میراث فرهنگی به جامعه موفق‌تر عمل کند؛ می‌توان افتخار کرد به اینکه ۱۰ هزار سال سابقه داریم ولی داشتن صرف آن کافی نیست، بلکه بهره‌برداری از آن مهم است.

باید بتوانیم از میراث فرهنگی در همه ابعاد مادی، معنوی، اشیای منقول و داشته‌های موجود در موزه‌ها استفاده و دستاورد، ارزش و پیام انسانی آنها را به مردم منتقل کنیم تا این کشور بر چرخ‌های خود بچرخد؛ کشور باید بر پایه‌های فرهنگی خودش استوار شود.

نباید هر روز نگران هجوم فرهنگی و یا

با فهمیدن درخصوص روش زندگی، آداب، رسوم و روش‌های زندگی گذشتگان بهترین را انتخاب می‌کنم، بدین ترتیب مجموعه آن تجارب موجود از گذشته و دانش و حکمت موجود در آثار همه را می‌آموزیم و اگر یاد نگیریم، ضررش را می‌بینیم.

در اسانسانه ایکوموس بر ترویج و گسترش فرهنگ تحقیق، مطالعه و معرفی بناها، مجموعه بناها و محوطه‌های تاریخی و تشویق به صیانت، حمایت، حفاظت، احیا، و مرمت بناها، محوطه‌های تاریخی و ترویج فرهنگ آن در سطح ملی تأکید شده، چه اقدام‌ها برای این امر تاکنون صورت گرفته و این امر با چه خلاصه‌ای در حال حاضر دست و پنجه نرم می‌کند؟

وقتی نسلی با نسل بعدی خودش نتواند ارتباط برقرار کند، تداوم فرهنگی که یکی از اصول همه عالم بوده و همگی به دنبال تداوم خرده‌فرهنگ‌ها هستند، از دست می‌رود؛ میراث فرهنگی زبان مشترک هست و عدم توانمندی برای ارتباط نسل فعلی با بعدی به علت این است که از ارزش‌هایی که میراث فرهنگی باید به ما و فرزندانمان منتقل کند، غفلت کردیم.

اگر هم‌زمانی از دست رفته برای غفلت از انتقال ارزش‌های میراث فرهنگی بوده است؛ وقتی با سیاق پدران خود زندگی نکنیم، به تدریج ایرانی بودن ما زیر سؤال می‌رود.

تنها متولد شدن در ایران که به معنای

رییس ایکوم ایران:

به وسیله موزه گذشته را با آینده پیوند می‌زنیم



با اهمیت است.

در واقع اگر دنیای امروز ما آشفته است از آن روست که آینده‌ای که بر پایه گذشته استوار باشد در آن تعریف نشده است، همچنین در سایه وجود نگاهی صحیح به موزه‌ها می‌توانیم باعث توسعه پایدار شویم. موزه صرفاً محیط و فضایی برای افتخار، تبحر و بازدید نیست بلکه مهمترین رسالت موزه این است که به عنوان پله‌ای به آن نگاه شود که ما را به آینده متصل می‌کند. قدرت موزه بر اساس آموزش مداوم یا تکنولوژی و ... نیست بلکه تحقق آینده مطلوب در گرو درس گرفتن از گذشته است و این صرفاً به وسیله موزه‌ها ایجاد می‌شود. امروز مفهوم و معنای موزه تغییر کرده و از این روست که شاهد شکل‌گیری موزه‌هایی تحت تأثیر احساسات و حتی تحت عنوان میراث ناملموس در جهان هستیم.

چرا در کتب درسی آنچنان که باید

و شاید به موزه‌ها پرداخته نمی‌شود؟

یکی از مهمترین شاخصه‌های توسعه یافتگی، موزه‌ها هستند. تا زمانی که موزه‌ها در برنامه درسی حضور ندارند، تنها به عنوان بخشی برای گذراندن اوقات فراغت تعریف می‌شود.

ما به وسیله موزه گذشته را با آینده پیوند می‌زنیم و در این زمینه، سینما کارکردی وسیع دارد. موزه‌ها به یاد ما می‌آورند که چگونه به نقطه فعلی رسیده‌ایم. یکی از ویژگی‌های موزه‌ها این است که دست به قضاوت نمی‌زند و تنها اطلاعاتی را در اختیار مخاطب خود قرار می‌دهد تا او خود به استنباط از یک موضوع دست پیدا کند. موزه همچون آینه، منعکس کننده گذشته است و

این دوران حفاظت، ترویج و انتقال مفهوم به نسل آینده را دنبال می‌کردند.

موزه‌ها بعد از تغییرات جنگ جهانی دوم یک رکن جدید هستند و نهادهایی مانند ایکوم شکل می‌گیرند. ایکوم در پاریس شکل گرفت درحالی که موسسان آن آمریکایی بودند چون در پاریس قوانین مربوط به نهادهای مدنی بهتر از آمریکا بود.

موزه‌ها مسئولیت اجتماعی دارند هر شی حاوی اطلاعاتی است که به ما یک پیامی را منتقل می‌کند مثلاً اگر الان با مشکل آب روبه رو هستیم اشیای موزه‌ای به شما می‌گویند که دلیلش چیست. بنابراین کارکرد موزه‌ها و اشیای آن تغییر کرده است.

آیا این گزاره درست است که می‌گویند

موزه‌ها اساساً نگاه به آینده مبتنی

بر گذشته دارند؟

بله، باید نگاه موزه‌ای در کشور ما وجود داشته باشد چون نگاه موزه‌ای مهم‌تر از خود موزه است اگر این نگاه در مسئولان و مردم شکل بگیرد، کسی آب خوردن را تلف نمی‌کند، بچه‌ها کتابشان را دور نمی‌اندازند بلکه به دانش آموز دیگر می‌دهند. در خیلی از کارها اسراف نمی‌شود بلکه نگاه مسئولیت‌دار خواهیم داشت، اما الان اگر موزه‌ای هست به عنوان تفتن به آن نگاه می‌شود درحالی که موزه در آموزش و پرورش ما جایی ندارد.

معلولان ما دسترسی به موزه‌ها ندارند و موزه‌ها برای آنها مناسب سازی نشده‌اند معلولان تنها ویلچر نشینان نیستند باید موزه بتواند میزبان سالمندان و ناشنوایان یا حتی کودکان هم باشد.

نمایشگاهی را از اشیای تاریخی به نام هفت هزار سال تمدن در اتریش برگزار کردیم. یک نوع اشتیاق درباره ایران بود از آن زمان نمایشگاه‌های مختلفی در ایران و بیرون از کشور برگزار شد. یک تغییر دیدگاهی درباره ایران به وجود آمد چون مفهوم موزه گسترش پیدا کرده بود. دیگر نمی‌توان گفت که در موزه می‌خواهیم گذشته را نگه داریم.

دنیای امروز برای یک تابلو یک هوش مصنوعی می‌گذارد و ما را وارد آن تابلو می‌کند گفت وگویی فرهنگی می‌تواند ملتها را نزدیک کند. برای ما حفظ فرهنگ ملی و قومیتی مهم است اما همبستگی نیز بسیار

موزه‌ها می‌توانند به عنوان پلی بین گذشته و آینده عمل کنند. با نمایش آثار گذشته، موزه‌ها به افراد یادآوری می‌کنند که چه مسیری طی شده است تا به حال حاضر برسیم. این شناخت از گذشته به مردم کمک می‌کند تا آینده‌ای بهتر و آگاهانه‌تر بسازند.

همچنین، موزه‌ها با توجه به جنبه‌های هنری و فرهنگی، خلاقیت و نوآوری را تشویق می‌کنند. به‌ویژه در عصر حاضر که هنر دیجیتال و تکنولوژی‌های نوین در حال گسترش است، موزه‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از ابزارهای جدید، به حفظ و نمایش آثار هنری و فرهنگی در قالب‌های مدرن‌تر بپردازند و به نسل‌های جوان‌تر امکان دهند تا با این آثار از طریق روش‌های نوآورانه ارتباط برقرار کنند.

به همین بهانه به سراغ احمد محیط طباطبایی، رییس ایکوم ایران (کمیته ملی موزه‌ها) آمده ایم تا در خصوص اهمیت موزه‌ها بیشتر جویا شویم.

به عنوان سوال ابتدایی در خصوص

اهمیت موزه‌ها در جامعه جهانی بفرمایید؟

موزه تغییرزبانی در تعریف و جایگاه پیدا کرده است موزه‌ها با تغییرات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی تعریف می‌شوند و مسئولیت آنها نسبت به منطقه و جهان هم تغییر می‌کند.

اگر به دوران رنسانس نگاه کنیم می‌بینیم که موزه محلی برای جمع‌آوری کلکسیون‌های هنری و آثار هنری بوده است ولی بعدها در دوران انقلاب کبیر موزه لوور به وجود می‌آید که مکانی برای نگهداری اشیای بوده، در ایران هم موزه برای جمع‌آوری هدایا و آثار با ارزش پادشاهان بوده که البته بیشتر این آثار هدایا و آثار فرنگ بوده‌اند. در ایران انقلاب مشروطیت مفاهیم جدیدی برای ما تعریف کرد. در دوران اول طلابی مشروطیت شاهد بودیم موزه به یک رکن در کنار آموزش تبدیل شد. در مدرسه دارالفنون اتاقی برای آشنایی دانش‌آموزان با وسایل قدیمی ایجاد شد بعدها موزه ملی با باغ ملی بوجود آمد.

مسئله هویت ملی نسبت به دوره قاجار بیشتر مطرح شد و هدف اول جامعه محلی بود نه خارجی‌ها. در این دوران بود که موزه هنرهای ملی هم شکل گرفت. موزه‌ها در

پژوهشگاه میراث فرهنگی و دیگر مجموعه‌هایی که می‌توانند به عنوان شرکای کاری ما باشند، نیز در دستور کار قرار داشته است. همچنین، تعامل با گروه‌ها و نهادهایی که پیش‌تر ارتباط کمتری با آن‌ها داشتیم، نظیر مجموعه‌موزه‌های بنیاد مستضعفان و سازمان مزایده، گسترش یافته است. یکی از فعالیت‌های ما که بیش از یک دهه است دنبال می‌شود، برگزاری آیین «موزه برتر» است. بارها توضیح داده‌ایم و دوباره تأکید می‌کنیم که منظور از «برتر»، برتری یک موزه بر دیگری نیست، همه کسانی که در حوزه موزه فعالیت می‌کنند، شایسته احترام و تقدیرند؛ زیرا در شرایطی که جامعه‌ای ناپایدار داریم، هر فرد یا نهادی که به پایداری کمک کند، گویا خلاف جهت جریان آب شنا می‌کند و شایسته حمایت و توجه است.

همانند سال‌های گذشته، تلاش کردیم با برگزاری این آیین و ارائه نمونه‌هایی از نمایشگاه‌ها و رفتارهای مبتنی بر تجربه سالیان اخیر، جریانی در میان موزه‌های کشور ایجاد کنیم. برای نمونه، در ۱۰ سال گذشته، تلاش کردیم شاخص‌های هشت‌گانه‌ای که ایکوم جهانی برای فعالیت موزه‌ها مطرح کرده، با توجه به مسائل خاص ایران، به شاخص‌های جزئی‌تر تقسیم کنیم. به عنوان مثال، به موضوع کودکان که در دو دهه گذشته در موزه‌های ما مغفول مانده بود، توجه ویژه کردیم.

امروزه، شاهد ظهور موزه‌های تخصصی کودک و همچنین ایجاد بخش کودک در موزه‌های بزرگ کشور هستیم، از جمله در مجموعه‌هایی چون نیاوران، گلستان، سعدآباد و موزه ملی. همچنین، موزه‌هایی مانند موزه‌های عروسک ملل، موزه خیمه‌شب‌بازی و موزه‌هایی با رویکرد کودک‌محور، شکل گرفته‌اند. نهادهای فعال در حوزه کودک، نگاه خود را نسبت به موزه به عنوان فضایی آموزشی و نه صرفاً مکانی برای گذران اوقات فراغت، تغییر داده‌اند. نهادهایی چون کانون توسعه فرهنگی، کانون پرورش فکری کودکان، کتابکده افسانه و قصه و... در این حوزه فعالیت مؤثری دارند. روز دوم خرداد، در کاخ موزه نیاوران از ساعت ۲ بعدازظهر، نشست با حضور فعالان حوزه کودک در موزه‌ها خواهیم داشت. هدف این نشست، ارزیابی عملکرد سال گذشته و برنامه‌ریزی برای سال جاری است. بخشی از این برنامه به صورت کارگاه زنده برای شرکت‌کنندگان اجرا خواهد شد. در محوریت جوانان نیز که از شاخص‌های مهم امسال است، تمرکز ما بر روی گروه سنی جوانان خواهد بود؛ چرا که سال‌های گذشته بیشتر تمرکز بر نوجوانان بود.



فرآیندی است که موضوعات را در اختیار مخاطب می‌گذارد.

مهمترین مساله فعلی در یونسکو تغییرات اقلیمی است و سینما در ۲۰ سال گذشته در این زمینه گام‌های مهمی برداشته است. سینما می‌تواند آموزش‌های لازم در این زمینه را به صورتی مؤثر در اختیار مخاطبان خود قرار دهد.

چه برنامه‌هایی قرار است طی روزها و

ماه‌های آینده برای پاسداشت

روز جهانی موزه‌ها برگزار شود؟

روز جهانی موزه، طبق سنت دیرینه، هر سال در هجدهم ماه می و به ابتکار شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) برگزار می‌شود. در سال‌های اخیر، شاهد آن بوده‌ایم که برای این روز، محوری مشخص، تعیین می‌شود که در طول سال، فعالیت‌های جهانی در چارچوب آن صورت می‌پذیرد. محور فعالیت‌های سال جاری، که از ژانویه (دی‌ماه) آغاز شده و تا ژانویه سال آینده (دی‌ماه ۱۴۰۵/ژانویه ۲۰۲۶) ادامه خواهد داشت، بر مبنای نقش و جایگاه موزه‌ها در جهان و در جوامعی است که با سرعت در حال تغییرند. این محور در سه شاخه اصلی مخاطب جوانان، مخاطب در حوزه فناوری و علوم و مخاطب مرتبط با میراث، به‌ویژه میراث ناملموس دسته‌بندی شده است. این‌ها به عنوان زیرشاخه‌های عنوان اصلی به موزه‌ها پیشنهاد شده‌اند.

البته در نگاه کلی، یونسکو و سازمان ایکوم در قرن بیست و یکم بر چند محور اساسی تمرکز دارند که همواره در صدر توجهات قرار گرفته‌اند، از جمله تغییرات اقلیمی، گرمایش زمین، جنگ، صلح و هم‌زیستی میان کشورها. این موضوعات، مسائل بنیادینی هستند که دنیا را تحت تأثیر قرار داده و همچنان به عنوان محورها و دغدغه‌های اصلی، مطرح‌اند.

سازمان ما، به عنوان یک NGO که نقش حاکمیتی ندارد و بیشتر به رصد وضعیت موزه‌ها و ارائه پیشنهاد می‌پردازد، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را در یک سال گذشته دنبال کرده است.

بانک اطلاعاتی ما شامل حدود ۸۰۰ موزه است. در این مدت، کوشیده‌ایم روابط مؤثری را با نهادهای برقرار کنیم و شاید بتوان گفت که در مقایسه با سال‌های گذشته، بیشترین حضور را در فضای مجازی و در قالب رویدادهای حقیقی و مجازی داشته‌ایم.

از جمله این برنامه‌ها می‌توان به دوشنبه‌های ایکوم و نشست‌هایی که در خانه اندیشمندان علوم انسانی و سایر فضاهای فرهنگی برگزار شد، اشاره کرد. همکاری با نهادهای علمی، نظیر

ششم خرداد، در موزه سینما، چهارمین دوره برنامه «چشم هفتم» برگزار می‌شود. این برنامه فرصتی برای نمایش فیلم‌ها و ویدیوهای است که درباره میراث فرهنگی و موزه‌ها تولید شده‌اند. این فیلمواره جنبه رقابتی ندارد و صرفاً جهت تقدیر از تلاش افراد برگزار می‌شود.

هشتم خرداد، در اردبیل، بزرگداشتی برای دکتر حاجی‌زاده با همکاری موزه‌ها و دانشگاه محقق اردبیلی برگزار خواهد شد. دهم خرداد، شنبه، نشست با عنوان «کتابخانه و موزه؛ موزه به‌عنوان مکانی برای اندیشه» در خانه اندیشمندان برگزار می‌شود. این برنامه با مشارکت نهادهایی چون کانون توسعه و دیگر مراکز مرتبط با کتابخانه‌ها برگزار خواهد شد. در موزه پوشاک سلطنتی سعدآباد، نمایشگاهی از سوزن‌دوزی و آینه‌کاری زنان بلوچ برگزار خواهد شد که در هفته میراث فرهنگی، از ۲۸ اردیبهشت آغاز خواهد شد. در روز شنبه، ۲۰ اردیبهشت، انجمن ترویج علم، برنامه‌ای با محوریت «ترویج علم و موزه‌ها» در تالار روح‌الامینی موزه نگارستان برگزار خواهد کرد. همچنین، در همین پنج‌شنبه پیش‌رو، نشست انجمن‌های حقوق کودک در باغ موزه نگارستان برگزار خواهد شد.

برنامه دیگری نیز در صبح روز ۲۸ اردیبهشت، توسط اداره کل میراث فرهنگی در موزه ملی برگزار خواهد شد. ما نیز همان روز، از ساعت ۵ عصر، برنامه خود را در خانه هنرمندان اجرا خواهیم کرد.

کرده‌اند، در روز ۲۷ اردیبهشت (یک روز پیش از روز جهانی موزه)، در خانه اندیشمندان نشستی برگزار خواهند کرد. یکی از مجموعه‌های قابل توجه، «مکتب‌خانه یحیی» به سرپرستی آقای مازیار حیدری است که شامل سازهای موسیقی ایرانی و خارجی است. این مجموعه از ۱۸ تا ۲۸ اردیبهشت، در فرهنگسرای نیاوران به نمایش در خواهد آمد.

روز دوشنبه، ۲۹ اردیبهشت، نمایشگاهی در موزه خودروهای کلاسیک بنیاد مستضعفان برگزار خواهد شد که مجموعه فعالیت‌های آن‌ها را به نمایش می‌گذارد. همچنین، در موزه موسیقی، خانم الهی از اعضای ایکوم، از یک سیدی موسیقی که تولید کرده‌اند، رونمایی خواهند کرد. سه‌شنبه، ۳۰ اردیبهشت، در خانه اندیشمندان، روز گردشگری و موزه را با همکاری نهاد گردشگری و کمیته ایکوم برگزار خواهیم کرد. چهارشنبه، ۳۱ اردیبهشت، محور بحث «معماری و موزه» خواهد بود. افرادی از اداره فنی موزه‌ها و نیز معمارانی نظیر مهندس پاکدامن در این نشست شرکت خواهند کرد. پنج‌شنبه، یکم خرداد، برنامه‌ای با عنوان «سفر در میراث فرهنگی کاریز» با همکاری پژوهشگاه میراث فرهنگی در موزه ملی ایران اجرا می‌شود. در این نشست، از کسانی که در حوزه میراث فرهنگی، خاطره‌نویسی کرده، کتاب منتشر کرده یا عکس تهیه کرده‌اند، دعوت به عمل آمده است. همچنین روز

همچنین، باید به سوم خرداد اشاره کنم که برای دهمین سال پیاپی، به‌عنوان روز «معلول و موزه» تعیین شده است. ما موضوع معلولیت را به‌عنوان شاخصی مستقل از شاخص‌های ایکوم در نظر گرفتیم. در سازمان میراث فرهنگی، واحدی برای گردشگری معلولان ایجاد شده و اقدامات مناسبی در زمینه مناسب‌سازی صورت گرفته است. روز سوم خرداد، در موزه فرش، نشست با عنوان «معلولین و موزه‌ها» خواهیم داشت. موزه‌هایی که در این زمینه فعالیت‌هایی درخشان داشته‌اند، تجربیات خود را ارائه خواهند کرد. از جمله اقدامات موفق می‌توان به راه‌اندازی بخش نابینایان در موزه ملی و نمایشگاه «گذر از تاریکی» توسط موزه مجازی هنر کودک در خانه هنر اشاره کرد.

بیست‌وهشتم اردیبهشت، روز جهانی موزه است و مراسم رسمی سالانه در این روز، از ساعت ۵ تا ۸ عصر در خانه هنرمندان برگزار خواهد شد. در کنار این مراسم، نمایشگاهی محیطی از رویدادهای سال گذشته برگزار می‌شود تا بازدیدکنندگان با فعالیت‌های یک‌ساله کمیته ایکوم آشنا شوند. هم‌زمان، نمایشگاه مشترکی میان ما پژوهشگاه میراث فرهنگی در حوزه هنرهای ملی، با عنوان «موزه زنده هنرهای ملی ایران»، در گالری میرمیران خانه هنرمندان برپا خواهد شد.

مجموعه‌داران که یکی از پشتوانه‌های مهم موزه‌داری خصوصی هستند نیز در برنامه‌ها مشارکت دارند، کسانی که مجموعه‌های خود را در اداره کل موزه‌ها ثبت



حفاظت از میراث فرهنگی نیازمند مشارکت ملی و نگاه راهبردی

است که آن را «میراث زنده» می‌نامند؛ الگویی که در آن، جوامع محلی، خلاقیت فرهنگی، زیست‌بوم معنایی و گردشگری فرهنگی به‌عنوان اجزای هم‌بسته در فرآیند توسعه پایدار فرهنگی بازتعریف می‌شوند.

اما این ظرفیت عظیم و بی‌نظیر در صورتی می‌تواند به نحو احسن شکوفا شود که جایگاه نهادی آن ارتقا یافته و مدیریت آن با رویکردی راهبردی، فراگیر و مبتنی بر هم‌افزایی موثر به پیش رود.

مشارکت همه‌جانبه نهادهای حاکمیتی، دانشگاهیان، پژوهشگران، فعالان بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد و مهم‌تر از همه، مردم عزیز ایران، لازمه صیانت و تداوم این میراث سترگ است.

امروز در بسیاری از کشورهای پیشرو، میراث فرهنگی نه تنها به عنوان ابزاری برای هویت‌سازی، بلکه به عنوان موتور محرکه اقتصاد فرهنگی و صنایع خلاق شناخته می‌شود؛ الگویی که می‌تواند به ما در بهره‌گیری هوشمندانه از میراث فرهنگی در مسیر توسعه اقتصادی پایدار، ایجاد اشتغال، رشد گردشگری مسئولانه و تقویت حس تعلق اجتماعی یاری رساند.

در این مسیر، معرفی خلاقانه میراث فرهنگی به زبان هنر، فناوری‌های نوین و روایت‌های نوآورانه، هم وظیفه فرهنگی و هم استراتژی ملی ماست؛ راهی که می‌تواند جایگاه ایران را در عرصه بین‌المللی مستحکم‌تر سازد و پیام‌های فرهنگی ما را با قدرت به جهانیان برساند. ضمن گرامیداشت هفته میراث فرهنگی، بر خود فرض می‌دانم از تلاش‌های ارزشمند تمامی همکاران حوزه میراث فرهنگی، کارشناسان متعهد، فعالان بخش خصوصی، انجمن‌ها و دوستداران فرهنگ ایران‌زمین در جای‌جای کشور صمیمانه تقدیر کنم. امیدوارم با تکیه بر دانش، تجربه و وفاق ملی، بتوانیم رسالتی که امروز بر دوش داریم را به شایستگی و با نگاهی آینده‌نگرانه ایفا کنیم.

هفته میراث فرهنگی فراتر از یک مناسبت نمادین، فرصتی است ارزشمند برای بازخوانی جایگاه سترگ تمدن ایران، تأملی عمیق بر مسئولیت‌های خطیر حوزه صیانت از این گنجینه بی‌بدیل و بازتعریف راهبردهای مؤثر در حفاظت، معرفی و بهره‌برداری پایدار از میراث فرهنگی به عنوان سرمایه‌ای مشترک برای امروز و فردا.

میراث فرهنگی ایران، مجموعه‌ای گسترده، چندلایه و زنده از آثار تاریخی، هنرهای سنتی، زبان‌ها، آیین‌ها و باورهای ریشه‌دار است که در طی قرون متمادی شکل گرفته و در پیوندی ناگسستنی با اقلیم، اقتصاد، سبک زندگی و هویت اجتماعی مردمان این سرزمین معنا یافته است.

این سرمایه سترگ، نه تنها شناسنامه هویتی ملت ایران، بلکه از منظر جهانی بخشی تأثیرگذار از میراث مشترک بشری به شمار می‌آید؛ پدیده‌ای که امروز در مواجهه با گردشگران و کارشناسان جهانی، همواره تکرار شگفتی مداوم آنان را برمی‌انگیزد؛ شگفتی‌ای که ناشی از پیوستار فرهنگی پیچیده، منطق کالبدی منسجم و یکپارچگی بی‌نظیر «زیست جهان ایرانی» است. این واکنش، نه تصادفی و صرفاً عاطفی، بلکه نتیجه مواجهه با نظامی از معناست که همچنان توان تبیین خود و جهان را دارد.

در جهان امروز، با چالش‌های نوینی چون تهدیدات طبیعی، مخاطرات انسانی، گسترش شهرنشینی و تغییرات اقلیمی، حفاظت از میراث فرهنگی دیگر صرفاً به مداخلات فیزیکی محدود نمی‌شود؛ بلکه مستلزم بازنگری بنیادین در رویکردها، ارتقای دانش تخصصی، بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین، قوانین روزآمد و گسترش همکاری‌های بین‌المللی است. مدیریت هوشمند میراث فرهنگی نیز مستلزم گذار از رویکرد محافظه‌کارانه و محدود موزه‌ای به رویکرد فعال و نوینی



فرهاد عزیزی زلانی

سرپرست اداره کل روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

در گفت‌وگو با مدیرکل پایگاه‌های وزارت میراث فرهنگی مطرح شد؛

پایگاه‌های میراث فرهنگی؛ نگهبانان هویت و گنجینه‌های تاریخ

زمان خواهد داشت، اسم پایگاه بر روی اینها گذاشته شد. همانطور که می‌دانید پایگاه به معنای پایش در گذر زمان به مفهوم این بود که پایش مستمری برای پایداری این اثر شکل بگیرد که به همین منوال پایگاههای میراث فرهنگی تبدیل به یکی از ارکان مدیریتی حفاظت میراث فرهنگی در ایران شدند. پایگاههای میراث فرهنگی با موضوع میراث جهانی نیز هم‌پوشانی پیدا کرد، به این معنا که یکی از مهمترین وظایف پایگاههای این میراث فرهنگی تبدیل به موضوع تهیه پرونده‌های ثبت جهانی شد به دلیل اینکه ارتباط این پرونده‌ها قرار بود با نهادهای بین‌المللی حفاظت مانند ایکروم، ایکمو، ایکوم و یونسکو برقرار شود، به همین دلیل شرایط اینها به شکلی پیش رفت که یکی از وظایف مهم اینها تبدیل بشود به تهیه پرونده‌های ثبت جهانی، تهیه پلان مدیریت میراث جهانی و تهیه گزارش‌های ادواری که بعد از ثبت قرار است انجام شود.

چه اقدام‌هایی برای جلب مشارکت جوامع محلی در حفاظت و مدیریت پایگاه‌های میراث فرهنگی انجام شده و چگونه این مشارکت می‌تواند به پایداری فرهنگی و اقتصادی کمک کند؟

باید تأکید کرد که این وظیفه اصلی پایگاهها نیست، بلکه آنها فارغ از میراث جهانی که یکی از فعالیت آنهاست، موضوع حفاظت پایدار و توجه به جوامع محلی و توانمندسازی آنها، آگاهی بخشی و افزایش میراث فرهنگی در جامعه محلی و ارتباط آن سایت به لحاظ علمی با نهادهای تخصصی جهانی و ارتقای مدیریت میراث فرهنگی در سایت‌ها را مورد توجه قرار داد. از این بابت می‌شود گفت که در واقع موضوع پایگاههای میراث فرهنگی، در جهت ایجاد مراکزی برای آموزش و پژوهش مستمر و حفاظت و پایش مرتبط با میراث فرهنگی مثلاً در تخت جمشید، در تخت سلیمان و... تعریف گردید. اینکه الان چه وضعیتی دارند؟ می‌توان راجع به آن بحث کرد. موضوع انتظاری که از پایگاههای میراث فرهنگی می‌رود در چه شرایطی است؟ شاید مشکلاتی در دوره‌های مدیریت کلان کشور برقرار شد که یکی از آن را می‌توان واگذاری اختیارات پایگاههای میراث فرهنگی به استانها نام برد که این به خودی

این اشیاء نمایندگی می‌کنند، برای آیندگان حفظ می‌کنند. موفقیت این پایگاه‌ها نیازمند همکاری گسترده‌ای میان دولت، متخصصان، جوامع محلی، بخش خصوصی و عموم مردم است تا این گنجینه‌های بی‌بدیل بتوانند قرن‌های دیگر نیز بر جای بمانند و الهام‌بخش باشند. برای بررسی بیشتر این موضوع به سراغ مصطفی پورعلی، مدیرکل پایگاه‌های میراث جهانی و ملی وزارت میراث فرهنگی آمده‌ایم تا در این خصوص بیشتر جویا شویم.

آقای دکتر به عنوان نخستین سؤال؛ پایگاه‌های میراث فرهنگی چگونه می‌توانند به عنوان مراکز آموزش و آگاهی بخشی، جوامع محلی را برای مواجهه با تغییرات اجتماعی و اقتصادی توانمند کنند؟

پایگاههای میراث فرهنگی در کشور ما یک سابقه بیش از دو دهه دارند و در اواخر دولت سازندگی در قالب برنامه توسعه کشور موضوع اولویت‌بندی و توجه به یک سری از سایت‌های شاخص تاریخی و فرهنگی مورد توجه بدنه برنامه سازمان میراث فرهنگی وقت کشور و سازمان برنامه و بودجه قرار گرفت. به همین دلیل از اواخر دوره مرحوم آقای کارزونی که ریاست وقت سازمان میراث فرهنگی را برعهده داشت، موضوع پروژه‌های بزرگ مطرح شد و در دوره آقای مهندس بهشتی خیلی جدی‌تر مطرح شد و یک سری پروژه‌های بزرگ با نام حفاظت و مرمت در کشور تعریف شد و مدیران این پروژه‌ها موضوع مرمت و حراست را به‌طور ویژه و مستقیم از سوی ستاد، ساماندهی می‌کردند. در برنامه چهارم توسعه و در دوره اصلاحات موضوع این پروژه‌های بزرگ به سمت پایگاههای میراث فرهنگی حرکت کرد که این به اصطلاح پایگاههای میراث فرهنگی در واقع از آن‌جا نشأت گرفت و تعریف شد.

هدف این پایگاهها در واقع همان هدف پروژه‌های بزرگ بود در واقع با این تعریف اسم آنها پایگاه شد، چون پروژه در تعریف نظام برنامه یک مقدمه و متاخره و زمان‌بندی داشته و اعتبار مشخصی می‌خواهد و همانطور که می‌دانیم موضوع مرمت یک امر آیینی و مستمر است که اساساً نمی‌شود آن را یک پروژه دید، چرا که پروژه‌های بی‌نهایتی را با هدف مرمت و مراقبت این آثار در طول



مصطفی پورعلی

مدیرکل پایگاه‌های میراث جهانی و ملی وزارت میراث فرهنگی

پایگاه‌های میراث فرهنگی، به عنوان یکی از مهمترین ساختارها در حوزه حفاظت و مدیریت گنجینه‌های ارزشمند تاریخی، فرهنگی و گاه طبیعی یک کشور، نقش حیاتی ایفا می‌کنند. این پایگاه‌ها صرفاً مجموعه‌ای از بناها یا محوطه‌های باستانی نیستند، بلکه ساز و کارهایی تخصصی و مدیریتی هستند که با هدف حفاظت، پژوهش، معرفی و بهره‌برداری پایدار از این موارث ارزشمند شکل گرفته‌اند. در مفهوم کلی، پایگاه میراث فرهنگی به یک محدوده جغرافیایی مشخص (که می‌تواند شامل یک بنا، مجموعه بناها، محوطه باستانی، چشم‌انداز فرهنگی یا ترکیبی از این‌ها باشد) اطلاق می‌شود که دارای ارزش‌های استثنایی تاریخی، فرهنگی، هنری، معماری، باستان‌شناختی یا حتی طبیعی مرتبط با فرهنگ انسانی است. اما آنچه این مکان را از یک اثر تاریخی صرف متمایز می‌کند، وجود یک ساختار مدیریتی و پژوهشی فعال است. پایگاه میراث فرهنگی، در واقع، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و پرسنل متخصص (باستان‌شناس، معمار مرمت‌گر، کارشناس حفاظت، مردم‌شناس، کارشناس معرفی و...) است که به‌صورت متمرکز بر روی یک اثر یا مجموعه آثار کار می‌کنند. هدف اصلی این تیم، تضمین بقا و انتقال این میراث به نسل‌های آینده است.

در واقع می‌توان گفت این پایگاه‌ها ستون فقرات حفاظت از هویت فرهنگی و تاریخ یک ملت هستند. آن‌ها نه تنها از بناها و اشیاء فیزیکی محافظت می‌کنند، بلکه دانش، داستان‌ها، و ارزش‌هایی را که





است و ما باید به‌طوری جدی به آن بپردازیم. چرا که گردشگری در حوزه‌های مختلف از جمله امنیت ملی ورود کرده و از حساسیت بالایی برخوردار است. به همین دلیل مدیریت میراث فرهنگی در همه دنیا به‌طور جدی به موضوع گردشگری می‌پردازد. رویکرد پایگاه‌های میراث فرهنگی در ایران هم از همین منظر در یک دهه اخیر توجه ویژه‌ای به موضوع گردشگری داشته است.

درخصوص جوامع در حال تغییر و موضوع آینده میراث فرهنگی باید تأکید کنم که این موضوع ابعاد گسترده‌ای دارد و بخشی از آن طبیعتاً از ابعاد امنیتی برخوردار است، چرا که بخش مهمی از امنیت ملی و امنیت جوامع باورمندی افراد آن جامعه است که رشته‌های هم‌پیوندی را میان خود برقرار کنند. در ایران که از اقوام و قومیت‌های مختلف شکل گرفته است بتواند موضوعی پیدا شود که همه این اقوام را زیر یک پرچم گرد هم بیاورد، بی‌شک این مهم بر عهده میراث فرهنگی است که در طول تاریخ اتفاق افتاده و در طول تاریخ موفق به ایجاد هم‌پیوندی میان اقوام و گروه‌های مختلف در کشور شده است. شما وقتی که از مجموعه میراث جهانی پارسه یا همان تخت جمشید صحبت می‌کنید فارغ از تفاوت‌های قومی و جنسی و دینی همه ایرانیان زیر یک پرچم در جهت حفاظت آن گرد هم می‌آیند. میراث فرهنگی حتی به موضوع کالبدی ختم نمی‌شود و موضوع زبان که یک میراث ناملموس تلقی می‌شود، ابعاد ناپیوندی را از حوزه جغرافیایی ما هم گسترده‌تر کرده و در حوزه فرمانطقه‌ای پیش می‌برد؛ بنابراین این امر نقش مهمی در تثبیت شرایط پرتلاطم پی در پی جامعه دارد. این موضوعات درباره میراث‌هایی مانند شاهنامه و دیگر عناصر تاریخی و فرهنگی ما مثال‌زدنی است که به واسطه زبان مشترک میان ما و کشورهای دوست و همسایه مانند تاجیکستان و افغانستان حلقه وصل ایجاد کرده و در نهایت امنیت ملی و منطقه‌ای را در پی خواهد داشت. توجه به میراث فرهنگی در ابعاد مهم هویتی می‌تواند به افزایش حس تعلق افراد به جامعه کمک کرده و نتایج بسیار مهمی را برای آینده کشور به ارمغان بیاورد. چرا که این احساس تعلق منجر به پویایی اقتصاد و پیشرفت اجتماعی و فرهنگی و حتی بهداشتی آن منطقه شده و مشارکت آنها در ارتقای مدیریت مورد توجه قرار خواهد گرفت.

شرایط میراث فرهنگی در ایران طی چند دهه گذشته به لحاظ سابقه آماری ارتقا پیدا کرده که نیاز است از سوی مسؤولین مورد توجه قرار بگیرند و نسبت به تخریب آثار تاریخی حساسیت بیشتری از خود نشان دهند.

با توجه به چالش‌های مدرن مانند شهرنشینی و توسعه زیرساخت‌ها، چگونه پایگاه‌های میراث فرهنگی می‌توانند بین حفاظت از آثار تاریخی و نیازهای توسعه‌ای تعادل ایجاد کنند؟

برخی از این سایت‌های تاریخی به دلیل شرایط متفاوت زندگی معاصر از بدنه ساکنین طبقه بالاتر فاصله گرفته و در درون این محدوده‌های تاریخی بدنه با تحصیلات بالا خالی شده و با توجه به مهاجرت‌هایی که از این بافت‌های تاریخی به بافت‌های معاصر اتفاق می‌افتد و بخش مهم طبقه تحصیل کرده و متخصص از این محدوده‌های تاریخی کوچ کردند در تمام دنیا اتفاق افتاده و در ایران نیز آسیب جدی به پویایی و پایداری این محدوده‌ها زده است. بنابراین از این بابت پایگاه‌ها با موضوع چالشی روبه‌رو هستند و مجبور هستند با آن بدنه جامعه محلی در تعامل و گفت‌وگو بیشتری بنشینند تا بتوانند با افزایش میراثی این جامعه محلی که مالکان اصلی این محدوده‌ها هستند، به تقویت حفاظت میراث فرهنگی برسند.

چگونه می‌توان از ظرفیت پایگاه‌های میراث فرهنگی برای ترویج ارزش‌های زیست‌محیطی و آموزش پایداری به بازدیدکنندگان استفاده کرد؟

موضوع گردشگری در محدوده‌های تاریخی و سایر پایگاه‌های میراث فرهنگی در این راستا یک موضوع بسیار حیاتی است و در کنار ابعاد فنی حفاظت موضوع مدیریت هم از جنبه مدیریت بحران، مدیریت جامعه محلی و مدیریت گردشگری در پایگاه‌های میراث فرهنگی یکی از وظایف اصلی این پایگاه‌ها تلقی می‌شود.

از دهه ۷۰ میلادی موضوع گردشگری در دنیا خیلی جدی‌تر در بخش جهانی مورد توجه قرار گرفت و بخش مهم اشتغال‌زایی کشورها متأثر از همین موضوع گردشگری شده است. بنابراین مدیریت میراث فرهنگی در همه کشورها به‌طور ویژه به موضوع گردشگری می‌پردازد که یکی از وظایف آنها این است که چگونه مدیریت مقصد در پایگاه‌های میراث فرهنگی بتواند به گونه‌ای رقم بزنند که هم پایداری اثر حفظ شود و هم رضایتمندی جامعه بازدیدکننده فراهم و در ادامه اصالت‌های اثر مورد پاسداری قرار گیرد. در دهه ۷۰ میلادی یک منشور گردشگری میراث فرهنگی از سوی «ایکوموس» که یک شورای بین‌المللی در حوزه حفاظت و پایداری میراث فرهنگی و یکی از ارکان وابسته به یونسکو است که نقش مهمی در تبیین سیاست‌های میراث فرهنگی در جهان دارد منتشر شده است، این شورا منشور می‌گوید که گردشگری یک واقعیت غیرقابل بازگشت

خود استقلال پایگاه‌های مدیریتی را به‌طور کامل دچار خلل کرد. از سویی هم مشکلاتی از سوی عملیات مستقل برای این پایگاه‌ها به وجود آمد و به این واسطه آنها در چارت‌های مصوب اداری تعریف نشده و این مسائل باعث شد تا یک دوگانگی در مواجهه با راهبردهای مدیریت پایگاه‌های میراث فرهنگی در کشور مواجهه شود. البته در دولت جدید چند نکته اساسی اتفاق افتاد و تعریف ساختار اداری پایگاه‌ها در اداره استخدای کشور به رسمیت شناخته شد و در حال حاضر نزدیک به هزار پست استخدای برای آنها تعریف شده است که نویدبخش چشم‌انداز روشنی برای آینده بهتر پایگاه‌ها است. نیاز است یادآوری کنم که به همت وزیر محترم و معاون میراث فرهنگی کشور و عزیزان ما در معاونت توسعه مدیریتی این اتفاق به خوبی رقم خورده است. چرا که در طی چند دهه گذشته شرایط وضعیت دریافت حقوق کارمندان و نیز استخدام آنها در شرایط بدی به سر برده است. این در حالی است که طی این سال‌ها اتفاقات پژوهشی خیلی خوبی برای آنها رقم خورده است. بنابراین مشکلات این حوزه در دولت جدید تا حدود زیادی رفع شده است و حداقل‌های ساختار حقوق برای کارکنان رقم خورده است. هر چند نیاز تا ارتقا بهتر و بیشتری پیدا کند. نکته دوم هم در واقع پست‌های استخدای است که این روزها در شرایط بهتری به‌سر می‌برند. درخصوص نسبت پایگاه‌های میراث فرهنگی و جوامع محلی نیاز است تا گریزی به تعریف خود پایگاه میراث فرهنگی بزنیم. همانطور که می‌دانید پایگاه‌های میراث فرهنگی از یک ساختار اداری مقیم در محل اثر برخوردار است به جای اینکه مدیریت یک اثر از راه دور و از سمت مراکز استانها و یا مراکز کشور شکل بگیرد در سیستم پایگاه‌های میراث فرهنگی یک سری متخصص در محل تعریف می‌شوند چرا که بهترین روش برای جلب مشارکت محلی و به کارگیری و ظرفیت‌های بومی برای ارتقا موضوعات حفاظت و پایداری یک اثر این است که شما بتوانید در جامعه محلی و در یک گفت‌وگوی دوسویه قرار بگیرید و به جای اینکه از یک رفتار بالا به پایین ابلاغ ضوابط شود، بهتر است که در یک شرایط برابر گفت‌وگویی قرار بگیرید و اصطلاحاً در یک پژوهش و در یک رفتار زمینه‌ای با آنها به گفت‌وگو بنشینیم. ایده اصلی پایگاه‌های میراث فرهنگی از ابتدا همین بوده است که بتوانند با بدنه جامعه محلی و مالکان اولیه اثر ارتباط مستقیم برقرار کنند. به همین دلیل تلاش بر این است که پایگاه‌های میراث فرهنگی فارغ از آموزش مدیریت و پرسنل اقدام به استقرار یک سری متخصص، در محل‌های مورد نیاز کنند.

بازآفرینی فرهنگ در میراث مجازی

انتقاداتی همراه بوده، اما در عمل، سهم بسزایی در دموکراتیزه کردن تجربه میراث داشته است.

روزنامه‌نگاری میراث؛ از نقد تا تقنین

با وجود گسترش سریع فناوری‌های دیجیتال، مسائل زیرساختی همچون کمیت، کیفیت و ماندگاری داده‌ها همچنان چالش‌برانگیز است. داده‌های پراکنده مربوط به ابنیه، رسوم، صنایع دستی و آثار مکتوب نیازمند سامانه‌ای متمرکزند؛ سامانه‌ای همچون بانک جامع اطلاعات میراث فرهنگی که شامل آژانس تصویر، اطلاعات مکانی، صوت و متادیتاهای دقیق باشد. برخی کشورها همچون ایتالیا، بریتانیا و ژاپن نمونه‌هایی موفق در این زمینه ارائه داده‌اند.

آنچه از «روزنامه‌نگاری میراث دیجیتال» در ایران دیده می‌شود، گاه به امری شخصی و دغدغه‌مند یا صرفاً تقنینی، مانند معرفی جذابیت‌های تاریخی و فرهنگی، تقلیل یافته است. در مواردی حتی به ابزاری برای انتقادهای بی‌پایه یا کسب امتیازهای مقطعی تبدیل شده است.

این در حالی است که میراث مجازی در اصل به معنای تجسم و بازآفرینی فرهنگ است. فرهنگ برای انسان، همان‌قدر ضروری است که آب و غذا، و میراث مجازی می‌تواند این نیاز بنیادین را به شکلی نوین برآورده کند. این در حالی است که روزنامه‌نگاری در این حوزه باید نوعی «ترویج علم» محسوب شود و با استفاده از داده‌ها، روایت‌های فرهنگی و تاریخی را برای مخاطب امروز معنا کند.

میراث مجازی صرفاً یک ابزار فناورانه نیست، بلکه ضرورت فرهنگی عصر ماست و تنها با ارتقای «سواد میراثی» می‌توان از میراث فرهنگی دیجیتال به عنوان پلی میان گذشته و آینده بهره برد.

فشرده، رسانه‌های تعاملی و دیگر اشکال چندرسانه‌ای که از دهه ۱۹۹۰ به بعد رواج یافته‌اند. این رسانه‌ها، فراتر از ابزارهای ارتباطی، شیوه‌ی مواجهه انسان با فرهنگ، تاریخ و حافظه‌ی جمعی را دگرگون کرده‌اند. در همین راستا، «میراث فرهنگی دیجیتال» یا همان دیجیتال‌سازی و بازنمایی محتوای فرهنگی-تاریخی، نه تنها راهی برای حفاظت از آثار فیزیکی فرسوده و آسیب‌پذیر فراهم کرده، بلکه هویت فرهنگی را نیز در قالب‌های نوین بازآفرینی می‌کند. در این زمینه، مفاهیمی چون «میراث مجازی»، «میراث دیجیتال» و حتی «میراث جدید» به کار گرفته می‌شوند که همگی ناظر بر بهره‌گیری از فناوری برای مستندسازی، بازسازی و تفسیر فرهنگ‌اند.

میراث فرهنگی در عصر بازتولید دیجیتال

ضروری است بین «بازسازی» (reconstruction) که عمدتاً ناظر به بازگرداندن فرم اولیه یک اثر است، و «بازآفرینی» (reinterpretation) که به تجربه نوین از میراث برای مخاطب امروز می‌پردازد، تمایز قائل شویم.

میراث مجازی، اگر صرفاً به بازسازی بپردازد و مخاطب را درگیر معنا نکند، به ابزار خشک نمایشی بدل می‌شود و از هدف اصلی خود یعنی «افزایش سواد میراثی» بازمی‌ماند. والتر بنیامین، فیلسوف آلمانی، در مقاله معروف خود «اثر هنری در عصر بازتولید مکانیکی» (۱۹۳۶) بر این نکته تأکید می‌ورزد که حتی کامل‌ترین نسخه بازتولید شده، یک اثر، فاقد «هاله» و «حضور» آن در زمان و مکان اصیل خویش است. این دیدگاه، در مواجهه با میراث فرهنگی دیجیتال اهمیت می‌یابد؛ زیرا اشیاء و آثار فرهنگی، با ورود به فضای دیجیتال، از قید موقعیت مکانی خود رها می‌شوند و برای مخاطبان جهانی قابل دسترسی‌اند. هرچند این ویژگی با



محمد کلهر

مسئول روابط عمومی
معاونت میراث فرهنگی

دهه ۱۹۸۰ را می‌توان نقطه آغازی برای همنشینی فناوری‌های نوین و باستان‌شناسی دانست؛ زمانی که مدل‌سازی سه‌بعدی برای نخستین بار در خدمت بازنمایی دیجیتال حمام‌های رومی قرار گرفت. این تجربه، آغاز مسیری بود که بعدها به شکل‌گیری مفهوم «میراث مجازی» انجامید؛ مفهومی که امروزه به یکی از پایه‌های حفاظت و بازآفرینی میراث فرهنگی بدل شده است.

در سه دهه گذشته، پروژه‌های مرتبط با میراث مجازی پیچیده‌تر و جاه‌طلبانه‌تر شده‌اند. این پروژه‌ها نه تنها فرهنگ‌ها و دوره‌های تاریخی گوناگون را دربر گرفته‌اند، بلکه با استفاده از فناوری‌های نوین، تجربه‌ای ملموس و چندحسی از گذشته را برای انسان معاصر فراهم کرده‌اند.

رسانه‌های جدید و تجربه میراث

مفهوم «رسانه‌های جدید» غالباً به رسانه‌هایی گفته می‌شود که مبتنی بر فناوری محاسباتی هستند؛ همچون اینترنت، بازی‌های دیجیتال، لوح‌های

حکمرانی حکمت‌بنیان در میراث فرهنگی ضرورتی برای تعالی فرهنگ عمومی



حجت‌الاسلام والمسلمین
عبدالحسین خسروپناه
دبیر شورای عالی انقلاب
فرهنگی

بین‌المللی و حفاظت از میراث فرهنگی را کاهش دهد.

در این میان، مالکیت فکری به‌عنوان یکی از مقوله‌های کلیدی حکمرانی فرهنگی باید مورد توجه جدی قرار گیرد. مالکیت فکری، تنها یک اصل حقوقی نیست بلکه فناوری نرم در خدمت اقتصاد فرهنگ است. اگر این مفهوم در شورا نهادینه و اجرا شود، بسیاری از موانع حقوقی و اجرایی تولیدکنندگان برطرف خواهد شد.

پیشنهاد مشخص من تدوین یک «سند حکمت و حکمرانی فرهنگ عمومی» است که سه رکن میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی را به‌عنوان عناصر بنیادین این حکمرانی دربرگیرد. ما در شورای عالی انقلاب فرهنگی در حال طراحی این مدل حکمرانی هستیم؛ مدلی که ریل‌گذاری آن را آغاز کرده‌ایم تا آیندگان با خردورزی و تدبیر، آن را ادامه دهند.

اکنون که در رأس این وزارتخانه مجموعه‌ای دغدغه‌مند، عقلانی و متخصص حضور دارد، انتظار می‌رود فعالان میدانی نیز مشارکت جدی‌تری در تدوین و اجرای این اسناد داشته باشند. چراکه سندی که از دل میدان برخاسته باشد، اثربخش‌تر از هر توصیه کلی و انتزاعی است.

میراث فرهنگی، نه امری تفننی، بلکه تجلی‌گاه هویت و حکمتی است که اگر به آن با رویکرد تمدنی نگریسته شود، می‌تواند یکی از ستون‌های اصلی حکمرانی فرهنگی جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب باشد.

نگاه‌های تقلیل‌گرایانه، رویکرد آنان جامع، حکیمانه و برآمده از درک عمیق نسبت به ظرفیت‌های تمدنی و معیشتی این حوزه‌هاست. ما به‌جای نگاه جزء-نگر به صنایع‌دستی صرفاً از منظر تنوع محصول یا گردشگری فقط از منظر درآمد، نیازمند نگاهی کلان‌نگر به حکمرانی این حوزه‌ها هستیم؛ نگاهی که حکمت، معیشت، صنعت و فرهنگ را درهم‌تنیده ببیند.

یکی از گام‌های اساسی در این مسیر تدوین اسناد ملی برای سه‌گانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی است. تدوین سند ملی صنایع‌دستی با مشارکت بیش از ۱۳۰۰ فعال و اندیشمند این حوزه، نمونه‌ای موفق از رویکرد مشارکتی و حکیمانه در سیاست‌گذاری است. این سند، نه یک متن اداری بلکه یک نقشه راه فرهنگی-اقتصادی است که هم به حفظ و ترویج هویت ملی می‌انديشد و هم به ارتقای جایگاه تولیدکنندگان این عرصه در بازارهای داخلی و جهانی.

ما نیازمند اسنادی هستیم که صرفاً راهبردی نباشند، بلکه راهبری کنند؛ نه در طاقچه‌ها خاک بخورند، بلکه در میدان اجرا چراغ راه باشند. پس از تدوین اسناد، مرحله «تنظیم‌گری» آغاز می‌شود؛ یعنی ایجاد سازوکارهای قانون‌گذاری، ساختارسازی، گفتمان‌سازی، نظارت و ارزیابی. تنظیم‌گری درست می‌تواند موانع صادرات صنایع‌دستی، چالش‌های گردشگری

در اندیشه تمدنی جمهوری اسلامی ایران، میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی نه صرفاً مقولاتی اقتصادی یا تزیینی، بلکه ارکان حکمرانی فرهنگی و نمادهای هویتی، تمدنی و حکمت‌محور محسوب می‌شوند. خوشبختانه امروز وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با مدیریتی حکمت‌بنیان و عقلانی، گام‌های مؤثری در جهت پیوند این سه حوزه با حکمرانی فرهنگی برداشته است.

در جلساتی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی با مدیران این وزارتخانه برگزار شده، مشاهده می‌شود که برخلاف

میراث فرهنگی؛ سرمایه‌ای فراتر از نفت نیازمند بازتعریف در ساختار اقتصادی کشور

پیشنهادات عملی، تدوین سازوکار اجرای متمرکز برای تکمیل ۱۰ موزه منطقه‌ای کشور و تخصیص اعتبار مشخص در لایحه بودجه سال آینده است.

تجربه سال ۱۴۰۱ نشان داد که هرچند کمک‌هایی انجام شد، اما نسبت به وسعت مأموریت‌های وزارتخانه، کافی نبود.

فرآیند بودجه‌نویسی باید به‌گونه‌ای عمل شود که در آن به موضوع میراث فرهنگی نگاه ویژه‌ای شود؛ این نگاه هم احترام به گذشته است هم برنامه‌ریزی برای فردای کشور و فرزندانمان.

ما به‌هیچ‌وجه نباید اجازه دهیم که یأس یا ناامیدی بر فضای تصمیم‌سازی غلبه کند. امروز باید با یک تدبیر قدرتمندانه، مسیر توسعه کشور را از دل فرهنگ عبور دهیم. بودجه باید دغدغه مردم را ببیند. نمی‌شود در تهران کارمندی با ۱۲ یا ۱۵ میلیون تومان زندگی آبرومندانه‌ای داشته باشد و این‌ها حرف‌های بی‌مبنایی نیست. همان‌طور که نباید مردم سیستان و بلوچستان برای زنده ماندن به قاچاق سوخت روی بیاورند؛ باید کارخانه زد، اشتغال آفرید، عزت را به معیشت مردم بازگرداند.

در پایان، تأکید می‌کنم که با همکاری مجلس، دولت، وزارتخانه‌های مرتبط و نهادهای بالادستی می‌توانیم میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را به محور توسعه پایدار، اشتغال‌زا و هویت‌ساز کشور تبدیل کنیم. این مأموریتی ملی است و من به‌عنوان خادم ملت، خود را در قبال آن مسئول می‌دانم.

میراث فرهنگی و گردشگری ظرفیتی به‌مراتب فراتر از نفت برای درآمدزایی پایدار دارند. نفت منبعی محدود و رو به پایان است؛ اما میراث ما هر چه بیشتر شناسانده و مصرف شود، ثروتمندتر و پربارتر می‌شود. این ویژگی یگانه، میراث فرهنگی را به یک مزیت راهبردی در توسعه اقتصادی و فرهنگی کشور تبدیل کرده است.

بیش از ۴۰ هزار اثر ثبت‌شده در کشور وجود دارد که ۱۸۰۰ مورد آن در استان همدان واقع شده است. این آثار، نه‌تنها سرمایه‌های فرهنگی‌اند، بلکه می‌توانند محورهای توسعه شهری، اشتغال‌زایی و هویت‌سازی در سطح ملی و بین‌المللی باشند. نمونه‌ای روشن از این نگاه، سیاست راه‌اندازی موزه‌های منطقه‌ای است؛ جایی برای گردآوری، نمایش و صیانت از آثار تاریخی که می‌توانند به قطب‌های گردشگری علمی و فرهنگی تبدیل شوند. اما در عمل، وزارت میراث فرهنگی مظلوم واقع شده است. به‌عنوان مثال، مخزن امن میراث فرهنگی در همدان که با صرف منابع ملی ساخته شده، پس از یک سال هنوز به‌دلیل کمبود نیروی انسانی غیرفعال است. این نقیصه‌ها، نه حاصل ضعف وزارتخانه، بلکه نتیجه‌ی کم‌توجهی به جایگاه آن در ساختار بودجه‌ریزی کشور است.

ما در مجلس شورای اسلامی و به‌ویژه کمیسیون فرهنگی مجلس، آمادگی داریم با همکاری نزدیک با دولت و وزارت میراث فرهنگی، گام‌های مؤثری برای جبران این عقب‌ماندگی برداریم. یکی از



حمیدرضا حاجی بابایی

نایب‌رئیس اول مجلس شورای اسلامی

امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند بازگشت به اصل مردم‌باوری در حکمرانی هستیم. اگر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و فرهنگی کشور با تکیه بر مشارکت مردم، گفت‌وگوی صادقانه و زبان خدمت تنظیم شود، بدون تردید مردم آن را خواهند پذیرفت. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند: اصلاح ساختار بودجه یک ضرورت است، نه شعار. ما باید با صداقت با مردم صحبت کنیم و به آن‌ها نشان دهیم که چه مسیری منتهی به آینده‌ای بهتر خواهد شد. از این منظر، یکی از غایبان بزرگ در ساختار اقتصادی کشور، میراث فرهنگی و گردشگری است. متأسفانه این حوزه در سیاست‌های کلان بودجه‌ای جایگاه درخور ندارد، در حالی که به‌باور بنده،

میراث فرهنگی؛ آینه هویت ملی و ضرورت بازنگری در ریل گذاری مالی کشور



سید علی یزدی خواه

نماینده مردم تهران در
مجلس شورای اسلامی و عضو
کمیسیون فرهنگی مجلس

مشاهده شد که از ۱۷ سال پیش تاکنون جذب نیروی جدید نداشته‌اند. با روند فعلی بازنشستگی، این بخش به‌زودی با کسری شدید نیرو روبه‌رو خواهد شد، امری که تجربه آموزش و پرورش در سال‌های اخیر زنگ هشدار آن را به صدا درآورده است. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با ساختار ویژه و وظایف گوناگونش، یکی از دشوارترین مأموریت‌های فرهنگی دولت را برعهده دارد. هرچند ادغام این سه حوزه مهم، اقتضائاتی متفاوت دارد، اما در شرایط فعلی باید با تدبیر و تعامل، مسائل را مدیریت کرد و از ظرفیت‌های بین‌دستگاهی در حمایت از این وزارتخانه بهره‌برد.

مجلس شورای اسلامی، خصوصاً کمیسیون فرهنگی، آمادگی دارد تا با دریافت پیشنهادات دقیق و کارشناسی، در تصویب احکام بودجه‌ای مؤثر برای سال آینده همکاری کند. اکنون وقت آن است که همه دستگاه‌ها، از جمله وزارت نفت، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه، دست در دست هم، از آیین‌نامه یک‌درصد فرهنگی حمایت کرده و مسیر اجرای آن را هموار کنند.

امروز که میراث فرهنگی درگیر مسائلی چون حفاظت، نیروی انسانی، ثبت آثار، تعامل با وزارت راه و شهرداری‌ها در حریم آثار و مسائل متعدد دیگر است، نیازمند حمایت عملی و نه صرفاً همدلی گفتاری است. اگر این موارد در احکام بودجه‌ای سال ۱۴۰۵ گنجانده شود، می‌توان به آینده‌ای روشن‌تر در صیانت از میراث ملی امیدوار بود.

به عنوان خادم مردم در مجلس، وظیفه خود می‌دانم از این وزارتخانه حمایت کنم و امیدوارم با درایت وزیر محترم و همراهی سایر دستگاه‌ها، مسیر توسعه و حفاظت از میراث فرهنگی کشور هموارتر شود.

مبنای راهبردهای توسعه‌ای کشور تنظیم شود. در قانون برنامه هفتم توسعه، مقرر شده از سال دوم، بودجه‌ها به صورت برنامه‌محور تدوین شوند. این مصوبه، فرصتی استثنایی است که می‌تواند موتور تحول در دستگاه‌های فرهنگی کشور باشد، به شرط آن که اجرایی شود.

نکته‌ای که نباید از آن غافل شد، حجم بودجه شرکت‌های دولتی است که دو تا سه برابر بودجه عمومی کشور است؛ شرکت‌هایی مانند نفت، گاز، پتروشیمی، بانک‌ها و... در همین راستا، اقدامی مثبت در سال گذشته و امسال صورت گرفت که باید تقویت شود؛ اختصاص یک درصد از هزینه‌کرد این شرکت‌ها به حوزه‌های فرهنگی، از جمله میراث فرهنگی. اگر تنها یک درصد از بودجه هزینه‌ای این شرکت‌ها (در حدود ۳ تا ۵ هزار هزار میلیارد تومان) صرف این امور شود، می‌توان رقمی در حدود ۳۰ تا ۵۰ هزار میلیارد تومان به بخش فرهنگی تزریق کرد؛ اعتباری که می‌تواند تحولی بی‌سابقه در حوزه‌های حفاظت، مرمت، آموزش، تبلیغ و توسعه گردشگری ایجاد کند.

بی‌جهت نیست که این شرکت‌ها هنگام نیاز، به‌راحتی از خلیج فارس آب شیرین می‌کنند و به شرق کشور منتقل می‌نمایند یا نیروگاه می‌سازند. این توان مالی عظیم اگر در خدمت فرهنگ و هویت ایرانی قرار گیرد، می‌تواند ضامن بقای تمدن ایرانی - اسلامی در برابر همه‌های هویتی، ایران‌هراسی رسانه‌ای و فراموشی تاریخی باشد.

از سوی دیگر، باید به صورت جدی به وضعیت نیروهای انسانی، کمبود استخدام‌ها، وضعیت بودجه‌ی پژوهش‌کننده‌ها و ثبت آثار ملی و جهانی توجه کرد. در بازدید از پژوهشگاه‌های وزارتخانه

میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، ستون‌های اصلی هویت و تمدن ایران اسلامی‌اند؛ گنجینه‌هایی که نه تنها بازمانده‌ای از گذشته‌اند، بلکه سرمایه‌ای برای توسعه فرهنگی، اقتصادی و حتی دیپلماسی عمومی کشور در آینده‌اند. بی‌تردید، پایداری و بالندگی این بخش حیاتی، نیازمند تخصیص عادلانه و برنامه‌محور منابع مالی است. اما متأسفانه آنچه در بودجه‌ریزی کشور مشاهده می‌شود، بیشتر از جنس «افزایش درصدی بر بودجه سال گذشته» است تا نگاه مبتنی بر برنامه و مأموریت.

ما امروز بیش از هر زمان دیگری به «بودجه‌ریزی مسئله‌محور» نیاز داریم؛ باید مشخص کنیم موزه‌ها چه می‌خواهند، آثار تاریخی چه نیازهایی دارند، سهم گردشگری از تولید ناخالص ملی چیست و چگونه می‌توان با کمک صنایع دستی اشتغال پایدار ایجاد کرد. بودجه، نباید صرفاً چانه‌زنی عددها باشد بلکه باید بر



جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی پلی میان رسانه و مردم

ابزارهای مدرن مانند شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی آشنا هستند، مخاطبان اصلی چنین جشنواره‌هایی اند و جشنواره با بهره‌گیری از این ابزارها توانسته آنان را به مشارکت در فرآیند حفاظت و ترویج ارزش‌های فرهنگی دعوت کند.

علاوه بر این، جشنواره با تقویت حس هویت ملی توانسته به وفاق جمعی میان اقوام، هنرمندان و فعالان فرهنگی دست یابد. این وفاق، به‌طور خاص در نمایش‌های خلاقانه و محتوای عرضه‌شده از سوی اقوام مختلف کشور مشهود است که ارزش‌های مشترک میان اعضای جامعه را به نمایش می‌گذارند. این حرکت فرهنگی نشان داده که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های هنر و رسانه برای زنده نگه‌داشتن این ارزش‌ها در جهان معاصر استفاده کرد و چطور این بازگشت به ریشه‌ها می‌تواند معنابخش زندگی فردی و اجتماعی باشد.

عملکرد جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی در ایجاد تعامل میان هنر، فناوری و فرهنگ، الگویی برای تعامل بهتر میان اقشار مختلف جامعه و ارزش‌های فرهنگی به شمار می‌رود. تداوم و گسترش این رویدادها می‌تواند به بازآفرینی هویت ملی و حفظ ارزش‌های تاریخی کمک کند و پلی مطمئن میان رسانه مدرن و مردم در سطوح مختلف اجتماعی ایجاد کند.

این موضوعات و مردم تقویت شده است. در کنار اهمیت ارائه محتواهای غنی، این تجربه منحصربه‌فرد نشان داده که چگونه ابزارهای رسانه‌ای می‌توانند بسترساز تعامل بین نسل‌ها باشند. جشنواره با بخش‌هایی همچون کارگاه‌های آموزشی و برنامه‌هایی مخصوص کودکان و نوجوانان، به ارتقای سواد فرهنگی و تاریخی نسل‌های جدید پرداخته است.

این تجربه همچنین نقش مهمی در توسعه مفاهیمی چون «میراث دیجیتال»

جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی، رویدادی خلاقانه است که در سال‌های اخیر توانسته ارتباط میان مردم و رسانه‌های مدرن را به سطحی عمیق‌تر و معنادارتر برساند. این جشنواره نه تنها به‌عنوان بستری برای نمایش میراث ملموس و ناملموس کشور عمل کرده، بلکه ابزاری بوده است برای بازگشت به ارزش‌های مشترک فرهنگی، تقویت هویت ملی و ایجاد حس تعلق به میراث گذشته. در جهانی که جریان سریع زندگی مدرن

هویت‌های فرهنگی را تهدید می‌کند، چنین جشنواره‌ای فرصتی است تا مردم از تمام سنین و اقشار با میراث فرهنگی که شالوده هویت مشترک آنان است، آشنا شوند و برای حفظ آن احساس مسئولیت کنند. ابزارهای چندرسانه‌ای به کار گرفته شده در این رویداد، فرصت مناسبی را برای انتقال پیام‌های سازنده فرهنگی به روشی جذاب‌تر و فراگیرتر فراهم کرده است؛ به‌ویژه در میان مخاطبان جوان که بیشتر با زبان تصویر و رسانه‌های دیجیتال در ارتباط هستند.

این جشنواره در شهرهایی چون قزوین و شیراز توانسته در بازه‌ای کوتاه اثرگذاری بسیاری از خود به نمایش بگذارد. با حضور فعال اقوام مختلف، هنرمندان و رسانه‌ها، مفاهیمی همچون خرده‌فرهنگ‌ها و تنوع فرهنگی ایرانی تجلی یافته و پیوند میان



ایفا کرده است، مفهومی که نه تنها حفاظت فعال از آثار و محوطه‌های تاریخی را ممکن می‌کند، بلکه میراث فرهنگی را از مرزهای مکانی و زمانی فراتر می‌برد. با حضور گسترده ابزارهای رسانه‌ای، مفاهیم منتقل شده از دل این جشنواره توانسته‌اند به شکلی خلاقانه در میان نسل زد، که بومیان عصر دیجیتال محسوب می‌شوند، جایگاه خود را بیابند. این نسل که با



طی احکامی از سوی سیدرضا صالحی امیری صورت گرفت

معرفی اعضای شورای عالی سیاست‌گذاری چهارمین جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی

اعضای شورای عالی سیاست‌گذاری
چهارمین جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی



وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در احکامی جداگانه، رئیس و اعضای شورای عالی سیاست‌گذاری چهارمین جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی را منصوب کرد که در میان آنها مدیران، تهیه‌کنندگان و کارگردانان برجسته سینما، چهره‌های فرهنگ و رسانه و میراث فرهنگی حضور دارند.

سیدرضا صالحی امیری وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در احکام جداگانه‌ای ۲۷ عضو شورای عالی سیاست‌گذاری چهارمین جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی را منصوب کرد.

علی‌داریابی قائم مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی کشور به ریاست شورا منصوب شده است.

سید محمدرضا موالی‌زاده استانداری خوزستان، پوران درخشنده فیلمنامه‌نویس و کارگردان پیشکسوت سینما، رسول صدراعظمی تهیه‌کننده و کارگردان پیشکسوت سینما، احمدرضا درویشی فیلمنامه‌نویس و کارگردان پیشکسوت سینما، رائد فریدزاده رئیس سازمان سینمایی، مهدی فرجی تهیه‌کننده سینما و تلویزیون و دبیر این دوره از جشنواره، محمد مهدی حیدریان رئیس اسبق سازمان سینمایی، منوچهر شاهسواری تهیه‌کننده سینما و دبیر جشنواره فیلم فجر، علیرضا رضاداد دبیر ادوار جشنواره فیلم فجر، سید محمود رضوی تهیه‌کننده سینما و مشاور فرهنگی و هنری رئیس مجلس و قادر آشنا از مدیران سینما و تئاتر و دبیر شورای فرهنگ عمومی، چهره‌هایی سینمایی این

شورا هستند.

مریم جلالی معاون صنایع دستی و هنرهای سنتی کشور، بهروز ندایی معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، یونس شکرخواه، علی متقیان و سیدشهاب‌الدین طباطبایی از اساتید و چهره‌های پیشکسوت رسانه، اردشیر صالح‌پور کارگردان و مدرس تئاتر، سیدحمیدرضا حسینی مشاور رئیس مرکز موسیقی و سرود صداوسیما، فرهاد عزیزی کارشناس میراث فرهنگی، دانش‌آموخته دکتری مرمت معماری و مدیرکل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت میراث فرهنگی، روزبه کردونی مشاور وزیر و مدیرکل حوزه وزارتی، سیدعباس فاطمی دبیر جشنواره اول و علیرضا تابش دبیر دوره‌های دوم و سوم جشنواره و مدیرعامل هلدینگ گردشگری تأمین اجتماعی (هگتا) از دیگر اعضای

شورای عالی سیاست‌گذاری چهارمین جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی هستند.

محمد ابراهیم زارعی باستان‌شناس و رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، علیرضا ایزدی مدیرکل ثبت آثار و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی و محمد جوهروند مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خوزستان، دیگر اعضای شورای عالی سیاست‌گذاری چهارمین جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی را تشکیل می‌دهند.

نخستین دوره جشنواره ملی چندرسانه‌ای میراث فرهنگی سال ۱۴۰۱ در یزد و دومین دوره این رویداد آذرماه ۱۴۰۲ در قزوین برگزار شد. سومین دوره جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی به صورت بین‌المللی در شیراز برگزار شد و میزبان چهارمین دوره آن خوزستان است.

«جشنواره میراث فرهنگی: از روایت اصیل تا وفاق ملی»

و ارزش‌هایی هستند که نسل به نسل به ما رسیده‌اند و باید به آینده انتقال یابند. این انتقال فرهنگی با استفاده از ظرفیت گردشگری دینی، فرهنگی، طبیعی، پزشکی، صنعتی و روایت‌های مرتبط با میراث فرهنگی در اقلیم متنوع ایران، به‌عنوان ابزاری برای بازایی و ترویج این ارزش‌ها، تا حدودی تحقق می‌یابد.

چرا رجوع به گذشته؟

بازگشت به ارزش‌ها پاسخی است به پرسشی بنیادین: چرا نیاز داریم به گذشته و اصولی که ما را شکل داده‌اند، رجوع کنیم؟ ارزش‌ها هویت ما را تعریف می‌کنند. آن‌ها پایه‌ای برای تصمیم‌گیری‌ها، رفتارها و مسیر زندگی ما هستند. بازگشت به ارزش‌ها، یعنی بازشناسی اصالت‌ها در میان هیاهوی مدرنیته و تغییرات اجتماعی. این بازگشت نه تنها یک حرکت فرهنگی، بلکه یک نیاز روانی و اجتماعی است که ما را به ریشه‌هایمان پیوند می‌دهد و از سردرگمی در جهان معاصر دور می‌کند و به زندگی ما «معنا» می‌بخشد.

کیستیم و چرا اینجا هستیم؟

اثرگذاری این بازگشت، در حوزه‌های متنوعی مانند حفظ هویت و انسجام

چرا مسأله بازگشت به ارزش‌ها

مهم است؟

در دنیایی که پیشرفت‌های فناورانه و تحولات اجتماعی ما را به سرعت به جلو می‌رانند، گاهی لازم است به نقطه آغازین بازگردیم: به ارزش‌هایی که ریشه در فرهنگ، تاریخ، و هویت ما دارند. این بازگشت، نه به‌معنای توقف در گذشته، بلکه تلاشی برای زنده نگه‌داشتن میراثی است که آینده‌مان را غنی‌تر و انسانی‌تر می‌کند. هفته میراث فرهنگی نزدیک به سه دهه است که هرساله در کشور ما با ویژه برنامه‌هایی در اماکن، محوطه‌های تاریخی و موزه‌ها، گرمای داشته می‌شود هفته‌ای پر از رویداد که هدف آن افزایش سواد میراثی جامعه، کمک به ارتقاء هویت ملی و تابآوری و نشاط اجتماعی، گ، معرفی و تجلیل از برترین‌های موزه و خادمان میراث فرهنگی در عرصه‌های مختلف، تلاش برای معرفی بهتر و بیشتر موزه و موزه‌داری به عنوان جلوه‌ای از قدرت نرم و اهمیت آن در سیمای عمومی و بیان عملکرد فعالان میراث فرهنگی، در حوزه‌های حفاظت، پژوهش، آموزش و معرفی میراث فرهنگی و افزایش آگاهی جامعه نسبت به این موضوعات، است.

چرا گرامیداشت میراث ملی

مهم است؟

میراث ملموس و ناملموس کشور ما تنها بناها و آثار تاریخی نیستند، بلکه داستان‌ها، آیین‌ها، زبان،



علیرضا تابش

دبیر دوره دوم و سوم و عضو شورای سیاستگذاری جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی





جشنواره توانست پیام‌های خود را فراتر از مرزهای مکانی و زمانی منتقل کند، نشان داد که فرهنگ و ارزش‌ها می‌توانند حتی در چالش‌های مدرن نیز زنده بمانند.

دو بخش نمایش‌های ملی و میراث‌بانان آینده

هنرمندان در جشنواره میراث فرهنگی با مخاطب تعامل مستقیم دارند، در حوزه نمایش‌های خیابانی و اجراهای کم نظیرشان در کنار اماکن تاریخی و در کنار مردم به عنوان مخاطبان جدی جشنواره، خرده‌فرهنگ‌ها و موارث رو به فراموشی - به رغم ثبت ملی - خودشان را در معرض نگاه مخاطب قرار می‌دهند. بخش دیگر این جشنواره که تأثیرگذار است «میراث‌بانان آینده» نام دارد که هم‌جور کم‌کاری وزارت آموزش و پرورش را در باب معرفی و جانداختن مفهومی به نام «میراث فرهنگی» و اهمیت آن می‌کشد و سواد میراثی را ولو اندکی، بالا می‌برد.

همه مسئولیت‌پذیر باشیم

هفته پیش، در بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و در گفتگو با ناشران و نویسندگان، این نکته را دریافتیم که نسل نو همچنان درباره تاریخ و تمدن ایران و داستان‌های آن، جستجوگر است. جامعه جوان ایران از تولیدات حرفه‌ای در این حوزه استقبال می‌کند و برای همین می‌بینیم که آثار جدی با موضوع ایران و برای گروه سنی نوجوان و جوان، همچنان پرفرودار هستند، در این مسیر، باید با روایت‌های بازگشت، به ارزش‌ها و میراثی که ما را تعریف می‌کنند، نزدیک‌تر شویم و مسئولیت خود را در حفظ و گسترش این گنجینه مشترک بپذیریم.

زبان هنر و رسانه بهترین ابزار برای بیان روایت‌های بازگشت هستند، ضروری است دست‌اندرکاران میراث فرهنگی و فعالان فرهنگی هنری به تأثیر این ابزار و زبان اهمیت بیشتری قائل باشند و سرمایه‌گذاری در این حوزه را جدی بگیرند.

رسانه‌ای میراث فرهنگی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ تجربه‌ای کم‌نظیر تحت عنوان جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی را دارم که در دل محوطه‌های میراثی و کنار بناهای تاریخی و با حضور نسل نو رقم خورد، به واسطه گستره فعالیت‌ها، حضور هنرمندان و فعالان چند رسانه‌ای و فعالان میراث فرهنگی و تأثیرات آن بر افکار عمومی بستری مناسب برای تقویت و بازگشت به ارزش‌های اصیل فراهم آمد. تجربه این جشنواره نشان می‌دهد که چگونه یک رویداد فرهنگی می‌تواند تأثیر ملموس در جامعه و افراد ایجاد کند.

جشنواره میراث فرهنگی؛ محوری برای نمایش وفاق و ارزش‌های مشترک

با ارائه روایت‌های چندرسانه‌ای از تاریخ، هنر و آیین‌ها، جشنواره در دو شهر تاریخی قزوین (۱۴۰۲) و شیراز (۱۴۰۳) توانست حس هویت و تعلق به فرهنگ ایرانی را در میان مخاطبان تقویت کند.

این جشنواره با بخش‌هایی چون «میراث‌بانان آینده» و کارگاه‌های آموزشی، کودکان و نوجوانان را در مسیر گفتگو و تعامل با هنرمندان و میراث فرهنگی قرار داد. این فرآیند توانست ارزش‌هایی چون احترام به تاریخ و همدلی را به نسل‌های جدید منتقل کند.

استفاده از ابزارهای مدرن و توسعه گفتمان «میراث دیجیتال» و نمایش آثار بومی از اقوام مختلف، نه تنها مفاهیم ارزشمند را به نمایش گذاشت، بلکه با رویکردی نو، حفاظت از میراث فرهنگی را به دغدغه‌ای مردمی تبدیل کرد. تکرار پر قدرت این جشنواره می‌تواند این دغدغه را تقویت کند.

گرد هم آمدن اقوام و هنرمندان از نقاط مختلف کشور، نمادی از وفاق ملی و بازگشت به ارزش‌های مشترک بود. جشنواره میراث فرهنگی به عنوان محوری برای نمایش این وفاق و ارزش‌های مشترک عمل کرد.

از طریق رسانه‌ها و فناوری‌های نوین،

اجتماعی، توسعه فرهنگی و اخلاقی، معنا بخشی به زندگی فردی و جمعی و حفظ میراث فرهنگی، قابل مشاهده است. چرا باید به ارزش‌ها برگردیم؟ چون این بازگشت، به یادمان می‌آورد که کیستیم و چرا اینجا هستیم. این یک یادآوری ضروری است برای جامعه‌ای که در مسیر پیشرفت و مدرنیته، نباید گذشته خود را فراموش کند. در این میان، زبان هنر و ابزارهای رسانه‌ای و مشخصاً ساخت فیلم‌های مستند و داستانی، سریال‌ها، شعر و موسیقی، به لحاظ جامعه مخاطبی که دارد، نقشی بی‌بدیل در ترویج ارزش‌های اصیل فرهنگی و اخلاقی «به مثابه قدرت نرم ایران» دارند. آن‌ها به عنوان ابزارهایی جهانی و فرازمانی می‌توانند پیام‌هایی را به چند نسل از مخاطبان منتقل کنند که کلمات به تنهایی از بیان آن‌ها عاجز هستند.

اهمیت حس تعلق خاطر

هنر به تنهایی می‌تواند هویت فرهنگی را بازآفرینی کند، تعلق خاطر به گذشته دیرین و میراثی را که داریم تقویت کند، تعلق خاطر بوجود بیاورد و ابزاری الهام‌بخش برای نسل آینده باشد و دیالوگ و درک متقابلی را شکل دهد.

اهمیت نسل زد و زبان تصویر

گروه جمعیتی جوان و نوجوان امروز جهان و ایران، نسل زد را با دقت در مؤلفه‌های عصر دیجیتال و اینترنت و هوش مصنوعی، باید شناخت و فهمید. نسل زد، بومی‌های اصلی عصر پست‌دیجیتال هستند. برای این نسل تصویر و ابزارهای دیجیتال اهمیت دارد، پس با همین زبان و ابزار باید محتوایی خلقانه و جذاب درباره ایران و ارزش‌های ملی تولید و عرضه کرد، حتی در فرایند تولید محتوا از مشارکت همین نسل می‌توان به خوبی بهره برد.

تجربه‌ای کم‌نظیر در تعامل با نسل نو

شخصاً به عنوان دبیر دو دوره جشنواره چند

نخستین نشست شورای سیاست گذاری جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی برگزار شد

از خلیج فارس تا هویزه؛ صدای ایران در جشنواره‌ای با رویکرد جهانی



نخستین نشست شورای عالی سیاست‌گذاری چهارمین جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی با حضور جمعی از مسؤولان فرهنگی، هنرمندان برجسته، دانشگاهیان و مدیران رسانه در محل وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برگزار شد.

در نشست شورای عالی سیاست‌گذاری چهارمین جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی که روز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ در دفتر قائم مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی برگزار شد، بر مردمی‌سازی، پیوست رسانه‌ای، نگاه بین‌المللی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های خوزستان به عنوان قلب تپنده تمدن ایران تأکید شد.

جشنواره باید به جوانان استان‌ها سپرده شود

رسول صدرعاملی، کارگردان نام‌آشنای سینما، در این نشست مهمترین ویژگی ادوار گذشته جشنواره را حضور پررنگ مردم و هنرمندان استانی دانست و تأکید کرد: اهمیت واگذاری امور به جوانان مستعد استان‌ها باید محور عمل ما در این دوره باشد. وی ابراز امیدواری کرد که جشنواره چهارم به جایگاه شایسته و واقعی خود دست یابد.

خوزستان موزه‌ای زنده از تمدن ایران است

یونس شکرخواه، استاد ارتباطات، با اشاره به تاریخ ریشه‌دار خوزستان، گفت: خوزستان قلب تپنده ایران است و اکنون که جشنواره به شکل بین‌المللی برگزار می‌شود، باید این استان را چون موزه‌ای بزرگ با صدها هنر به جهان معرفی کنیم. وی تصریح کرد: باید کاری کنیم که هیچ‌کس در سطح بین‌الملل فکر اهانت به چنین سرزمینی را نداشته باشد.

خلیج فارس، مادر میهن است

سیدمحمد رضا موالی‌زاده، استاندار خوزستان، با بیان اینکه خوزستان شیرازه ایران است، گفت: جشنواره باید پیوند میان زیست‌بوم نوآوری و زیست‌بوم میراث فرهنگی باشد. وی پیشنهاد داد: جشنواره به همه شهرهای استان تسری یابد و چهره‌های فرهنگی خوزستان به شورا افزوده شوند.

جشنواره، خاطره‌ای خطیر از ذهن ایران برای خوزستان

مریم جلالی، معاون صنایع دستی و هنرهای سنتی، با اشاره به ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی خوزستان، جشنواره را بستری برای مردمی‌سازی تولید محتوا دانست و گفت: «قصه‌های خوزستان باید کشف و روایت شود. وی افزود: امید داریم جشنواره گامی رو به آینده باشد، نه صرفاً توصیفی از گذشته و نگاه به

افزوده شدن بخش بین‌الملل و بازنمایی نماد آینه‌میراث، از دیگر نقاط قوت دوره جدید است.

رسانه‌ها را به میدان بیاورید

علی متقیان، مدیرعامل مؤسسه ایران، بر ضرورت استفاده گسترده از رسانه‌ها تأکید کرد و گفت: جشنواره‌ای با عنوان چندرسانه‌ای، بدون مشارکت فعال رسانه‌های مکتوب و برخط ناقص خواهد بود. باید رسانه‌ها را گرد هم آوریم و ظرفیت آن‌ها را به خدمت بگیریم.

خوزستان، مهد تمدن و تکیه گاه ایران

احمدرضا درویش، کارگردان برجسته سینمای ایران، با بیان اینکه خوزستان مهد تمدن و تکیه‌گاه ایران است، گفت: هرگاه سخن از خوزستان می‌شود، بی‌قرار می‌شوم. این بی‌قراری باید با برگزاری جشنواره‌ای در شأن خوزستان، به آرامش درونی بدل شود.

هنرمندان خوزستان سربلندمان خواهند کرد

محمد جرووند، مدیرکل میراث فرهنگی استان خوزستان، با اشاره به تجربه میزبانی موفق فرهنگی در استان، گفت: جلسات متعددی با هنرمندان خوزستانی برگزار شده است و با حمایت استاندار، جشنواره‌ای درخور برگزار خواهد شد.

هر شهر خوزستان، تمدنی کهن دارد

اردشیر صالح‌پور، نویسنده و پژوهشگر تئاتر، خوزستان را رنگین‌کمانی از اقوام دانست و گفت: جشنواره باید به بازنمایی شکوه تمدن خوزستان بپردازد. فرهنگ، خاستگاهی مردمی دارد و باید مردم را درگیر روایت‌های هنری کرد.

جشنواره میراث فرهنگی، تلفیق شش جشنواره است

راند فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، جشنواره را تلفیقی از شش رویداد دانست و گفت: این جشنواره تنها یک رقابت نیست، بلکه بستر تولید آثار باکیفیت درباره خوزستان و میراث فرهنگی ایران است. آینده‌ای روشن برای آن متصور هستیم.

ظرفیت زنان استان نیز مورد توجه قرار گیرد.

اختصاص بخش ویژه خلیج فارس

قادر آشنا، مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر شورای فرهنگ عمومی، با اشاره به چالش‌های بین‌المللی، خواستار اختصاص بخشی ویژه به موضوع خلیج فارس و جزایر سه‌گانه شد و گفت: جشنواره باید پیام روشن ایران را به جهان مخابره کند: جشنواره‌ای که مردم در آن حضور دارند، ماندگار خواهد بود.

دبیرخانه دائمی برای جشنواره ضروری است

محمد مهدی حیدری، رئیس اسبق سازمان سینمایی، بر اهمیت پاسخ‌گویی به مردم در حوزه میراث فرهنگی تأکید کرد و افزود: جشنواره می‌تواند بستری برای ارزیابی عملکردها باشد. نگاه به میراث باید ملی و کلان باشد. وی خواستار تأسیس دبیرخانه دائمی و تأمین بودجه مستقل از سوی بنیاد فارابی شد.

دانشگاه‌ها، پشتوانه علمی جشنواره باشند

مسعود صفایی‌مقدم، رئیس سابق دانشگاه شهید چمران اهواز، با تأکید بر لزوم پیوست آموزشی برای جشنواره، گفت: جشنواره می‌تواند نقش مهمی در هم‌افزایی اقوام خوزستان ایفا کند و دانشگاه‌ها باید در این مسیر فعالانه مشارکت داشته باشند.

خوزستان می‌تواند برند ملی جشنواره باشد

مهدی فرجی، دبیر چهارمین دوره جشنواره، با اشاره به نقش برجسته هنرمندان خوزستانی، گفت: برگزاری این جشنواره در خوزستان، فرصتی برای تبدیل آن به یک برند مهم ملی است. خوزستان را نباید با مشکلات شناخت، بلکه باید از تمدن، هشت سال دفاع مقدس و ظرفیت هنری آن سخن گفت.

بخش بین‌المللی، گامی رو به جلو

علیرضا تابش، دبیر دوره‌های دوم و سوم جشنواره، با اشاره به آغاز مرحله جدیدی از جشنواره گفت: امسال برای نخستین بار میزبان دوره بعدی در اختتامیه دوره قبل تعیین شد.

نخستین جشنواره ملی تولیدات چند رسانه‌ای میراث فرهنگی



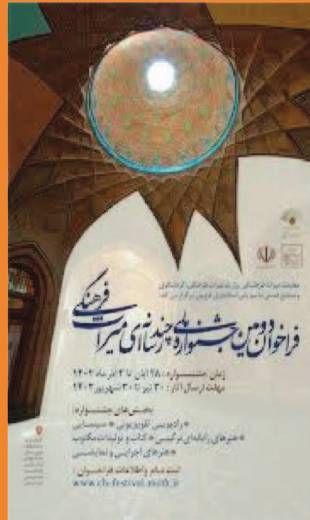
افتتاحیه اولین جشنواره تولیدات چند رسانه‌ای در یزد



اختتامیه اولین جشنواره تولیدات چند رسانه‌ای
باغ دولت آباد یزد



دومین جشنواره تولیدات چند رسانه‌ای میراث فرهنگی



**برگزاری دومین دوره جشنواره ملی
شهر قزوین**

۱۴۰۲ آذر ۱۱ تا ۱۸

**داوری ۲۰۰۰ اثر در دبیرخانه نخستین
جشنواره ملی تولیدات چند رسانه‌ای
میراث فرهنگی**

با معرفی تقدیر از ۶۰ اثر برگزیده



**اعضای شورای
سیاستگذاری جشنواره
دوم:**

علیرضا تابش، سیدمجید امامی،
رسول صدر عاملی، محمد
حمیدی مقدم، پوران
درخشنده، مهدی
فرجی، مهدی آذرپندار، عادل
پیغامی، علی طلوعی، جواد
قارایی، شهرام گیل آبادی،
مهدی رضائی، محمدرضا
حسنایی، حسن میثی، مهدی
رجحانی، علیرضا خزائلی



دومین جشنواره تولیدات چند رسانه‌ای میراث فرهنگی



افتتاحیه دومین جشنواره تولیدات چند رسانه‌ای در قزوین



اختتامیه دومین جشنواره تولیدات

چند رسانه‌ای - قزوین



سومین جشنواره تولیدات چند رسانه‌ای میراث فرهنگی



برگزاری اولین جلسه شورای سیاستگذاری در اسفند ۱۴۰۲



برگزاری دومین جلسه شورای سیاستگذاری با حضور استاندار فارس در اردیبهشت ۱۴۰۳



ابلاغ مشاورین استانی جشنواره و برگزاری جلسات هماهنگی در استانداری فارس

فراخوان سومین جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی تیرماه ۱۴۰۳ منتشر شد و ۳ هزار و ۵۸۹ اثر و با احتساب آثار ارسالی به «بخش شیراز»، در مجموع ۴ هزار و ۴۵۱ اثر در دبیرخانه جشنواره دریافت شد. همچنین ۷۵ داور از چهره‌های شناخته شده حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، ۱۴ بخش مختلف جشنواره را داوری کردند. سومین جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی به صورت بین‌المللی از ۱۵ تا ۱۸ آبان ۱۴۰۳ در شیراز برگزار شد.

سومین جشنواره تولیدات چند رسانه‌ای میراث فرهنگی

برنامه ریزی برگزاری سومین دوره

جشنواره به صورت بین‌المللی

در شیراز- پاییز ۱۴۰۳



اعضای شورای عالی سیاستگذاری سومین جشنواره ملی چندرسانه‌ای میراث فرهنگی



اعضای شورای سیاستگذاری جشنواره سوم:

پوران درخشنده، رسول صدراعظمی، احمدرضا درویش، مجید زین‌العابدین، مهدی فرجی، جواد قارایی، مهدی جمالی‌نژاد، عبدالحسین کلاتری، مریم جلالی دهکردی، فرزاد جهان‌بین، فاطمه داوری، جبرئیل نوکنده، مصطفی دهپهلوان، یونس شکرخواه، سید حمیدرضا حسینی، شهرام گیل‌آبادی، سعید اوحدی، حسن میثمی، سید مصطفی فاطمی، فیروزآبادی، سیدعباس فاطمی و علیرضا تابش

بیش از ۱۶۰ کشور در بین‌المللی شدن | پیشنهاد ملی دارایی جهت برگزاری جشنواره ملی چندرسانه‌ای میراث فرهنگی «میان کشورهای عضو مجمع تمدن‌های کهن» اعلام آمادگی برای بین‌المللی شدن «جشنواره چندرسانه‌ای»

ثبت‌نام در جشنواره
ویدیو
گزارش تصویری
پادکست
اخبار
صفحه اصلی

سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
Ministry of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of the Islamic Republic of Iran

فرخوان سومین جشنواره بین‌المللی چندرسانه‌ای میراث فرهنگی منتشر شد / ارسال آثار از ۱۶ تیر

اعلام آمادگی برای بین‌المللی شدن «جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی» / «فرهنگ» بهترین راه برای گفت‌وگوی کشورها با یکدیگر است

گام مهم در بین‌المللی‌شدن | پیشنهاد ملی دارایی جهت برگزاری «جشنواره ملی چندرسانه‌ای میراث فرهنگی» میان کشورهای عضو «مجمع تمدن‌های کهن»

افتتاح دبیرخانه سومین جشنواره بین‌المللی تولیدات چندرسانه‌ای میراث فرهنگی

راه اندازی وبگاه جشنواره تولیدات چند رسانه ای <https://ch-festival.mcth.ir>

نشست هم‌اندیشی با اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه

نشست هم‌اندیشی با اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه در اولین جشنواره تولیدات چند رسانه ای یزد



در گفتگو با مدیرکل اداره کل موزه‌های معاونت میراث فرهنگی مطرح شد:

بهبود زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی با اجرای طرح «هر شهر یک موزه»



با توجه به تأکید روز جهانی موزه‌ها بر توسعه پایدار، چه برنامه‌های کلانی برای همسویی موزه‌های ایران با اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (SDGs) در نظر گرفته‌اید؟

برنامه‌های کلان برای همسویی موزه‌های ایران با اهداف توسعه پایدار انجام شده است به طوری که در سال ۱۴۰۴، شعار محوری "موزه‌ها، برای آینده‌ای پایدار" را برگزیده‌ایم تا موزه‌ها را به کنشگرانی فعال در مواجهه با چالش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و فناورانه تبدیل کنیم. با این رویکرد موزه‌ها می‌توانند به عنوان کنشگرانی فعال در حوزه آموزش، کاهش نابرابری، صیانت از محیط زیست، حفظ میراث فرهنگی و تقویت جوامع محلی تعریف شوند. همچنین در قالب طرح "هر شهر یک موزه" تلاش داریم زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی را با محوریت موزه‌ها گسترش داده و عدالت فرهنگی را تحقق بخشیم.

خانم دکتر به نظر شما چگونه موزه‌های ایران می‌توانند در آموزش عمومی و افزایش آگاهی درباره تغییرات اقلیمی و حفظ محیط زیست نقش ایفا کنند؟

بنده معتقدم موزه‌ها با تولید محتوای آموزشی، برگزاری نمایشگاه‌های موضوعی، کارگاه‌های علمی و برنامه‌های مشارکتی با مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند بستری مؤثر برای ترویج فرهنگ زیست‌محیطی باشند. در همین راستا، طراحی «موزه‌های سبز» و اختصاص بخشی از برنامه‌های موزه به موضوعاتی نظیر بحران آب، آلودگی هوا، حفاظت از منابع طبیعی و گونه‌های در معرض خطر در دستور کار قرار دارد. موزه‌ها باید به‌مثابه مراکز آگاهی بخشی عمل کرده و به آموزش عمومی درباره مخاطرات محیط زیستی بپردازند.

چه اقداماتی برای کاهش ردپای کربن موزه‌ها (مانند بهینه‌سازی مصرف انرژی یا استفاده از مواد بازیافتی در نمایشگاه‌ها) در حال انجام است؟

ایجاد "موزه‌های سبز" به‌عنوان الگوی پایداری محیطی در دستور کار است. کاهش مصرف انرژی، استفاده از منابع تجدیدپذیر، حذف مواد آلاینده و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای بهینه‌سازی مصرف منابع، بخشی از این راهبرد است. همچنین تبادل تجربیات با

معصومه غفاری «خبرنگار»

گذشته تاریخی، حماسه آباء و اجدادی، سرزمین نیاکان، زبان مادری، باورها و سنت‌های طایفه‌ای، مفاخر ملی، عصبیت‌های قومی، هنر و ادبیات موروثی هویت فرهنگی جامعه را تشکیل می‌دهد.

بناها، محل‌ها، مکان‌ها، مناطق، موزه‌ها، آثار هنری، مصنوعات و نظایر آن به عنوان میراث فرهنگی یکی از مؤثرترین عوامل هویت بخش جامعه هستند که حفظ آنها موجب پایداری و بقای فرهنگ است. حفظ، تقویت و شناساندن هویت فرهنگی، موجب خودآگاهی و بازگشت به خویش شدن و عامل مؤثری در مقابله با از خودبیگانگی است که یکی از معضلات اساسی جوامع روبه رشد و توسعه است. زنده نگه داشتن و توجه به میراث فرهنگی مستلزم شناخت و شناساندن این میراث گرانقدر به اعضای جامعه، به خصوص نسل جوان و نوجوان کشور است. مرمت و نگهداری آثار فرهنگی به جا مانده از تمدن‌ها می‌تواند افزون بر تقویت هویت ملی و فرهنگی اعضای جامعه ضامن بقای فرهنگ ایرانی برای نسل‌های کنونی و آینده باشد.

همچنین با سیاست‌گذاری و برنامه ریزی صحیح می‌توان شرایط جذب گردشگر داخلی و خارجی را فراهم کرد که عامل مؤثری در توسعه فرهنگی و اقتصادی کشور است.

توسعه و گسترش موزه‌ها و همکاری همه جانبه علمی، فرهنگی و صنعتی در جهت دستیابی به اهداف فرهنگی از طریق هماهنگ ساختن اقدامات بین‌المللی و تدوین برنامه‌هایی مؤثر است که دارای خطوط اساسی همکاری مشترک و دو جانبه میان مردم و موزه‌ها در سطح جهانی باشد.

بر همین اساس، در قطعنامه شماره پنج دوازدهمین مجمع عمومی کمیته بین‌المللی موزه‌ها ایکوم (ICOM) که در ۲۸ مه ۱۹۷۷ میلادی در مسکو برپا شد، ۱۸ مه (۲۸ اردیبهشت) به عنوان روز جهانی موزه و میراث فرهنگی اعلام شد و از آن سال در این روز در همه کشورهای عضو، مراسمی برگزار می‌شود. برای بررسی بیشتر این امر به گفتگو با دکتر لیلا خسروی، مدیرکل اداره کل موزه‌ها معاونت میراث فرهنگی پرداخته ایم که در ذیل آمده است.

موزه‌های بین‌المللی در قالب شبکه موزه‌های سبز از دیگر اقدامات کلیدی محسوب می‌شود.

موزه‌ها چگونه می‌توانند با جوامع محلی همکاری کنند تا توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار را در مناطق کمتر توسعه یافته ترویج دهند؟

موزه‌ها به‌عنوان کانون‌های فرهنگی محلی، ظرفیت بسیار بالایی برای توانمندسازی جوامع دارند. ما از طریق ایجاد «موزه‌های جامعه‌محور» و جذب مشارکت‌های مردمی، کارآفرینی فرهنگی را در اولویت قرار داده‌ایم. توسعه موزه‌ها در مقیاس منطقه‌ای و استانی با اولویت مناطق کمتر برخوردار از جمله اهداف ما در سال‌های آینده است. ایجاد موزه‌های مشارکتی، حمایت از موزه‌های خصوصی، و پیوند میان میراث فرهنگی و اقتصاد محلی از طریق صنایع دستی، گردشگری و کارآفرینی فرهنگی، از رویکردهای اصلی ما برای توانمندسازی جوامع محلی است.

با توجه به دیجیتالی شدن موزه‌ها، چه برنامه‌هایی برای ایجاد دسترسی عادلانه به منابع دیجیتال موزه‌ها برای اقشار مختلف جامعه دارید؟

پروژه «ایران موزه» به‌عنوان پلتفرم فراگیر ملی قرار است به اجرا درآید که هدف آن ایجاد دسترسی رایگان و گسترده به منابع دیجیتال موزه‌ها و سایت موزه‌های کشور ایران برای همه اقشار جامعه است.

این پلتفرم با هدف برقراری عدالت فرهنگی دیجیتال طراحی شده و به‌ویژه برای علاقمندان، دانش‌آموزان، پژوهشگران و غیره، امکان بهره‌گیری رایگان و هدفمند از محتوای آموزشی و فرهنگی را فراهم می‌آورد.

چرا میراث فرهنگی از اهمیت وافری برای کشورمان برخوردار است؟

زینب صفری خبرنگار

از سوی دیگر میراث فرهنگی، ذخیره‌ای از دانش، هنر و تجربه‌های گذشتگان است که می‌تواند الهام‌بخش فناوری‌ها و روش‌های نوین باشد. احیای صنایع دستی یا سبک‌های معماری سنتی نمونه‌ای از این انتقال دانش است. بنابراین می‌توان گفت کشورهایی که ارزش میراث فرهنگی خود را می‌دانند، می‌توانند از این منابع به‌عنوان ابزاری برای

کارشناسان و فعالان این حوزه معتقدند که ارزشمند دانستن میراث فرهنگی در نزد هر ملتی می‌تواند زمینه ساز توسعه اقتصادی شود به طوری که بناها و محوطه‌های تاریخی و همچنین صنایع دستی محلی، فرصت‌های شغلی برای مردم محلی ایجاد می‌کنند. همچنین، گردشگری فرهنگی موجب ورود ارز به کشور و رونق اقتصادی می‌شود.

میراث فرهنگی یکی از مهم‌ترین دارایی‌های معنوی هر کشور است که نه تنها به حفظ هویت و اصالت یک ملت کمک می‌کند، بلکه نقش بی‌بدیلی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کند.

در این خصوص بد نیست بدانیم که میراث فرهنگی شامل آثار، بناها، صنایع دستی، سنت‌ها، زبان‌ها، موسیقی، آداب و رسوم و تمام مواردی است که از نسل‌های گذشته به جا مانده و نشان‌دهنده تاریخ، هنر، و هویت هر جامعه است. این میراث به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

- ۱- میراث فرهنگی ملموس: آثار و بناهای تاریخی، معماری، مجسمه‌ها و صنایع دستی.
- ۲- میراث فرهنگی ناملموس: موسیقی سنتی، آیین‌ها، زبان‌ها، داستان‌ها و دیگر نمادهای هویتی.

از این رو می‌توان گفت میراث فرهنگی برای کشورمان از اهمیت وافری برخوردار است به طوری که از طرفی میراث فرهنگی به‌عنوان حافظ هویت یک ملت، نقش اساسی در شناخت و تعریف فرهنگ، تاریخ و پیشینه مردم دارد. با حفاظت از این میراث، نسل‌های آینده می‌توانند با ریشه‌های خود ارتباط برقرار کنند و از تاریخ غنی سرزمین‌شان الهام بگیرند. از طرف دیگر به نظر می‌رسد میراث فرهنگی به تقویت وحدت اجتماعی منجر شود به طوری که با اشتراک‌گذاری مشترکات فرهنگی، ملت‌ها به یکپارچگی و وحدت دست پیدا می‌کنند. مراسم‌ها و سنت‌های مشترک، هم‌بستگی اجتماعی را تقویت کرده و احساس تعلق به جامعه را افزایش می‌دهد.

همچنین ذکر این نکته خالی از لطف نیست که میراث فرهنگی، جاذبه‌هایی را به وجود می‌آورد که موجب توسعه گردشگری و افزایش درآمدهای اقتصادی می‌شود چون تجربه ثابت کرده است که گردشگران داخلی و خارجی به بازدید از سایت‌های تاریخی، موزه‌ها، صنایع دستی و مراسم‌های سنتی علاقه‌مند هستند.



با همه این اوصاف به نظر می‌رسد میراث فرهنگی به‌عنوان پلی میان گذشته، حال و آینده، اهمیت فراوانی در حفظ هویت ملی، تقویت اقتصاد و ارتقای فرهنگ عمومی دارد.

در نتیجه حفاظت از آن یک وظیفه همگانی است که نیازمند مشارکت مردم، مسئولین و همکاری‌های بین‌المللی است. با تلاش در این مسیر، می‌توان میراث غنی کشور را به یادگار برای نسل‌های آینده حفظ کرد و از آن برای پیشرفت بهره برد که این امر طبیعتاً با ایجاد برنامه‌های آموزشی در مدارس برای آشنایی نسل جوان با میراث فرهنگی کشور، تشویق گردشگری داخلی و بین‌المللی و برگزاری جشنواره‌های فرهنگی می‌تواند گام‌های موثری در این زمینه باشد.

سنت‌ها و جایگزینی معماری و فرهنگ مدرن.

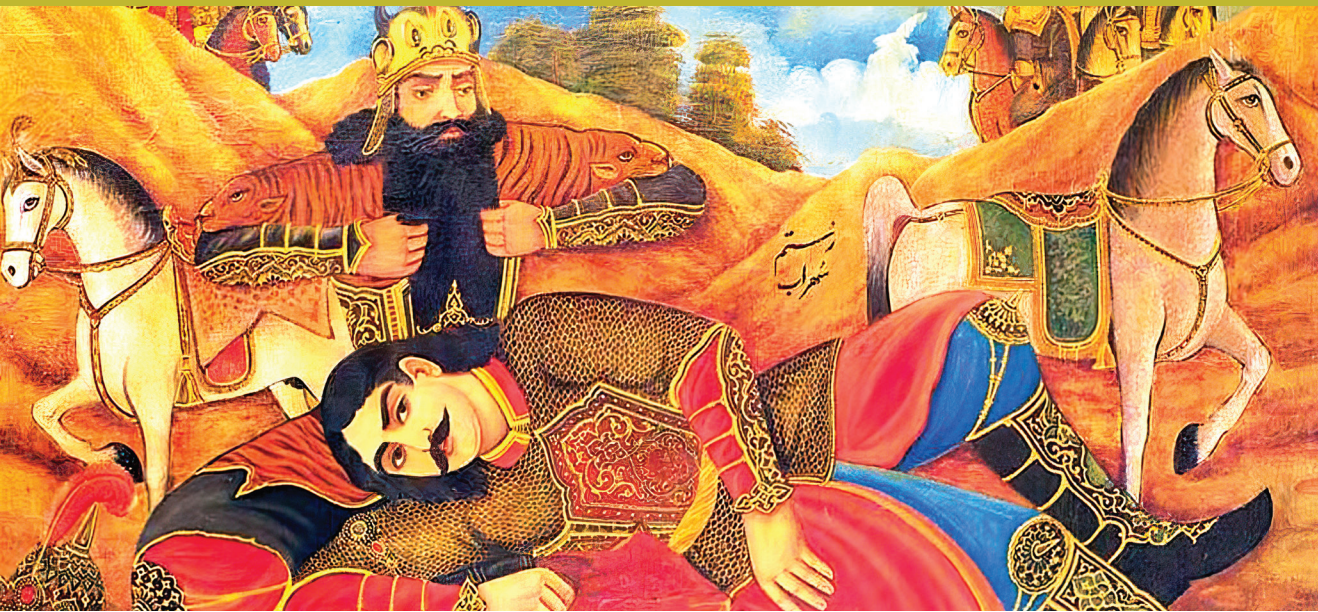
از همین رو کارشناسان معتقدند برای تقویت و حفاظت از میراث فرهنگی باید اقدامات زیادی توسط مسئولین و مردم صورت گیرد که این اقدامات شامل موارد زیر است:

- ۱- آموزش عمومی: ایجاد آگاهی در جامعه درباره اهمیت میراث فرهنگی.
- ۲- سرمایه‌گذاری دولتی: تأمین بودجه برای مرمت و حفظ سایت‌های تاریخی.
- ۳- همکاری بین‌المللی: کسب حمایت از سازمان‌های بین‌المللی نظیر یونسکو.
- ۴- تشویق مشارکت مردمی: ایجاد برنامه‌هایی برای مشارکت جوامع محلی.
- ۵- ارتقای گردشگری پایدار: تشویق به بازدید از میراث فرهنگی همراه با حفاظت از آن.

دیپلماسی فرهنگی استفاده کنند. شرکت در رویدادهای فرهنگی بین‌المللی و معرفی میراث فرهنگی، فرصت تعاملات فرهنگی میان ملت‌ها را افزایش می‌دهد. این در حالی است که حفاظت از میراث فرهنگی با چالش‌های زیادی روبروست که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- تخریب تدریجی: فرسودگی فیزیکی آثار به دلیل گذر زمان، آلودگی و تغییرات اقلیمی.
- ۲- تهدیدهای انسانی: ساخت‌وسازهای غیرمجاز، حفاری‌های غیرقانونی و سرقت آثار.
- ۳- کمبود بودجه: عدم سرمایه‌گذاری کافی برای مرمت و حفاظت از آثار.
- ۴- مدرن‌سازی افراطی: غفلت از حفظ





در باب اهمیت میراث ناملموس فرهنگی

همچنین ارتقای آگاهی عمومی نسبت به اهمیت میراث تاریخی موجب تشویق شهروندان به مراقبت از این دارایی‌ها می‌شود.

نمونه‌های عملی موفق

در سطح جهانی و منطقه‌ای، شهرهای متعددی موفق به ایجاد تعادل میان حفاظت از میراث فرهنگی و توسعه شهری شده‌اند. این نمونه‌ها می‌توانند الگوی مناسبی برای سایر شهرها باشند:

شهر پراگ، جمهوری چک: از طریق سیاست‌های حفاظت سختگیرانه، حفظ بافت تاریخی و تبدیل بناهای قدیمی به مراکز فرهنگی، هم میراث خود را حفظ کرده و هم گردشگری و اقتصاد شهری را رونق بخشیده است.

کیوتو، ژاپن: کیوتو به عنوان مرکز فرهنگی و تاریخی ژاپن، با ایجاد قوانین محافظتی و برنامه‌ریزی ویژه برای مدیریت توسعه شهری موفق شده تا سنت‌ها و بناهای تاریخی خود را حفظ کند، در حالی که از فناوری‌های نوین در بازسازی بهره می‌برد.

اصفهان، ایران: شهری با میراث غنی معماری اسلامی که با پروژه‌های بازسازی میدان نقش جهان و ساماندهی بافت تاریخی، تلاش کرده است تا میراث فرهنگی را دربرداشته و همزمان پاسخگوی نیازهای شهری جدید باشد.

پیشنهادهای اجرایی برای همزیستی پایدار میراث فرهنگی و توسعه شهری
کارشناسان حوزه میراث فرهنگی و توسعه

ساخت پروژه‌های مدرن و بلندمرتبه صورت می‌گیرد که این امر به از دست رفتن بخش مهمی از هویت فرهنگی شهر منجر می‌شود. همچنین، تغییر کاربری ناگهانی و نادرست میراث فرهنگی می‌تواند ارزش و ماهیت آن را خدشه‌دار کند. بی‌توجهی و عدم مراقبت مناسب نیز منجر به تخریب تدریجی این موارث شده و میراث فرهنگی را در معرض نابودی قرار می‌دهد.

برای ایجاد تعادل بین میراث فرهنگی و توسعه شهری، برنامه‌ریزی مدبرانه و حساس به فرهنگ ضرورت دارد. توسعه باید به گونه‌ای مدیریت شود که ضمن پاسخگویی به نیازهای امروز، هویت تاریخی شهر حفظ گردد.

استفاده از راهکارهایی مانند مرمت و احیای بناهای تاریخی، تبدیل آن‌ها به فضاهای فرهنگی و گردشگری، تشویق به استفاده پایدار و محافظت از بافت‌های تاریخی می‌تواند این هدف را محقق سازد. همچنین، فرآیند تصمیم‌گیری توسعه شهری باید با مشارکت مردم محلی، صاحب‌نظران میراث فرهنگی و شهروندان انجام شود تا نگرانی‌ها و ارزش‌ها لحاظ گردد.

گذشته از بعد فرهنگی، میراث فرهنگی می‌تواند به توسعه پایدار شهری کمک کند. حفظ بناهای موجود و استفاده مجدد از آن‌ها به جای ساخت سازه‌های جدید، مصرف منابع و انرژی را کاهش می‌دهد و از لحاظ زیست‌محیطی نیز مطلوب‌تر است.

میراث فرهنگی و توسعه شهری دو عامل حیاتی در شکل‌دهی به سیمای شهرها و هویت جوامع شهری هستند. میراث فرهنگی، شامل بناها، آثار تاریخی، سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی یک شهر است که نشان‌دهنده تاریخ، فرهنگ و تمدن مردم آن منطقه است.

توسعه شهری نیز فرآیند رشد و تکامل فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی شهرهاست که با هدف بهبود شرایط زندگی و پاسخ به نیازهای جمعیت در حال افزایش انجام می‌شود. اما رابطه میان میراث فرهنگی و توسعه شهری پیچیده و حساس است و نیازمند موازنه‌ای دقیق است. از یک‌سو، میراث فرهنگی می‌تواند به شهر هویت ویژه‌ای بخشد و براساس آن، جذابیت، خاص بودن و تمایز شهری شکل بگیرد. این امر نه تنها موجب افزایش ارزش تاریخی و فرهنگی شهر می‌شود، بلکه امکانات اشتغال، گردشگری و فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با حفظ و احیای آن را نیز فراهم می‌آورد. به این ترتیب، میراث فرهنگی ابزاری قدرتمند برای پایداری اقتصادی و اجتماعی شهرها به شمار می‌آید.

از سوی دیگر، توسعه شهری فشارهای عظیمی روی میراث فرهنگی وارد می‌کند. رشد سریع جمعیت، نیاز به مسکن، زیرساخت‌های جدید و فضاهای عمومی باعث می‌شود که بافت‌ها و آثار تاریخی از میان بروند یا دچار آسیب جدی شوند. گاهی تخریب بناهای تاریخی برای

بناهای تاریخی که هم ارزش‌های فرهنگی را حفظ کند و هم از نظر اقتصادی پشتیبان باشد (مثلاً استفاده از بناهای قدیمی به عنوان موزه، مرکز فرهنگی، کافه‌های هنری و غیره).

ارزیابی‌های زیست‌محیطی و فرهنگی: انجام بررسی‌های جامع قبل از اجرای پروژه‌های توسعه‌ای برای تضمین این که توسعه موجب آسیب به میراث فرهنگی و محیط زیست شهری نشود.

در نهایت، حفاظت از میراث فرهنگی در فرآیند توسعه شهری نه تنها یک ضرورت فرهنگی است، بلکه اقدامی مؤثر برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی پایدار است. بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند پیامدهای طولانی‌مدت و جبران‌ناپذیری برای هویت و کیفیت زندگی شهرها به همراه داشته باشد.

بنابراین، شهرها باید برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای خود را با احترام به میراث فرهنگی، به منظور ایجاد فضایی زنده، تاریخی و پایدار همراه سازند.

شهری، رسانه‌ها، رویدادهای فرهنگی و همکاری با سازمان‌های مردمی، حساسیت و علاقه عمومی نسبت به میراث فرهنگی افزایش یابد.

مشارکت جامعه و ذینفعان: ایجاد فرصت‌های مشارکت واقعی برای شهروندان، نهادهای فرهنگی و کارشناسان در فرآیند تصمیم‌گیری مرتبط با توسعه شهری و حفاظت میراث.

توسعه گردشگری پایدار: طراحی برنامه‌های گردشگری که موجب استفاده بهینه و حفاظت از میراث فرهنگی شده و از آسیب‌های ناشی از گردشگری انبوه محافظت نماید.

استفاده از فناوری‌های نوین: بهره‌گیری از فناوری‌هایی مانند مدل‌سازی سه‌بعدی، نقشه‌برداری دقیق، واقعیت مجازی و سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی برای مستندسازی، مدیریت و تسهیل حفاظت از میراث فرهنگی.

تطبیق کاربری‌ها با ماهیت تاریخی: یافتن و توسعه کاربری‌های جدید برای

شهری راهکارهای زیادی را برای تحقق تعادل میان حفاظت از میراث فرهنگی و توسعه شهری توصیه کرده‌اند که به شرح زیر می‌باشد.

یکپارچه‌سازی میراث فرهنگی در برنامه‌ریزی شهری: باید در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه شهری، مسائل مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی به صورت یکپارچه و اعم از فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی لحاظ شود.

ایجاد قوانین و مقررات حمایتی کارآمد: تدوین و تقویت قوانین حفاظت از بناها و بافت‌های تاریخی به نحوی که تخریب، تغییرات نامناسب و بی‌توجهی به میراث، محدود یا ممنوع گردد.

تشویق به مرمت و احیا: ارائه تسهیلات مالی، معافیت‌های مالیاتی و حمایت‌های فنی برای مالکان بناهای تاریخی به منظور ترغیب آن‌ها به مرمت و حفظ آثار.

ترویج فرهنگ حفاظت و آگاهی‌سازی عمومی: از طریق آموزش‌های



سرپرست مرکز مطالعات میراث ناملموس تاکید کرد؛

فناوری‌های دیجیتال، ابزاری برای بقا و اشاعه میراث فرهنگی ناملموس

نهادهای حافظه، و نخبگان محلی، اساس موفقیت و مشروعیت فرایندهای اجرایی بوده است.

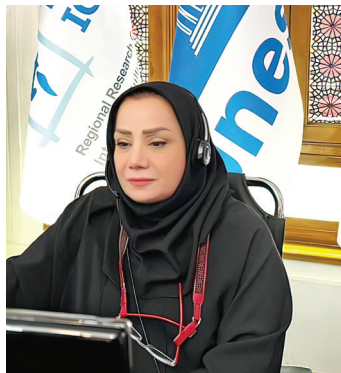
چگونه می‌توان از ظرفیت میراث ناملموس برای تقویت انسجام اجتماعی و گفت‌وگوی بین فرهنگی در جوامع متنوع ایران استفاده کرد؟

میراث فرهنگی ناملموس، در قالب آیین‌ها، مهارت‌ها، زبان‌ها، موسیقی، خوراک، قصه‌ها و نمادهای زیسته، نه تنها هویت فردی و جمعی را صورت‌بندی می‌کند، بلکه در نقش بستری مشترک برای گفت‌وگوی اجتماعی و همزیستی فرهنگی عمل می‌نماید. این میراث، برخلاف سازه‌های صلب فرهنگی، به واسطه ماهیت زنده و در حال تحولش، ظرفیتی بی‌بدیل برای تقویت پیوندهای میان فرهنگی، کاهش شکاف‌های اجتماعی و ترویج وفاق ملی فراهم می‌سازد.

مرکز منطقه‌ای میراث فرهنگی ناملموس تهران، با تکیه بر راهبرد مشارکت‌محور در تمامی برنامه‌های خود، کوشیده است تا میراث زنده را به عنوان زبان مشترک اقوام، اقلیت‌ها و جوامع متنوع ایران بازخوانی و بازتعریف نماید. این راهبرد، در عمل، از طریق ایجاد شبکه‌هایی از کنشگران بومی، تقویت نقش زنان روایت‌گر، حمایت از جوانان حامل میراث و ظرفیت‌سازی برای سازمان‌های محلی محقق شده است.

ما باور داریم که گفت‌وگوی میان فرهنگی، زمانی اصیل و مؤثر خواهد بود که از دل تجربه‌های زیسته و ارزش‌های مشترک جوامع بجوشد. از این رو، مرکز در پروژه‌های منطقه‌ای خود، بر ایجاد فضاهای ایمن برای بیان فرهنگی و بسترسازی برای هم‌آفرینی محتوای فرهنگی میان گروه‌های اجتماعی گوناگون تأکید دارد. نمونه‌هایی چون برنامه‌های «قصه‌خوانی آیینی»، «کارگاه‌های بین‌نسلی» و «بازنمایی سنت‌های اقوام در بستر معاصر» تنها بخشی از این تلاش‌ها هستند.

در این میان، رسانه‌های اجتماعی، هنرهای معاصر، و فناوری‌های تعاملی نیز در خدمت این چشم‌انداز قرار گرفته‌اند.



در پاسخ به روند نگران‌کننده جهانی‌سازی فرهنگی و همسان‌سازی شیوه‌های زیست، مرکز تلاش کرده است با بازخوانی و بازآفرینی نظام‌های دانشی بومی—مانند طب سنتی، معماری اقلیمی، سامانه‌های آبیاری نظیر قنات، آیین‌های زیست‌سازگار با اقلیم، و ساختارهای سنتی سکونت و معیشت—الگوهای توسعه‌پذیر مبتنی بر میراث زنده را شناسایی و ترویج نماید.

این برنامه‌ها صرفاً جنبه حفاظت منفعل ندارند، بلکه با نگاه به کاربست دانش‌های سنتی در حکمرانی فرهنگی، مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی و ترویج توسعه پایدار، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که میراث، خود به کنشگر توسعه بدل گردد. ما تلاش می‌کنیم تا میراث فرهنگی ناملموس، نه در حافظه موزه‌ها، بلکه در قلب زندگی امروزین جوامع بدرخشد؛ در تصمیم‌سازی‌های محلی، در سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای و در مسیر جهانی شدن فرهنگ‌های اصیل.

از جمله اقدامات شاخص مرکز در این زمینه می‌توان به تهیه مجموعه‌ای از پروژه‌های منطقه‌ای با موضوع میراث زنده و تاب‌آوری اقلیمی، طراحی کارگاه‌های تخصصی در حوزه انتقال دانش‌های بومی در مواجهه با بحران آب و تدوین مدل‌های بومی توسعه پایدار فرهنگی در مناطق عشایری و روستایی اشاره کرد. در تمام این اقدامات، مشارکت فعال جوامع حامل،

میراث ناملموس فرهنگی، گنجینه‌ای زنده از آداب، رسوم، مهارت‌ها و هنرهایی است که سینه به سینه منتقل شده و هویت یک ملت را شکل می‌دهد. این میراث، شامل قصه‌ها، موسیقی، آیین‌ها، غذاها و صنایع دستی است که نه تنها گذشته را به یاد می‌آورند، بلکه راهنمای زندگی امروز و فردای ما هستند. حفظ این گنجینه، پاسداشت هویت و تداوم فرهنگ ماست. با این بهانه و برای بررسی بیشتر موضوع به سراغ آتوسا مومنی، سرپرست مرکز مطالعات میراث ناملموس آمده ایم تا از وی جویا شویم.

با توجه به اهمیت میراث ناملموس به عنوان «میراث زنده»، مرکز میراث ناملموس چه برنامه‌های کلانی برای حفظ و ترویج سنت‌ها و دانش بومی ایران در برابر چالش‌های جهانی‌سازی و مدرنیزاسیون دارد؟

میراث فرهنگی ناملموس در چشم‌انداز یونسکو، نه مجموعه‌ای از آیین‌های ایستا، بلکه سامانه‌ای زنده از معنا، مهارت، تجربه و حکمت زیسته جوامع انسانی است که در پیوند با طبیعت، تاریخ و مناسبات اجتماعی شکل گرفته و تداوم یافته است. این میراث، واجد دو ویژگی بنیادین است: پویایی در انتقال بین‌نسلی، و قدرت در بازآفرینی هویت فرهنگی در دل دگرگونی‌های جهانی.

مرکز منطقه‌ای پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس در آسیای غربی و مرکزی، تحت نظارت یونسکو، با الهام از اصول و راهبردهای مندرج در کنوانسیون ۲۰۰۳، مأموریت خود را در قالب چهار محور کلان تعریف کرده است:

- ۱) آگاهی‌بخشی و ترویج
- ۲) ظرفیت‌سازی و آموزش
- ۳) شبکه‌سازی و تبادل تجربیات و
- ۴) رصد و مستندسازی اقدامات احیایرانه موفق.

این چهار محور به مثابه ستون‌های یک برنامه منسجم، چشم‌انداز مرکز را در مواجهه با چالش‌های جهانی‌سازی و روندهای پرشتاب مدرنیزاسیون شکل می‌دهند.



برنامه‌های جانبی اجلاس جهانی ثبت میراث ناملموس کشورها از سوی کمیته بین‌الدول، منتشر و رونمایی شد و به‌عنوان سندی برای شبکه‌سازی منطقه‌ای، مورد استقبال نهادهای عضو قرار گرفت.

در این پروژه، نمونه‌هایی چون:

- سامانه‌های سنتی بهره‌برداری از آب در ایران (مانند قنات)

- آیین‌های کشاورزی مبتنی بر چرخه‌های طبیعی و تقویم‌های خورشیدی و زیستی

- فنون سازه‌ای مقاوم در برابر تغییرات دمایی و اقلیمی

- طب سنتی مبتنی بر زیست‌بوم و گیاهان دارویی

مورد تحلیل و ترویج قرار گرفت.

در نگاه مرکز، این دانش‌های بومی، نه فقط شواهدی از گذشته، بلکه راه‌حل‌هایی برای آینده‌اند. از همین‌رو، ما در حال تدوین راهبردهای آموزشی و سیاست‌گذاری فرهنگی هستیم که این دانش‌ها را وارد فرآیندهای توسعه ملی، مدیریت بحران آب، احیای سکونتگاه‌های سنتی و تقویت معیشت‌های پایدار بومی نماید.

افزون بر این، مرکز با بهره‌گیری از ظرفیت رویدادها، نشست‌های بین‌المللی و کارگاه‌های منطقه‌ای، در حال گسترش گفتمان جدیدی است که در آن «میراث ناملموس»، نه فقط به‌مثابه موضوع حفاظت، بلکه به‌عنوان «ابزار اقدام اقلیمی» شناخته شود—مطابق با اهداف کنوانسیون ۲۰۰۳ و همسو با SDG ۱۳ (اقدام اقلیمی).

این الگو، می‌تواند به الگویی جهانی تبدیل شود: جایی که دانش سنتی، در پیوندی خلاقانه با سیاست‌گذاری نوین و فناوری‌های همدل، زمینه‌ساز آینده‌ای باثبات، بومی‌محور، و زیست‌پایدار برای جوامع در معرض تهدید اقلیمی باشد.

چه همکاری‌هایی با کنوانسیون ۲۰۰۳

یونسکو برای حفاظت از میراث ناملموس

در راستای ثبت جهانی و معرفی میراث ایران انجام شده یا در حال برنامه‌ریزی است؟

فرآیند ثبت جهانی عناصر میراث فرهنگی ناملموس در فهرست‌های یونسکو، تنها یک هدف نمادین نیست؛ بلکه ابزاری است برای تقویت مشارکت اجتماعی، توسعه سیاست‌های حمایتی و جهانی‌سازی صدای فرهنگ‌های محلی. اگرچه موضوع ثبت بر عهده بخشهای دولتی کشورهای عضو کنوانسیون ۲۰۰۳ می‌باشد و مرکز ما می‌تواند در ایجاد ارتباط لازم و ظرفیت‌سازی در احصای اشتراکات فرهنگی کشورهای عضو خود و ایجاد

جوان برقرار کند. هدف آن است که محتوای میراث مستند، نه فقط در قالب پرونده‌های ذخیره‌شده، بلکه به‌شکل تجربه‌زیسته از طریق بسترهای دیجیتال در اختیار جوانان قرار گیرد و خود آنان به واسطه رسانه‌های هوشمند، مروج و روایت‌گر این دانش‌ها گردند.

پلتفرم‌های دیجیتال تعاملی، پادکست‌های فرهنگی، روایت‌های چندرسانه‌ای از آیین‌ها، و آموزش‌های بومی در قالب‌های نوین، بخشی از بسته‌های انتقال بین‌نسلی میراث در نگاه مرکز هستند. این فعالیت‌ها در مناطق روستایی، با همکاری انجمن‌های محلی و سازمان‌های مردمی، با تأکید بر زبان بومی، رویکرد معیشت‌محور و فضای فرهنگی مختص به هر منطقه طراحی می‌شوند.

مرکز میراث ناملموس تهران باور دارد که جوانان، تنها مخاطب میراث نیستند، بلکه خالقان روایت‌های نوین آن‌اند؛ آنان وارثان آینده‌اند و اگر اکنون در جریان حافظه فرهنگی قرار نگیرند، هیچ پروژه‌ای در آینده نمی‌تواند آن حافظه را بازیابی کند.

با توجه به تأثیرات تغییرات اقلیمی بر

جوامع بومی و دانش سنتی آن‌ها، چگونه

می‌توان از میراث ناملموس برای ترویج

پایداری زیست‌محیطی بهره برد؟

تغییرات اقلیمی، یکی از جدی‌ترین چالش‌های بشری در قرن حاضر است که نه تنها اکوسیستم‌های طبیعی، بلکه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جوامع را نیز تهدید می‌کند. اما در دل همین تهدید، میراث فرهنگی ناملموس، با ریشه‌های ژرف در خرد زیسته و تجربه‌های بومی، ظرفیت‌هایی بی‌بدیل برای تاب‌آوری، سازگاری و بازیابی فرهنگی فراهم می‌سازد. این میراث، گنجینه‌ای از شیوه‌های زیست، تقویم‌های اقلیمی، مدیریت سنتی منابع طبیعی، آیین‌های مرتبط با زمین و معماری سازگار با اقلیم را در خود نهفته دارد که می‌تواند در خط مقدم دفاع فرهنگی در برابر بحران اقلیم قرار گیرد.

مرکز میراث ناملموس تهران، در راستای مأموریت منطقه‌ای خود، طی سال گذشته با همکاری مرکز بین‌المللی ICHCAP (کره جنوبی)، پروژه‌ای منطقه‌ای با موضوع «میراث ناملموس و تغییرات اقلیمی» را به انجام رساند. این پروژه با مشارکت کشورهای ایران، ترکیه، قزاقستان، تاجیکستان، ارمنستان، افغانستان، کره جنوبی، اندونزی، ژاپن و دیگر کشورها، به گردآوری و تحلیل تجربیات موفق جوامع بومی در مواجهه با بحران‌های اقلیمی از طریق دانش‌های سنتی پرداخت. نتیجه این پژوهش‌ها، در قالب کتابی مرجع در سال ۲۰۲۴ در کشور پاراگوئه در یکی از

ما از طریق طراحی پلتفرم‌های دیجیتال بومی، تولید محتوای چندرسانه‌ای و ایجاد فرصت‌هایی برای ارتباط مستقیم میان فرهنگ‌های محلی، به تقویت سرمایه فرهنگی اجتماعی و پرورش حس همبستگی ملی پرداخته‌ایم.

از منظر مرکز، میراث ناملموس تنها حافظ گذشته نیست، بلکه پلی ارتباطی برای ساخت آینده‌ای یکپارچه و چندصدایی است. میراث زنده، با قدرت بیانی لطیف، می‌تواند زبان التیام در شرایط بحران، زبان تفاهم در بستر تنوع و زبان همدلی در مواجهه با تهدیدات اجتماعی باشد.

چه اقداماتی برای مستندسازی و انتقال

میراث ناملموس به نسل‌های جوان، به‌ویژه

در مناطق روستایی و عشایری، در دستور کار قرار دارد؟

انتقال میان‌نسلی، رکن حیاتی پویایی و بقا میراث ناملموس است. اگر دانش سنتی، مهارتی بومی یا آیینی فرهنگی در حافظه نسل جدید تثبیت نشود، آن عنصر—even if formally documented—در نهایت به حافظه‌ای بی‌روح بدل می‌شود. مرکز منطقه‌ای تهران، با درک ژرف این مسئله، تمرکز ویژه‌ای بر پیوند میان جوانان و حاملان زنده میراث نهاده و آن را به عنوان یک اولویت راهبردی در تمامی پروژه‌های خود لحاظ کرده است.

از مهم‌ترین و الهام‌بخش‌ترین اقدامات مرکز در این راستا، پروژه بین‌المللی «توانمندسازی زنان عشایر با تکیه بر میراث فرهنگی ناملموس» است که در تیرماه ۱۴۰۴، با مشارکت نمایندگان ۲۰ کشور عضو مرکز و با حضور کارشناسان برجسته منطقه‌ای و بین‌المللی برگزار می‌شود. این پروژه، نه فقط یک رویداد آموزشی، بلکه بستری برای بازنمایی نقش محوری زنان در نظام دانش سنتی کوچ‌نشینی، حفظ مهارت‌های زایشی و انتقال مهارت‌ها به دختران نسل جدید است.

برنامه چهارروزه این پروژه شامل نشست تخصصی ملی با حضور کوچ‌پژوهان ایرانی، میزگردهای منطقه‌ای با ارائه تجارب موفق از سراسر آسیا، و بازدیدهای میدانی از زندگی عشایری در ایران است. این ترکیب محتوایی—علمی، میدانی، مقایسه‌ای زمینه‌ای منحصر به فرد برای بازآموزی نقش انتقال دانش در نظام‌های بومی فراهم می‌سازد. علاوه بر این برنامه، مرکز با ابتکار طرحی نوآورانه به نام «نقش جوانان در نهادهای حافظه»، تلاش کرده تا پیوندی مؤثر میان آرشیوهای زنده، کتابخانه‌های فرهنگی، موزه‌ها و مراکز اسناد با نسل

پیوند و تحقیق آنها در پروسه های قانونی، نقش آفرینی نماید. مرکز میراث ناملموس تهران، به عنوان یکی از بازوان رسمی کنوانسیون ۲۰۰۳ در منطقه آسیای غربی و مرکزی، مفتخر است که نقش فعالی در حمایت، تسهیل و ظرفیت سازی برای کشورها، به ویژه جمهوری اسلامی ایران، در این مسیر ایفا نماید.

از منظر مراکز مقوله دوم، ثبت جهانی زمانی اثربخش و مشروع خواهد بود که از دل همکاری های فراملی، مشارکت واقعی جوامع محلی و مستندسازی چندلایه و معنا ساز بجوشد. بر همین اساس، ما در طی سال های گذشته سه رویکرد کلیدی را در همکاری با دبیرخانه کنوانسیون در پاریس دنبال کرده ایم:

۱- برگزاری کارگاه های ظرفیت سازی در تسهیل فرآیندهای تدوین و مستندسازی پرونده ها: مرکز با ارائه مشاوره های فنی، طراحی کارگاه های آموزشی برای کارشناسان داخلی و بررسی تطبیقی با پرونده های موفق جهانی، زمینه تهیه پرونده هایی چون نوروز، نقالی، هنر ساخت و نواختن عود و دانش ساخت لنج را تقویت کرده است. در این مسیر، مرکز نقش تسهیل گرمیان نهاد های ملی و دبیرخانه یونسکو را بر عهده دارد.

۲- حمایت از پرونده های چند ملیتی و منطقه ای: مرکز در فرآیند ایجاد پرونده های مشارکتی، مانند نوروز، که امروز به الگویی موفق از دیپلماسی فرهنگی و وفای منطقه ای تبدیل شده، نقشی کلیدی ایفا کرده است. در حال حاضر نیز، در همکاری با کشورهای منطقه، پرونده هایی با موضوعات مرتبط با کوچ نشینی، موسیقی های آیینی و مهارت های مشترک تولید سنتی در دست طراحی و هماهنگی است.

۳- تقویت ظرفیت های محلی و بین المللی برای ثبت پایدار و مشارکتی: مرکز با اجرای کارگاه های آموزشی تخصصی برای کشورهایی چون عراق، ارمنستان، پاکستان و همچنین ایران، در حال انتقال دانش فنی لازم برای تدوین پرونده های کیفی و جامعه محور است. تمرکز ما بر آن است که ثبت، به جای یک پروژه تکنوکراتیک، به فرآیندی فرهنگ آفرین و وحدت بخش تبدیل شود.

در نهایت، ما ثبت جهانی را نه پایان مسیر، بلکه آغازی دوباره برای احیای مشارکت اجتماعی، افزایش حس تعلق فرهنگی و بازشناسی جایگاه ایران در تمدن فرهنگی جهانی می دانیم. در نگاه ما، هر پرونده ثبت شده، پرچمی است از دیپلماسی مهر، دانایی و تنوع در جهانی

که بیش از هر زمان، به گفت و گوی میان فرهنگ ها نیاز دارد.

چگونه می توان از فناوری های دیجیتال برای حفظ و دسترسی پذیری جهانی میراث ناملموس استفاده کرد؟

فناوری های نوین دیجیتال، به ویژه در دهه اخیر، از ابزاری مکمل به بستری حیاتی برای بقاء و اشاعه میراث فرهنگی ناملموس بدل شده اند. در جهانی که مرزهای فیزیکی، فاصله های جغرافیایی و محدودیت های زبانی به سرعت در حال محو شدن اند، دیجیتالی سازی میراث نه تنها راهی برای حفاظت، بلکه ضرورتی برای انتقال، دسترسی پذیری و مشارکت فراگیر فرهنگی است.

مرکز منطقه ای میراث فرهنگی ناملموس تهران، با نگاهی نوآورانه به این فرصت تاریخی، از فناوری های دیجیتال به عنوان ابزاری راهبردی در چهار حوزه بهره می برد: ۱- مستندسازی هوشمند و چند رسانه ای: از طریق استفاده از ابزارهای ویدئویی، گرافیک تعاملی، واقعیت افزوده (AR) و واقعیت مجازی (VR)، بسیاری از آیین ها، مهارت ها و سنت های زنده به شکلی روایت پذیر و جذاب برای نسل دیجیتال مستند شده اند. این روش ها نه فقط شکل روایت را تغییر داده اند، بلکه به خود جوامع امکان داده اند تا راوی میراث خویش باشند.

۲- طراحی پلتفرم های تعاملی منطقه ای: مرکز در حال توسعه یک پلتفرم دیجیتال منطقه ای است که امکان بارگذاری داده های میراث توسط نهادهای حافظه (موزه ها، آرشیوها، کتابخانه ها، انجمن های محلی) را فراهم می آورد. این پلتفرم، نه فقط یک مخزن داده، بلکه فضایی برای گفت و گو، تبادل تجربه، آموزش و شبکه سازی میان حاملان میراث است.

۳- هوش مصنوعی در تحلیل و طبقه بندی میراث: مرکز در حال مطالعه و بهره گیری از ظرفیت AI برای پردازش داده های میراث، شناسایی الگوهای فرهنگی و ارائه ابزارهای پیش بینی کننده در زمینه خطرات میراث است. این فناوری می تواند به پایش تهدیدات، تحلیل روندهای اجتماعی و حتی مستندسازی خودکار روایت های فرهنگی کمک کند.

۴- دسترسی پذیری چندزبانه و بین فرهنگی: فناوری دیجیتال، میراث را از انحصار جغرافیایی و زبانی آزاد کرده است. محتوای چندزبانه، ویدئوهای کوتاه، پادکست های محلی و شبکه های اجتماعی تخصصی در حوزه میراث، اکنون میراث زنده را به زبان جهانی نزدیک کرده اند. این

امر به ویژه برای جوانان، مهاجران و جوامع دیاسپورا نقش کلیدی دارد.

مرکز منطقه ای تهران معتقد است که در عصر تحول دیجیتال، میراثی که روایت نشود، به زودی فراموش خواهد شد. از این رو، ما با تلفیق تکنولوژی و روایت بومی، نه فقط حافظ گذشته، بلکه خالق آینده ای مشارکتی، زیبا و هوشمندانه برای میراث زنده خواهیم بود.

از منظر یونسکو، چگونه می توان میراث ناملموس را به عنوان ابزاری برای توسعه پایدار و توانمندسازی جوامع محلی معرفی کرد؟

میراث فرهنگی ناملموس، در ادبیات یونسکو، نه صرفاً موضوع حفاظت، بلکه ابزاری قدرتمند برای دستیابی به توسعه پایدار، عدالت فرهنگی و توانمندسازی جوامع محلی است. کنوانسیون ۲۰۰۳ با تأکید بر «رویکرد جامعه محور» (community-based approach)، بر این اصل پای می فشارد که حاملان میراث، نه دریافت کننده خدمات، بلکه بازیگران اصلی توسعه اند—توسعه ای که از دل فرهنگ برمی خیزد و با ارزش های بومی، خرد زیسته و نیازهای واقعی جامعه شکل می گیرد.

مرکز منطقه ای تهران، با تکیه بر همین فلسفه، مجموعه ای از برنامه ها و پروژه های خود را با هدف توانمندسازی جوامع محلی، به ویژه در مناطق روستایی و عشایری، طراحی و اجرا کرده است. مهم ترین نمونه آن، پروژه بین المللی توانمندسازی زنان عشایر بر پایه میراث ناملموس است. این پروژه، نه فقط در پی حفظ مهارت های سنتی، بلکه در تلاش برای ایجاد پیوندی میان این مهارت ها و اقتصاد معیشتی، برندینگ فرهنگی، آموزش پایدار و خودباوری اجتماعی است. در این طرح، زنان عشایر نه فقط به عنوان حافظان سنت، بلکه به عنوان کارآفرینان فرهنگی، تسهیل گران اجتماعی و معماران تاب آوری جوامع معرفی می شوند. روایت های آنان، مهارت های تولیدی شان و شیوه های خاص تعامل شان با طبیعت، به عنوان دارایی هایی زنده و قابل سرمایه گذاری فرهنگی بازخوانی شده اند.

در حوزه آموزش، مرکز با طراحی و اجرای کارگاه های سالانه برای کشورهای همچون عراق، ارمنستان، پاکستان و ایران، به انتقال تجربیات منطقه ای در زمینه بهره برداری از ظرفیت های میراث ناملموس در توسعه اجتماعی و زیست پایدار پرداخته است. این کارگاه ها با تأکید بر نقش میراث در اشتغال زایی، کاهش نابرابری ها، حفظ منابع زیست محیطی و تقویت





سرمایه اجتماعی، به ترویج نگاه نوینی به توسعه کمک کرده‌اند.

همچنین در اسناد راهبردی مرکز، میراث زنده در پیوند با اهداف توسعه پایدار (SDGs) تعریف شده است: از جمله اهدافی چون (محو فقر) و (عدالت جنسیتی) تا (شهرها و جوامع پایدار) و (اقدام اقلیمی). این پیوند مفهومی، افق تازه‌ای گشوده است که در آن، میراث فرهنگی ناملموس نه یک میراث گذشته، بلکه یکی از مؤلفه‌های اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی آینده تلقی می‌شود. مرکز بر این باور است که توسعه‌ای موفق و پایدار است که از متن فرهنگ برخیزد، به زبان مردم سخن بگوید و حافظ تنوع و کرامت انسانی باشد. میراث ناملموس، با تمام تنوع، رنگ، روایت، و حکمت خود، امروز بیش از هر زمان، می‌تواند پاسخی فرهنگی برای پرسش‌های توسعه‌ای ما باشد، پاسخی انسانی، بومی و فراگیر.

پژوهشگر و کارشناس میراث ناملموس تاکید کرد:

میراث ناملموس فرهنگی: گنجینه‌ای زنده و پویا



میراث ناملموس فرهنگی به تمام آن سنت‌ها، آداب و رسوم، دانش‌ها، مهارت‌ها و هنرهایی گفته می‌شود که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و هویت فرهنگی یک جامعه را شکل می‌دهند. این میراث، برخلاف میراث ملموس (مانند بناهای تاریخی یا اشیاء باستانی)، قابل لمس نیست، اما به همان اندازه ارزشمند و حیاتی است. میراث ناملموس فرهنگی، روح یک جامعه و ریشه هویت آن را تشکیل می‌دهد.

عناصر کلیدی میراث ناملموس فرهنگی:

میراث ناملموس فرهنگی شامل طیف گسترده‌ای از عناصر است که برخی از مهمترین آن‌ها عبارتند از: **سنت‌ها و آداب و رسوم:** مانند جشن‌ها، مراسم مذهبی، آیین‌های گذر (مانند عروسی و عزاداری) و شیوه‌های سنتی زندگی. **هنرهای نمایشی:** شامل موسیقی، رقص، تئاتر، داستان‌گویی و هنرهای رزمی.

دانش و مهارت‌های سنتی: مانند دانش مربوط به طبیعت و جهان، طب سنتی، فنون ساخت صنایع دستی و دانش مربوط به کشاورزی سنتی.

سنت‌های شفاهی و زبان: شامل داستان‌ها، افسانه‌ها، شعرها، لالایی‌ها، ضرب‌المثل‌ها و زبان‌های محلی.

آداب مربوط به خوراک: شامل آشپزی سنتی، روش‌های نگهداری غذا و آداب مربوط به صرف غذا.

اهمیت میراث ناملموس فرهنگی: حفظ و پاسداری از میراث ناملموس فرهنگی از جهات مختلفی حائز اهمیت است:

حفظ هویت فرهنگی: میراث ناملموس فرهنگی، ستون فقرات هویت فرهنگی یک جامعه است و ارتباط نسل‌ها را با گذشته‌شان حفظ می‌کند.

تقویت همبستگی اجتماعی: اشتراک در سنت‌ها و آداب و رسوم، حس تعلق و همبستگی را در میان اعضای یک جامعه تقویت می‌کند.

انتقال دانش و مهارت‌ها:

میراث ناملموس، بستر انتقال دانش و مهارت‌های سنتی از نسلی به نسل دیگر است که می‌تواند در حل چالش‌های امروز نیز راهگشا باشد. **تنوع فرهنگی:** میراث ناملموس فرهنگی، تنوع بی‌نظیر فرهنگ‌های جهان را منعکس می‌کند و به غنای بشری می‌افزاید.

توسعه پایدار: برخی از عناصر میراث ناملموس، مانند دانش سنتی در مورد استفاده پایدار از منابع طبیعی، می‌توانند در راستای توسعه پایدار به کار گرفته شوند.

اقتصاد خلاق: بسیاری از عناصر میراث ناملموس، مانند صنایع دستی و هنرهای نمایشی، می‌توانند منبع درآمد و اشتغال باشند.

تهدیدات علیه میراث ناملموس فرهنگی:

با وجود اهمیت فراوان، میراث ناملموس فرهنگی با تهدیدات جدی روبرو است، از جمله:

جهانی‌شدن و همسان‌سازی فرهنگی: گسترش فرهنگ‌های غالب و تأثیر رسانه‌های جمعی می‌تواند منجر به فراموشی و کم‌رنگ شدن سنت‌ها و آداب و رسوم محلی شود.

شهرنشینی و تغییر سبک زندگی: مهاجرت از روستاها به شهرها و تغییر سبک زندگی می‌تواند باعث قطع

ارتباط با دانش و مهارت‌های سنتی شود.

عدم انتقال دانش به نسل جوان: اگر دانش و مهارت‌های سنتی به درستی به نسل جوان منتقل نشوند، در خطر انقراض قرار می‌گیرند.

تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی: این عوامل می‌توانند باعث از بین رفتن جوامع حامل میراث ناملموس و به تبع آن، خود میراث شوند.

توسعه نامتوازن: پروژه‌های توسعه‌ای که به بافت اجتماعی و فرهنگی جوامع محلی توجه نمی‌کنند، می‌توانند میراث ناملموس آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند.

اقدامات برای حفاظت از میراث ناملموس فرهنگی:

حفاظت از میراث ناملموس فرهنگی نیازمند تلاش‌های همه‌جانبه است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

شناسایی و مستندسازی: شناسایی و ثبت عناصر میراث ناملموس در فهرست‌های ملی و بین‌المللی اولین گام برای حفاظت است.

انتقال دانش به نسل جوان: آموزش و ترویج میراث ناملموس در مدارس و جامعه و تشویق نسل جوان به یادگیری و عمل به این سنت‌ها.

توانمندسازی جوامع محلی: حمایت از جوامع حامل میراث ناملموس و فراهم کردن امکانات برای



سنت‌های اجتماعی توسط گروه‌ها نگه داشته می‌شوند؛ برای نگهداشت میراث ناملموس باید عناصر مشترک میراث فرهنگی جوامع را شناسایی و ترویج کنیم. از رهگذر شناسایی میراث مشترک و ترویج آنها می‌توانیم حس تعلق جوامع به یک جامعه بزرگتر را افزایش دهیم؛ باید از پروژه‌های جامعه‌محور با اقدامات پاسدارانه نیز حمایت هدمند و دارای انگیزه داشته باشیم. به رسمیت شناختن گنجینه‌های زنده جوامع نیز باید در دستور کار باشد؛ میراث‌داران گنجینه‌های زنده بشری هستند، باید برای آموزش بین نسلی به آنها کمک کرد.

آیا در حوزه میراث ناملموس، ایران در جایگاه بالایی قرار دارد؟

ایران در حوزه میراث ناملموس دارای جایگاه ضعیفی نیست و حتی در موارد زیادی الگو محسوب می‌شود؛ نمونه خیلی خوب آن ثبت جهانی نوروز است که به ترویج فرهنگ نوروز کمک کرد. یک روزی فکر می‌کردیم جوامع کمی نوروز دارند ولی در حال حاضر پرونده نوروز ۱۳ عضو رسمی در یونسکو دارد؛ خوشبختانه کشورهای دیگری هم قصد پیوستن به پرونده نوروز در سال‌های آینده را دارند. تجربه اقدامات پاسدارانه ژاپن برای حمایت از میراث فرهنگی زنده و گنجینه زنده بشری است؛ همچنین سیاست‌های فرهنگی بولیوی در آموزش زبان‌ها و آیین‌های بومی هست که در راستای تقویت تنوع فرهنگ بومی است.

جشن‌های ایرانی که باارزترین آن نوروز است، یک نمونه موفق برای الگو شدن ایران در پاسداشت میراث ناملموس محسوب می‌شوند؛ آیین‌های شادمانه یک موضوع بسیار مهم در فرهنگ بشری محسوب شده و فرهنگ ایران باستان غنی از جشن‌ها است. حداقل ۱۵ جشن بزرگ ملی داشتیم که ۲ مورد آن جشن‌های ۱۲گانه کشور مثل فروردین‌گان اردیبهشتگان بودند؛ مهرگان به ثبت رسیده، تیرگان و سپندارمذگان در نوبت ثبت هستند. جشن سده، یلدا و نوروز نیز به ثبت جهانی رسیده‌اند، همه این‌ها چند کشوره ثبت شده و نوروز سرآمد همه است؛ در میان پرونده‌های ثبت جهانی کشور ایران بیشترین موضوع را در زمینه موسیقی و سازها داریم، یعنی

نسل جوان را نام نمی‌برم چون نسل جدیدتری به اسم زد که گسست فرهنگ، باور و سبک زندگی داریم. این گسست به دلیل ناآگاهی نیست بلکه به دلیل سبک زندگی یا معضلاتی مثل مهاجرت است؛ برنامه‌های راهبردی برای انتقال دانش‌ها و مهارت‌های سنتی به نسل جدید نداریم. نسل جدید نسل دیجیتال هستند و تولید محتوای مناسب آنها نداریم؛ یعنی از تولید محتوایی که روزانه با آن مواجه شده درصد ناچیزی تولید محتوای فرهنگی ما است.

چه راهکارهایی برای رفع این مشکلات پیشنهاد می‌کنید؟

راهکار این موضوع نیز باز تعریف نقش میراث در زندگی روزمره است؛ میراث از جنبه غیرکاربردی، نگاه اصیل و کهن در روزمره جاری می‌شود. مثلاً در حوزه صنایع دستی این مشکل را داریم که برای فراگیر شدن آن چه کاری انجام دهیم، یک زمانی صنایع دستی جزو زندگی روزمره بوده و از این اشیاء استفاده می‌شده ولی از زندگی‌های ما به تدریج بیرون رفته و برای خانه‌ها بیشتر جنبه دکوری و آرایشی دارند. اگر صنایع دستی به نقش کاربردی خود برگردند، باز همان رونق و استفاده را دارند، موضوعات میراثی هم این‌چنینی امکان برگشت به متن زندگی را دارند.

باید به تولید محتوای مقبول برای نسل جدید بپردازیم که در این زمینه ضعیف عمل شده یعنی اکثر پژوهشگران و میراث‌داران در بسترهایی تولید محتوا دارند که مخاطب نسل جدید کم دارد؛ مثلاً در کتاب درسی، رسانه و مبلان شهری محل مناسبی برای تولید محتوای حامی میراث فرهنگی هستند.

زنان حاشیه‌ای نیستند، همه افراد موفق به دست مادران جامعه تربیت شده‌اند؛ مادران متن جامعه و یکی از پرکاربردترین قشر برای انتقال میراث ناملموس در هر جامعه‌ای هستند.

این سنت‌ها و باورها از لایایی خواندن شروع می‌شود، بنابراین در اصول نگارشی و حقوقی از کلمه اقلیت خیلی پرهیز می‌کنیم؛ بسیاری از عناصر میراث فرهنگی ناملموس در دل گروه‌ها و جوامع زنده هستند. انواع رسوم، دانش سنتی و تمامی

حفظ و ترویج آن. **ترویج و معرفی:** معرفی میراث ناملموس به جامعه و گردشگران برای افزایش آگاهی و قدردانی. **حمایت قانونی:** وضع قوانین و مقررات حمایتی برای حفاظت از میراث ناملموس.

همکاری‌های بین‌المللی: تبادل تجربیات و همکاری با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در زمینه حفاظت از میراث ناملموس.

کنوانسیون یونسکو برای حفاظت از میراث ناملموس فرهنگی:

در سال ۲۰۰۳، یونسکو کنوانسیونی را برای حفاظت از میراث ناملموس فرهنگی به تصویب رساند. هدف این کنوانسیون، افزایش آگاهی از اهمیت میراث ناملموس، ترویج اقدامات حفاظتی و تسهیل همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه است. در نتیجه می‌توان گفت میراث ناملموس فرهنگی، گنجینه‌ای ارزشمند و حیاتی است که هویت، همبستگی و تنوع فرهنگی جوامع را شکل می‌دهد. حفاظت از این میراث، مسئولیتی جمعی است که نیازمند مشارکت دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، جوامع محلی و تک‌افراد است. با پاسداری از میراث ناملموس فرهنگی، نه تنها گذشته خود را حفظ می‌کنیم، بلکه آینده‌ای غنی‌تر و متنوع‌تر را برای نسل‌های آینده تضمین می‌کنیم.

با این حال برای بررسی بیشتر میراث ناملموس فرهنگی کشور به سراغ شهاب نیک‌مان، پژوهشگر و کارشناس میراث ناملموس و مدیرعامل موسسه فرهنگی میراث مانا آمده ایم تا در این خصوص از وی جویا شویم.

میراث ناملموس کشورمان

با چه تهدیداتی روبروست؟

یکی از تهدیدهای بزرگ پیش روی میراث ناملموس انجام اقدامات یکسان‌سازی فرهنگ در پوشش و خوراک است؛ مثلاً در تهران بیشتر از رم تعداد رستوران‌های ایتالیایی قابل مشاهده هست.

یکسان‌سازی و جهانی شدن در زمینه فرهنگ یک خسارت و برای کشور آسیب محسوب می‌شود. به نظر من یکی از برجسته‌ترین یا مهمترین تهدیدها گسست نسلی است که در واقع به عبارت دیگر قطع پیوند بین حاملان میراث و نسل جدید است؛ آن‌چنان

اجتماعی تبدیل کنیم، نیازمند تفاهم فرهنگی است؛ این همدیگر فهمی اگر به عنوان محور فعالیت فرهنگی قرار بگیرد، زمینه‌ساز خوبی برای تقویت گفت‌وگو، تبادل فرهنگی و انسجام است.

از طریق شناسایی ارزش‌های فرهنگی می‌توانیم بر پایه آنها گفت‌وگو و احترام متقابل را افزایش دهیم؛ از ارزش‌های مشترک در جوامع آیین‌ها، باورها و رسوم متنوعی می‌سازیم. همیشه نه با برتری‌جویی بلکه با تکیه بر ارزش‌های مشترک می‌توان به گفت‌وگوی فرهنگی پرداخت، انسجام فرهنگی می‌تواند در یک ملت مثل ایران باشد و در سطح جهانی بین جوامع ملل مختلف نیز قابل دستیابی است؛ ارزش‌هایی مثل راستی، درستی، سال نو و یا باران هست که هر جامعه‌ای پیرامون هر کدام از آنها یک سنت دارند، ولی ارزش‌ها مشترک هستند که می‌توان از پرداختن به آنها به انسجام فرهنگی دست پیدا کرد.

در خصوص اهمیت میراث ناملموس بفرمایید؟

میراث ناملموس تجربه هزاران سال همزیستی با طبیعت است، بسیار از رسوم، باورها و دانشی که اکنون داریم، در طول زمان از نتیجه همزیستی با طبیعت به دست ما رسیده و به همین دلیل برخی جوامع با مهاجرت‌های بزرگ و گروهی به تجربه جدیدی از همزیستی با طبیعت دست پیدا می‌کردند؛ میراث فرهنگی یک تجربه کاملاً قابل اتکا از تجربه هزاران سال

راه آینده جوامع است؛ باید سعی شود تا با آنها به عنوان ثروت و یک گنجینه اجتماعی برخورد شود.

این گنجینه گرانبها برای ما به ارث رسیده و باید آن را برای آیندگان حفظ کنیم، اگر آن را از دست بدهیم، انگار تمام هویت خود را از دست دادیم؛ باید مولفه‌ها و تار و پود میراث ناملموس را خوب شناخته و بعد به درستی از آنها پاسداری کنیم.

توصیه می‌کنم که به ارزش‌های فرهنگی میراث ناملموس پایبند باشیم، این پایبندی به شیوه روز و نامیرا هم امکان‌پذیر است.

هر نکته میراث ایران زمین ارزش تمرکز و بزرگنمایی را دارد که درون آن هزاران لطیفه و ارزش‌های فرهنگی پیدا می‌شود.

در حوزه تفاهم فرهنگی چه باید کرد؟

ببینید باید تفاهم فرهنگی را تقویت کرد، تاجیک‌ها یک واژه زیبایی به نام همدیگر فهمی را به جای تفاهم به کار می‌برند؛ رواج هر چه بیشتر همدیگر فهمی به تقویت انسجام اجتماعی منجر می‌شود.

با پرداختن به ارزش‌های مشترک می‌توان همدیگر فهمی را ترویج داد، انسان‌ها ارزش‌های مشترکی دارند که رسوم، دانش، دین‌ها، آیین‌ها و باورهای مختلفی را از طریق این ارزش‌ها ساخته و یا عضوی از آنها هستند؛ اگر بخواهیم در جامعه گفت‌وگو را رواج داده و آن را به عنوان زمینه‌ای برای تقویت انسجام، همبستگی و مقبولیت

از ردیف‌ها تا انواع سازها مثل دوتار، کمانچه و رباب همه ثبت جهانی شدند.

ساز رباب در فرهنگ ما کارکرد جامعه بلوچ و یک کارکرد ملی دارد، ایران در حوزه پاسداری از میراث موسیقی به ویژه بر پایه موسیقی مقامی، جوامع و نواحی می‌تواند الگو باشد؛ ایران تلاش بسیاری در این زمینه داشته که آخرین مورد آن ثبت ساز رباب بوده و با کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان انجام شد.

آیا اساسا میراث ناملموس

تغییر پذیرند؟

میراث ناملموس به دلیل پویایی و زنده بودن معادل تغییر است، بنابراین یک هویت انعطاف‌پذیر به جامعه می‌دهد؛ اگر میراث ناملموس را از لحاظ جغرافیایی در مرکز یک جامعه بسنجیم، قطعاً همان المان‌ها را در حاشیه همان جامعه پیدا می‌کنیم. مثلاً مرز نشینان یک سری فرهنگ مشترک با کشور همسایه دارند ولی از نظر جغرافیایی وقتی به سمت مرکز حرکت کنیم، باز یک سری المان دیگر پیدا می‌کنیم؛ بنابراین با پدیده سیال روبرو هستیم که اساساً خودش انعطاف‌پذیر بوده و این هویت را به جوامع منتقل می‌کند.

میراث ناملموس سازگاری با تغییرات به خصوص در برابر جغرافیا و اقلیم دارد.

میراث ناملموس تنها مربوط به گذشته نیست، بلکه تعیین‌کننده





و جوامع محلی نه در تشکیل پرونده و نه لذت افتخار ثبت آن هیچ مشارکتی ندارند.

در ثبت ملی می‌توان لذت ثبت را به خود جوامع منتقل کرد تا یک سهمی از میراث فرهنگی ایران را رسماً و ثبت شده دارند؛ نبود مشارکت فعال جوامع در تشکیل پرونده‌ها و بعد هم در گرامیداشت ثبت عناصر میراث ناملموس یک آفت است.

رویدادهایی که دولت برای پاسداری از میراث ناملموس برگزار می‌کند، باید به صورت تعامل ۱۰۰ درصدی با جوامع محلی باشد؛ برگزاری این رویدادها باید به میزبانی جوامع باشد.

میراث ناملموس یک بخش دولتی نیست و به صورت ۱۰۰ درصدی با جوامع سرو کار دارد؛ پذیرفتن و تقویت تنوع فرهنگی نیز باید در دستور کار قرار بگیرد.

برای تنوع جوامع باید جشن نوروز را هر سال در یکی از استان‌های کشور برگزار کنیم؛ ولی متأسفانه تمرکز همیشه روی پایتخت و بدون توجه به جوامع محلی است.

ایران هنوز توافقی برای پیوستن به کنوانسیون ۲۰۰۵ نداشته و این به معنای ضرر داشتن آن برای ایران نیست، کشور ایران حتی در تدوین این کنوانسیون نقش پررنگی داشت؛ می‌توانیم بدون پیوستن به کنوانسیون به بخش‌های مفید و ارزش‌های همسوی با کشور خودمان تکیه کنیم. می‌توان از بخش‌های دارای ارزش کنوانسیون ۲۰۰۵ استفاده کرد، چون برای میراث ناملموس بسیار لازم است.

دسترسی مخاطبان خیلی پسندیده است و به ترویج بیشتر میراث فرهنگی کمک می‌کند؛ در برخی موارد می‌توان پروژه‌های پاسدارانه به‌صرفه‌تر اجرا و حافظه فرهنگی را جهانی و ماندگار کنیم.

نسل جدید مخاطب محتوای دیجیتال هستند ولی باید نگران این آفت باشیم که به موازات تقویت محتوای دیجیتال، دستمان را از انسان‌ها به خصوص حاملان میراث کوتاه نکنیم؛ فناوری دیجیتال نباید جای انسان‌محوری را در میراث ناملموس بگیرد.

فناوری فقط باید به عنوان ابزاری برای توانمندی میراث ناملموس استفاده شود، میراث ناملموس یک میراث زنده و متکی بر بشر است؛ اگر انسان نباشد، حتی انتقال آن هم فایده‌ای ندارد، نباید فناوری را به جای میراث‌داران و حاملان میراث جایگزین کنیم.

در مسیر ثبت آثار ملی چه گام‌های برداشته شده است؟

ایران در زمینه ملی بیش از سه هزار عنصر و در سطح جهانی نیز با ۲۶ عنصر ثبت شده رتبه چهارم را دارد؛ تعامل با جوامع برعهده ادارات کل میراث قرار گرفته ولی آنها به اندازه ظرفیت استان از تعداد کارشناسان کافی برخوردار نیستند.

در مسیر ثبت ملی و کمتر ثبت جهانی مشارکت و همکاری جوامع بسیار کم‌رنگ است؛ بیشتر توسط ادارات کل استان‌ها یک فرآیند طی

همزیستی با طبیعت است. در ایران از نظام کشاورزی و آبیاری داریم تا نمونه‌های بسیار هوشمند مثل آسفالت‌ها، قنات و بادگیر که همه این دانش‌ها با پشتوانه هزاران ساله در نتیجه تماس با محیط زیست به دست آمده‌اند؛ با پاسداری از میراث مرتبط با محیط زیست، توسعه آموزش مربوطه در این زمینه، تلفیق و بروزرسانی آنها با دانش روز باید از آنها برای ترویج پاسداری زیست‌محیطی بهره‌مند شد.

این میراث ناملموس را با علوم جدید چطور باید تلفیق داد و از آن استفاده کرد؟

یک گسست علمی بین دانش‌های سنتی و دانش مدرن و معاصر داریم، مثلاً در پزشکی بسیاری از پزشکان جدید طب سنتی را قبول ندارند و بالعکس و این یک اشتباه هست چون بشر این دانش‌ها را طی هزاران سال گذشته به مرور تکمیل کرده است. یکبار به مدرنیته و دنیای صنعت روبرو شدی و هر آنچه با برچسب سنت را نقد کرده و کنار می‌گذاریم؛ حتی در خوراکی‌ها نیز این موضوع صدق و بیشتر گرایش‌ها به سمت فست‌فود رفته است.

باید استفاده از یافته‌ها، باورها، دانش‌ها و در یک کلمه میراث فرهنگی ناملموس مرتبط با محیط زیست را با دانش روز و کاربردی تلفیق و ادغام کنیم؛ این اقدام موجب پاسداری جوامع شده و دیگر بحران‌های محیط‌زیستی امکان اثرگذاری آن چنانی را ندارند. فناوری‌های دیجیتال برای افزایش



خواست و حمایت جوامع محلی زمینه ساز ثبت جهانی

شهاب نیک مان
گردآورنده پرونده های ناملموس

با عدم مدیریت صحیح منابع و کمبود منابع آن شاخص ها به جای اینکه فرصت باشند، بیشتر مشکل هستند.

با اشاره به اینکه کنوانسیون ۲۰۳۳ در واقع کنوانسیون پاسداری از میراث ناملموس است، عنوان کرد: شناسایی، مستندنگاری، ثبت (ملی و جهانی)، آموزش و انتقال به نسل های بعدی اقدامات پاسدارانه برای میراث ناملموس است؛ وقتی پرونده ای ثبت جهانی شده یعنی این میراث برای همه جهان آنقدر ارزشمند بوده که در فهرست معرفی به میراث بشری قرار بگیرد. در سطح ملی نیز هر پرونده ای که به وزارتخانه ارائه می شود برای مسئولان استانی، منطقه ای و ملی باید بیشتر متوجه این گنجینه ملی شده و از آن برای ارتقای سطح فرهنگی استفاده کنند.

در خصوص آگاهی افزایی عمومی نیز با برنامه ریزی اقدامات پاسدارانه ای که جنبه عمومی تری دارند، می توان عمل کرد که این اقدامات شامل جشن ها، مناسبت ها، گرامی داشت ها و تولید محتوا برای رسانه ها است.

خبررسانی در حوزه میراث ناملموس باید

نیز در پرونده تشکیل و به ارزیابان یونسکو ارائه شود.

ثبت جهانی بدون رضایت جوامع امکان پذیر نیست، یونسکو در زمان ارزیابی با بررسی رضایتمانه ها و اسناد مربوط به صدای جوامع نسبت به تأیید پرونده اقدام می کند؛ تدوین پرونده های جهانی توسط دولت ها ممنوع است، به دلیل اینکه از ابزار شدن برای رسیدن به اهداف سیاسی و سوگیری مذهبی جلوگیری شود.

برای شناسایی و ثبت عناصر میراث ناملموس به ویژه در مناطق دورافتاده یا در معرض خطر با مشکلاتی چون کمبود منابع اعم از منابع کارشناسی و مالی برای مستندنگاری مواجه هستیم؛ این اقدامات طیفی از امکانات را لازم دارد که نبود آن معضل محسوب می شود.

تهدید و فرصت دوروی یک سکه هستند، در حوزه شناسایی میراث ناملموس چند شاخص داریم که هم فرصت و هم تهدید محسوب می شوند؛ تنوع بالای اقلیمی و میراث فراوان، تنوع زبانی، جمعیت بزرگ کشور، تنوع قومیتی و همچنین پهنای کشور از جمله این شاخص ها است.

در سطح ثبت ملی نقص و کمبود برای ارتباط کارآمد با جوامع محلی داریم چون این کار بیشتر شبیه یک فرآیند اداری است که توسط ادارات کل انجام می شود؛ البته جوامع محلی از تشکیل پرونده میراث ناملموس منع نشده اند، ولی تخصص لازم برای نوشتن پرونده را ندارند. جوامع محلی آموزش لازم را ندیده و برخی از انجام این کار آگاهی ندارند؛ در سطح جهانی اصلاً پایه و اصل ثبت در یونسکو درخواست جوامع محلی است.

برای ثبت جهانی باید با تشکیل پرونده حقوقی و به صورت مستند ثابت شود که جامعه میراث دار خواستار این ثبت هستند؛ یک میراثی که مربوط به ملت و مالکیت معنوی آن مربوط به این ملت هست را طی یک فرآیند حقوقی به عنوان میراث جهانی اهدا می کنیم.

اولین قدم در حوزه ثبت جهانی خواست و حمایت جوامع محلی است؛ حتی باید رضایت نامه کتبی و تصویری (صدای جوامع)

انتقال تجارب در برخورد با جوامع و انجام اقدامات پاسدارانه بین سازمان‌های مردم‌نهاد نیز باید جلسات و گردهمایی برگزار شود. آگاهی‌افزایی جوامع محلی از ثبت میراث ناملموس در کشور باعث افزایش انگیزه و تشویق برای پیوستن به جمع افرادی که در پاسداری از میراث ناملموس و اجرایی شدن کنوانسیون مشارکت دارند، می‌شود.

ضروری است کارگاه‌های آموزشی برای کارشناسان میراث فرهنگی و سازمان‌های مردم‌نهاد برگزار شود، از سوی دیگر بزرگترین شاهره دسترسی دولت‌ها به جوامع محلی همین سازمان‌های مردم‌نهاد است؛ برای تعامل موثر دولت با جوامع محلی باید نسبت به شبکه‌سازی و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد اقدام کرد.

ناملموس اقدام و دیگر استان‌ها نیز از آن الگوبرداری کنند. برای تقویت همکاری بین گردآورندگان پرونده‌ها، جوامع محلی و دولت‌ها برای تسریع در ثبت پرونده‌ها می‌توان نسبت به برگزاری رویدادهای محلی مربوط به میراث ناملموس اقدام کرد؛ در برگزاری رویدادهای اداری و مردمی باید از تهران تمرکززدایی کرد.

تعامل بین جوامع محلی، دولت، فعالان میراث فرهنگی و سازمان‌های مردم‌نهاد از الزامات موفقیت در تسریع ثبت پرونده‌های ثبت میراث ناملموس است؛ باید یک سیاست کلان برای تقویت تعامل بین این بخش‌ها تدوین شود. برگزاری جلسات و نشست‌های هم‌اندیشی بین سازمان‌های مردم‌نهاد و جوامع محلی از جمله پیشنهادات است؛ همچنین برای شبکه‌سازی

متناسب باشد به طوری که رسانه‌ها باید یک اولویت در حوزه پاسداری از میراث ناملموس داشته باشند چون از ابزار خیلی خوبی برخوردار هستند. از پرونده‌های ثبت موفق می‌توان برای روش‌های مستندنگاری و انجام اقدامات پاسدارانه الگوبرداری کرد. اقدامات پاسدارانه الگو و خوب آن‌هایی هستند که به نتیجه رسیده و طی یک پرونده به یونسکو ارائه می‌شود؛ در صورت تأیید یونسکو دیگر کشورها می‌توانند برای پاسداری از میراث ناملموس مشابه خود از این پرونده الگو بگیرند.

اقدامات پاسدارانه باید از سوی جوامع انجام و دولت‌ها باید حمایت معنادار داشته باشند؛ باید فهرستی در ایران تهیه شود که هر کدام از جوامع محلی در پاسداشت یکی از میراث‌های



یکپارچگی جامعه جهانی زنگ خطر نابودی میراث ناملموس

توریسم؛ دشمن میراث ناملموس

یکی از موارد مهم در حوزه حفظ هویت میراث ناملموس توجه به بحث توریسم است. یونسکو معتقد است گردشگر و توریست دشمن حفظ هویت اصلی میراث ناملموس است.

حفاظت از میراث ناملموس نباید کنترل شده یا شرطی باشد. برای مثال در نمایش آیینی پیرشالیار اورمان که در آن رقص سما اجرا می شود زمانی باعث ایجاد چالش میان پیران روستا به جوانان بر سر اجرای رقص سما ایجاد کرد. جوان ها معتقد بودند حتما باید توریست ها در روستا حاضر شوند و پیرها معتقد بودند که نمایش با حضور توریست ها بی ارزش شده است. یا برای مثال در صنایع دستی روستایی، توریست از رنگ صورتی خوشش می آید و فقط سفارش همان رنگ را می دهد که عملا به مرور هویت همه رنگ ها و قالیچه محلی از میان می رود.

در واقع به همین دلایل است که یونسکو وجود توریست را آسیب رسان به حفظ میراث ناملموس می داند. البته در حفظ این میراث ارزشمند مردم نقش مهم و اثرگذاری دارند و می توانند بهتر از دولت ها و قوانین دستوری، آن را حفظ کنند. البته برای میراث ناملموس و حفظ آن نمی توان مرز بندی یا حریمی تعیین کرد؛ چرا که هر جغرافیا و جامعه ای با توجه به مقتضیاتش و هویت فرهنگی اش تعریفی از میراث ناملموس دارد. البته در بحث صنایع دستی و راه اندازی نمایشگاه های بین المللی ورود کند.

از سوی مادران به ویژه در جوامع روستایی هستیم. برای مثال مادران به تن فرزندانشان لباس های شهری می کنند یا گویش با زبان و لهجه پایتخت دارند. سعی دارند پیتزا و ماکارونی و... جایگزین غذاهای سنتی کنند. همه این موارد باعث کمرنگ شدن هویت بومی محلی در جوامع می شود که همین ماجرا باعث کم شدن میراث ناملموس در میان مردم و جامعه فرهنگی می شود. ماجرای این تغییرات در جامعه جهانی هم به شکل دیگری نمود پیدا کرد. اروپا در تلاش رساندن خود به غرب از لحاظ فرهنگ و سبک زندگی و تکنولوژی بود. برای مثال همه شلوار جین و تی شرت می پوشیدند یا کروات می زدند یا اینکه همه آرزوها یک شکل شد. کم کم پوچ گرایی، نهلیسم و بسیاری از ایدئولوژی های عجیب و غریب شکل گرفت. مرزهای فرهنگی و اجتماعی از جامعه اروپایی از میان رفت و یک باره جهان به سمت خشونت با شکل گیری گروه های القاعده، داعش و... شکل گرفت در واقع هرچه زمان پیش می رفت خرده فرهنگ که نقش مهمی در شکل گیری جامعه جهانی داشتند رو به فراموشی می رفت و برای کسی مهم نبود که اروپایی ها شبیه آمریکایی ها شدند.

از همین جا بود، یونسکو و روشنفکران جامعه جهانی برای حفظ میراث ناملموس حساس شدند. تا اینکه پس از سال ها مطالعه کنوانسیون ۲۰۰۳ برای حفظ میراث ناملموس تشکیل شد.



مرتضی رضوان فر
عضو هیئت علمی پژوهشگاه
میراث فرهنگی

میراث ناملموس با اینکه مهم ترین رکن هویتی هر جامعه یا ملتی محسوب می شد اما تا همین چند وقت پیش بیشتر مردم و روشنفکران برای رسیدن به مدرنیته از آن فرار می کردند و به نحوی مایه آبروریزی و کهنه پرستی محسوب شد. اغلب جوامع دنبال یکپارچه و یک شکل شدن در همه امور زندگی بودند و همین ماجرا زنگ خطری برای میراث ناملموس با همان شفافیتی شد. چیزی که باعث حساسیت جوامع و یونسکو برای گام برداشتن به سوی میراث ناملموس شد، زنگ خطر نابودی آن بود. اغلب جوامع مادر حافظ میراث آیین و فرهنگ به ویژه زبان مادری است. اما در چند سال اخیر شاهد تغییر سبک زندگی



در گفتگو با رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی مطرح شد

تقویت جایگاه باستان‌شناسی شهری در کشور

نرگس جلیلیان « خبرنگار



پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری به منظور پاسخگویی به بخشی از نیازهای پژوهشی کشور در زمینه میراث فرهنگی و گردشگری کشور در سال ۱۳۸۳ به استناد مجوز شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تأسیس شد و هم‌اکنون زیر نظر وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی فعالیت می‌کند. برای بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در این پژوهشگاه به سراغ محمد ابراهیم زارعی رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی رفته ایم تا در این خصوص از وی جویا شویم.

جناب دکتر به عنوان نخستین سوال پژوهشگاه میراث فرهنگی چه پروژه‌های تحقیقاتی شاخصی در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی و هم‌افزایی آن با توسعه شهری انجام داده است؟

ببینید پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری ایران در راستای حفاظت از

بسیاری از محوطه‌های تاریخی در قلب و یا حاشیه شهرها از جمله اصفهان، شیراز، اردبیل، کرمان، رشت، یزد، مرکز تاریخی تهران و بسیاری از شهرهای تاریخی دیگر کشور اشاره کرد.

کاوش‌های باستان‌شناسی نظیر هگمتانه همدان، تپه اشرف اصفهان، قلی درویش قم، شادیاخ نیشابور، کشف اسکلت بانوی ۷ هزار ساله در قلب تاریخی شهر تهران (که تاریخ نگاری پایتخت را دگرگون کرد) و اقدامات مشابه دیگر در اکثر شهرهای تاریخی تلاش‌هایی است که با هدف بازخوانی و یا پاسخگویی به پرسش‌های مربوط به شناسایی و حفاظت از میراث شهری انجام گرفته و خواهد گرفت.

۲- پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در حوزه‌های مختلف میراثی

از دیگر اقدامات پژوهش‌هایی است که در حوزه حفظ و احیای بناها و بافت‌های تاریخی انجام میشود؛ برای مثال پژوهش‌هایی که در زمینه شناخت اصول و شاخصه‌های معماری ایران در ادوار مختلف نظیر معماری سلجوقی، صفوی، زندیه و قاجار انجام شده. همچنین برخی پژوهش‌های این حوزه بنا به ضرورت به عملیات اجرایی ختم شده که از این دست فعالیت‌ها می‌توان به مرمت چهارسوق بازار تهران (با همکاری دانشگاه آخن آلمان)

میراث شهری و هم‌افزایی آن با توسعه شهری، پروژه‌های تحقیقاتی متعددی را اجرا کرده است.

۱- توسعه باستان‌شناسی شهری

پژوهشگاه با هدف تقویت جایگاه باستان‌شناسی شهری به عنوان ابزاری برای شناخت لایه‌های تاریخی شهرها، برنامه‌های متعددی را در دستورکار قرار داده است. این رویکرد به منظور بهره‌برداری از داده‌های باستان‌شناسی در مدیریت شهری و حفاظت از میراث فرهنگی در بستر توسعه شهری طراحی شده است. از جمله این برنامه‌ها میتوان به گمانه‌زنی و کاوش در





عمرانی شهری بدون پیوست‌های میراث فرهنگی. از خیابان‌کشی‌ها و تعریض‌ها گرفته تا ساخت پروژه‌های بزرگ مقیاس تجاری اداری و ... همچنین طرح‌های خاصی نظیر مترو.

اقداماتی از این دست ضمن تخریب بافت‌ها و بناهای با ارزش میراثی منجر به تخریب یا محو لایه‌های تاریخی شهرها می‌شود. برای نمونه میتوان به تخریب در بافت تاریخی شیراز در اطراف حرم شاهچراغ، مدرسه خان، بلوار بسیج در قلب تاریخی شهر یزد و بسیاری از شهرهای تاریخی دیگر نظیر اصفهان، کرمان، مشهد، رشت، ساری، اردبیل، تبریز و ... اشاره کرد. همزمان ناپایداری طرح‌های شهری مشکل مضاعفی است. طرح‌های شهری در اکثر قریب به اتفاق شهرها در اثر تصمیمات کمیسیون‌های ماده ۵ ناکارآمد می‌شوند.

۲- عدم ثبت و تعیین حریم بناها و بافتهای ارزشمند

مشکل مهم دیگر عدم ثبت و تعیین حریم بناها و بافتهای ارزشمند است. گرچه دلایلی نظیر عدم تناسب نیروی انسانی متخصص و اعتبارات با کمیت و کیفیت میراث شهری کشور قابل درک است با این وجود واقعیت تلخ تخریب میراث شهری در جای جای کشور قابل چشم پوشی نیست.

۳- عدم توجه به هویت معماری

ناکارآمدی معماری معاصر بویژه طی پنج دهه اخیر در ارائه طرح‌هایی در راستای اصول و معیارهای معماری ایرانی که با ناهماهنگی‌هایی که در پی نوسازها به وجود آمده چهره‌ای بی هویت به شهرها تحمیل کرده است.

۴- عدم توجه کافی به اهمیت حفظ آثار میراثی

از دیگر مشکلات و تهدیداتی که میراث فرهنگی را در خطر قرار داده است عدم توجه نهادهای عمومی و دولتی نظیر شهرداریها، اوقاف و یا نهادهای دولتی دیگر است که مالک بناها و محوطه‌های تاریخی اند و بی توجه به اهمیت حفظ آثار میراثی و یا بدون مشورت‌های تخصصی اقدام به تخریب و یا مرمت غیراصولی در این دست از آثار می‌کنند.

۵- عدم سرمایه‌گذاری در ارتقای فرهنگ حفاظت

باید به مهمترین مورد نیز اشاره کرد که عدم سرمایه‌گذاری در ارتقای فرهنگ حفاظت از میراث فرهنگی نزد آحاد مختلف جامعه است.

و یا احیای باغ تاریخی حکیم در محله بریانک تهران اشاره کرد در این زمینه همچنین باید به تهیه طرح مرمت شهری شیراز که برای اولین بار در کشور توسط پژوهشگاه با کارفرمایی شرکت بازآفرینی شهری و با بهره‌مندی از پژوهشگران پژوهشگاه، کارشناسان ممتاز بین المللی و متخصصین محلی در قلب تاریخی شیراز به انجام رسید اشاره کرد.

همچنین در همین رابطه باید به برگزاری همایش‌های علمی با محوریت میراث فرهنگی و توسعه پایدار اشاره کرد که با مشارکت سازمان برنامه و بودجه به بررسی نقش میراث فرهنگی در توسعه پایدار شهری، آمایش سرزمین، مدیریت آب، هویت ملی و گردشگری پرداخت. یکی دیگر از زمینه‌های مهم توجه به میراث طبیعی شهرهاست. گروه پژوهشی میراث طبیعی با انجام پژوهش‌های توسعه‌ای و کاربردی در این زمینه فعالیت می‌کند.

از دیگر فعالیتهای پژوهشی باید به موضوع اقتصاد گردشگری در حفظ و احیای شهرهای تاریخی اشاره کنیم؛ برای مثال گروه پژوهشی گردشگری با تهیه طرح‌های توسعه گردشگری در شهرهای تاریخی نظیر خوی زمینه توسعه گردشگری شهری را فراهم می‌کند. از دیگر فعالیتهای پژوهشگاه توجه به حوزه‌های جدیدتر نظیر منظر فرهنگی و میراث معماری معاصرو یا میراث صنعتی است در این زمینه نیز پژوهش‌های کاربردی از جمله شناسایی بناهای واجد ارزش شهر تهران و با تهیه دستورالعمل شناسایی و ثبت میراث صنعتی باید اشاره کرد. همچنین حضور پژوهشگاه در شورای ثبت و حرایم وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اقدامیست در جهت تدقیق ثبت و تعیین حریم بناها و بافت‌های تاریخی شهرها که مهمترین پشتوانه حقوقی حفاظت از میراث شهرها به شمار می‌رود.

با توجه به تجربه شما، بزرگ‌ترین تهدیدات برای میراث فرهنگی در شهرهای ایران چیست و چگونه می‌توان با آنها مقابله کرد؟

در این خصوص نیز باید گفت بزرگ‌ترین تهدیدات برای میراث فرهنگی در شهرهای ایران را می‌توان در پنج محور اصلی طبقه‌بندی کرد:

۱- توسعه شهری ناپایدار و نامتوازن

گسترش بی‌رویه شهرها، پروژه‌های



در قالب فیلم، عکس، پادکست و وبلاگ به تقویت هویت فرهنگی در کنار ابزارهای بومی کمک می‌کند.

البته دامنه فناوری‌های نوین بسیار گسترده‌تر از موارد فوق است و حوزه حفاظت از میراث فرهنگی هم‌پای سایر حوزه‌های تخصصی ظرفیت زیادی برای بهره‌مندی از این فناوری‌ها دارد.

چگونه می‌توان از فناوری‌های نوین (مثل دیجیتال سازی یا واقعیت افزوده) برای مستندسازی و معرفی میراث فرهنگی به نسل جوان استفاده کرد؟

سیاست‌گذاری ملی در حوزه حفاظت از میراث فرهنگی در برابر توسعه شهری، باید بر پایه‌ی ادغام میراث در فرآیند توسعه استوار باشد و نه در تقابل با آن. این سیاست‌ها باید هم به لایه‌های کالبدی و تاریخی توجه کنند هم به لایه‌های اجتماعی، معنایی و ناملموس. تنها از رهگذر تلفیق دیدگاه‌های چندرشته‌ای، ابزارهای قانونی، مشارکت عمومی و تکیه بر پژوهش‌های بومی و بین‌المللی می‌توان به حفاظت پایدار و هوشمندانه از میراث شهری دست یافت. به طور کلی می‌توان سیاست‌های زیر را پیشنهاد نمود:

۱. نهادینه‌سازی حفاظت میراث در فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری شهری
۲. حفاظت یکپارچه بافت‌های تاریخی به عنوان جزء لاینفک توسعه پایدار شهری
۳. ایجاد ضوابط حقوقی الزام‌آور برای حفاظت از میراث در طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای در قوانین بالادستی
۴. تقویت زیرساخت‌های پژوهشی برای تصمیم‌سازی مستند به ظرفیت‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی مبتنی بر تجربیات تاریخی برای پرهیز از آزمون و خطاهای پرهزینه
۵. ایجاد انگیزه‌های ملی، فرهنگی و اقتصادی و مشارکت مردمی در حفاظت از میراث شهری
۶. مدیریت منظر تاریخی شهرها و طراحی معماری و شهری مبتنی بر هویت تاریخی و در چارچوب آموزه‌های میراث معماری و شهرسازی ضمن توجه به معاصریت که مهمترین سنت معماری و شهرسازی ایرانی است.
۷. پشتیبانی از پژوهشگاه برای ایجاد پایگاه داده یکپارچه و قابل دسترس برای طراحان و برنامه‌ریزان شهری.

البته می‌توان دلایل دیگری نیز در این زمینه برشمرد اما موارد فوق از مهمترین‌ها به شمار می‌روند.

چگونه می‌توان از فناوری‌های نوین (مثل دیجیتال سازی یا واقعیت افزوده) برای مستندسازی و معرفی میراث فرهنگی به نسل جوان استفاده کرد؟

پرسش مطرح شده بسیار مهم و یکی از دغدغه‌های روز در حوزه حفاظت و انتقال ارزش‌های میراث فرهنگی به نسل آینده است. فناوری‌های نوین، امکانات بی‌سابقه‌ای برای مستندسازی، حفاظت و معرفی جذاب میراث فرهنگی به نسل جوان فراهم کرده‌اند در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دیجیتال سازی در زمینه میراث فرهنگی

۱- ثبت دقیق و پایدار آثار تاریخی از طریق تهیه نقشه‌ها، تزیینات، جزییات و ساختارها، با استفاده از اسکن لیزری سه‌بعدی، فتوگرامتری و مدلسازی BIM. همچنین آرشیو، بازنمایی مجازی یا چاپ سه‌بعدی با اهداف حفاظتی و آموزشی.

۲- واقعیت افزوده (AR) و واقعیت مجازی (VR) از طریق ایجاد تجربه تعاملی. از این طریق کاربران می‌توانند با گوشی هوشمند یا عینک VR وارد فضای مجازی یک بنای تاریخی شده و بازدید کنند. از دیگر امکانات در این زمینه می‌توان به بازسازی محیط‌هایی که تخریب شده‌اند اشاره کرد. این فعالیت با اهداف حفاظتی، پژوهشی، معرفی و آموزشی صورت می‌گیرد.

۳- بازی سازی و روایت تعاملی که مخاطب به‌ویژه جوانان را با استفاده از زبان ملی و یا زبان‌ها و لهجه‌های محلی در قالب بازی، روایت چندرسانه‌ای، چالش و رقابت جذب می‌کند. فناوری‌هایی از این دست نقش موثری در ارتقاء سواد تاریخی و هویتی با ایجاد حس «مالکیت فرهنگی» ایفا می‌کند.

۴- پلتفرم‌های بازدید مجازی و متاورس که با ساخت موزه‌های مجازی، بازدید از اماکن تاریخی و موزه‌ها را ممکن و لذت‌بخش می‌کنند. این فناوری‌ها با ایجاد نسخه دیجیتال شهرها و مکان‌های میراثی در متاورس از جاذبه‌های فوق العاده‌ای در جهت تعامل و آموزش برخوردارند.

۵- مشارکت دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی نیز با تشویق جوانان برای مستندسازی تجربیات خود از میراث شهری



در گفتگو با مصطفی فاطمی مدیرکل گردشگری داخلی مطرح شد:

بیان اصالت میراث فرهنگی گامی مهم برای حفظ داشته‌هایمان است



این حوزه نقش آفرینی می‌کند یا نه؛ شاید به آن شکل که باید باشد نیست.

در حوزه گردشگری خارجی نیز در سال‌های مختلف رویکردهای متفاوتی داشته‌ایم یعنی برخی اوقات بازارهای گردشگری را تغییر دادیم و این تغییرات همیشه اشکالاتی را برای گردشگری به وجود می‌آورد. در کل گردشگری پیش می‌رود اما با بحران‌های جدی رو به روست. اگر چگونگی ایجاد بحران‌های گردشگری را در دنیا بررسی کنیم می‌بینیم که چند مورد هستند که بحران را زاده‌اند. بخشی از آن بحران‌ها به دلیل عوامل طبیعی مثل گرما و سیل و زلزله است که تأثیرش را در نوع رفتار سفر می‌گذارد.

بخش دیگری از بحران‌ها به واسطه سلامت افراد رخ می‌دهد مثل کرونا. بحران‌های دیگری که به وجود می‌آید به دلیل جنگ و نوسانات داخلی و خارجی کشورهاست ما در این حوزه هم مسائل متعددی داشته‌ایم. موضوع بعدی که می‌تواند بحران ایجاد کند، در حوزه الکترونیک است. ارتباطات مجازی امروزه در دنیا یک اصل مهم در رفتار مسافران است. پهنای باند اینترنت و ارتباطات مجازی برای مسافران خیلی مهم است. مسائل اقتصادی و مالی هم بحران به وجود می‌آورد. فقر مالی و توانمندی افراد برای سفر یک بخش است و بخش دیگر ارتباطات مالی است که باید

با جاهای مختلف داشته باشید. همه این مسائل می‌تواند بحران را باشد بخشی از این بحران‌ها آنی است و برخی از آنها در طول زمان و مسیر اقتصادی رخ می‌دهد. در خیلی از کشورها، این بحران‌ها به ندرت اتفاق می‌افتد یا یک دوره‌ای دارد و تمام می‌شود معمولاً هر کشور با یک یا دو بحران درگیر می‌شود ولی ایران به دلیل ساختار موقعیت جغرافیایی مسائل اقتصادی و سیاسی و غیره که دارد؛ با خیلی از این بحران‌ها مواجه می‌شود. تقریباً هر کدام از این بحران‌ها به نوعی روی گردشگری آن هم اثر می‌گذارد و ضربه می‌زند. ما سینوس سفر داریم در برخی از پیک‌ها

فاطمه کریمی خبرنگار

چالش‌های حوزه گردشگری کم نیستند. بسیاری از آنها تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار دارند. کوچک‌ترین تحرکی در این حوزه، مستقیماً تأثیرش را روی گردشگری می‌گذارد حتی جنگ کشورهای دیگر اثری تأثیرگذار روی گردشگری ایران دارد به همین دلیل سینوس گردشگری در ایران مدام در حال بالا و پایین رفتن است و همین موضوع کافی است تا گردشگری ایران با بحران‌های متعددی رو به رو باشد.

در این باره با مصطفی فاطمی مدیرکل گردشگری داخلی وزارت میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری گفتگوی مفصلی داشتیم. با او درباره موضوعات مختلف حوزه گردشگری، چالش‌ها و اقدامات انجام شده در دولت قبل و برنامه‌های پیش روی دولت جدید در حوزه گردشگری با این مدیر باسابقه در حوزه گردشگری و میراث فرهنگی صحبت کردیم که بخش اول آن در ادامه می‌آید.

بحث را از اینجا آغاز می‌کنیم که بدانیم وضعیت گردشگری در ایران چگونه است و ایران چقدر گردشگر دارد؟

گردشگری در وضعیت بدی نیست. سفر در ذات آدمی است و ایرانیان هم علاقه مند به سفر هستند و به هر شکلی سفر می‌کنند اما اینکه آیا صنعت و اقتصاد گردشگری در



بوم‌گردی یا تأسیسات گردشگری خیلی زیاد است. به همین دلیل افراد ترجیح می‌دهند که به سمت گرفتن مجوز نروند. این محدودیت‌ها موجب می‌شود؛ هزینه تمام شده برای آنها افزایش پیدا کند در حالی که می‌تواند با یک برگه یا آگهی مجموعه‌ای که دارد را اجاره دهد. حجم کارهایی که باید یک مجموعه گردشگری دارای مجوز انجام دهد آنقدر زیاد است که سرمایه‌گذار نمی‌تواند رقابت کند.

در میان صحبت‌هایتان گفتید نمودار سفر در ایران سینوسی است و بحران‌ها در بالا و پایین شدن این سینوس تأثیر می‌گذارد آیا در کشورهای دیگر هم این نمودار سینوسی وجود دارد یا نه؟

بله. وجود دارد ولی شدت آن مانند ایران نیست. مثلاً در تعطیلات عید تعداد زیادی از افراد به جزایر جنوبی می‌روند ولی وقتی عید تمام می‌شود یک گردشگر آنجا نیست. در دنیا این اتفاق مدیریت می‌شود. ساماندهی تعطیلات موضوعی بود که می‌توانست تعطیلات را مدیریت کرده و یک راهکار بود ولی انجام نشد. باید برای شهرهای مختلف مشوق‌های سفر ایجاد کرد. الان برای منطقه غرب کارهایی انجام شده است و حتی میراث فرهنگی شهرهای مناطق غرب در فهرست یونسکو مطرح می‌شود.

در واقع توزیع مکانی و زمانی سفر راهکار متعادل شدن سینوس سفر است و پر کردن قوس سینوس با گردشگر خارجی نیز یکی از راهکارهاست. قاعده اش این است که نوع سینوس را با رویداد و گردشگر خارجی و موضوعاتی مثل شهرهای مکمل پر کنیم. امسال وب سایتی برای سفر جزیره هرمز طراحی کردیم و از سازمان بنادر خواستیم کمک کند تا تعداد افرادی که به جزیره می‌روند مدیریت شود و آنها برای ورود به جزیره از قبل ثبت نام کنند ولی بخشی‌نگری موجب شد که این اقدام به سرانجام نرسد. ما باید بتوانیم با شگردهایی که در دنیا وجود دارد گردشگرانبوه را در مقاصد مدیریت کنیم و سینوس سفر را به یک تعادل برسانیم.

ما نباید در زمان پیک رویداد برگزار کنیم که بار اضافی به مقصد ایجاد کند. به تازگی ثبت رویدادها در تقویم گردشگری کشور را انجام دادیم تا بدانیم هر رویدادی دقیقاً چه زمانی برگزار می‌شود و تاریخ آن جابه‌جا نشود. همچنین از رویدادهایی که امتیاز بالاتری آورده‌اند و ملی شده‌اند حمایت می‌کنیم. این اتفاق موجب توزیع زمانی سفر از طریق برگزاری رویداد می‌شود.

وضعیت زیرساخت‌های ایران در حوزه گردشگری چطور است؟ چون بالاخره داشتن زیرساخت در مقصد، مشوقی برای سفر

در صورتی که ماهیت آن اقتصادی است درست است که جنبه فرهنگی هم دارد اما ماهیت اقتصادی آن کمتر دیده می‌شود.

شما با گردشگران داخلی کشور سرو کار دارید به ما بگویید آیا رفتار و مدل سفر گردشگر ایرانی با گردشگر خارجی تفاوتی دارد؟ به نظر مدل سفر یک فردی که مثلاً در اتریش زندگی می‌کند با سفر یک ایرانی باید متفاوت باشد.

بله تفاوت است. اقلیم، پیشینه تمدنی، فرهنگ و تمام اینها روی گردشگری و مدل سفر تأثیر می‌گذارد. مثلاً همان فرد اتریشی که مثال زدید وقتی به سفر می‌رود در واقع از یک منطقه سربسز به جای دیگری می‌رود و می‌خواهد جای متفاوتی را ببیند ولی ما در اقلیم خشک زندگی می‌کنیم و بیشتر می‌خواهیم به یک جای سربسز برویم. این یک تأثیر اقلیمی است. تک تک موضوعاتی که شما در اجتماع می‌توانید روی افراد ببینید تأثیرش را روی سفر هم دارد. مثلاً محدودیت‌ها موجب تغییر در رفتار سفر می‌شود. شما در شهری هستید که پارک آبی ندارید مسلماً می‌خواهید جایی بروید که پارک آبی داشته باشد.

یعنی آیا یک گردشگر خارجی هم به واسطه نداشتن وضعیت مالی مناسب، ممکن است چادر زن را به جای رفتن به هتل انتخاب کند یا اینکه تلاش می‌کند سفرش نفعی هم به هتل برساند؟

مدل‌ها متفاوت است. گردشگر خارجی از وب سایت‌هایی کمک می‌گیرد که هزینه اقامتش کمتر شود و هزینه اقامت را در جای دیگری خرج کند. ولی در ایران مدل سفرهای ما خانواده محور یا گروهی است. این مدل در هر نقطه‌ای از کشورمان متفاوت است. بررسی کردیم افرادی که به جنوب کشور سفر می‌کنند عمدتاً گروهی می‌روند ولی سفرهای شمال کشور مجردی است. سفر به مشهد معمولاً خانوادگی انجام می‌شود و سفر به مرکز کشور نیز در گروه‌های کوچک دو تا سه نفره انجام می‌گیرد.

این موضوع به خاطر تفاوت‌های فرهنگی است یا مقصد هم مهم است؟

مقصد و هدف سفر مهم است. برخی به طبیعت گردی علاقه دارند و برخی سفرهای مذهبی بیشتری می‌روند. ما نمی‌توانیم یک مدل را برای سفر ایرانی‌ها مشخص کنیم. منتها تمایل استفاده از خانه‌های مسافر یا خانه کاشانه‌هایی که عمدتاً هم غیرمجاز هستند، بیشتر است.

به چه دلیل؟

محدودیت برای گرفتن مجوز یک

این سینوس کم و برخی اوقات زیاد می‌شود این نوسان باید متعادل باشد. ولی وقتی این سینوس خیلی بالا می‌رود یا خیلی پایین می‌آید برای دارنده تأسیسات گردشگری خوب نیست. چون باید در زمانی که مسافر هست، نیروی بیشتری را برای کار گیرد و در زمانی که مسافر ندارد، از آن همه نیرو نمی‌تواند استفاده کند. ما با گردشگران خارجی می‌توانیم این سینوس را متعادل‌تر کنیم. منتها چند سالی است که در حوزه ورود گردشگران خارجی با مشکلاتی رو به رو شده‌ایم و اتفاقات مختلف روی این سینوس تأثیر گذاشته است. اکنون دولت در حال تغییر است و دولت جدید می‌خواهد این موضوع را مدیریت کند ولی با چالش‌های جدی روبه‌روست. شاید بیش از صد چالش بحران‌زا در گردشگری وجود دارد که هر کدام پروسه طولانی برای حل شدن می‌خواهند. پس باید عزم کلی دولت و حاکمیت وجود داشته باشد و بپذیرند که گردشگری می‌تواند راه‌حل عبور از بحران‌های کشور باشد و ایران را به درستی معرفی کند.

برای عبور از هر کدام از این بحران‌ها باید همه دولت عزم داشته باشند. باید نقش آفرینی گردشگری را به عنوان یک محرک بشناسیم. هر کدام از کشورهای اطراف که روی گردشگری متمرکز شدند؛ توانستند از بحران‌هایی که داشتند عبور کنند. چند سال پیش در دولت قبل سند توسعه گردشگری تدوین شده بود و نقش هر کدام از دستگاه‌ها مشخص بود ولی دستگاه‌ها وظایفشان را به درستی اجرا نکردند.

در صحبت‌هایتان به صنعت گردشگری اشاره داشتید آیا گردشگری به مرحله‌ای رسیده که به آن صنعت بگوییم؟

ما جامعه ذی نفعانی را داریم که به صورت شبکه‌ای به هم متصل هستند و هر کدام از آنها در حوزه اقتصادی خودشان نقش آفرینی می‌کنند. اگر این خوشه را به عنوان خوشه اقتصادی ببینیم متوجه می‌شویم که کارکرد گردشگری، صنعتی است وقتی از صنعت ساختمان حرف می‌زنیم یک سری اجزا دارد و جامعه ذی نفعان گردشگری دقیقاً همان کارکرد را انجام می‌دهند. منتها تعداد افراد این جامعه بیشتر است و منافع آن هم به عموم بیشتر می‌رسد. در صنایع دیگر یک شرکت یا یک فرد هست که در نهایت سود واقعی را می‌برد ولی وقتی یک گردشگر وارد شهری می‌شود، تأثیرش را روی خیلی از عوامل می‌گذارد منتها چون این عام تر است به چشم نمی‌آید. برای همین هست که هنوز در دولت نپذیرفته‌اند که گردشگری صنعت است. الان هم موضوع وزیر گردشگری در کمیسیون فرهنگی مجلس بررسی می‌شود.



ایرانی‌ها مهمان‌نواز هستند آیا بررسی شده که نقش جوامع محلی در میزان کاهش یا افزایش گردشگران چقدر بوده است و اگر جامعه محلی دید خوبی نسبت به گردشگر نداشته باشد باید چه کاری کرد؟

در گردشگری، ایران بدون ایرانی معنی ندارد. مهمترین نقش را جوامع محلی دارند. خیلی از سفرها به خصوص سفرهای خارجی اتفاق می‌افتد تا ایرانی‌ها را ببینند. تصور کنید که بروید چابهار ولی چابهار نبینید. یا بروید پاساژهای قشم اما مردم قشم را نبینید. کشوری در دنیا نیست که تنوع فرهنگی مانند ایران را داشته باشد. مهمترین جاذبه ما مردم است. اما اینکه برخی اوقات تقابل به وجود می‌آید به دلیل ضعف کارکردی ماست. ما نتوانستیم به جامعه میزبان و گردشگر آموزش بدهیم. ما باید بدانیم در حوزه گردشگری یک تبادل فرهنگی اتفاق می‌افتد. یعنی فرهنگ خوب جامعه میزبان را بگیریم و به آن احترام بگذاریم. عمدتاً در توره‌ای خارجی احترام به جامعه میزبان وجود دارد. ولی در برخی توره‌ای داخلی ممکن است این اتفاق نیفتد. لازم است در شهرها و روستاها آموزش داده شود. ما در آئین یک روستایی شرکت می‌کنیم ولی آداب آن را اجرا نمی‌کنیم. این آموزش‌ها را باید وزارتخانه و رسانه‌ها به مردم بدهند. البته محدودیت‌هایی هم داریم. مسئول بخش خصوصی یکی از کشورهای همسایه می‌گفت که تنها خودشان ۲۰۰ شبکه تلویزیونی برای معرفی کشورشان به زبان‌های مختلف دارند. ولی ما در این حوزه توان زیادی نداریم.

در پایان به اعتقاد شما چگونه می‌توان از میراث فرهنگی به بهترین نحو حفاظت کرد؟
معتقدم بیان پیشینه و روایات موجود در رابطه با میراث فرهنگی باعث هویت بخشی به آثار تاریخی و در نهایت حفظ آن می‌شود.

این است که نگاه دولت و حاکمیت را به گردشگری تغییر دهد و سمت و سوی کارها را به سمتی ببرد تا گردشگری پیشران اقتصادی باشد. همیاری دستگاه‌ها و اجرای سند توسعه گردشگری با همکاری دستگاه‌ها انجام می‌شود. نقش ستاد مرکزی هماهنگی خدمات سفر و شوراها که بین بخشی هستند مهم است. موضوع کلیدی در گردشگری نقش آفرینی مردم و فعالان در حوزه گردشگری است. به تعداد مردم ایران ایده برای گردشگری هست. باید زمینه‌ای وجود داشته باشد تا بخشی از آن اجرا شود.

چقدر از سند توسعه گردشگری اجرایی شده است؟

این سند در سال ۹۶ یا ۹۷ مصوب شد و مسئولیت هر کدام از وزارتخانه‌ها را مشخص کرد ولی در اجرا موفق نبود. هم وزارت میراث فرهنگی به آن به عنوان یک موضوع اصلی نپرداخت و هم دستگاه‌های دیگر وظایفی که باید انجام می‌دادند را جدی نگرفتند. البته که این سند باید با توجه به تغییرات در ساختار گردشگری و نوع مواجهه ما با اتفاقات مختلف به روز شود.

یکی از تفاوت‌های سفر ایرانی‌ها با خارجی‌ها این است که ایرانی‌ها مایل به سفر با توره‌ای گردشگری نیستند ولی شاید در کشورهای دیگر این طور نباشد. این موضوع دلیل مشخصی دارد؟

این به نگاه فرهنگی که ما داریم بستگی دارد. ولی الان این نگاه تغییر گرفته است. سمت و سوی مردم نسبت به سفرهای طبیعت‌گردی بیشتر شده است. اما در این حوزه مردم و جامعه میزبان و فعالان به خصوص درباره مسائل زیست محیطی به آموزش نیاز دارند.

گردشگران داخلی و خارجی است. در این حوزه وضعیت خوبی نداریم به خصوص در حوزه حمل و نقل و سرویس‌های بهداشتی. در دوره‌های مختلف این مشکلات هم بوده و عزم‌های جدی برای حل آن وجود داشته ولی همچنان هست.

نبود زیرساخت روی برخی از مقاصد مان تاثیر بیشتری دارد مانند کیش که اگر هواپیما نباشد نمی‌توانید به آنجا سفر کنید این در حالی است که برخی از کشورها با پروازهای ترانزیت به گردشگری کشورشان رونق می‌دهند. راهکارش این است که بخش خصوصی وارد شود. ولی بخشی‌نگری تأثیرش را می‌گذارد. گفته می‌شود باید به اندازه‌ای که تخت ایجاد می‌کنی؛ فکر مسافرش هم باشی. ما در برخی مناطق هتل زیاد داریم ولی به همان نسبت صندلی هواپیما نداریم که آن را پوشش دهد. این یک اصل راهبردی است که به آن توجه نمی‌کنیم شاید دلیلش این باشد که نگاه مان گردشگری نیست. ما حتی در شورای عالی هواپیمایی عضو هم نیستیم. می‌گویند چرا باید گردشگری باشد! این عزم دولت را می‌خواهد تا موضوعات سیاسی جدا کنیم.

در سه سال گذشته چه اتفاقاتی به نفع گردشگری داخلی انجام شد؟

چالش‌ها در دولت قبل هم بوده است ولی رفع آنها مذاکره و زمان زیادی می‌خواهد. تعدادی از آنها مثل بیمه راهنمایان، قوانین واردات تجهیزات گردشگری یا ورود بحث غذا و نوشیدنی به گردشگری و تاکید به گردشگری موضوعی انجام شده ولی چالش‌ها آنقدر زیاد است که هر کدامشان زمان زیادی لازم دارند تا حل شوند. بنابراین وزیر گردشگری با پروژه سختی رو به رو خواهد بود. اصلی ترین کاری که وزیر می‌تواند انجام دهد



میراث فرهنگی، میراث جهانی و آینده

را حتی در شرایط تخریب فیزیکی فراهم کرده است. واقعیت مجازی (VR) و واقعیت افزوده (AR) نیز امکان تجربه‌ای نزدیک از میراث جهانی را به مردم، به‌ویژه نسل‌های جوان، ارائه می‌دهد. این فن‌آوری‌ها نه تنها به علاقه‌مندان امکان بازدید از میراث‌ها را از راه دور می‌دهند، بلکه به حفظ اطلاعات دقیق و علمی درباره‌ی این آثار کمک می‌کنند.

در عین حال، جوامع محلی نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ میراث فرهنگی دارند. جوامعی که در نزدیکی آثار میراثی زندگی می‌کنند معمولاً ارتباط عاطفی و معنوی عمیقی با این آثار دارند و می‌توانند در حفاظت آن‌ها مشارکتی فعال داشته باشند. جلب حمایت و آگاهی این جوامع از ارزش میراث فرهنگی، راهی مؤثر برای جلوگیری از سوءاستفاده یا تخریب ناخواسته‌ی این آثار توسط افراد محلی است.

آموزش نیز از دیگر ابزارهای مهم برای حفاظت از میراث فرهنگی است. به ویژه آموزش نسل‌های جدید، می‌تواند نقشی حیاتی در انتقال ارزش‌های نهفته در میراث جهانی ایفا کند. سیستم‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها باید فضایی برای شناخت و پژوهش درباره‌ی میراث فرهنگی ایجاد کنند. علاوه بر این، استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای اطلاع‌رسانی درباره اهمیت میراث جهانی و چالش‌های پیش رو می‌تواند تأثیری گسترده در نگرش و رفتار مردم داشته باشد. در نهایت، میراث فرهنگی و جهانی به‌عنوان بخشی از حافظه بشریت، نقشی اساسی در ایجاد هویت مشترک و شناخت متقابل انسان‌ها ایفا می‌کنند. حفاظت از این میراث‌ها، نه فقط وظیفه‌ای اخلاقی نسبت به گذشته، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده است. ارزشمند برای آیندگی جوامع انسانی است. کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، با همکاری و استفاده از ابزارهای نوین، می‌توانند روند تخریب میراث‌ها را متوقف کنند و شرایطی را فراهم آورند تا این آثار در طول نسل‌های آینده پابرجا باقی بمانند و برای رشد فرهنگی، علمی و معنوی جهان مورد استفاده قرار گیرند. حفظ و پاسداری از میراث فرهنگی در واقع تضمین ارتباط انسان با تاریخ، هویت و خلاقیت‌های خود در طول زمان است.

قلمداد می‌شوند و از معیارهایی چون اهمیت فرهنگی، تاریخی، علمی و طبیعی برخوردارند. کشورها متعهد هستند از این میراث‌ها، چه درون مرزهای خود و چه در دیگر مناطق جهان، به‌عنوان منابعی بی‌بدیل برای آینده حفاظت کنند. ثبت یک اثر به‌عنوان میراث جهانی، علاوه بر اینکه به شناسایی بیشتر آن کمک می‌کند، مسئولیت‌های گسترده‌ای برای کشورهای عضو سازمان ملل و یونسکو به‌همراه دارد تا از این آثار محافظت کرده و زمینه‌های لازم برای نگهداری پایدار آنها فراهم شود. با این حال، میراث جهانی با چالش‌های متعددی روبه‌روست که حفاظت از آنها را دشوار کرده است. یکی از مهمترین تهدیدها، تغییرات اقلیمی است. افزایش دما، بارش‌های شدید، خشکسالی و سیل، مشکلات جدی برای آثار طبیعی و تاریخی ایجاد کرده‌اند. به‌عنوان مثال، برخی از سواحل، آثار طبیعی و بناهای تاریخی تحت تأثیر بالا آمدن سطح آب اقیانوس‌ها قرار گرفته‌اند و خطر نابودی آنها بسیار جدی است. علاوه بر این، افزایش تقاضا برای توسعه شهرنشینی و زیرساخت‌ها موجب شده است که بسیاری از آثار تاریخی و مناطق باستانی در معرض تخریب یا ادغام در محیط شهری قرار گیرند، به شکلی که هویت باستانی آنها کم‌رنگ شود. در مناطق جنگ‌زده یا مستعد درگیری‌های سیاسی مانند سوریه و عراق، آثار تاریخی عمداً یا به‌صورت تصادفی تخریب شده‌اند و این امر خسارات جبران‌ناپذیری بر میراث جهانی وارد کرده است. همچنین گردشگری بی‌رویه، به ویژه در مناطقی که زیرساخت‌های حفاظتی ضعیف دارند، فشار مضاعفی به این آثار وارد آورده است. برای مواجهه با این چالش‌ها، اقدام‌ها متعددی برای حفاظت و انتقال میراث به نسل‌های آینده در حال انجام است. یکی از مهمترین اقدام‌ها، بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین برای حفظ میراث فرهنگی و جهانی است. دیجیتال‌سازی آثار تاریخی و ایجاد نسخه‌های مجازی از بناها و اشیای مهم، امکان نگهداری و دسترسی به این میراث‌ها

میراث فرهنگی و میراث جهانی ارزشمندترین سرمایه‌های بشری هستند که روایتگر تاریخ، تمدن‌ها و هویت انسان در طول قرون گذشته‌اند. این میراث‌ها، چه از طبیعت سرچشمه گرفته باشند و چه حاصل تلاش و خلاقیت انسان باشند، حاوی پیام‌هایی از تجربیات، دانش، دستاوردها و شیوه‌های زندگی انسان‌ها هستند که نه تنها در گذشته تأثیرگذار بوده‌اند، بلکه در ساخت حال و آینده نیز نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. میراث‌های فرهنگی و جهانی به مثابه پلی میان نسل‌های مختلف عمل می‌کنند و ارتباط میان تاریخ، حال و آینده را ممکن می‌سازند. در جهانی که به سرعت در حال تغییر است، پرسش از چگونگی حفظ و انتقال این میراث‌ها به نسل‌های آینده، موضوعی اساسی برای جوامع بشری محسوب می‌شود. میراث فرهنگی به مجموعه‌ای از آثار، ارزش‌ها، مراسم، دانش، ابزارها و اشیای مادی و غیرمادی اشاره دارد که از نسل‌های گذشته به ما رسیده‌اند و به گونه‌ای بیانگر هویت، روش‌های زندگی و خلاقیت‌های آنان هستند. این میراث را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد: میراث ملموس و میراث ناملموس. میراث ملموس شامل بناها، آثار هنری، اشیای تاریخی، معماری‌های باستانی، و حتی منابع طبیعی است که به‌عنوان بخشی از فرهنگ بشری شناخته می‌شوند. تخت جمشید، برج ایفل و دیوار بزرگ چین نمونه‌هایی از میراث ملموس‌اند که نمادهای فرهنگی و تاریخی بزرگی به شمار می‌روند. در مقابل، میراث ناملموس شامل سنت‌ها، آیین‌ها، داستان‌ها، زبان‌ها، موسیقی‌ها، هنرهای نمایشی، و دانش بومی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و به‌عنوان نشانگر هویت معنوی و زنده جوامع عمل می‌کند. میراث جهانی تحت نظارت سازمان یونسکو و براساس معیارهایی خاص شناسایی و ثبت می‌شود. این میراث‌ها چنان اهمیت فراگیری دارند که متعلق به تمام بشریت



حفاظت از میراث فرهنگی در دیار استرآباد

آموزان و دانشجویان، برگزاری گفتمان آزاد در موزه‌ها و امکان تاریخی - بازدید رایگان جوامع محلی هدف از موزه‌ها و اماکن تاریخی فرهنگی از مهمترین این اقدام‌ها است.

بزرگ‌ترین موانع در همکاری با جوامع محلی برای حفاظت یا احیای میراث فرهنگی چیست و چگونه با آن‌ها مقابله می‌کنید؟
عدم آگاهی جوامع محلی از ظرفیت‌ها و ارزش‌های تاریخی فرهنگی مشکلات اقتصادی جامعه محلی - فقر و بیکاری، نبود اعتبار کافی و به موقع و در نتیجه عدم اجرایی توافقات با جوامع محلی، عدم آگاهی جوامع محلی از ارزش‌های آثار تاریخی؛ آثار ملموس و ناملموس، عدم هزینه کرد مالکین و جوامع محلی مرمت و حفاظت آثار (عدم توجه اقتصادی)، عدم هم‌افزایی دستگاه‌های اجرایی و سر درگمی جامعه محلی از بزرگ‌ترین موانع در همکاری

برگزاری تورهای بازدید رایگان از بناها و بافت‌های تاریخی / برگزاری رایگان دوره آموزشی با همکاری مؤسسات آموزش برای نوجوانان و جوانان، برگزاری جشنواره‌های متنوع در قالب دانش‌های بومی - موسیقی سنتی در اولویت کاری ما برای این امر قرار داشته است.

ضمن این که برنامه‌های دیگری همچون ارائه کمک‌های بلاعوض در مرمت آثار تاریخی به مالکین، نمونه‌های موفق ضیا موسوی، شیرینی و... را انجام داده ایم. از سوی دیگر ارائه تسهیلات دولتی در مرمت آثار تاریخی به مالکین و سرمایه‌گذاران نمونه‌های موفق خانه قوآنلو-هروی - میرکاظمی و... نیز در استان گلستان صورت گرفته شده است.

چگونه از میراث فرهنگی استان (مثل آثار تاریخی، صنایع دستی یا آیین‌های محلی) برای ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای جوامع محلی استفاده شده است؟

در این خصوص معتقدم ترویج صنایع دستی در بوم گردی‌ها، تهیه کلیپ‌های معرفی جاذبه‌ها، ایجاد بازارچه صنایع دستی موقت برای حمایت از اقتصاد جامعه محلی، صدور مجوز در ایجاد بازارچه‌های دائم صنایع دستی برای حمایت از اقتصاد جامعه محلی، برگزاری جشنواره‌های بومی محلی با اهداف حمایتی از جوامع محلی می‌تواند مؤثر باشد.

ضمن این که با تغییر کاربری بناهای تاریخی از مسکونی به پروژه‌های مرتبط با گردشگری مثل بوم گردی و خانه مسافر و خانه‌های صنایع دستی و مرمت آثار تاریخی و احیای هنرهای سنتی فعالیت و صدور مجوز ۴ موزه خصوصی و ۴ مجموعه خصوصی و حداقلی را فراهم کرده است.

چه اقدام‌هایی برای افزایش آگاهی جوامع محلی، به‌ویژه جوانان، درباره ارزش میراث فرهنگی و نقش آن در هویت منطقه‌ای انجام شده است؟

برگزاری دوره آموزشی، تور رسانه‌ای برای آگاهی بخشی به جامعه - تهیه کلیپ‌های معرفی جاذبه‌ها، برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با میراث فرهنگی، برای دانش



فریدون فعالی

مدیرکل استان گلستان

حفظ میراث فرهنگی به معنای پاسداری از آثار، ارزش‌ها و سنت‌هایی است که از گذشته به ما رسیده و هویت و تاریخ بشری را شکل داده‌اند. این میراث شامل بناهای تاریخی، هنرهای ماندگار، آیین‌ها و دانش بومی است که نقش مهمی در شناخت و یادگیری از تاریخ و خلاقیت‌های انسان دارند. حفاظت از میراث فرهنگی نه تنها وظیفه‌ای اخلاقی نسبت به گذشتگان است، بلکه سرمایه‌ای ارزشمند برای نسل‌های آینده محسوب می‌شود.

برای حفظ این میراث‌ها، اقدام‌های مختلفی از جمله آموزش، استفاده از فن‌آوری‌های نوین مانند دیجیتال‌سازی، مشارکت جوامع محلی و گردشگری پایدار اهمیت بسیاری دارد. همچنین حمایت قانونی و توجه دولت‌ها به تخریب‌های ناشی از توسعه شهری و تغییرات اقلیمی ضروری است. میراث فرهنگی پلی میان گذشته و آینده است و حفظ آن تضمینی برای هویت و تداوم فرهنگ‌های بشری خواهد بود.

با این حال برای بررسی بیشتر این موضوع در استان‌ها به سراغ فریدون فعالی، مدیرکل استان گلستان آمده‌ایم تا در این خصوص از وی جویا شویم.

اداره کل میراث فرهنگی استان شما چه برنامه‌هایی برای جلب مشارکت جوامع محلی در حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی اجرا کرده است؟ آیا نمونه موفق‌هایی از این مشارکت دارید؟



آثار تاریخی اموری هستند که می‌توانند ضامن حفظ آیین‌ها، سنت‌ها و دانش بومی جوامع محلی باشد. به همین دلیل ثبت آثار ملموس و غیر ملموس برگزاری جشنواره‌ها و یا حمایت جشنواره‌های سنتی را در دستورکار قرار داده ایم.

با توجه به تجربه شما، چه استراتژی‌هایی برای تقویت نقش جوامع محلی در حفاظت و بهره‌برداری پایدار از میراث فرهنگی در سال‌های آینده پیشنهاد می‌کنید؟

در این خصوص معتقدم رونق سکونت پایدار ساماندهی با تأمین اعتبار زیر ساخت‌های مناسب برای ساکنین و همکاری و مشارکت در تعمیر و مرمت بناهای تاریخی می‌تواند مثرتر باشد.

اداره کل شما چه برنامه‌هایی برای احیا و ترویج صنایع دستی محلی به عنوان بخشی از میراث فرهنگی و منبع درآمد برای جوامع محلی دارد؟

اقدام‌های زیادی برای احیا و ترویج صنایع دستی در استان گلستان صورت گرفته است که از مهمترین آنها می‌توان به ثبت میراث فرهنگی در فهرست آثار ناملموس / آموزش به نسل‌های جدید، ایجاد بازارچه صنایع دستی موقت برای حمایت از اقتصاد جامعه محلی، صدور مجوز در ایجاد بازارچه‌های دائم صنایع دستی برای حمایت از اقتصاد جامعه محلی، برگزاری جشنواره‌های بومی محلی با اهداف حمایتی از جوامع محلی، تقویت عملکرد موزه صنایع دستی استان گلستان با ایجاد کارگاه‌های زنده جدید و همچنین فعال‌سازی بخش‌های خلاق صنایع دستی در برخی موزه‌ها با ظرفیت اجرای آن اشاره کرد.

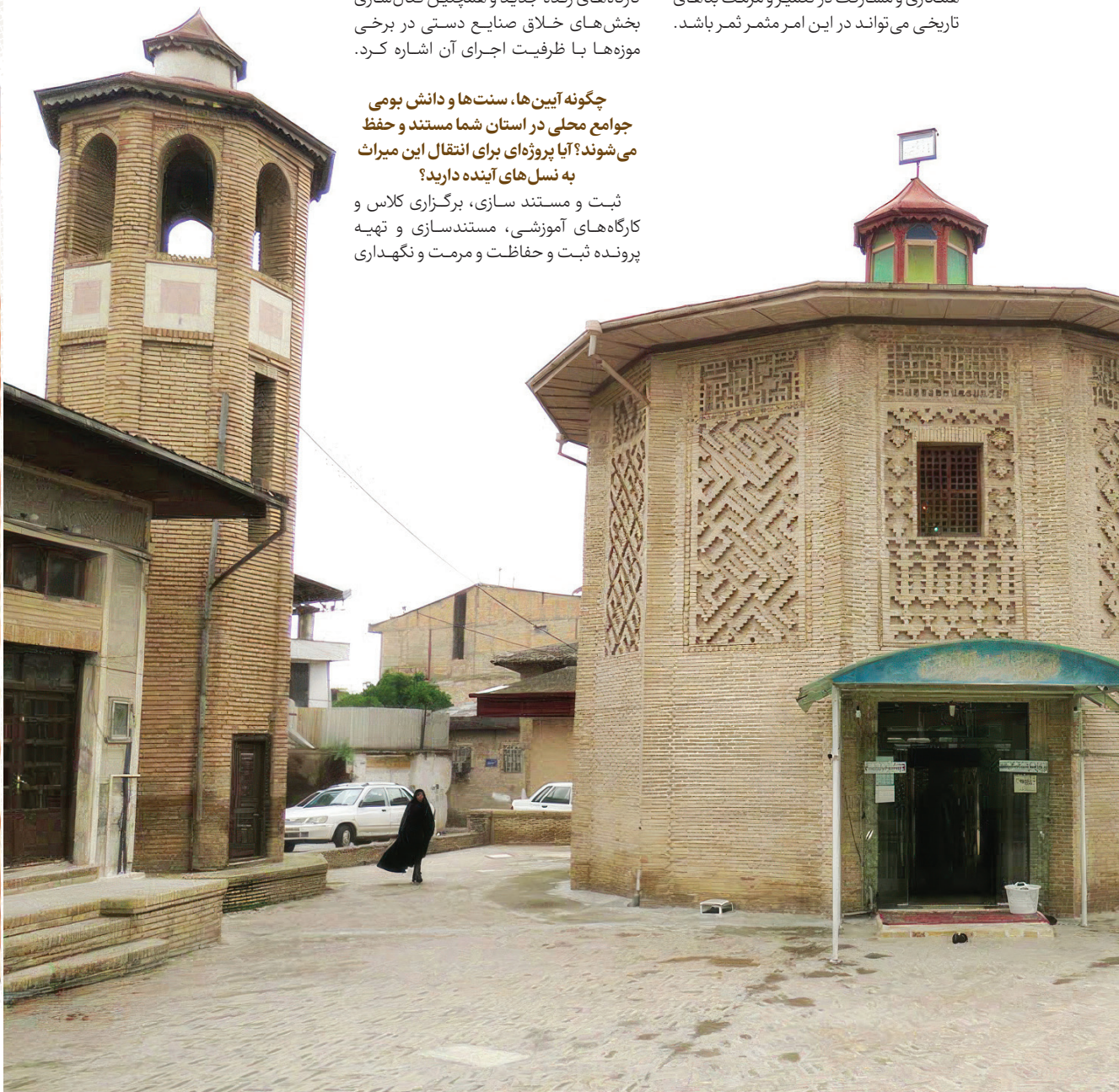
چگونه آیین‌ها، سنت‌ها و دانش بومی جوامع محلی در استان شما مستند و حفظ می‌شوند؟ آیا پروژه‌ای برای انتقال این میراث به نسل‌های آینده دارید؟

ثبت و مستند سازی، برگزاری کلاس و کارگاه‌های آموزشی، مستندسازی و تهیه پرونده ثبت و حفاظت و مرمت و نگهداری

با جوامع محلی برای حفاظت یا احیای میراث فرهنگی محسوب می‌شود که برای مقابله با آن باید تشکیل جلسات در محلات با حضور مسئولین، مالکین و صاحب نظران، تهیه و ارائه بسته‌های حمایتی اعم از مجوزهای قانونی و تسهیلات صورت گیرد.

چگونه می‌توان با تکیه بر میراث فرهنگی، گردشگری پایدار را توسعه داد که به نفع جوامع محلی باشد و به آثار تاریخی آسیب نرساند؟

به اعتقاد من استفاده صحیح و اجرای درست بومگردی‌ها به عنوان توسعه و ترویج و معرفی و احیای میراث فرهنگی، رونق سکونت پایدار ساماندهی با تأمین اعتبار زیر ساخت‌های مناسب برای ساکنین همکاری و مشارکت در تعمیر و مرمت بناهای تاریخی می‌تواند در این امر مثرتر باشد.



در گفت‌وگو با مدیرکل ثبت حریم آثار و حفظ و احیای وزارت میراث فرهنگی مطرح شد

پاسداری از هویت تاریخی و فرهنگی با ثبت حریم و احیای آثار



با نابودی بخشی از هویت ملی شود. بنابراین توجه و سرمایه‌گذاری در این حوزه، نه تنها حفظ ارزش‌های مادی و معنوی گذشته است، بلکه گامی مهم در توسعه پایدار فرهنگی و اجتماعی امروز و آینده جامعه محسوب می‌شود.

برای بررسی بیشتر موضوع به سراغ علیرضا ایزدی، مدیرکل ثبت حریم آثار و حفظ و احیای وزارت میراث فرهنگی آمده‌ایم تا از وی جویا شویم.



شناسایی آسیب‌ها، اجرای اقدام‌های مرمتی اصولی، حفظ اصالت اثر، و تطبیق با نیازهای روز جامعه اهمیت دارد. احیا می‌تواند شامل بازگرداندن عملکرد تاریخی به اثر یا دادن کاربری جدید و متناسب با شرایط امروزی باشد که در عین حفظ ارزش‌ها، زندگی دوباره‌ای به آن ببخشد.

یکی از موفق‌ترین تجربه‌های احیا، تبدیل خانه‌های تاریخی به فضاهای اقامتی، موزه، یا مراکز فرهنگی است که علاوه بر حفاظت از بنا، به رشد گردشگری، ایجاد اشتغال و تعامل با جامعه محلی منجر می‌شود. همچنین، نمونه‌هایی از مراکز تاریخی که با بازسازی علمی و مستند توانسته‌اند به‌صورت مؤثر به چرخه زندگی شهری بازگردند، نشان‌دهنده موفقیت این رویکردهاست.

چالش‌ها و راهکارها

یکی از مهمترین چالش‌ها در مسیر ثبت حریم و حفظ آثار، عدم آگاهی یا کم‌توجهی مدیران و مردم به اهمیت این موضوع است. علاوه بر این، تجاوز به حریم آثار به دلیل توسعه ناموزون شهری، نبود قوانین بازدارنده یا اجرای ناقص آیین‌نامه‌ها موجب آسیب جدی به آثار و هویت شهری می‌شود. از دیگر چالش‌ها کمبود منابع مالی و انسانی تخصصی برای مرمت و احیاست.

برای روبه‌رو شدن با این مشکلات، نیاز به همکاری چندجانبه بین نهادهای دولتی و خصوصی، جلب مشارکت جوامع محلی، ترویج آموزش و بالا بردن آگاهی عمومی نسبت به اهمیت میراث تاریخی، و همچنین استفاده از فن‌آوری‌های نوین برای مستندسازی و مرمت آثار وجود دارد. تعریف مشوق‌ها برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بازسازی آثار، طراحی برنامه‌های آموزشی برای کادر تخصصی، و تدوین قوانین مؤثر برای صیانت حریم‌های ثبت‌شده ضرورت دارد.

در نتیجه می‌توان گفت ثبت حریم آثار تاریخی و انجام عملیات حفظ و احیا، چرخه‌ای کامل از حفاظت میراث فرهنگی را شکل می‌دهد که ضامن بقای این آثار ارزشمند برای نسل‌های آینده است. بدون اعمال دقیق ضوابط حریمی و اجرای دقیق پروژه‌های احیا، هرگونه توسعه شهری یا مداخله انسانی می‌تواند منجر به فراموشی

زینب صفری خبرنگار

آثار تاریخی و فرهنگی، بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ملی و حافظه جمعی هر جامعه هستند. ثبت رسمی این آثار و تعیین حریم آن‌ها گامی اساسی جهت حفاظت فیزیکی، معنوی و حتی منظری از این میراث ارزشمند است. در کنار این تلاش، احیا و بازسازی آثار و بناهای تاریخی نیز از موضوعات اساسی حفاظت و مدیریت میراث محسوب می‌شود. اهمیت این اقدام‌ها زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم بسیاری از آثار باستانی و فرهنگی به دلیل توسعه شهری، ساخت‌وساز، تغییر کاربری زمین‌ها و بی‌توجهی به اصول مرمت، در معرض تخریب یا آسیب جدی قرار دارند.

ثبت حریم آثار

ثبت حریم آثار تاریخی به معنای تعیین محدوده‌ای پیرامون یک اثر است که در آن حریم بصری، فضایی و حتی کارکردی اثر حفظ شود و هرگونه فعالیت عمرانی یا تغییر کاربری که منجر به خدشه‌دار شدن ارزش اثر شود، محدود شود. این حریم معمولاً سه بخش دارد:

۱. حریم درجه یک (حفاظت مطلق)،
۲. حریم درجه دو (حمایت عملکردی)،
۳. حریم منظری (حفاظت از دید و منظر طبیعی و فرهنگی اطراف اثر).

تعیین حریم آثار مزیت‌های بسیاری دارد. اول آنکه از ساخت و سازهای آسیب‌زا در نزدیکی اثر جلوگیری می‌شود و دوم اینکه بستر مناسبی برای جذب گردشگر و توسعه پایدار فرهنگی و اقتصادی فراهم می‌شود. همچنین، ثبت حریم آثار راه را برای احیا و بهره‌برداری مناسب از فضاهای پیرامون آثار هموار می‌کند و می‌توان با برنامه‌ریزی دقیق، کاربری‌های فرهنگی، آموزشی و گردشگری را در نزدیک آن‌ها توسعه داد.

اهمیت و ضرورت حفظ و احیای آثار

حفظ و احیا (بازسازی) آثار تاریخی فرآیندی جامع است که تلاش می‌کند با توجه به ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و هنری، اثر را از فرسودگی و نابودی نجات دهد و به زندگی شهر و جامعه بازگرداند. در این فرآیند،



یونسکو ما در هر سال فقط یک پرونده را می‌توانیم ارائه دهیم که در ادامه کارهای اولیه کارشناسی از سوی یونسکو روی آن انجام و بعد در صورت پذیرش سؤالات مطرح شده، از سوی یونسکو پاسخ داده می‌شود و نهایتاً منجر به اعزام ارزیاب برای بازدید میدانی می‌شود.

این روال حدود یک‌سال زمان برده و در ادامه در مقر یونسکو واقع در فرانسه جلسات متعددی در این خصوص انجام شده و معایب آن نیز در سطح جهانی با حضور همه کشورها مطرح و بررسی می‌شود.

ثبت آثار ایران در فهرست یونسکو چه تأثیری بر جایگاه بین‌المللی ایران داشته است؟
وزارتخانه چه برنامه‌ای برای تقویت دیپلماسی فرهنگی از طریق میراث جهانی دارد؟
کمیته میراث جهانی یک شورای ۲۱ نفره را تحت عنوان هیأت رئیسه دارد که تمامی آثار در آن رای‌گیری شده و به ثبت جهانی می‌رسند.

درخصوص حفاظت و مدیریت میراث جهانی باید گفت که همه آثاری که در فهرست آثار ملی ثبت می‌شوند، یک سری قوانین در حوزه حفاظت، پایش، مرمت و احیا آنها متردد می‌شود. مانند بسیاری از آثار موجود که در صورت نیاز روی آنها کارهای مرمتی انجام می‌شود تا در گذر زمان دوام آورده و پابرجا باشند. متولی این امر میراث فرهنگی است که مکان‌های تاریخی مانند «آرامگاه بوعلی، تخت جمشید، آرامگاه نادر و...» را که نگاه حاکمیتی روی آنها است، همه ساله با منابعی که از سوی دولت در اختیار قرار

حوزه به‌شمار می‌رود، هر چند که متأسفانه نزدیک به بیست سال قبل و بعد از جنگ، کشور ما وارد مرحله ثبتي نشده است، اما به‌واسطه اینکه ایران پایگاه تمدنی بسیار طولانی داشته است، جایگاه یکی از کشورهای برتر این حوزه را به خود اختصاص داده است.

بعد از شناسایی هراتر، تقریباً یک‌سال در حوزه فهرست مطالعات ملی روی آن کارهای مطالعاتی صورت می‌گیرد و بعد در صحن شورای ملی مطرح شده و اگر کارشناسان امر تمامی معیارهای مورد نیاز را لحاظ کنند، مانند سایر شوراها به این نتیجه می‌رسند که یک اثری حائز شرایط ثبت شدن در فهرست ملی است یا خیر.

چگونه می‌توان از ظرفیت میراث فرهنگی و جهانی ایران برای توسعه پایدار، به‌ویژه در حوزه گردشگری و اقتصاد محلی، استفاده کرد؟ آیا پروژه‌های موفقی در این زمینه اجرا شده است؟

در حوزه میراث جهانی، آثار ثبت شده در فهرست ملی با بررسی معیارهایی براساس کنوانسیون‌های عنوان شده، اگر دارای معیارهای لازم باشند برای آنها پرونده تشکیل می‌شود. به‌عنوان مثال بالغ بر بیست‌سال روی پرونده باستانی «استخر» در «تخت جمشید» کار کرده‌ایم که در حال حاضر نهایی شده و در ادامه با بررسی یونسکو پیشنهاد داده می‌شود تا با توجه به معیارهایی، کار مشورتی لازم روی آن صورت گرفته و شهریور هر سال پرونده آن برای یونسکو ارسال شود.

هر چند متأسفانه با توجه به تقسیمات

جناب دکتر به‌عنوان نخستین سؤال نقش وزارتخانه در حفاظت از میراث جهانی چیست و چه برنامه‌ای در این خصوص دارید؟
در وزارت میراث فرهنگی سه معاونت تخصصی وجود دارد که عبارتند از حوزه معاونت میراث فرهنگی که تمام اتفاقات و موضوعات مرتبط با حوزه فرهنگی به آن مربوط می‌شود که برنامه‌های تثبیتی چهار نوع اثر در این حوزه انجام می‌گیرد. آثار ما اعم از آثار ملموس که به دو بخش منقول و غیرمنقول تقسیم می‌شوند و همچنین آثار طبیعی واجد ارزش در فهرست‌های ملی و جهانی و آثار ناملموس که بهتر است آن را تحت عنوان آثار معنوی یا غیرمادی خطاب کنیم؛ در حوزه آثار ملی قرار دارند.

وزارت میراث فرهنگی چه برنامه‌های مشخصی برای حفاظت و مدیریت آثار ثبت‌شده ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو دارد؟ چه چالش‌هایی در این مسیر وجود دارد؟

نحوه قرارگیری اثر در فهرست آثار ملی هم براساس معیارهایی است. ما در دنیا دو کنوانسیون داریم که از آن تحت عنوان کنوانسیون ۱۹۷۲ در حوزه آثار ملموس و آثار غیرمنقول برنامه‌ریزی شده است و بخش دیگر آن تحت عنوان کنوانسیون ۲۰۳ که بیشتر آثار غیرمادی یا معنوی را در بر می‌گیرند.

ایران به واسطه غنای این آثار یکی از کشورهای برتر، میان ده کشور اول در این



وزارتخانه چگونه از فن آوری های نوین (مثل دیجیتال سازی، واقعیت افزوده، یا هوش مصنوعی) برای مستندسازی، حفاظت و معرفی میراث فرهنگی به نسل های آینده استفاده می کند؟

چه در دیجیتال سازی و چه در واقعیت های افزوده و هوش مصنوعی باید پذیریم که به دلایل مختلف از جمله اعتبارات و دیدگاه سنتی ما دچار مشکلاتی در این حوزه هستیم و نیاز است تا با ایجاد نگاهی نوآورانه از این مرحله عبور کرده و از پوسته خود بیرون بیاوریم و بدانیم که اگر می خواهیم روی صنعت گردشگری به عنوان صنعت روز کشورمان سرمایه گذاری کنیم باید با علم روز جهان در این حوزه همسو باشیم.

به واسطه تنوع اقلیم در ایران تمدن های متنوعی در این اقلیم رقم خورده است و ما هیچ راهی برای توسعه پایدار به جز توجه به گردشگری و مسائل وابسته به آن نداریم. چرا که جهانیان عطش دیدن تخت جمشید و پاسارگاد و مساجد ما را دارند؛ بنابراین توجه به گردشگری می تواند محیط زیست ما را حفظ کرده و توسعه پایدار را به پایدار تبدیل کرده و حتی روستاها را درگیر توسعه کند. چیزی که ما حتی در توسعه صنعتی نمی بینیم. اما اماکن تاریخی و با زیباییها

امیدوارم که بحث گفت و گو ایران با آمریکا به سرانجام برسد و شاهد باز شدن درها به روی گردشگران از تمام جهان به کشور عزیزمان و به تبع آن رونق اشتغال و اقتصاد و ثروت آفرینی در حوزه های مختلف در کشور باشیم. اعتقاد من بر این است که میراث علی رغم فراز و نشیب های بسیار زیاد و نوع نگاهی که بر آن وجود دارد و علی رغم مشکلات عدیده بودجه ای و ریالی خیلی خوب و موفق کار کرده و توانسته است از هویت کشورمان به خوبی دفاع کند.

آثار فرهنگی ما مانند ویتروینی است که سابقه فرهنگی و تاریخی کشور را در جایگاه جهانی مانند یک ویتروین عرضه می کند. همه قاطبه مردم دنیا به مباحث فرهنگی و تاریخی علاقه مند هستند، وقتی که ما بتوانیم این موضوع را از لحاظ کمی رشد دهیم، کمک خواهد کرد تا جایگاه بهتر را در عرصه جهانی برای کشورمان ثبت کنیم. ما در پرونده های مانند جشن صده یک پرونده را ثبت کردیم، هرچند در واقعیت و براساس مفاد کنوانسیون ها و پیمان نامه های یونسکو اصلا یک مجموعه سیاسی نیست، اما متأسفانه پشت تمامی این موارد یک نگاه سیاسی وجود دارد. زمانی که ما یک جشنی را تحت عنوان جشن صده در معتبرترین شورای بین المللی یونسکو ثبت می کنیم، فارغ از اینکه نام ایران آورده می شود و جشنی که نماد شکرگزاری و شادی یک سرزمین است ثبت می شود، در واقع یک نوع فعالیت دیپلماتیک برای مبارزه با تهاجم فرهنگی نیز اتفاق می افتد. این جشن که غالباً به نام زرتشتیان ایران است و با این اتفاق ما از حقوق یک اقلیت دفاع کرده ایم و با زمانی که ساز ریاب ثبت شد در واقع نیم نگاهی به استان های مرزی مانند سیستان و بلوچستان داشتیم تا هنر این خطه در سطح جهانی دیده شود. این اتفاقات جایگاه ایران را از حوزه های مختلف افزایش می دهد و بسیار می تواند ارزشمند باشد.

این روزها ما یک پرونده تحت عنوان مساجد ایرانی را در دستور کار داریم که اگر ثبت شود اتفاق بزرگی در این حوزه در عرصه جهانی اتفاق خواهد افتاد. ثبت مواردی از این دست و کاروانسراها به تنهایی می توانند از کیان سرزمینمان به خوبی و به حق دفاع کنند.

در پرونده لژسازی که در بالاترین محفل علمی فرهنگی دنیا به ثبت رسیده است فقط ۷۴ بار نام خلیج فارس در پرونده لژسازی آمده است و این روزها زمانی که مساجد ایرانی را ثبت می کنیم، این اتفاق تأکیدی بر هویت مذهبی و ملی و ارائه های معماری کشورمان است که تقویت دیپلماسی کشورمان را در پی دارد.

می گیرد، مورد پایش و مرمت قرار می گیرند. بخش های دیگر را که توان مرمت آن را نداریم، تحت عنوان کاروانسرا و میهمانسرا به بخش های خصوصی واگذار می کنیم تا هم به محل های اقامتی و... تبدیل شده و هم تبدیل به منابع درآمدی برای میراث فرهنگی و خزانه دولت شوند. در سال گذشته ما ۱۶۰۰ میلیارد تومان بودجه برای کل وزارت میراث فرهنگی داشتیم که بسیار اندک و ناچیز است.

همانطور که می دانیم کشور ایران به واسطه پیشینه تمدنی که دارد یک میلیون اثر از محوطه ها، ابنیه ها و سایر... اماکن تاریخی دارد که ۱۶۰۰ میلیارد تومان با در نظر گرفتن تعدد این آثار رقم ناچیزی به شمار می رود.

بزرگترین چالش ما در طول این سال ها این است که کار مرمتی بسیار زمان بر و هزینه بر بوده و متأسفانه با این اعتبارات قطره چکانی ما در این حوزه در وضعیت خوشایندی به سر نمی بریم. بنابراین وزارت میراث فرهنگی همیشه با این چالش روبه رو بوده و نتوانسته است توان مالی و عددی لازم را به خود اختصاص دهد.

قطعاً ادبیات تلخ «ایران هراسی» سال هاست که پس از پیروزی انقلاب به واسطه مخالفت های جهانی با انقلاب ایران وجود داشته و ما با آن روبه رو بوده ایم. یکی از اولین عایدات آثار در حوزه ثبت جهانی این است که تصویرسازی مناسب از آثار تاریخی و کهن موجود کشورمان در سطح جهانی شکل گرفته و حرکتی هوشمندانه برای مبارزه با نظرات مخالف علیه کشورمان در عرصه جهانی شکل گیرد.

ایران واقعا کشور زیبا است اما این زیبایی باید به تصویر کشیده شود و از آنجایی که ما به بنگاه های تبلیغاتی دسترسی نداریم و به نوعی در این حوزه در تحریم به سر می بریم، اما ثبت یک اثر اتفاق خوبی بر علیه این اتفاقات نازیبا می تواند رقم بزند. مانند ثبت ۵۲ کاروانسرا که در سطح ملی به ثبت رسیدند، که چه بسا بسیار دور افتاده بودند و کمتر کسی نام آنها را شنیده بود، مانند دو کاروانسرا در آذربایجان شرقی که چه بسا در میان محلی ها ناشناس بود اما دو توریست آلمانی راه طولانی را برای دیدن آنها طی کرده بودند. که نشان از تصویرسازی نشان از معرفی این آثار به گردشگران و توسعه فضای گردشگری و تولید ثروت و رشد اقتصاد گردشگری کشور است. اتفاق خوب در این عرصه اینها است که این آثار در گستره جغرافیایی کشورمان پخش هستند و می توان با برنامه ریزی مناسب ورود گردشگران را به جای جای کشور داشته باشیم و فارغ از مسائل سیاسی



سیر کردن شکم نیست، بلکه غذاهای ما برگرفته از یک باورهای است که با محصولات آندومیک یک منطقه تأمین و پخت می‌شود و برخی از آنها جنبه مراسمات مذهبی و ملی دارند که می‌توانند به برندهای تشکیل دهنده یک جامعه تبدیل شوند و غذای محلی هر روستایی می‌تواند پرچم یا معرفی‌نامه آن روستا و چستی‌ها و کیستی‌های آن منطقه باشد. این مهم بهانه‌ای برای آشنایی توریست‌ها با هویت نانوشته ملی ما است که می‌تواند زمینه‌ساز اتفاقات بسیار خوبی در عرصه جهانی شود که هیچ چیزی بهترین از این اتفاقات نمی‌تواند با موضوعاتی که بر علیه کشورمان با عنوان پروژه ایران هراسی رقم می‌زنند مقابله کند. بنابراین بهترین راه دیپلماسی فرهنگی توسعه صنعت گردشگری است.

با توجه به تهدیداتی مثل تغییرات اقلیمی، توسعه شهری و جهانی سازی، وزارتخانه چه استراتژی‌هایی برای حفاظت از میراث فرهنگی ایران در دهه‌های آینده تدوین کرده است؟

متأسفانه یکی از تهدیداتی که حوزه میراث را تهدید می‌کند تهدیدات اقلیم و تغییرات آب و هوایی و فرونشست زمین نقاط مرکزی ایران بخصوص در استان اصفهان که یکی از چالش‌های عمده ما است که با مجموعه‌های زیربست و همکاری شهرداری‌ها با نصب جی پی اس برای بررسی رفتارهای ساختمان‌ها و ابنیه‌های تاریخی را مورد بررسی قرار دادیم و در حال پایش آنها هستیم که به هر حال به نوعی دیتای مناسبی راجع به واقعیت داشته باشیم تا براساس آن واقعیت‌ها مرمت و استحکام‌بخشی را انجام دهیم. متأسفانه رخداد یک بخش از این اتفاقات اجتناب ناپذیر است و امیدواریم که بتوانیم با تأمین اعتبارات لازم آن را مدیریت کرده و استحکام‌بخشی لازم را انجام دهیم.

در این راستا با مجموعه‌های بین‌المللی نیز در ارتباط هستیم و خوشبختانه شاهد افق روشنی در این خصوص در روابط بین‌الملل هستیم.

درخصوص موضوع ناملموس باید بگویم که تنوع موضوع خیلی زیاد است و در مسائل فرهنگی ما دوام و قوام بخش است. منتها باید به سمت برندسازی برویم و گاهی نگاه تجاری به آن داشته باشیم. در حوزه غذاها و لباس‌ها اگر به سمت تولیدات استاندارد و تجاری‌سازی و تولیدات انبوه در این حوزه خوشبختانه منتظر اتفاقات خوبی هستیم. چرا که صنایع دستی ما بسیار مورد توجه جامعه جهانی است و این بهانه خوبی برای درگیر کردن جوامع محلی ما به شمار می‌رود.

فارغ از بزرگ نمایی‌ها به کیستی‌های خود پی ببرند.

سرزمینی که به فرمایش حضرت آقا قدمت ۳۱۰۰ سال در هگمتانه را دارد نباید نگاهش به جاهای دیگر باشد. بنابراین نیاز است فارغ از نگاههای شخصی و سیاسی بزرگان کشور مانند خیام و کوروش و... را در واقعیت به نسل جوان انتقال داده و معرفی کنیم.

این روزها در حال برگزاری چهارمین دوره جشنواره چند رسانه‌ای هستیم و در کنار آن معمولاً همه ساله رویدادهای بسیاری را برگزار می‌کنیم و در کنار این مهم معمولاً رویدادهای بسیاری را همه ساله برگزار می‌کنیم و ثبت در حوزه ناملموس را با هدف درگیر شدن جامعه محلی با معرفی غذاها، آیین‌ها، رسومات مذهبی و ملی، مثل‌ها، مثل‌ها و... را در دستور ثبت خود داریم تا تمام مردم را با ریشه‌ها و داشته‌های تاریخی و کهن جوامع محلی آشنا کنیم. چرا که این کار باعث درگیر شدن مردم و ایجاد غرور ملی شده و تولید ثروت را به همراه خواهد داشت. اینها مولفه‌ها و عناصری هستند که می‌تواند توسعه مناسب را رقم بزند.

چه اقدام‌هایی برای افزایش آگاهی عمومی و جلب مشارکت جوامع محلی در حفاظت از میراث فرهنگی و جهانی انجام شده است؟ نقش آموزش و پرورش در این زمینه چیست؟

هر چند دانشگاه‌ها در انتقال واقعیت‌های کیستی‌ها و چستی‌های کوتاهی‌های زیادی کرده است و آموزش و پرورش به عنوان رئیس تربیت یک جامعه باید یک نسل آگاه فارغ از افراط و تفریط را تحویل جامعه دهد. کوروش یک انسان است که شاید دارای نواقص انسانی هم باشد، اما نیاز است تا آموزش و پرورش و دانشگاه‌های ما فارغ از لجابت و دیدگاههای شخصی به آن نگاه کرده و به نسل جوان جامعه منتقل کند و اجازه ندهد این امر تبدیل به یک معضل شده و مانع انتقال دانش پیشینیانمان به نسل‌های آینده شود که این اتفاق نخواهد گذاشت نسل ما نسل پر غروری شود، بلکه ما شاهد نسلی وابسته و وامدار به این سو و آن سو خواهد شد. این رسالت بر عهده مجموعه سینمایی و تلویزیونی و وزارت ارشاد و آموزش و پرورش و... است تا با تولید آثار واقعیت اینها را بیان کرده و تربیت جامعه را رقم بزنند.

چگونه می‌توان از ظرفیت صنایع دستی و میراث ناملموس (مثل آیین‌ها و سنت‌ها) برای تقویت هویت فرهنگی و جذب گردشگر جهانی بهره برد؟

-درباره موضوع ناملموس باید بگویم که یک غذا یا خوراک صرفاً یک وسیله برای

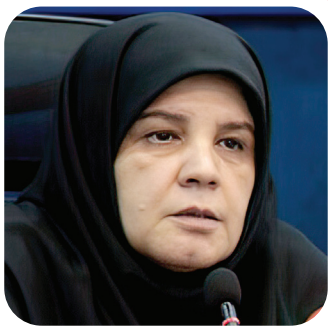
و جذابیت‌های طبیعی به راحتی می‌تواند توسعه پایدار و رونق اقتصادی را حتی در روستاهای دورافتاده به راحتی رقم بزند. بنابراین نیاز است تا اجازه دهیم به واسطه تحریم‌ها این فرصت‌های طبیعی و تاریخی و خدادادی نادیده گرفته شوند و به کمک هوش مصنوعی و نگاه دیجیتال اجازه دهیم عقب ماندگی در این صنعت گریبان‌گیر صنعت گردشگری کشورمان شود.

چرا که ما باید برداشت‌های خود را در این زمینه با کمک تکنولوژی روز به نسل‌های آینده انتقال دهیم. چرا که تکنولوژی روز است که می‌تواند یک سند افتخار را در این زمینه برای آیندگان ما و حتی نسل امروز ما رقم بزند. چرا که نسل امروز به واسطه عدم دفاعیه چستی و کیستی تاریخ و میراث کهن کشورمان درک درستی از این ثروت ملی ندارد و چگونگی انتقال درست آن قطعاً بر عهده ما خواهد بود. ما دارای یک کشور دارای تمدن هستیم اما از سویی داشتن یک نیم نگاه واقع بینانه در حوزه‌های هویت‌سازی و معرفی مفاخر و مشاهیر با کمک رسانه‌هایی مانند صدا و سیما و آموزش و پرورش می‌تواند برای نشان دادن به حق این حوزه موفق عمل کند تا فرزندان من و شما یک مقدار جدی‌تر



در گفت‌وگو با مدیرکل حفظ و احیای بناها و بافت‌ها مطرح شد

نقش وزارتخانه در حفاظت از میراث جهانی



فاطمه داوری

مدیرکل حفظ و احیا بناها و بافت‌ها وزارت میراث فرهنگی

وزارت میراث فرهنگی نیست و وزارت میراث فرهنگی نقش هماهنگی و نظارت بر این برنامه را بر عهده دارد حفاظت از این آثار در چارچوب‌های بین‌المللی در قالب «پلان مدیریت» آثار که به‌صورت دوره‌ای تهیه و اجرا می‌شود تحقق پیدا می‌کند وزارت میراث مسؤول تهیه این پلان‌های مدیریتی برای حفاظت از آثار است که در آن نقش تمامی عوامل دخیل در حفاظت از اثر مشخص می‌شود و همچنین این وزارت نقش نظارتی بر اجرای تکالیف سایر دستگاه‌ها دارد.

علاوه بر این‌ها در قالب برنامه ملی صیانت از میراث فرهنگی برای تمامی آثار ثبت جهانی، برنامه‌های حفاظت و مرمت پیش‌بینی شده است بخصوص در این دوره که در قالب برنامه ۵ ساله معاونت میراث فرهنگی که منطبق با برنامه هفتم است برنامه ساماندهی و مرمت در آثار جهانی مشخص شده است.

مهمترین چالش این حوزه دو موضوع اعتبارات و تشکیلات است.

در حوزه اعتبارات برای حفاظت و مرمت این آثار که جزو تعهدات بین‌المللی ایران است، هیچ تناسبی بین نیازها و گستردگی آثار و منابع بودجه‌ای در اختیار وجود ندارد. از آنجایی که حفاظت از هر یک از این آثار یک برنامه ملی و تعهد دولت است باید برای هر یک از این آثار یک ردیف اعتباری مشخص در جداول بودجه پیش‌بینی شود. از منظر تشکیلات و نیروی انسانی، این آثار در قالب پایگاه‌های میراث جهانی اداره می‌شوند که متأسفانه در گذشته از منظر تشکیلاتی، جایگاه رسمی در ساختار تشکیلاتی وزارت میراث فرهنگی نداشته بنابراین مسائل جدی برای تأمین نیروی انسانی داشته‌اند که خوشبختانه با پیگیری‌های انجام شده در وزارت میراث فرهنگی بخش زیادی از آن در حال مرتفع شدن است و پست‌های سازمانی شاغلین در پایگاه‌ها منبسط در ساختار وزارت میراث فرهنگی تعریف مشخص پیدا می‌کند، اما مسئله منابع اعتباری همچنان وجود دارد.

چگونه می‌توان از ظرفیت میراث فرهنگی و جهانی ایران برای توسعه پایدار، به‌ویژه در حوزه گردشگری و اقتصاد محلی، استفاده کرد؟ آیا پروژه‌های موفق در این زمینه اجرا شده است؟

بناها و بافت‌های تاریخی، نه تنها شاهدان خاموش تاریخ، بلکه قلب تپنده شهرها و حامل هویت و حافظه جمعی ما هستند. حفظ این میراث به معنای پاسداری و نگهداری از کالبد فیزیکی آنها در برابر فرسودگی، آسیب و تخریب است. این شامل مرمت، نگهداری اصولی و جلوگیری از دخل و تصرف‌های نامناسب می‌شود.

اما احیا فراتر از صرفاً حفظ فیزیکی است. احیا یعنی دمیدن روح تازه در این فضاها؛ بازگرداندن کاربری‌های متناسب با نیازهای امروز جامعه، ضمن حفظ اصالت تاریخی و معماری بنا یا بافت. این فرآیند می‌تواند شامل بازسازی آگاهانه، تبدیل خانه‌های قدیمی به اقامتگاه، مراکز فرهنگی، یا گالری‌ها باشد تا این مکان‌ها دوباره بخشی زنده و پویا از حیات شهری شوند.

حفظ و احیای بناها و بافت‌های تاریخی نه تنها به پاسداری از گذشته کمک می‌کند، بلکه با خلق فضاهای جذاب و دارای هویت، به توسعه پایدار گردشگری، اقتصاد محلی و کیفیت زندگی شهروندان نیز یاری می‌رساند. این دو فرآیند مکمل یکدیگرند و برای بقا و تداوم حیات میراث مادی ما ضروری هستند.

برای بررسی بیشتر موضوع به سراغ فاطمه داوری، مدیرکل حفظ و احیای بناها و بافت‌های وزارت میراث فرهنگی آمده‌ایم تا از وی جویا شویم.

وزارت میراث فرهنگی چه برنامه‌های مشخصی برای حفاظت و مدیریت آثار ثبت‌شده ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو دارد؟ چه چالش‌هایی در این مسیر وجود دارد؟

ایران از سال ۱۳۵۳ طی قانون مصوب مجلس وقت به «کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهان» ملحق شده و در این چارچوب تاکنون ۲۶ پرونده متعلق به میراث فرهنگی ایران که بالغ بر ۱۰۰ اثر را دربر می‌گیرد و ۲ پرونده میراث طبیعی در فهرست آثار جهانی ثبت شده که به‌عنوان میراث جهانی ایران شناخته می‌شوند.

دولت ایران در قبال حفاظت از این آثار تکالیف و تعهدات بین‌المللی دارد که تحقق آنها موضوعی فرابخشی برای دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی کشور است و فقط وظیفه



فرهنگی نمی‌تواند راساً آن را فعال کند تمام دستگاه‌های دیپلماسی کشور باید در کنار وزارت میراث فرهنگی این ظرفیت را تبدیل به ظرفیت برتر کشور کنند و برای آن برنامه داشته باشند.

باید باور کنیم، مردم جهان ایران را با غنای فرهنگی، تاریخی و تمدنی‌اش می‌شناسند و باید ظرفیت دیپلماسی و ارتباطات مبتنی بر آن را فعال کنیم.

در وزارت میراث فرهنگی برای فعال کردن این ظرفیت‌ها اقدام‌های متعددی شکل گرفته مثل بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت ثبت‌های جهانی که در دوره‌هایی در گذشته متأسفانه عقب ماندگی جدی داشته، ظرفیت ثبت‌ها مشترک با کشورهای منطقه، برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی، همین نمایشگاه اخیر شکوه ایران باستان در چین که میلیون‌ها نفر بازدیدکننده داشت و حضور مؤثر در مجامع بین‌المللی، اقدام‌های مؤثری در این سال‌ها بوده اما همچنان ظرفیت‌های گسترده و مغفولی برای فعال شدن وجود دارد که راساً توسط وزارت میراث فرهنگی نمی‌تواند محقق شود و باید دستگاه‌های فرهنگی و دیپلماسی کشور هم در کنار وزارت میراث فرهنگی قرار گیرند.

وزارتخانه چگونه از فن‌آوری‌های نوین (مثل دیجیتال سازی، واقعیت افزوده، یا هوش مصنوعی) برای مستندسازی، حفاظت و معرفی میراث فرهنگی به نسل‌های آینده استفاده می‌کند؟

موضوع فن‌آوری‌های نوین برای وزارت میراث فرهنگی امروز دو وجه متقابل دارد.

کرده که گسست جدی بین دانش و فن‌آوری‌های بومی با برنامه‌های توسعه و عمران امروز کشور رخ داده و عملاً بخش زیادی از پروژه‌های عمرانی کشور دارای خطاهای محاسباتی و اجرایی و در کنار آن آسیب‌های محیطی را به همراه آورده است. یکی از اقدام‌های لازم در این زمینه این است که اسناد آمایشی کشور را بر مبنای ظرفیت‌های میراث فرهنگی تدوین کنیم و در اسناد راهبردی و برنامه‌ای، این تجارب تاریخی را ملاک عمل، تصمیم‌گیری و ارزیابی قرار دهیم.

ثبت آثار ایران در فهرست یونسکو چه تأثیری بر جایگاه بین‌المللی ایران داشته است؟ وزارتخانه چه برنامه‌ای برای تقویت دیپلماسی فرهنگی از طریق میراث جهانی دارد؟

امروز دنیا مشحون در پیوندهای جهانی و منطقه‌ای و مشحون از دیپلماسی مبتنی بر فرهنگ و میراث فرهنگی است. ایران به جهت برخورداری از میراث فرهنگی و طبیعی بین ۱۰ کشور اول دنیا قرار دارد و در حوزه میراث ناملموس جهانی در بین ۵ کشور اول دنیا، هیچ حوزه دیگری پاری رقابت در این عرصه را ندارد خصوصاً این که امروز معاندان به دنبال مخدوش کردن چهره واقعی ایران در عرصه جهانی هستند و ایجاد تصور درست و دقیق از ایران در عرصه جهانی از راه میراث فرهنگی آن می‌گذرد. در سطح ملی و در برنامه‌های کلان این ظرفیت به‌صورت جدی و عملیاتی مورد توجه و بهره‌برداری قرار نگرفته است و قطعاً فقط وزارت میراث

ایران با داشتن بالغ بر ۳۴ هزار اثر ثبت شده در فهرست آثار ملی، ۲۸ اثر ثبت شده در فهرست میراث جهانی، شهرهای و روستاهای تاریخی و میراث ناملموسی که عملاً منبع دانشی و تجربی زیست کیفیت مند و پایدار در این سرزمین است. پتانسیل بی‌ظیر برای توسعه پایدار مبتنی بر میراث فرهنگی دارد.

ظرفیت خوانش و بهره‌گیری از دانش و فناوری‌های بومی منطبق با شرایط زیست‌محیطی کشور که منجر به خلق آثار شگفت‌انگیز و پایدار در طی تاریخ شده اگر امروز هم مبنای برنامه‌های توسعه قرار گیرد، مفهوم پایداری را محقق می‌کند و رشد را به دنبال دارد.

لازمست سازمان برنامه و بودجه و تمامی نهاد‌های توسعه و عمران کشور موضوع توجه و بهره‌گیری از دانش و تجارب بومی که در میراث فرهنگی نهفته را در شرح خدمات و برنامه‌ها توسعه محور اصلی قرار دهند مثلاً کشور در قالب برنامه‌های جهش مسکن در حال توسعه ظرفیت و فضای شهرها و ایجاد شهرها و شهرک‌های جدید است مکان‌یابی موضوع علمی است که در پیشینه شهرهای تاریخی ایران به خوبی انجام می‌شده و امروز باید از این دانش تاریخی در انتخاب مکان شهرها و شهرک‌های جدید استفاده کنیم و در غیر این صورت به پایداری نمی‌رسیم.

گاهی اوقات تصور می‌شود که تکیه بر منابع تاریخی برای توسعه و عمران کشور، سنت‌گرایی است و مانع نوآوری می‌شود. این تصور خطا متأسفانه شرایطی را فراهم



فرهنگی قرار گیرند و موضوع افزایش سواد عمومی در این حوزه را تبدیل به برنامه مشترک کنند.

با توجه به تهدیداتی مثل تغییرات اقلیمی، توسعه شهری و جهانی سازی، وزارتخانه چه استراتژی‌هایی برای حفاظت از میراث فرهنگی ایران در دهه‌های آینده تدوین کرده است؟

موضوع مقابله با این تهدیدات که جدی است متأسفانه به‌طور مستقیم نمی‌تواند توسط وزارت میراث فرهنگی انجام شود. این مقابله باید در قالب برنامه‌های ملی با مشارکت همه ذی‌مدخلان بخصوص دستگاه‌هایی که متأسفانه برنامه‌های توسعه‌شان در این چند دهه این تهدیدات را افزون کرده باید انجام شود.

امروز میراث فرهنگی در معرض تهدیداتی است که ناشی از برنامه‌های توسعه‌ای بیرونی بر آن تحمیل شده است می‌باشد و عجیب‌تر اینکه سهمی هم از منابع مدیریت بحران کشور برای توانمند کردن و مقاوم‌سازی آثار در برابر این تهدیدها ندارد. یعنی هم عوامل بیرونی هستند و به‌هم‌رای اینکه در برابر این عوامل مقاوم شود منابعی در اختیار ندارد.

لازم است در برنامه‌های کاهش خطر تغییرات اقلیمی به ویژه فرونشست به‌صورت جدی سهمی برای میراث فرهنگی در سطح ملی دیده شود و تمامی نهادهای توسعه و عمران کشور در برنامه‌ریزی‌های محیطی در محدوده‌های آثار تاریخی ملاحظات و مقررات را رعایت کنند. و باید میراث فرهنگی سهم روشنی از منابع مدیریت بحران کشور داشته باشد. در حوزه توسعه شهری، آنچه در برنامه‌های توسعه‌ای مغفول مانده ظرفیت رشد درون‌زای شهرها مبتنی بر بافت‌های تاریخی است که معنای درست آن در کشور به خوبی شناخته نشده این مدل توسعه غنی‌ترین، پایدارترین و کم‌هزینه‌ترین شیوه توسعه شهری است.

در نظام برنامه‌ریزی کشور یکی از اهداف تهیه طرح‌های ویژه بافت‌های تاریخی همین موضوع بوده که به نظر می‌رسد فراموش شده است.

خوشبختانه ظرفیت‌های قانونی خوبی وجود دارد و استراتژی اصلی وزارت میراث فرهنگی، فعال کردن این ظرفیت‌های قانونی از طریق تعاملات و برنامه‌های بین بخشی و بین دستگاهی است تا میراث فرهنگی ظرفیتی برای توسعه پایدار کشور بشود و برنامه‌های توسعه‌ای و حفاظتی همپوشان شوند.

چه اقدام‌هایی برای افزایش آگاهی عمومی و جلب مشارکت جوامع محلی در حفاظت از میراث فرهنگی و جهانی انجام شده است؟ نقش آموزش و پرورش در این زمینه چیست؟

وزارت برنامه‌های گسترده‌ای دارد که به یکی از مهمترین‌های آن اشاره می‌کنم با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند ملی میراث فرهنگی به‌عنوان یک برنامه ملی فرهنگی بین دستگاهی که بالغ بر ۲۰ دستگاه در آن تکلیف روشن برای معرفی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های میراث فرهنگی دارند تدوین و در حال آخرین مراحل تصویب است. در این برنامه برای نهادهای آموزشی کشور به ویژه وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، مرتبط، روشنی برای گنجاندن درس مرتبط، تکمیل منابع درسی، بهره‌گیری از ظرفیت فضاهای تاریخی و موزه‌ها به‌عنوان فضای آموزشی، ایجاد زنگ میراث فرهنگی در مدارس پیش‌بینی شده است. به پیشنهاد وزیر آموزش و پرورش موضوع موزه مدارس و همیارهای میراث فرهنگی از بین دانش‌آموزان از برنامه‌های مشترک معاونت میراث فرهنگی با وزارت آموزش و پرورش است.

نکته حائز اهمیت در این زمینه نقش نهادهای رسانه‌ای به ویژه صدا و سیماست که اقدام‌های خوبی تاکنون انجام شده ولی برای مؤثرتر بودن باید این نهادها و به ویژه صدا و سیما در کنار وزارت میراث

از یک سو ظرفیت فوق‌العاده‌ای را برای بهره‌گیری از آن در فرآیندهای شناختی، مرمتی و معرفی میراث فرهنگی فراهم می‌کند به گونه‌ای که امروز در برنامه‌های مستند نگاری آثار تاریخی بهره‌گیری فن‌آوری‌های نوینی مثل فتوگرامتری و اسکن فتولیزرها به شیوه‌ای متداول تبدیل شده و در برنامه‌های شناختی عرصه و حرایم محوطه‌های تاریخی استفاده از این تکنولوژی‌ها مطالعات زیر سطحی مثل زئورادارها در حال عملیاتی شدن است بخصوص با توجه به تکلیف گسترده برنامه هفتم توسعه برای تعیین حرایم آثار تاریخی و محوطه‌های تاریخی امری لازم و اجتناب‌ناپذیر و در حال اجراست. در برنامه هفتم باید تمامی نقشه‌های عرصه‌ها و حرایم تاریخی رقومی شوند که تحقق آن فقط با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فن‌آوری‌های نو محقق می‌شود.

در حوزه موزه‌ها و معرفی آثار هم وزارت میراث فرهنگی برنامه‌های جدی برای موزه‌ها و نمایشگاه‌های مجازی و دیجیتال‌سازی میراث فرهنگی را آغاز کرده و در برنامه ۵ ساله وزارت هم آمده است. از سوی دیگر وزارت میراث فرهنگی همراه سایر نهادهای فرهنگی کشور باید مراقب و پاسدار میراث ناملموسی مثل زبان‌ها، گویش‌ها و سنتها که با غلبه فضای مجازی برگرفته از این فناوری‌ها ممکن است دچار زوال شوند هم باید باشد.



میراث فرهنگی استان خوزستان گنجینه‌ای از تاریخ و تمدن



محمد جوروند

مدیرکل میراث فرهنگی استان خوزستان

پل‌های جهان که هنوز پابرجاست و قدمت آن به دوران ساسانی بازمی‌گردد)

- قلعه سلاسل و بند قیصر در شوشتر
- و بناها و بافت‌های تاریخی در شهرهای مختلف استان.

میراث فرهنگی خوزستان تنها محدود به آثار ملموس نیست؛ فرهنگ غنی و تنوع قومیتی این استان، شامل اقوام عرب، بختیاری، لر و سایر گروه‌های فرهنگی، با آداب و رسوم، موسیقی و صنایع دستی خاص خود، بخش مهمی از میراث ناملموس این منطقه را تشکیل می‌دهد.

حفاظت، مرمت و معرفی شایسته این گنجینه ارزشمند تاریخی و فرهنگی، نه تنها برای آیندگان، بلکه برای درک بهتر ریشه‌های تمدن ایرانی و جذب گردشگر از سراسر جهان، امری حیاتی است. میراث فرهنگی خوزستان، شناسنامه این سرزمین و بخشی تفکیک‌ناپذیر از هویت ملی ایران است.

اهمیت میراث فرهنگی خوزستان

محمد جوروند، مدیرکل میراث فرهنگی استان خوزستان درخصوص اهمیت میراث فرهنگی این استان گفت: معتقدیم که حافظان اصلی آثار تاریخی کشور خود مردم هستند، قرن‌هاست که این امانت‌ها هم‌منظوری منتقل شده تا به دست ما رسیده که نشان‌دهنده امانتداری بسیار خوب مردم است.

وی با اشاره به اینکه در بسیاری از اماکن تاریخی راه‌اندازی بوم گردی‌ها در کنار آثار تاریخی انجام شده افزود: در چغازنبیل

جهانی یونسکو شناخته می‌شود. این بنای عظیم، نمادی از دانش، هنر و مذهب ایلامیان است.

شهر باستانی شوش، پایتخت چندین دوره از تمدن‌های بزرگ از جمله ایلامیان و هخامنشیان، یکی دیگر از گنجینه‌های خوزستان است که در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. تپه‌های باستانی شوش، بقایای کاخ آپادانای هخامنشی و آرامگاه منسوب به دانیال نبی، از مهمترین بخش‌های این محوطه باستانی هستند که هر ساله گردشگران بسیاری را به سوی خود جذب می‌کنند.

نظام آبی تاریخی شوشتر، شاهکاری بی‌نظیر از مهندسی دوران ساسانی، نیز به‌عنوان سیزدهمین اثر ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار دارد. این مجموعه شامل پل‌ها، بندها، آسیاب‌ها، آبشارها، کانال‌ها و سازه‌های زیرزمینی است که نمونه‌ای بی‌بدیل از مدیریت منابع آب در گذشته محسوب می‌شود و کاربری برخی از بخش‌های آن تا به امروز ادامه دارد.

علاوه بر این سایت‌های جهانی، خوزستان دارای آثار تاریخی و فرهنگی متعدد دیگری نیز هست، از جمله:

- محوطه باستانی چغامیش (یکی از قدیمی‌ترین استقرارگاه‌های پیش از تاریخ در ایران)
- نقش‌برجسته‌های ایلامی ایزده (کول فرح و اشکفت سلمان) که آیین‌ها و زندگی مردمان ایلامی را به تصویر می‌کشند.
- پل قدیم دزفول (یکی از قدیمی‌ترین

استان خوزستان، واقع در جنوب غربی ایران، یکی از کهن‌ترین و مهمترین کانون‌های تمدنی در جهان است. این استان با پیشینه‌ای که به هزاران سال قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد، شاهد ظهور و افول تمدن‌های بزرگی بوده و آثار باستانی و فرهنگی بی‌نظیری را در خود جای داده است که هر کدام سندی زنده از تاریخ پرفراز و نشیب این سرزمین کهن هستند. خوزستان مهد تمدن باستانی ایلام است که یکی از قدرتمندترین حکومت‌های هزاره‌های سوم و دوم پیش از میلاد در منطقه بود. مهمترین یادگار این دوران، زیگورات چغازنبیل است که به‌عنوان یکی از باشکوه‌ترین معابد خشتی جهان و اولین اثر ایرانی ثبت شده در فهرست میراث





که ریشه در عمق تاریخ دارد و همه شهرهای آن به یک نحوی از اماکن تاریخی برخوردار هستند، خوشبختانه آگاهی مردم به ویژه جوانان خیلی خوب است؛ بسیار علاقه‌مندانی را می‌بینم که نسبت به اماکن تاریخی خیلی حساس هستند.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خوزستان اظهار کرد: بسیاری از جوانان مراجعه‌کننده به این اداره‌کل دارای تحصیلات عالیه در حوزه باستان‌شناسی و تاریخ هستند، متأسفانه طی سال‌ها ارتباط اداره‌کل میراث فرهنگی با جامعه تحصیلکرده متخصص در این حوزه قطع بوده است؛ من از همه کسانی که در این حوزه تحصیلات آکادمیک داشته و علاقه‌مند به این حوزه هستند، درخواست می‌کنم که اداره‌کل میراث را از خود بدانند. جوړوند ادامه داد: این اداره‌کل یقیناً به وسیله نظرات کارشناسی می‌تواند به سمت جلو حرکت کند؛ درهای اداره‌کل میراث به روی تمام اقشار مختلف باز شده و از کسانی که در این حوزه تحصیلات آکادمیک دارند، می‌خواهم با ما ارتباط بگیرند.

وی تصریح کرد: درخصوص بحث به‌کارگیری باز هم این تأسف رو باید خورد که طی سال‌ها با وجود اینکه به تعدادی از کارمندان تحصیلات آکادمیک و دانشگاهی دارند، ولی باز این نقیصه مشهوده و باید بیشتر از این شاهد حضور فارغ‌التحصیلان رشته‌های باستان‌شناسی، زبان‌شناسی و تاریخ در اداره‌کل باشیم.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خوزستان درخصوص موانع در همکاری با جوامع محلی برای حفاظت

جوړوند بیان کرد: مردم همواره در کنار آثار تاریخی منتفع شدند، یعنی تأثیر متقابلی از توسعه گردشگری دریافت کردند؛ آنها بر گردشگران نیز تأثیرات خوبی داشته و منجر به انتقال فرهنگ جوامع محلی شدند.

وی اضافه کرد: شهرهایی که آثار تاریخی زیادی دارند، توسعه گردشگری به‌صورت طبیعی باعث رونق بازار شده است؛ مبادلات اقتصادی و فعالیت‌های تجاری در آن مناطق نسبت به مناطق کمتر توسعه‌یافته بهتر است.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خوزستان با اشاره به نقش‌آفرینی پررنگ آثار تاریخی و باستانی بر توسعه اقتصادی مناطق عنوان کرد: در شهرهای مختلف مثل شوش، بهبهان، ایزه و دزفول که اثر تاریخی داشته و یا مخصوصاً شرایط پایگاه میراث فرهنگی دارند، بازار پررونقی وجود دارد؛ خصوصاً در ایام عید که فضاهای گردشگری فعالیت بیشتری دارند، مردم بیشتر به سمت گردشگری حرکت و رونق اقتصادی خوبی داریم.

جوړوند اضافه کرد: در شادگان وجود تالاب در روستای صراخیه باعث شده که گردشگران زیادی حضور پیدا کرده و در رونق کسب و کار تأثیر بسیاری داشته باشند؛ شادگان همیشه به ویژه در ایام نوروز میزبان گردشگران بسیار زیادی بوده که از صنایع دستی هم خریدهای خیلی خوبی انجام گرفت.

وی با اشاره به اینکه وجود آثار تاریخی باعث رونق کسب و کار در مناطق مختلف می‌شود، گفت: استان‌هایی مثل خوزستان

با بعضی از اماکن دیگر راه‌اندازی این بوم‌گردی منجر به تأثیرپذیری متقابل اماکن تاریخی از طرح بوم‌گردی شده است؛ به این شکل که خود مردم محافظان خیلی خوبی برای آثار تاریخی بودند. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خوزستان تصریح کرد: انجمن‌های دوستدار میراث فرهنگی در سطح استان خوزستان فعال هستند؛ همچنین خبرنگارانی که به‌صورت تخصصی کار می‌کنند.

جوړوند ادامه داد: تعداد زیادی از مردمی که به تاریخ خود و کشور علاقه دارند، به‌عنوان حامیان بسیار خوب برای آثار تاریخی هستند؛ مجموعه این دوستداران میراث فرهنگی باعث شده که آثار تاریخی تا حدود زیادی از تجاوز بعضی از حفاران غیرمجاز و یا کسانی که دنبال نابودی آثار تاریخی هستند، محفوظ بماند.

وی تأکید کرد: به هیچ وجه امکانات وزارت میراث فرهنگی نمی‌تواند حافظ همه فضاهای و آثار تاریخی و باستانی باشد، به همین دلیل مردم بهترین حافظان هستند؛ دست کمک به طرف همه دراز می‌کنیم تا به این اداره‌کل در حفظ و نگاهداشت تاریخ باشکوه ایران کمک کنند.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خوزستان یادآور شد: خوشبختانه آثار تاریخی در استان خوزستان بازدیدکننده خیلی زیادی دارد؛ در ایام نوروز و حتی ایام عادی از اقصی نقاط کشور و حتی خارج از کشور گردشگرهای خیلی زیادی برای بازدید از این اماکن و آثار تاریخی به خوزستان سفر می‌کنند.



است؛ مثلاً در بخش خصوصی یک خانه یا کاروانسرا که ملک شخصی بوده طی سال‌ها نسل به نسل منتقل و محفوظ مانده است. جوړوند عنوان کرد: مردم نسبت به آثار تاریخی حساسیت ویژه‌ای دارند و این قابل تقدیر است؛ امکانات میراث فرهنگی پاسخگوی این همه اثر تاریخی، حریم و عرصه‌های مختلف در سطح استان خوزستان نیست.

وی با اشاره به اینکه در سه حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برنامه‌های خیلی مفصلی در حال انجام است، گفت: در معیت استاندار تفاهم‌نامه جشنواره چند رسانه‌ای برای دی ماه امضا و حجم بسیار سنگین کار در این رویداد بین‌المللی را خواهیم داشت؛ امسال جشنواره به‌صورت بین‌المللی و میزبان گروه‌هایی از خارج از کشور هستیم، استان خوزستان حالا در یک مسیر خاص‌تری قرار گرفته است.

نشست‌های تخصصی با اصحاب رسانه و انجمن‌های فرهنگی و هنری داریم؛ هنرمندان استان خوزستان در این آزمون خیلی بزرگ و باشکوه ما را سرفراز بیرون می‌آورند.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خوزستان اضافه کرد: حفظ و صیانت از این‌ها و اینکه به کدام منطقه، فرهنگ، استان و شهر منصوب هستند، همه طی سالیان انجام و این روند ادامه دارد؛ یقیناً عزم جدی برای حفظ و صیانت از این آثار داریم، تا ان‌شاءالله نسل‌های آینده دست‌تهی از این نسل نخواهند ماند.

جوړوند تصریح کرد: خوشبختانه جوامع محلی در استان خوزستان، جوامع امانتداری هستند، از آنها در زمینه حفظ آثار رضایت داریم؛ طی این همه سال نه سیستم دولتی بلکه علاقه‌مندی مردم منجر به حفظ آثار شده است.

وی عنوان کرد: مردم امانتداران میراث هستند نه سیستم دولتی و طی این همه سال در شهرهای با بافت تاریخی مثل دزفول، شوشتر، رامهرمز، بهبهان و اهواز مردم مالکان اصلی، بافت بودند؛ در حقیقت مالکان اصلی خودشان ارزش تاریخی خانه‌ها را حفظ کردند.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خوزستان انتقاد کرد: در بعضی مواقع متأسفانه بعضی از دخالت‌هایی که صورت گرفته باعث ایجاد مشکلات شده

یا احیا گفت: خیلی کم دیدم که جوامع محلی برای حفظ و یا احیای میراث فرهنگی همکاری نکنند؛ مردم همه علاقه‌مند به تاریخ و گذشته خود هستند.

جوړوند اضافه کرد: نباید منکر فعالیت برخی از حفارها یا قاچاقچیان در حوزه حفاری باشیم؛ اما درکل جوامع محلی برای حفظ و احیای میراث فرهنگی به این اداره‌کل کمک می‌کنند.

وی با اشاره به اینکه تقویت یگان حفاظت میراث فرهنگی کمک بسیاری برای حفظ میراث فرهنگی در استان خوزستان خواهد بود، بیان کرد: با وجود کمبود نیرو و امکانات ولی از تمام حرائم استان خوزستان در حد توان خود و حتی بیشتر از حد توان حفاظت و صیانت کردیم.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خوزستان یادآور شد: در بحث احیا و ترویج صنایع دستی در طول سال نمایشگاه‌های مختلفی برپا، تسهیلات پرداخت و کارگاه‌های آموزشی برگزار می‌شود؛ این موارد خیلی به حفظ و احیای صنایع دستی محلی منجر می‌شود. جوړوند افزود: شهر جهانی کپورادر دزفول و شهرهای ملی ثبت شده در حوزه صنایع مختلف داریم؛ خوشبختانه در استان خوزستان با توجه به تنوع اقلیمی، فرهنگی و زبان خیلی مشکل خاصی با صنایع دستی نداریم، اما به نظر می‌رسد که باید به فکر بازارهای جهانی برای صنایع دستی خود باشیم.

وی تأکید کرد: باید به این فکر باشیم که چگونه می‌توان جهان را از صنایع دستی خود برخوردار کنیم؛ صنایع دستی خوزستان همواره مشتری‌های زیادی دارند.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خوزستان درخواست کرد: از متولیان امر در حوزه وزارت خارجه و کارداران فرهنگی در کشورهای خارجی می‌خواهیم که برای ما نمایشگاه برگزار کنند؛ در مباحث مختلف فرهنگی نیز اتاق بازرگانی می‌تواند در برگزاری نمایشگاه‌های مختلف کمک خوبی داشته باشد.

جوړوند یادآور شد: برگزاری نمایشگاه‌ها و عرضه و ارائه آثار صنایع دستی خوزستان در کشورهای دیگر، هم‌جوار و حتی تا کشورهای اروپایی قابل بسط هست؛ یقیناً بازار جهانی می‌تواند میزبان و خریدار خوبی برای آثار و صنایع دستی استان خوزستان باشد.

وی با اشاره به ثبت ملی آثار مختلف خوزستان در حوزه‌های معنوی و طبیعی گفت: آثار خیلی زیادی را ثبت و ضبط کردیم؛ حتی آثار طبیعی بعضی از مناطق را هم حفظ کردیم، ثبت آثار می‌تواند یک دستاورد برای نسل‌های آینده باشد.



در گفت‌وگو با مدیرکل میراث فرهنگی استان مطرح شد

خراسان رضوی؛ بارگاه خورشید، خاستگاه فرهنگی

چگونه از میراث فرهنگی استان برای ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای جوامع محلی استفاده شده است؟

ما از طریق تقویت گردشگری مبتنی بر میراث، حمایت از راه‌اندازی بوم‌گردی‌ها، و رونق بازار صنایع‌دستی، زمینه‌ساز ایجاد اشتغال پایدار شده‌ایم. در خراسان رضوی، بسیاری از اقامتگاه‌های بوم‌گردی با الهام از معماری سنتی و فرهنگ محلی راه‌اندازی شده‌اند. همچنین با احیای مسیرهای گردشگری فرهنگی، مثل جاده ابریشم و محور نیشابور-تربت‌حیدریه، شاهد ورود گردشگران داخلی و خارجی و افزایش فروش محصولات محلی هستیم.

چه اقدام‌هایی برای افزایش آگاهی جوامع محلی، به‌ویژه جوانان، درباره ارزش میراث فرهنگی انجام شده است؟

برگزاری جشنواره‌های بومی محلی، کارگاه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها، تورهای آشنایی با میراث محلی و همکاری با رسانه‌های استانی برای ترویج فرهنگ حفاظت از میراث از جمله این اقدام‌ها بوده است. برنامه «میراث‌یار

به سراغ سید جواد موسوی مدیرکل میراث فرهنگی استان خراسان رضوی آمده‌ایم تا از وی جویا شویم.

اداره کل میراث فرهنگی استان شما چه برنامه‌هایی برای جلب مشارکت جوامع محلی در حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی اجرا کرده است؟ آیا نمونه موافقی از این مشارکت دارید؟
در اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خراسان رضوی، جلب مشارکت جوامع محلی یکی از راهبردهای اصلی در حفاظت از میراث فرهنگی است. در این راستا، اجرای طرح‌های حفاظت مشارکتی، آموزش نیروهای محلی به‌عنوان راهنمایان داوطلب و تشکیل شوراهای محلی میراث‌بان در روستاها و شهرهای تاریخی انجام شده است.

نمونه موفق این رویکرد، مشارکت اهالی روستای «کندر» در حفاظت و مرمت مسجد تاریخی روستا است که با همکاری شورا، دهیاری و گروه‌های مردمی انجام شد و به‌عنوان نمونه‌ای از هم‌افزایی بین مردم و نهادهای دولتی شناخته می‌شود.



سید جواد موسوی

مدیرکل میراث فرهنگی استان
خراسان رضوی

خراسان رضوی، گنجینه‌ای از تاریخ و فرهنگ ایران، با وجود بارگاه ملکوتی امام رضا (ع)، میزبان آثاری متنوع از تمدن‌های مختلف است. این استان، از نیشابور باستانی و آرامگاه خیام و عطار گرفته تا توس، زادگاه فردوسی و یادگار دوره‌های حماسی، آینه‌ای تمام‌نما از تاریخ ایران است. علاوه بر اماکن مذهبی، خراسان رضوی با داشتن بناهای تاریخی ارزشمند چون مسجد جامع گناباد، کاروانسراهای رباط شرف و مزینان و شهرهای تاریخی نظیر خواف، روایتگر دوره‌های گوناگون معماری و شهرسازی ایران است. این استان همچنین دارای میراث ناملموسی غنی شامل موسیقی مقامی، آیین‌های سنتی و صنایع‌دستی است که بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت این منطقه محسوب می‌شوند. حفظ و معرفی این میراث ارزشمند نیازمند توجه و برنامه‌ریزی دقیق است تا این گنجینه فرهنگی برای نسل‌های آینده نیز باقی بماند. چالش‌هایی نظیر توسعه شهری، کمبود اعتبارات و آگاهی ناکافی، لزوم تلاش مضاعف در این زمینه را گوشزد می‌کند.

با این حال برای بررسی بیشتر موضوع





دانشگاهی، طرح‌های مستندسازی آیین‌ها و سنت‌ها را به صورت چندرسانه‌ای اجرا کرده‌ایم. برنامه‌هایی چون ثبت ملی آیین‌های عاشورایی، نوروز و مراسم شبیه‌خوانی، و تهیه آرشیو دیجیتال از آیین‌ها بخشی از این تلاش‌هاست. همچنین با برگزاری کارگاه‌های بین‌نسلی، تلاش داریم دانش بومی مانند طب سنتی، کشاورزی محلی و غذاهای بومی به نسل جدید منتقل شود.

چه استراتژی‌هایی برای تقویت نقش جوامع محلی در حفاظت و بهره‌برداری پایدار از میراث فرهنگی در سال‌های آینده پیشنهاد می‌کنید؟

استراتژی ما بر محور توانمندسازی، آموزش و مشارکت استوار است. ایجاد شبکه‌های میراث‌بان محلی، ارائه تسهیلات به طرح‌های مشارکتی، تقویت آموزش غیررسمی در حوزه میراث، و تدوین برنامه‌های توسعه محلی با محوریت میراث فرهنگی از برنامه‌های پیش‌روست.

همچنین معتقدیم مشارکت فعال جوامع محلی در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، ضامن موفقیت و پایداری برنامه‌ها خواهد بود.

در استان با اجرای ضوابط سخت‌گیرانه برای ورود به سایت‌های تاریخی، ظرفیت‌سنجی بازدید، توسعه بوم‌گردی‌های مسئولانه و آموزش راهنمایان محلی در جهت تحقق این هدف گام برداشته‌ایم. همچنین، در تدوین طرح‌های گردشگری، نظر جوامع محلی به‌عنوان ذی‌نفع اصلی لحاظ می‌شود.

اداره کل شما چه برنامه‌هایی برای احیا و ترویج صنایع دستی محلی دارد؟

برنامه‌های ما شامل آموزش مهارت به نسل جوان، ایجاد بازارچه‌های دائمی و فصلی، حمایت از حضور هنرمندان در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی، اعطای تسهیلات مشاغل خانگی و ثبت نشان‌های ملی و بین‌المللی صنایع دستی استان است. نمونه‌هایی چون احیای نساجی سنتی در «چناران» یا حمایت از بانوان هنرمند در تربت‌جام برای تولید محصولات سوزن‌دوزی، از جمله اقدام‌های موفق ما بوده‌اند.

چگونه آیین‌ها، سنت‌ها و دانش بومی در استان شما مستند و حفظ می‌شوند؟ آیا پروژه‌ای برای انتقال این میراث به نسل‌های آینده دارید؟

ما با همکاری پژوهشگران محلی و

نوجوان» در برخی مناطق روستایی اجرا شده تا دانش‌آموزان به‌عنوان سفیران میراث، فرهنگ خود را بازشناسند و ترویج دهند.

بزرگ‌ترین موانع در همکاری با جوامع محلی برای حفاظت یا احیای میراث فرهنگی چیست و چگونه با آن‌ها مقابله می‌کنید؟

یکی از چالش‌ها، کمبود آگاهی و تصور نادرست از وظایف حاکمیتی دولت در قبال میراث است. همچنین، گاهی ملاحظات اقتصادی، اولویت مشارکت را کمرنگ می‌کند. برای مقابله با این مسائل، تلاش کرده‌ایم با گفت‌وگوهای میدانی، آموزش، تسهیل‌گری و ارائه مشوق‌هایی چون صدور مجوزهای بوم‌گردی، اعتمادسازی کنیم و نقش مردم را در مدیریت میراث ارتقا دهیم.

چگونه می‌توان با تکیه بر میراث فرهنگی، گردشگری پایدار را توسعه داد که به نفع جوامع محلی باشد و به آثار تاریخی آسیب نرساند؟

گردشگری پایدار زمانی تحقق می‌یابد که منافع اقتصادی برای جامعه میزبان ایجاد کند و هم‌زمان از منابع فرهنگی حفاظت شود. ما

لرستان؛ گنجینه پنهان زاگرس و تاریخ



عطا حسن پور

مدیرکل میراث فرهنگی
لرستان



و سعادی در مدارس حاضر و دانش‌آموزان را با این هویت تاریخی و ارزش‌های ملی و ایرانی آشنا می‌کنیم.

نسل امروز و دانش‌آموزان از هویت تاریخی و ارزش‌های ملی فاصله گرفته و بیشتر به دنبال غربی‌ها هستند؛ ان‌شالله آگاهی بخشی به نسل امروز آن حلقه مفقوده بین نسل قدیم و هویت فرهنگی ایران با نسل امروز است را بتوانیم انجام دهیم.

در همین رابطه با چاپ کتاب، بروشور، کاتالوگ و بولتن‌های خبری این کار را انجام می‌دهیم؛ اخیراً با نصب QRcod در مدارس، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها آن‌ها را با یک اپلیکیشن آشنا کردیم که در مورد تاریخ، هویت، ملیت و همچنین آثار جاذبه‌های

غار را در دل باغ خودت قرار بده و انتهای فنس‌ها را به اطراف این غار نصب کنید؛ در نهایت غار در درون باغ محصور شد.

بعد از این که ارزیاب یونسکو وارد لرستان شد، از غارهای پیش از تاریخی دره خرم‌آباد بازدید کرد، یکی از نمونه‌های موفق را این غار گیلوران اعلام کرد؛ با استفاده از جوامع محلی باعث حفظ و نگهداری این غار شدیم.

معمولاً ایونت‌ها، جشنواره‌ها، همایش‌ها و مراسم‌های برگزاری را در دل جوامع محلی، عشایری و حتی کوچ‌رو برپا می‌کنیم.

هنگام ثبت جهانی روستای بیشه برای سازمان جهانی جهانگردی یا همان WTO در روستای بیشه یک جشنواره به اسم رودریل برگزار کردیم؛ در روستای بیشه خط آهن سراسری که ثبت جهانی شده عبور و رودخانه سزار در آن جریان داشته که یکی از شاه‌رودهای خروشان جهان است.

مردم عموماً از این دو عنصر صنعتی و طبیعی یعنی ریل و رودخانه ارتزاق و امرار معاش دارند؛ بنابراین وقتی جشنواره اجرا شود، در زمینه فروش صنایع دستی و اجتماعات مردم اطراف نقش به‌سزایی دارد.

معمولاً مراسمات و جشنواره‌های موسیقی هم در دل روستاهای با آثار تاریخی و طبیعی برگزار می‌کنیم؛ جشنواره‌های کشاورزی از جمله انار، گردو، سیب، انجیر، زردآلو را برگزار می‌کنیم.

جشنواره گردشگری کشاورزی یا اگرورتوریسم و خیلی هم در جلب مشارکت مردم و حضور آن‌ها تأثیر به‌سزایی دارد؛ باعث فروش صنایع دستی، لبنی و همچنین محصولات باغی می‌شود.

این جشنواره‌ها در قالب روستابازار با کمک جهاد کشاورزی انجام می‌شود؛ تاکنون خیلی بسیار مورد استقبال قرار گرفته است. در همین روستاها بازی‌های بومی و محلی هم اجرا می‌کنیم؛ این موضوع نیز برای مشارکت جوامع محلی در این جشنواره‌ها برای ما مهم است، که مردم نیز حضور پیدا می‌کنند.

برای افزایش آگاهی جوامع محلی به ویژه جوانان درباره ارزش‌های میراث فرهنگی هزار چندگاهی به بهانه‌های مختلف در مدارس و مساجد روستاها حضور پیدا می‌کنیم؛ به ویژه در مناسبت‌هایی مثل هفته میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، روز فردوسی، حافظ

به‌منظور جلب مشارکت محلی در راستای حفظ آثار تاریخی از سال‌ها قبل برای خیلی از روستایان و عشایر کارت همیار میراث فرهنگی یا عضو انجمن میراث فرهنگی صادر کردیم. معمولاً به شکل ماهانه، فصلی یا سالانه به آن‌ها سرزده و هدایایی تقدیم می‌کنیم؛ با این افراد تعامل و ارتباط بسیار نزدیکی داریم.

در خیلی از نقاطی که آثار تاریخی در باغ یا ملک شخصی یک فرد قرار دارد، به‌عنوان حافظ اثر به فرد واگذار و در هر مراسمی از آن‌ها تجلیل به‌عمل می‌آوریم.

در سنوات قبل این افراد را به سفرهای زیارتی برده و مشوق‌هایی از جمله بازدید رایگان از همه اماکن تاریخی کشور برای آن‌ها در نظر گرفتیم.

دره خرم‌آباد در آستانه ثبت جهانی هست که بخشی از این پرونده شامل غارهای پیش از تاریخ است؛ یکی از غارها به‌نام گیلوران در کنار سفیدکوه قرار دارد.

در اواخر دهه ۶۰ بعد از اینکه غار معروف کلماکره در استان کشف و اشیای تاریخی آن به غارت رفت، موجی از حفاری‌های قاچاق در دل غارها صورت گرفت؛ حفارهای قاچاق به خیال اینکه در دل غارها اشیای تاریخی نهفته است، خیلی از غارها را تخریب و بیشترین آسیب به لایه‌های باستان‌شناسی غارها رسید.

تقریباً ۹۸ درصد غارهای موجود در کشور غارهای پیش از تاریخی هستند و درون آن‌ها اشیای تاریخی وجود ندارد؛ کشف گنجینه در دل این غار باعث شده تا غارهای لرستان و غرب کشور مورد آسیب جدی قرار بگیرند. به مالک غار گیلوران اعلام کردیم که در



آنها نمی‌ماند.

با اشاره به احیای چهار رشته طی سالیان اخیر گفت: یکی از آنها حرمی بافی در بروجرد (دست بافی به پشم گوسفند) است که آن را احیا کردم؛ قواره‌بری سنتی و پنجره‌سازی اروسی را نیز در بروجرد احیا کردیم. رشته زره‌بافی سنتی را در خرم‌آباد احیا کردیم؛ این زره‌بافی بعد از جنگ‌های صفوی و در جنگ‌های چالدران در ایران منسوخ می‌شود، چون بعد سلاح‌های جنگی می‌آید. در بحث تعزیه این ابزار باز به کار می‌آید؛ بنابراین سال‌ها در کشور منسوخ شده بود، اما اخیراً یکی از هنرمندان توانسته آنها را احیا و زره‌های ریزبافت تولید و بسیار گران‌قیمت است.

در زمینه آیین‌ها، سنت‌ها و دانش بومی جوامع محلی، یک پروژه برای مردم‌شناسی و مردم‌نگاری در حال اجرا است؛ سال‌ها در تمام استان کار و گزارش‌های بسیاری را توانستیم در زمینه زبان و گویش، ثبت آیین‌ها و رویدادها در تمام استان دریافت کنیم. هر ساله زمان برگزاری مراسم بازی‌های بومی محلی آنها را برای نسل امروز به نمایش می‌گذاریم؛ در گفت‌وگوهای رادیو و تلویزیون اعلام می‌کنیم که آیین‌ها، سنت‌ها، موسیقی‌ها، کارآواها و آیین‌های نوروز دهه آخر سال، شب پلدا و دیگر مراسم سنت‌ها اجرا می‌شود آن را به‌طور کامل به نسل امروز منتقل کردیم.

در قالب کتاب و بروشور نیز زیاد چاپ کردیم، سعی کردیم این نسل مشتاق به دیدن و شنیدن این آیین‌ها، بتوانیم آنها را بیشتر و بهتر آشنا کنیم.

استراتژی ما برای تقویت این جوامع محلی این است که در نقاطی که خانه‌های تاریخی، قلعه‌های تاریخی یا بناهای تاریخی وجود دارد، آن را به‌عنوان بهره‌بردار به جوامع محلی می‌دهیم.

در بحث برگزاری مناقصه‌ها و مزایده‌ها اولویت با جوامع محلی است؛ در بحث واگذاری جاذبه‌های گردشگری و خدمات باز هم اولویت با آنها است.

برای دریاچه گهر اشترانکوه در شهرستان دورود لرستان همه خدمات را با کمک فرمانداری و دهیاری به جوامع محلی واگذار کردیم.

در روستاهای اطراف و همچنین شهرهای مجاور مثل الیگودرز و ازنا توانستند از این قضیه منتفع شوند که بسیار مورد استقبال قرار گرفت؛ خانه‌های مسافرا را به آنها واگذار و در بحث مجوز تبدیلی به خانه مسافر تبدیل و امکان اقامت دادن به گردشگر را دارد.

آنها همچنین صنایع دستی و لبنی را می‌توانند به گردشگران بفروشند، بنابراین در تقویت این جوامع مؤثر و مفید است.



اشتغال‌زایی و حفظ محیط‌زیست پیامدهای مثبتی دارد.

در منطقه آبشار بیشه در لرستان کل منطقه را با کمک بخشرداری به دهیاری روستا واگذار کردیم؛ چندین میلیارد تومان درآمد این آبشار از طریق پارکینگ، اجاره سوئیت، آلاچیق و سکو و بیش از صدها فروشگاه احداثی است. یک نفر در روستا بیکار نیست، روستای بدون بیکار لقب گرفته است؛ آبشار و پل‌های تاریخی در روستا حفظ و همچنین زباله‌های روستا از طریق دهیار جمع می‌شود.

اقدام‌های مذکور باعث حفظ محیط زیست، آبشار، آثار تاریخی و تولید درآمد برای اشتغال‌زایی می‌شود و برای احیا و ترویج صنایع دستی به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی و منبع درآمد با کمک جهاد کشاورزی چندین روستا بازار را در فصول مختلف اجرا می‌کنیم.

در منطقه پلدختر جشنواره انجیر را داریم که روستاییان آن محل برای آن روز تولید می‌کنند؛ از کل استان در آن روستا بازار گردهم آمده و لبنیات، صنایع دستی و غذای اهالی روستا به‌فروش می‌رسد.

در شهرها با کمک شهرداری‌ها بازارچه موقت راه‌اندازی و در مرکز استان نیز بازارچه دائمی برای عرضه صنایع دستی داریم.

برای احیا و ترویج برنامه‌های خوبی داریم و تولیدات صنعتگران این استان روی دست

تاریخی و طبیعی کمک فراوانی برای توان بخشی به نسل امروز جوانان محسوب می‌شود.

یک مانع بزرگ بر سر راه ما قرار دارد، برای اینکه بتوانیم با جوامع محلی بیشتر همکاری کنیم؛ مانع همان خلا قانون است.

می‌خواهیم بسیاری از جاذبه‌های گردشگری مثل آبشارها، سراب‌ها و چشمه‌ها را به جوامع محلی برای بهره‌برداری واگذار کنیم؛ چون محیط‌زیست، منابع طبیعی و جهاد کشاورزی آن‌جا مالکیت‌هایی دارند، بنابراین امکان اینکه بخواهیم کار را در قالب قانونی واگذار کنیم، وجود ندارد.

اگر بتوانیم خدمات گردشگری نه زمین را یا اجازه واگذاری خدمات را به جوامع محلی بدهیم، در هر روستایی که جاذبه‌ای دارد، هیچ بیکاری وجود نخواهد داشت.

معمولاً اگر در روستایی آبشاری وجود داشته باشد، پارکینگ، ورودی و دکه اغذیه‌فروشی را به آن‌ها واگذار می‌کنیم، حداقل از این حرکت بستگی به گستردگی آن آبشار، سراب یا چشمه تقریباً نیمی از روستا مشغول به کار می‌شوند.

این خلا قانونی اگر برای واگذاری خدمات گردشگری به جوامع محلی برطرف شود، مشکل بزرگی از اشتغال در کشور حل می‌شود. اگر جوامع را در گردشگری پایدار و حفظ آثار دخیل کنیم، از نظر حفظ آن اثر،

در گفتگو با مدیرکل میراث فرهنگی آذربایجان شرقی مطرح شد؛

میراث فرهنگی آذربایجان شرقی؛ از حفاظت آثار تاریخی تا توسعه گردشگری پایدار



اداره کل میراث فرهنگی استان شما چه برنامه‌هایی را برای جلب مشارکت جوامع محلی در حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی اجران کرده است؟ آیا نمونه‌ای از این مشارکت در این قسمت دارید؟

استفاده از بخش خصوصی برای بهره‌برداری و حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی یکی از راهکارهایی است که در استان اجرا شده و نتایج مثبت آن نمونه‌ای است که خانه سرخه‌ای، خانه دکترشاهدی، تجارتخانه نصیرزاده، عمارت اربابی لایقوان، عمارت امیر ارشد و ... اشاره نمود.

متأسفانه با سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل ضعف بنبه مالی امکان مشارکت گسترده در حفاظت و بهره‌برداری را بروز نداده‌اند.

انجمن‌های میراث فرهنگی توان بالقوه ای در نظارت و حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی به شمار می‌روند ولی تغییرات مدیریتی اعضای حقوقی و فاصله کم (دوساله) فعالیت انجمن‌های میراث فرهنگی را با چالش‌های عمده‌ای روبه‌رو می‌سازد.

همچنین نمونه موفق از مشارکت مردمی

آذربایجان شرقی یکی از مناطق غنی ایران از نظر میراث فرهنگی و تاریخی است که گنجینه‌ای ارزشمند از آثار معماری، صنایع دستی و فرهنگ مردمی را در خود جای داده است. این استان با قدمتی که به هزاران سال قبل بازمی‌گردد، میزبان مجموعه‌ای از آثار تاریخی چون بازار تبریز (بزرگ‌ترین بازار سرپوشیده جهان و ثبت‌شده در یونسکو)، کلیسای سنت استپانوس، و ارگ تاریخی تبریز است.

صنایع دستی همچون فرش تبریز که شهرت جهانی دارد، نمادی از هنر و مهارت مردمان این سرزمین است. زبان، موسیقی، ادبیات و آداب و رسوم مردمان آذربایجان شرقی نیز بخشی از میراث ناملموس این منطقه به شمار می‌رود که در جشن‌ها و مناسبت‌هایی نظیر نوروز و عاشیق‌خوانی نمود می‌یابد.

این میراث فرهنگی، ترکیبی از تاریخ، هنر، و هویت مردم این منطقه است که نیازمند پاسداری و توجه ویژه برای نسل‌های آینده است. برای بررسی بیشتر موضوع به گفتگو با احمد حمزه زاده، مدیرکل میراث فرهنگی آذربایجان شرقی پرداختیم که در زیر آمده است.

در حفاظت از آثار تاریخی بازار تبریز است که ثبت جهانی و شکل سنتی داد و ستد در بازار تبریز این مجموعه را بی‌نظیرا شاخص کرده است. تلاقی تجارت و مذهب در تبریز در بازار تبریز جلوه خاصی را به بازار داده است، بنابراین بازار تبریز نمونه مشارکت مردم برای حفاظت آثار تاریخی است.

چگونه از میراث فرهنگی استان (مثلاً آثار تاریخی، صنعتی یا آیین‌های محلی) برای ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای جوامع محلی استفاده شده است؟

هنرمندان و فعالان صنایع دستی همواره از برگزاری غرفه فروش، نمایشگاه



در دستور کار قرار دادیم.

چگونه آیین‌ها، سنت‌ها و دینی، محلی در استان شما ماندگار و حفظ می‌شوند؟ آیا پروژه‌ای برای انتقال این میراث به نسل‌های آینده دارید؟

استفاده از مراسم و آیین‌های محلی برای ایجاد فضای اقتصادی، یکی از راه‌های موثر برای توسعه پایدار جوامع و حفظ فرهنگ بومی است. این نوع فرایند در استان آذربایجان شرقی به روش‌های زیر انجام می‌شود.

با برگزاری جشنواره در کنار مراسم محلی و رسوم سنتی، مراسم مذهبی این آیین‌ها به عنوان جاذبه‌های گردشگری معرفی می‌شود برای مثال، جشنواره‌های نوروزی در قالب نوروزگاه‌ها و یا مراسم سی و ششمین روز بهار در روستای اسفنجان. با ایجاد اقامتگاه‌های بومگردی و میزبانی از گردشگران در خانه‌های محلی یا اقامتگاه‌های سنتی، درآمدزایی مستقیم برای جامعه محلی ایجاد شده است.

با توجه به تجربه شما، چه استراتژی‌هایی برای تقویت نقش جوامع محلی در حفاظت و بهره‌برداری پایدار از میراث فرهنگی در سال‌های آینده پیشنهاد می‌کنید؟

در این بین در سال‌های شبکه‌های مجازی اینستاگرام، واتساپ و تلگرام توسط کاربران جوامع محلی در ثبت و معرفی آیین‌ها و مراسم و دانش بومی نقش بسیار فاعری دارند به طوری که به محض برگزاری رسم و یا آیینی در هر نقطه از استان کاربران محلی آنها را در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند. بدون تردید با این کار به ثبت و انتقال موارث غیرملموس منطقه خود می‌پردازند.

آشنایی عموم مردم، (اجرای تورهای بازدید از آثار تاریخی واقع در بافت تاریخی) با استقبال خوب مردم علاقه‌مند و گردشگران روبرو می‌باشند.

اداره کل آمادگی دارد تا امور معرفی و فرهنگی‌سازی با آثار تاریخی را به سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکيل‌های مربوط واگذار نماید.

بزرگ‌ترین موانع در همکاری با جوامع محلی برای حفاظت یا احیای میراث فرهنگی و چگونه با آنها مقابله می‌کنید؟ عدم وجود مدیریت واحد در یافت‌های تاریخی

چگونه می‌توان با تکیه بر میراث فرهنگی، گردشگری پایدار را توسعه داد که به نفع جوامع محلی باشد و به آثار تاریخی آسیب نرساند؟

برگزاری همایش‌ها و نشست‌های تخصصی مشترک با آموزش‌های عالی و دانشگاه‌ها، استفاده از تجربیات استادکاران و معماران و ان جی او‌های استان و با توجه به بررسی میدانی که انجام می‌گیرد امکان سنجی در زمینه‌های زیرساخت‌های گردشگری به جهت معرفی و شناساندن آثار تاریخی یکی از روش‌های بهره‌برداری آثار تاریخی با رعایت ضوابط و بدون آسیب‌رساندن به آثار در زمینه بهره‌برداری و گردشگری می‌باشد.

اداره کل شما چه برنامه‌هایی برای احیاء و ترویج صنایع محلی به عنوان بخشی از میراث فرهنگی و منبع درآمد برای جوامع محلی دارد؟

برگزاری نمایشگاه سالانه صنایع دستی و گردشگری در تبریز و برگزاری جشنواره‌های مرتبط (ورنی، تابل، سفال، قالی بافی ستی و...)

با بازارچه‌های صنایع دستی استقبال نموده‌اند. برای نمونه می‌توان به دایر نمودن غرفه‌های فروش صنایع دستی در موزه‌ها، نمایشگاه‌های فصلی در محوطه موزه‌ها یا آثار تاریخی (محوطه موزه قاجار، محوطه مسجد کبود، محوطه‌های در اختیار شهرداری و یا اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی) و ... با استقبال چشمگیر هنرمندان و مردم علاقه‌مند روبرو بوده است.

هم‌اکنون فعالین صنایع دستی مصرانه پیگیر ایجاد بازارچه دائمی فروش صنایع دستی در یکی از محوطه‌های آثار تاریخی واقع در بافت تاریخی (شبستان مسجد کبود) می‌باشند.

چه اقداماتی برای افزایش آگاهی، پیروژه جوانان، درباره ارزش میراث فرهنگی و نقش آن در هویت منطقی انجام شده است؟

یکی از اقایان بزرگ در قرن حاضر که تبریز در آن نقش ویژه‌ای داشته، مساله مشروطه است. از آن جایی که یکی از موزه‌های مهم و پرمخاطب تبریز نیز موزه مشروطه است، از سال گذشته سلسه نشست‌های با حضور اساتید شاخص و برتر دانشگاه‌های استان با عنوان در مسیر مشروطه آغاز گردیده که تا حال نیز چهار نشست برگزار شده است.

به علت استقبال جامعه دانشگاهی و پژوهشگران از این نشست‌ها، در هفته میراث فرهنگی سال جاری بخش "مشروطه پژوهی" نیز در این موزه راه‌اندازی خواهد گردید تا محلی باشد برای رجوع و حضور اندیشمندان.

همچنین نیز استفاده از توان سازمان‌های مردم‌نهاد (مجمع میراث یاران گردشگری) در اجرای برنامه‌های



سیستان و بلوچستان؛ گنجینه‌ای از میراث کهن و هویت ایرانی

که در این موارد این آثار جهانی، جوامع محلی نقش پویا چه در روند ثبت و چه در روند مراقبت حفاظت و حراست و معرفی آن بر عهده داشتند از دیگر نمونه‌های موفق مشارکت محلی می‌توان به برگزاری آیین‌های پاکسازی در بناها و محوطه‌های تاریخی اشاره کرد که به‌صورت مداوم و در طول سال انجام می‌شود. به‌طور کلی، در این استان، جلب مشارکت جوامع محلی در حفاظت از میراث فرهنگی علاوه بر بعد فرهنگی، جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز دارد که به پایداری بیشتر این برنامه‌ها کمک می‌کند.

همچنین این اداره کل با رویکرد «میراث‌محور و مردم‌پایه» تلاش کرده تا جوامع محلی را از نقش صرفاً ناظر، به بازیگر فعال در حفاظت از میراث فرهنگی ارتقا دهد. در این راستا، ایجاد شورا و انجمن‌های محلی میراث، آموزش نگهبانان محلی و نگهداری برخی آثار تاریخی توسط مردم محلی از اقدام‌های شاخص بوده است. نمونه موفق این مشارکت، پروژه حفاظت مشارکتی از میراث طبیعی سواحل مکران و منطقه حوضدار سیستان است که با همکاری مستقیم جوامع محلی و استفاده از نیروی انسانی بومی به‌عنوان راهنما و نگهبان انجام شد. این تجربه نشان داد که حس تعلق و مالکیت فرهنگی در مردم، کلید حفاظت پایدار است.

تنوع و اصالت است که نیازمند حفاظت، معرفی، و توسعه پایدار برای بهره‌برداری گردشگری و حفظ هویت فرهنگی نسل‌های آینده است. برای بررسی بیشتر موضوع به سراغ محمد هادی طهرانی مقدم، مدیرکل اداره میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان آمده‌ایم تا از وی جویا شویم.

اداره کل میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان چه برنامه‌هایی برای جلب مشارکت جوامع محلی در حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی اجرا کرده است؟ آیا نمونه موافی از این مشارکت دارید؟

ما در سیستان و بلوچستان با توجه به پراکندگی جغرافیایی، تنوع قومی و عمق فرهنگی استان، مشارکت جوامع محلی را نه تنها یک راهبرد، بلکه یک الزام می‌دانیم. یکی از مهمترین راه‌ها برای جلب مشارکت مردم، آموزش و آگاه‌سازی آن‌ها نسبت به اهمیت آثار تاریخی و فرهنگی است. در این راستا، اداره کل میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان با برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها، و برنامه‌های آموزشی برای جوامع محلی، آن‌ها را در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی آگاه می‌کند. با توجه به تأکید سازمان جهانی یونسکو به مقوله منتفع شدن جوامع محلی از میراث جهانی به نمونه موفق شهر سوخته و بیابان لوت و سفال کلپورگان می‌توان اشاره کرد



محمد هادی طهرانی مقدم
مدیرکل اداره میراث فرهنگی
استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان با تاریخ هزاران ساله خود، مهد تمدن‌های باستانی و فرهنگ‌های متنوع ایران است. از شهر سوخته، یکی از کهن‌ترین شهرهای جهان، تا قلعه تاریخی بمپور و مجموعه کوه خواجه، این استان آثار بی‌بدیلی از تاریخ ایران زمین را در خود جای داده است. میراث ناملموسی همچون موسیقی بلوچی، هنر سوزن‌دوزی و آیین‌های سنتی این منطقه نیز تجلی فرهنگ غنی مردمان این دیار است.

سیستان و بلوچستان، با زیبایی طبیعی و تاریخی کم‌نظیر خود، نمایانگر ترکیبی از





چگونه از میراث فرهنگی استان (مثل آثار تاریخی، صنایع دستی یا آیین‌های محلی) برای ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای جوامع محلی استفاده شده است؟

یکی از مأموریت‌های ما تبدیل ظرفیت‌های فرهنگی به مزیت‌های اقتصادی پایدار است. در همین چارچوب، ما از سه مسیر اصلی این هدف را دنبال کرده‌ایم: تقویت صنایع دستی، توسعه گردشگری فرهنگی، و ایجاد برندهای محلی. استان سیستان و بلوچستان با برخورداری از میراث فرهنگی غنی، شامل آثار تاریخی، صنایع دستی و آیین‌های محلی، به‌طور مؤثری از این ظرفیت‌ها برای ایجاد فرصت‌های اقتصادی و توسعه جوامع محلی بهره‌برداری کرده است. یکی از مهمترین عوامل در راستای بهره‌بردن جوامع محلی از آثار تاریخی فرآیند ورود گردشگران به محوطه‌های تاریخی است در این صورت افشار مختلف جامعه با مشاغل گوناگون، از حضور گردشگران بهره‌می‌برند. همچنین در این مسیر و در میان گردشگران ممکن است افراد سرمایه‌گذار نیز حضور داشته‌که به فرآیند جذب سرمایه‌گذاری کمک شایانی خواهد کرد.

همچنین هم‌زمان با هفته صنایع دستی اولین بازارچه دائمی صنایع دستی استان در بنای تاریخی گاراژ ملک زاهدان افتتاح خواهد شد و این اقدام فرصت مناسبی را برای معرفی، فروش و ترویج صنایع دستی استان فراهم خواهد کرد. همچنین صادرات محصولات از طریق نمایشگاه‌ها و پلتفرم‌های آنلاین مانند بازار ملی صنایع دستی در حال پیگیری است. در حوزه گردشگری، اجرای جشنواره‌های بومی و محلی و موسیقی باعث جذب گردشگر و فروش تولیدات محلی در حاشیه این برنامه‌ها، به منبع درآمدی مهم برای خانوارهای محلی بدل شده است. همچنین اقامتگاه‌های بوم‌گردی که عمدتاً با سرمایه‌گذاری اهالی روستاها راه‌اندازی شده‌اند، نمونه موفق‌ی از اقتصاد گردشگری بومی‌محور هستند.

در واقع ما از ظرفیت‌های ناملموس مانند موسیقی محلی، لباس‌های سنتی و غذاهای بومی برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک گردشگری بهره‌برده‌ایم.

چه اقدام‌هایی برای افزایش آگاهی جوامع محلی، به‌ویژه جوانان، درباره ارزش میراث فرهنگی و نقش آن در هویت منطقه‌ای انجام شده است؟

برنامه‌ریزی برای آموزش و آگاهی‌افزایی در استان ما با تکیه بر سه محور صورت گرفته: مدارس، رسانه‌ها و فضاهای

از منظر ساختاری نیز، کمبود منابع مالی، نبود قوانین مشوق برای مشارکت محلی و محدود بودن امکانات زیرساختی در مناطق دورافتاده از چالش‌های اصلی است. ما برای مقابله با این چالش‌ها از «مدیریت گفت‌وگومحور» استفاده کرده‌ایم. جلسات محلی، حضور کارشناسان در روستاها، میزهای خدمت در نمازهای جمعه و حضور در مساجد، شنیدن دغدغه‌های واقعی مردم و تلاش برای تبدیل حفاظت به فرصت اقتصادی از راهکارهای ما بوده است. تجربه نشان داده هرچا مردم حس کنند منافع ملموسی دارند، خود به بهترین محافظان تبدیل می‌شوند و ایجاد اعتماد دوسویه و پرهیز از رویکرد دستوری، می‌تواند مهمترین کلید موفقیت ما در این مسیر باشد.

یکی از اقدام‌های ارزشمند وزارت میراث فرهنگی و ادارات کل استان‌ها، ایجاد انجمن خیرین میراث فرهنگی است که این اقدام می‌تواند به مشارکت جوامع محلی در مرمت بناهای تاریخی منتهی گردد و سیستان و بلوچستان با ایجاد این انجمن در فاز اول ۵ پروژه از جمله قلعه سه کوهه شهرستان هامون، محوطه جهانی شهر سوخته، بازار سرپوش زاهدان، مسجد دزک سراوان و مسجد عبدالقادر نیکشهر را در سطح استان برای مرمت برنامه‌ریزی نموده است.

چگونه می‌توان با تکیه بر میراث فرهنگی، گردشگری پایداری را توسعه داد که به نفع جوامع محلی باشد و به آثار تاریخی آسیب نرساند؟

گردشگری پایدار زمانی ممکن می‌شود که هم منابع فرهنگی حفظ شوند و هم جامعه میزبان از منافع آن منتفع شود. در سیستان و بلوچستان این تعادل را با

فرهنگی. طرح «میراث در مدرسه» با همکاری آموزش و پرورش در ده‌ها مدرسه اجرا شده و طی آن دانش‌آموزان از آثار تاریخی بازدید کرده و با تاریخ، معماری و آیین‌های محلی آشنا می‌شوند. همچنین طرح «راویان و سفیران میراث» در قالب برگزاری کارگاه‌هایی برای نوجوانان با هدف آموزش روایت‌گری، مستندسازی و تولید محتوا راه‌اندازی شده است.

در حوزه رسانه، با صداوسیما مرکز استان برنامه‌های متعددی برای معرفی میراث فرهنگی، آیین‌ها و صنایع دستی تهیه شده و پخش گردیده است. همچنین در شبکه‌های اجتماعی بومی، کمپین‌های «میراث من، هویت من، بهشت پنهان، بیاید به سیستان و بلوچستان» و... راه‌اندازی شده که جوانان در آن با زبان خود به معرفی میراث منطقه‌شان می‌پردازند. برگزاری نمایشگاه‌ها، نشست‌های تخصصی و تورهای فرهنگی برای دانشجویان، فعالان مدنی و خبرنگاران نیز از دیگر اقدام‌ها در مسیر ارتقای آگاهی و تقویت تعلق فرهنگی است و باور داریم تا زمانی که جوانان به میراث خود افتخار نکنند، نمی‌توان انتظار داشت برای حفاظت از آن تلاش کنند.

بزرگ‌ترین موانع در همکاری با جوامع محلی برای حفاظت با احیای میراث فرهنگی چیست و چگونه با آن‌ها مقابله می‌کنید؟

موانع همکاری معمولاً در دو دسته قرار می‌گیرند: موانع فرهنگی و موانع ساختاری. از نظر فرهنگی، برخی جوامع به دلیل نبود آگاهی کافی یا تجربه‌های منفی گذشته، نسبت به نهادهای دولتی بی‌اعتماد هستند. همچنین گاهی تصور می‌شود که حفاظت میراث مانع بهره‌برداری اقتصادی یا استفاده سنتی از منابع می‌شود.

از مأموریت‌های مهم ماست. تاکنون با همکاری دانشگاه‌ها، خانه‌های فرهنگ محلی و پژوهشگران بومی، فعالان گردشگری و کارشناسان اداره کل تعداد ۱۳۷ آیین سنتی، سبک‌های موسیقایی، غذاهای بومی و روش‌های کشاورزی سنتی ثبت ملی و مستند شده‌اند.

با توجه به تجربه شما، چه استراتژی‌هایی برای تقویت نقش جوامع محلی در حفاظت و بهره‌برداری پایدار از میراث فرهنگی در سال‌های آینده پیشنهاد می‌کنید؟

آینده حفاظت از میراث در استان ما، به مشارکت محلی گره خورده است. برای تحقق این چشم‌انداز، چهار استراتژی کلیدی را پیشنهاد می‌کنم: ۱. توانمندسازی محلی: آموزش‌های تخصصی در حوزه میراث، گردشگری و صنایع‌دستی برای جوانان و بانوان محلی.

۲. واگذاری تدریجی مدیریت: انتقال مدیریت برخی سایت‌های فرهنگی به انجمن‌های محلی و تعاونی‌های فرهنگی. ۳. تقویت اقتصاد فرهنگ‌محور: حمایت از برندهای محلی، ایجاد صندوق‌های حمایت از میراث و توسعه گردشگری جامعه محور.

۴. ترویج آموزش و هویت‌سازی فرهنگی: نهادینه‌سازی ارزش‌های میراثی در آموزش و پرورش، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی برای شکل‌گیری نسلی میراث‌محور. این استراتژی‌ها، نه تنها به حفظ بهتر میراث منجر می‌شوند، بلکه شکوفایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای جوامع بومی به ارمغان می‌آورند.

و بین‌المللی و برندسازی محصولات بومی استان تلاش داریم صنایع‌دستی را به منبع پایدار درآمد برای جوامع محلی تبدیل کنیم.

در این مسیر، ظرفیت‌های گردشگری فرهنگی نیز به‌عنوان مکملی اثرگذار در رونق این حوزه مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند. این برنامه‌ها با رویکردی پایدار و مردم‌محور ادامه خواهد یافت تا صنایع‌دستی، نه تنها به‌عنوان نماد هویت فرهنگی استان، بلکه به‌عنوان ابزاری مؤثر در توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی نقش‌آفرینی کند.

چگونه آیین‌ها، سنت‌ها و دانش بومی جوامع محلی در استان شما مستند و حفظ می‌شوند؟ آیا پروژه‌ای برای انتقال این میراث به نسل‌های آینده دارید؟

در استان سیستان و بلوچستان، آیین‌ها، سنت‌ها و دانش بومی جوامع محلی با اهمیت زیادی برای مردم و فرهنگ آن منطقه همراه است. این دانش و میراث فرهنگی شامل سنت‌های شفاهی، هنرهای دستی، موسیقی، مراسم مذهبی و غیرمذهبی، و پیگیری، شناسایی و ثبت میراث ناملموس می‌باشد که جوانان کمتر به آن آشنایی دارند در این راستا علاوه بر به انجام رساندن فرآیند ثبت می‌توان به برگزاری این جشنواره‌ها در برنامه‌های مختلف جهت معرفی بیشتر اشاره کرد برای نمونه می‌توان برگزاری جشنواره موسیقی بنجو، برگزاری کارگاه و نمایشگاه لعبت (عروسک محلی) کشتی کج گردان و... را نام برد.

مستندسازی و انتقال میراث ناملموس،

طراحی مدل «گردشگری جامعه‌محور» دنبال می‌کنیم. این مدل بر مشارکت فعال جوامع در طراحی مسیرهای گردشگری، مدیریت اقامتگاه‌ها، و هدایت تورها استوار است. ما در انتخاب مقاصد گردشگری، ابتدا ظرفیت زیست‌محیطی و فرهنگی را ارزیابی می‌کنیم و سپس با آموزش راهنمایان محلی، به‌کارگیری نیروی محلی در خدمات بوم‌گردی و الزام به رعایت اصول زیست‌محیطی، از تخریب میراث جلوگیری می‌کنیم.

گردشگری پایدار برای ما به معنای حفظ تعادل بین حفاظت و بهره‌برداری است. در این راستا، ما اقدام به طراحی مسیرهای گردشگری بومی‌محور (Community-based Tourism) کرده‌ایم که به جای تمرکز بر هتل‌سازی، بر اقامتگاه‌های بوم‌گردی و راهنمایان محلی تأکید دارد. برای مثال، توسعه گردشگری در محور کوه خواجه، روستای تاریخی قلعه نو که بومگردی منزل بارانی در سال ۱۴۰۲ به ثبت ملی رسید و بومگردی‌های حوزه سواحل مکران و جاذبه‌های متعدد طبیعی در نوار ساحلی که با رعایت ظرفیت برد زیست‌محیطی صورت گرفته و آموزش جوامع محلی در پذیرایی و مدیریت گردشگر نیز انجام شده است.

اداره کل شما چه برنامه‌هایی برای احیا و ترویج صنایع‌دستی محلی به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی و منبع درآمد برای جوامع محلی دارد؟

اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان سیستان و بلوچستان با هدف حفظ و احیای میراث ملموس و ناملموس فرهنگی و همچنین توانمندسازی جوامع محلی، برنامه‌های جامعی را در حوزه صنایع‌دستی بومی در دست اجرا دارد در حال حاضر، رشته‌های شاخصی همچون سیاه‌دوزی، خامه‌دوزی و پارچه‌بافی احیا شده‌اند و از طریق آموزش‌های تخصصی، حمایت از تولیدکنندگان، و فراهم‌سازی بسترهای فروش حضوری و مجازی، به چرخه تولید و اقتصاد محلی بازگشته‌اند.

در کنار این اقدام‌ها، احیای رشته‌هایی چون چلنگری سنتی بلوچستان، سفره‌بافی سیستان، چاقوسازی محلی و دیگر هنرهای بومی منطقه نیز در دستور کار قرار دارد. این فرآیند با همکاری هنرمندان پیشکسوت، انتقال دانش به نسل جدید و استفاده از ظرفیت تسهیلات حمایتی در حال پیشرفت است. ما همچنین با ایجاد بازارچه‌های صنایع‌دستی، حمایت از حضور هنرمندان در نمایشگاه‌های ملی





نقش میراث فرهنگی در تبیین فرهنگ ایثار و مقاومت ایرانیان

بستری مناسب برای انتقال ارزش‌هایی چون از خودگذشتگی، وحدت و همدلی هستند. این مراسم و زیارتگاه‌ها نه تنها حراست از هویت دینی و ملی، بلکه تحول جامعه به سوی ارزش‌های متعالی را هدف قرار داده‌اند.

بسیاری از مشاهیر و قهرمانان مقاومت ایران همچون شهید حاج قاسم سلیمانی همواره بر اهمیت توجه به میراث معنوی و استفاده از ظرفیت‌های آن برای ترویج فرهنگ ایثار تأکید داشته‌اند.

چالش‌ها و راهکارهای تقویت فرهنگ ایثار و مقاومت

با وجود غنای کم‌نظیر میراث فرهنگی ایران، بخشی از این میراث به دلایل گوناگون همچون تخریب، غفلت یا بی‌توجهی، در خطر کمرنگ شدن و فراموشی قرار گرفته است. حفاظت و احیای میراث فرهنگی، نیازمند همگرایی نهادهای مختلف، مشارکت مردمی و برنامه‌ریزی صحیح است. آموزش و پرورش، رسانه‌ها و ارگان‌های مسئول باید با تولید محتوای نوآورانه و جذاب، نقش تاریخی این میراث را برای جوانان بازگو کنند.

در نتیجه می‌توان به صراحت گفت که میراث فرهنگی ایران، نه تنها پشتوانه هویت ملی، بلکه ستون فقرات فرهنگ ایثار و مقاومت این مرز و بوم است. این میراث باید با همه ظرفیت‌ها پاس داشته شود تا نسل‌های آینده نیز حامل ارزش‌های والا و ملی باشند و در بزنگاه‌های تاریخی، با الهام از گذشتگان راه مقاومت، سازندگی و تعالی را در پیش گیرند.

پیکرهای جان‌باختگان راه آزادی و استقلال، برگزاری یادواره‌ها و گرامیداشت ایام ملی، نشانه‌هایی روشن از پویایی این فرهنگ میان مردم است.

جایگاه میراث فرهنگی در دوران دفاع مقدس
در دوران هشت ساله دفاع مقدس، علاوه بر پاسداری از خاک و ناموس وطن، حفظ و نگهداری میراث فرهنگی برای رزمندگان اهمیت فراوانی داشت. نمونه‌های بارز این تلاش‌ها را می‌توان در محافظت از بناهای مذهبی و تاریخی شهرهای آسیب‌دیده مشاهده کرد. پس از جنگ نیز، موزه‌های دفاع مقدس، یادمان‌ها و مجتمع‌های فرهنگی-هنری، به عنوان واسطه‌های انتقال فرهنگ ایثار و مقاومت به نسل‌های جدید عمل می‌کنند.

ادبیات، هنر و رسانه؛ ترویج‌دهندگان روحیه ایثار

ادبیات پایداری، شعر، رمان، فیلم، سریال و آثار تجسمی درباره جنگ و مقاومت، بخش مهمی از میراث فرهنگی معاصر ایران را شکل داده‌اند. حافظه جمعی جامعه با این آثار تغذیه شده و مفاهیم ایثارگری به شکلی عمیق و ماندگار به نسل‌ها منتقل می‌گردد. فیلم‌های سینمایی همچون «آخراچی‌ها»، «چ»، «لیلی با من است» و سریال‌هایی چون «وضعیت سفید» و «پایتخت» نمونه‌هایی از این تلاش‌ها هستند.

میراث معنوی: آیین‌ها و مناسک مذهبی
آیین‌هایی چون عزاداری محرم، پیاده‌روی اربعین و مراسم مذهبی در بقاع متبرکه،

میراث فرهنگی هر سرزمین، آئینه‌ای است بازتاب‌دهنده از هویت، آرمان‌ها و ارزش‌های ملت آن. در کشور ایران، پیوند عمیقی میان میراث فرهنگی و مفاهیمی چون ایثار و مقاومت وجود دارد. این دو واژه نه تنها در ادبیات و هنر این مرز و بوم ریشه دوانده‌اند، بلکه در جریان مهم‌ترین رخداد‌های تاریخی نظیر دفاع مقدس (جنگ تحمیلی عراق علیه ایران) و جنبش‌های مردمی علیه ظلم و استبداد، به عنوان خطوط اصلی فرهنگ ایرانی ظهور یافته‌اند. در این گزارش به نقش برجسته میراث فرهنگی در تبیین و تثبیت فرهنگ ایثار و مقاومت در جامعه ایرانی می‌پردازیم.

میراث فرهنگی؛ بستری برای انتقال ارزش‌ها

میراث فرهنگی شامل آثار تاریخی، باستانی، معنوی و آیینی است که نسل به نسل انتقال یافته و بخشی جدانشدنی از هویت ملی است. در ادبیات فاخر پارسی، جلوه‌های ایثار و مقاومت در شاهنامه فردوسی، حماسه‌های ملی و عرفان ایرانی به روشنی به چشم می‌خورد. نقوش برجسته تخت جمشید، بناهای عظیم دوران اسلامی، مساجد و کاروانسراها هر یک روایتی از پایداری و فداکاری مردم ایران در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی دارند.

فرهنگ ایثار و مقاومت؛ سرمایه‌ای معنوی

فرهنگ ایثار و مقاومت به معنای گذشتن از خویش‌ترستن برای آرمان والا، گره‌خورده با آموزه‌های دین مبین اسلام و ارزش‌های تمدنی ایران است. احترام به شهدا، تشییع باشکوه

راهیان نور

نیاید اجازه داد حادثه‌ی عظیم دفاع مقدس دستخوش فراموشی شود. نکته اصلی و کلیدی در اردوهای راهیان نور، ایجاد زمینه برای «زیارت با معرفت» است.

۱۳۹۲/۱۲/۱۶

معاون راهیان نور کشور تاکید کرد:

راهیان نور؛ سفری فرهنگی برای تبیین میراث ایثار و مقاومت

بلکه روحیه همکاری و شناخت متقابل را در میان اقوام مختلف تقویت می‌کند. آشنایی با تاریخ ایثار و مقاومت در فضای واقعی، برای افراد به‌ویژه نسل جوان، الهام‌بخش و عامل تقویت هویت ملی است.

راهیان نور به دور از هر نوع شعارزدگی و کلیشه‌ای، توانسته است پلی میان گذشته و حال ایجاد کند. این سفر متمایز، امکان آموزش غیرمستقیم ارزش‌های معنوی و فرهنگی را فراهم کرده است. نسل‌های جدید، به جای مطالعه کتاب‌ها و روایت‌ها با تماشای فیلم‌های تاریخی، در محیطی قرار می‌گیرند که زنده و گویاست. تعامل مستقیم با مکان‌ها و روایت‌هایی که ریشه در تاریخ مقاومت مردم دارند، نه تنها تأثیری عمیق‌تر بر آنها می‌گذارد، بلکه موجب می‌شود که این ارزش‌ها به شکلی بهتر در حافظه تاریخی آنان ثبت شود.

از سوی دیگر، نقش روایت‌گری در کاروان‌های راهیان نور قابل‌انکار نیست. روایانی که در مناطق عملیاتی حضور دارند، با استفاده از بیان ساده اما تأثیرگذار، بستری زنده برای انتقال مفاهیم فراهم می‌آورند. این روایت‌ها نه تنها به توضیح وقایع تاریخی محدود نمی‌شوند، بلکه به بازسازی فضای روحی رزمندگان نیز می‌پردازند. بدین ترتیب، بازدیدکنندگان به گونه‌ای با مفاهیم ایثار، عشق به وطن و ایمان آشنا می‌شوند که گویی خود در آن زمان حضور داشته‌اند. راهیان نور بدین

است. در این سفر، مردم به‌طور مستقیم با ارزش‌های برآمده از دفاع مقدس، مانند فداکاری، مقاومت و اتحاد آشنا می‌شوند و نقش این مفاهیم در ساختار فرهنگی و اجتماعی ایران بیش از پیش برای آنان هویدا می‌شود.

میراث فرهنگی هر کشوری بخشی از هویت آن ملت را شکل می‌دهد و یکی از اصلی‌ترین وظایف جامعه، حفاظت از این میراث ارزشمند است. در ایران، دفاع مقدس بخشی جدایی‌ناپذیر از میراث فرهنگی ما شده است. آثاری که از آن دوران بر جای مانده، یادگارهایی هستند که نه تنها خاطره‌ای از مقاومت مردم ایران را به یاد می‌آورند، بلکه پیام‌آور ارزش‌های والای انسانی‌اند. راهیان نور با بازدید از مناطق عملیاتی، ضمن ایجاد ارتباطی نزدیک با این میراث ماندگار، دستاوردی ارزشمند در جهت پاسداری از آن محسوب می‌شود. این حرکت، میراث فرهنگی را از شکل نمادین و نوستالژیک خود خارج کرده و به ابزاری تبدیل می‌کند که در زندگی امروز مردم نیز تأثیرگذار است.

راهیان نور همچنین فراتر از یک حرکت فرهنگی ساده عمل کرده و به بستری برای افزایش همبستگی ملی تبدیل شده است. مشارکت گسترده مردم از تمام اقشار جامعه در این سفرها، نشان‌دهنده تأثیرگذاری و اهمیت آن است. این حرکت نه تنها زمینه‌ساز اتحاد میان نسل‌ها می‌شود،

ایران، سرزمینی است که تاریخ پرشکوه آن سرشار از مقاومت و ایثار در برابر ناملایمات و تجاوزهاست. دفاع مقدس به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌های عصر معاصر، با ایثار و فداکاری مردم این مرز و بوم، نه تنها از خاک و سرزمین ایران پاسداری کرد، بلکه بستری برای شکل‌گیری و تثبیت فرهنگی جاودانه به نام فرهنگ مقاومت و ایثار شد. در این راستا، یکی از ارزشمندترین ابتکاراتی که در سال‌های اخیر توانسته است این فرهنگ را زنده نگه دارد و به نسل‌های جدید منتقل کند، کاروان‌های راهیان نور است. این حرکت عظیم فرهنگی نه تنها یادآور سال‌های حماسه و پایداری ملت ایران است، بلکه به‌طور عمیق و ریشه‌ای، بستری برای آشنایی مردم با میراث فرهنگی برآمده از دوران دفاع مقدس فراهم می‌آورد.

راهیان نور در واقع سفری معنوی و فرهنگی به عمق تاریخ مقاومت ملت ایران است. این حرکت، مردم را به مناطقی می‌برد که زمانی صحنه نبرد بوده و اکنون به‌عنوان نمادهای مقاومت و ایثار شناخته می‌شوند. حضور در این مناطق سبب می‌شود که بازدیدکنندگان احساس ارتباط ملموس و نزدیکی با وقایع آن دوران داشته باشند. این تجربه، تنها یک بازدید ساده نیست، بلکه شکلی از بازسازی تاریخ و اتصال نسل‌ها به مفاهیمی همچون ایمان، همبستگی ملی و عشق به وطن

است. در حقیقت، راهیان نور یک حرکت جمعی است که همگان باید در آن سهیم باشند.

سرهنگ حسین زاده همچنین بر لزوم تدوین برنامه‌های فرهنگی متناسب با هر یادمان تأکید کرد و گفت: یادمان‌ها باید به‌طور اختصاصی برنامه‌های فرهنگی خاص خود را داشته باشند تا در راستای حفظ ماهیت تاریخی و فرهنگی آن‌ها، به اهداف راهیان نور کمک کنند.

وی تصریح کرد: هیئت امنای یادمان‌ها باید از افرادی با سابقه جهادی و مدیریتی تشکیل شود که از هرگونه جهت‌گیری سیاسی دور باشند و با هم‌افزایی و اتحاد، برنامه‌های فرهنگی و عمرانی یادمان‌ها را به بهترین نحو ممکن اجرا کنند.

سرهنگ حسین زاده همچنین از تحولات و پیشرفت‌های چشمگیر در اردوگاه‌های راهیان نور در سال‌های اخیر سخن گفت و خاطرنشان کرد: در سال‌های گذشته تعداد اردوگاه‌ها و زیرساخت‌ها به طرز قابل توجهی افزایش یافته و امروز شاهد این هستیم که راهیان نور در قالب یک شبکه گسترده فرهنگی به پیش می‌رود. این برنامه‌ها می‌تواند نقش مؤثری در معرفی ارزش‌های دفاع مقدس به نسل‌های آینده ایفا کند.

وی خاطرنشان کرد: یادمان‌ها و برنامه‌های راهیان نور باید همواره در مسیر ترویج فرهنگ جهاد و مقاومت حرکت کنند و ما امیدواریم که با حمایت و همکاری مسئولان، این حرکت فرهنگی به یک نهضت بزرگ تبدیل شود که نه تنها در سطح کشور، بلکه در سطح جهانی نیز اثرگذار باشد.

یادمان‌های دفاع مقدس؛ سنگرهای فرهنگی پیوسته میان نسل‌هاست در همین خصوص روح‌الله محمد حسین زاده اظهارداشت: یادمان‌های دفاع مقدس باید به‌عنوان کانون‌های فرهنگی و آموزشی برای نسل جوان تبدیل شوند. برنامه‌های راهیان نور باید بستری فراهم کنند تا جوانان با تاریخ پرافتخار کشورمان آشنا شوند و از آن‌ها درس‌های مقاومت، ایثار و فداکاری بیاموزند.

وی افزود: راهیان نور باید به‌طور مستمر و هدفمند برگزار شود تا از یک سو مخاطب به‌خوبی با هویت ملی و دینی خود آشنا شود و از سوی دیگر، نسل‌های آینده از آن به‌عنوان یک مرجع فرهنگی استفاده کنند. این یادمان‌ها تنها برای بازدید نیستند، بلکه باید فضای تربیتی و فرهنگی عمیقی ایجاد کنند.

دبیر ستاد مرکزی راهیان نور در ادامه به اهمیت توسعه یادمان‌ها در مناطق مختلف کشور اشاره کرد و گفت: ستاد مرکزی راهیان نور در راستای ارتقای زیرساخت‌ها و گسترش این یادمان‌ها، اقداماتی انجام داده است. به‌ویژه در مناطق عملیاتی چون فتح‌المبین، والفجر ۸، بدر و فکه، که همواره با استقبال پرشور مردم و جوانان مواجه بوده است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به نقش مسئولان در تقویت این برنامه‌ها پرداخت و افزود: برای توسعه راهیان نور نیاز به هم‌افزایی و همکاری همه‌جانبه داریم. همکاری استانداران، فرمانداران، فرماندهان سپاه و بسیج و دیگر نهادهای حاکمیتی و مردمی در این فرآیند ضروری

ترتیب فقط یک بازدید از مکان‌های یادبود نیست، بلکه تجربه‌ای زیسته از ارزش‌های انسانی و ملی است که در وجود افراد نهادینه می‌شود.

این حرکت فرهنگی گسترده، با وجود موفقیت‌های فراوان، با چالش‌هایی نیز روبروست. از جمله این چالش‌ها، می‌توان به نیاز به حفظ و نگهداری از یادمان‌ها و آثار باقیمانده از دوران دفاع مقدس اشاره کرد. این آثار که بخشی از حافظه تاریخی ملت ایران هستند، گاه به دلیل شرایط جوی یا کمبود امکانات نگهداری آسیب می‌بینند. همچنین، اهمیت پویاسازی این حرکت در فضای مجازی و استفاده از فناوری‌های جدید برای انتقال ارزش‌ها به نسل‌های جوان، ضرورتی انکارناپذیر است. با این حال، این چالش‌ها فرصتی برای نوآوری و خلاقیت در زمینه تقویت و گسترش راهیان نور نیز به شمار می‌روند.

در نهایت، راهیان نور نمونه‌ای بارز از حرکت‌های فرهنگی موفق است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان تاریخ را به بستری زنده و الهام‌بخش برای جامعه امروز تبدیل کرد. این حرکت نه تنها حافظ میراث فرهنگی و معنوی کشور است، بلکه الگویی برای آموزش و انتقال ارزش‌های انسانی و ملی محسوب می‌شود. میراث مقاومت و ایثار، سرمایه‌ای بی‌بدیل برای ایران است و راهیان نور، گامی مؤثر در جهت حفاظت و ترویج این سرمایه ماندگار به شمار می‌آید.



در گفتگو با مشاور وزیر در امور ایثار گران مطرح شد؛

میراث ایثار و مقاومت؛ مأموریت وزارت میراث فرهنگی در حفظ هویت ملی ایران



هویت ملی، مسیر گسترش و تثبیت فرهنگ ایثار را هموارتر می‌کند. این مسئولیت سنگین، نه تنها برای امروز بلکه به‌عنوان میراثی برای آیندگان، اهمیت ویژه‌ای دارد. ایثارگری به عنوان بخشی از ارزش‌های بنیادین ایران، سرمایه‌ای معنوی است که نه تنها متعلق به گذشته است، بلکه برای ساختن آینده‌ای پایدار، الگو و راهنما خواهد بود. این وزارتخانه باید با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی کشور، این سرمایه ملی را به جایگاهی شایسته در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی برساند.

در نهایت، وظیفه وزارت میراث فرهنگی در بازنمایی ایثارگری‌های ایرانیان، مسئله‌ای فراتر از حفاظت از آثار و یادمان‌هاست. این وزارتخانه باید پیشگام جریان‌سازی فرهنگی باشد که ایثار و مقاومت را به عنوان بخشی از هویت جمعی مردم ایران، به شکلی زنده و تأثیرگذار حفظ کند. این تلاش‌ها، ضامن پیوند نسل‌ها با تاریخ پرافتخار کشور و سرمایه بزرگی برای وحدت، پایداری و پیشرفت جامعه خواهد بود.

برای بررسی بیشتر موضوع به سراغ سید قاسم قاسمی، مشاور وزیر میراث فرهنگی در امور ایثار گران آمده ایم تا از وی جویا شویم.

وزارت میراث فرهنگی چه اقداماتی برای مستندسازی و حفظ آثار و یادمان‌های مرتبط با ایثار و مقاومت (مانند موزه‌های دفاع مقدس، یادمان‌های شهدا یا سایت‌های تاریخی) انجام داده است؟

در سال‌های اخیر، پایگاه پژوهشی میراث

میراث به مردم فراهم کند. برنامه‌هایی مانند بازدید از مناطق عملیاتی دفاع مقدس در قالب کاروان‌های راهیان نور، برگزاری نمایشگاه‌ها و موزه‌های مرتبط با ایثارگری، و تولید محتوای فرهنگی و هنری با محوریت این موضوعات، از جمله اقدامات بارز وزارت میراث فرهنگی در جهت ترویج فرهنگ ایثار و مقاومت محسوب می‌شوند.

از طرف دیگر، آموزه‌های تاریخی مرتبط با ایثارگری تنها به دوران دفاع مقدس محدود نیستند. بسیاری از بناها، آثار تاریخی و آیین‌های محلی و مذهبی کشور نیز بیانگر فرهنگ مقاومت و ایثار در طول تاریخ هستند. به عنوان مثال، میراث عاشورایی و آیین‌های عزاداری محرم که نماد پایداری و فداکاری در راه حق است، بخش جدایی‌ناپذیری از هویت فرهنگی ایرانیان را تشکیل می‌دهد. وزارت میراث فرهنگی با همکاری این میراث معنوی و مذهبی با مفاهیم مرتبط با ایثار و مقاومت، فضایی پویا برای آموزش و انتقال این ارزش‌ها فراهم کرده است.

حفظ و ترویج فرهنگ ایثارگری در جامعه امروز همچنین نیازمند بهره‌گیری از فناوری‌ها و ابزارهای نوین است. وزارت میراث فرهنگی می‌تواند با توسعه برنامه‌های دیجیتال، ایجاد پلتفرم‌های مجازی و مستندسازی پیشرفته، پیوندی ملموس ترمیان نسل جوان و میراث ایثار و مقاومت برقرار کند. تولید بازی‌های دیجیتال، مستندهای تعاملی و محتوای جذاب در شبکه‌های اجتماعی از جمله اقداماتی است که ظرفیت جذب مخاطبان جوان‌تر را دارد و موجب گسترش پیام ایثارگری در فضای فرهنگی کشور می‌شود. چالش‌های مرتبط با حفاظت از میراث ایثارگری، گاهی از مسائل فیزیکی فراتر رفته و شامل تهدید به فراموشی این ارزش‌ها در میان نسل‌های جدید است. در این میان، نقش آموزش و پرورش و رسانه‌ها در همراهی با وزارت میراث فرهنگی کلیدی است. آموزش مبانی ارزش‌های دفاع مقدس و ایثار در مدارس، تولید فیلم‌های سینمایی و آثار هنری با محوریت این موضوع، و برگزاری برنامه‌های فرهنگی نظیر جشنواره‌ها و مسابقات مرتبط، از جمله ابزارهایی هستند که می‌توانند به تثبیت این فرهنگ در جامعه کمک کنند.

وزارت میراث فرهنگی به عنوان حافظ

ایران به عنوان کشوری با قدمت تاریخی و فرهنگی غنی، در طول دوران‌های مختلف، صحنه‌هایی بی‌بدیل از ایثار، مقاومت و فداکاری را تجربه کرده است. این ایثارگری‌ها که در ابعاد مختلف تاریخی، اجتماعی و معنوی تجلی یافته‌اند، در دوران دفاع مقدس به اوج خود رسیدند، و امروز به عنوان میراثی شناخته می‌شوند. در این میان، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نقشی حیاتی در پاسداشت، معرفی و انتقال این میراث ماندگار ایفا می‌کند.

این وزارتخانه، به عنوان متولی حفظ میراث فرهنگی کشور، مسئولیت سنگینی در زمینه احیای نمادهای حماسی و ایثارگری‌های ایرانیان و انتقال ارزش‌های آن به نسل‌های آینده دارد. میراث ایثار و مقاومت در ایران، فقط محدود به دوران جنگ و دفاع مقدس نیست، بلکه شامل بسیاری از جلوه‌های تاریخی، مذهبی و فرهنگی است که در طول قرون متمادی شکل گرفته‌اند. از حماسه‌های ملی نظیر شاهنامه و قیام‌های مردمی گرفته تا فرهنگ از خودگذشتگی و وحدت متمایز ایرانیان که در بسیاری از آیین‌ها و سنت‌ها نمود دارد، همه و همه بخشی از این میراث ارزشمند هستند که حفظ و تبیین آن نیازمند توجه ویژه وزارت میراث فرهنگی است.

دوران دفاع مقدس به عنوان یکی از بزرگ‌ترین عرصه‌های تجلی ایثار در تاریخ معاصر ایران، مجموعه‌ای ارزشمند از میراث معنوی، فرهنگی و تاریخی را خلق کرده است. از یادمان‌ها و مزارهای شهدا تا آثار فرهنگی و هنری که با الهام از این دوران خلق شده‌اند، وزارت میراث فرهنگی نقش کلیدی در حفظ، ثبت و انتقال این سرمایه‌های ملی دارد. یکی از مهم‌ترین وظایف این وزارتخانه، تبدیل این میراث به بستری برای آشنایی نسل‌های جدید با فرهنگ ایثار و مقاومت است؛ حرکتی که نه تنها پیوند عاطفی مردم با گذشته را تقویت می‌کند، بلکه موجب تثبیت هویت ملی و فرهنگی در جامعه می‌شود.

نقش وزارت میراث فرهنگی در این زمینه صرفاً به حفاظت از آثار و یادمان‌های دفاع مقدس محدود نمی‌شود. این وزارتخانه با تدوین برنامه‌های فرهنگی و گردشگری، توانسته بستری مناسب برای معرفی این



چگونه داستان‌ها، خاطرات و سنت‌های شفاهی مرتبط با ایثار و مقاومت در دوران دفاع مقدس یا دیگر مقاطع تاریخی مستند و حفظ می‌شوند؟

پروژه‌های گردآوری و ثبت تاریخ شفاهی رزمندگان، امدادگران، خانواده‌های شهدا و حتی نیروهای پشتیبانی مردمی از سال‌ها پیش در دستور کار بوده است. این خاطرات در قالب کتاب، فیلم مستند و بانک اطلاعاتی دیجیتال نگهداری می‌شوند. ما همچنین در حال همکاری با کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی برای دسترسی عمومی به این منابع هستیم.

آیا از فناوری‌های نوین (مثل واقعیت مجازی، دیجیتال سازی یا پلتفرم‌های آنلاین) برای معرفی آثار و ارزش‌های ایثار و مقاومت به مخاطبان داخلی و خارجی استفاده شده است؟ اگر بله، نمونه‌ای ذکر کنید.

بله، در سال‌های اخیر از ظرفیت فناوری‌هایی مانند واقعیت مجازی برای بازآفرینی صحنه‌های تاریخی در موزه‌های دفاع مقدس و از سامانه‌های دیجیتال برای نمایش تعاملی آثار استفاده شده است. برای نمونه، در یکی از پروژه‌ها، بازدید مجازی از سنگرهای دوران جنگ در منطقه فکه طراحی شد که کاربران می‌توانند از راه دور به‌صورت تعاملی تجربه کنند.

با توجه به اهمیت حفظ هویت ملی، چه استراتژی‌هایی برای تقویت پیوند بین میراث فرهنگی و ارزش‌های ایثار و مقاومت در دهه‌های آینده پیشنهاد می‌کنید؟

برای تقویت پیوند میان میراث فرهنگی و ارزش‌های ایثار، باید سه مسیر به‌صورت هم‌زمان دنبال شود: نخست، آموزش نسلی با رویکرد هویتی و فرهنگی؛ دوم، حمایت از تولیدات فرهنگی و هنری در حوزه دفاع مقدس؛ و سوم، تلفیق برنامه‌ریزی شهری با حفظ و احیای آثار دفاع مقدس به عنوان بخشی از حافظه جمعی. خوشبختانه پژوهشگاه میراث فرهنگی در حال تدوین سندی راهبردی در این زمینه است.

بزرگ‌ترین چالش‌ها در حفاظت و مرمت آثار و سایت‌های مرتبط با ایثار و مقاومت چیست و چگونه با آن‌ها مقابله می‌کنید؟

تغییرات اقلیمی، کم‌توجهی برخی دستگاه‌ها به ارزش‌های میراث دفاع مقدس و کمبود اعتبارات تخصصی برای مرمت اضطراری از جمله چالش‌های جدی هستند. ما تلاش کرده‌ایم با تدوین طرح‌های جامع حفاظتی، ارائه مشاوره به دستگاه‌های مسئول و استفاده از فناوری‌های نو در مستندسازی و مرمت، این چالش‌ها را مدیریت کنیم.

چه برنامه‌هایی برای توسعه گردشگری مقاومت (مثل بازدید از مناطق عملیاتی دفاع مقدس یا موزه‌های مرتبط) دارید؟ این برنامه‌ها چگونه می‌توانند به انتقال ارزش‌های ایثار کمک کنند؟

طرح‌های راهبردی برای توسعه گردشگری مقاومت در قالب «مسیرهای روایت‌محور» از مناطق عملیاتی دفاع مقدس تدوین شده است. در این طرح‌ها، بازدیدکنندگان از طریق روایت‌های مستند، با موقعیت‌های جغرافیایی و تاریخی آشنا می‌شوند. همچنین، تولید محتوای فرهنگی در قالب بروشور، اپلیکیشن و فیلم مستند، در کنار آموزش راهنمایان گردشگری تخصصی، نقش مهمی در انتقال ارزش‌های ایثار دارد.

چه اقداماتی برای جلب مشارکت جوامع محلی و خانواده‌های شهدا در حفظ و معرفی میراث فرهنگی مرتبط با ایثار و مقاومت انجام شده است؟

ما با برگزاری نشست‌های محلی، مصاحبه‌های تاریخ شفاهی با خانواده‌های شهدا و ایثارگران، و تشکیل گروه‌های داوطلب محلی در حفظ و معرفی این میراث، تلاش کرده‌ایم تا فرآیند حفاظت را مردمی کنیم. خانواده‌های شهدا، نه تنها راویان اصلی این میراث‌اند، بلکه حافظان آن نیز هستند و مشارکت آن‌ها برای ما حیاتی است.

دفاع مقدس با همکاری پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و دفاتر معاونت میراث فرهنگی، اقدام به شناسایی، مستندسازی و ثبت آثار ملموس و ناملموس مرتبط با ایثار و مقاومت کرده است. این فعالیت‌ها شامل تهیه پرونده‌های ثبتی برای یادمان‌های شهدا، موزه‌های دفاع مقدس، مناطق عملیاتی شاخص و نیز مستندسازی سازه‌ها و تأسیسات باقی‌مانده از دوران جنگ تحمیلی می‌شود. همچنین، گردآوری نقشه‌ها، اسناد و تصاویر تاریخی و ثبت آن‌ها در بانک اطلاعاتی دیجیتال از دیگر اقدامات ما بوده است. تاکنون نیز بیش از ۱۵۰ مکان-رویداد دفاع مقدس در سراسر کشور شناسایی و مستند نگاری شده است.

چگونه از ظرفیت میراث فرهنگی (مثل موزه‌ها، نمایشگاه‌ها یا رویدادهای فرهنگی) برای ترویج ارزش‌های ایثار و مقاومت در میان نسل جوان استفاده می‌کنید؟

با استفاده از توان تخصصی پژوهشگران میراث فرهنگی در حوزه‌های تاریخ شفاهی، مردم‌نگاری، باستان‌شناسی و حفاظت، برنامه‌های آموزشی، نشست‌های تخصصی و کارگاه‌های روایت‌گری برای دانش‌آموزان و دانشجویان طراحی شده است. همچنین تولید محتوای علمی و مستند با زبان قابل‌فهم برای نسل جدید، از راهبردهای جدی ما در وزارتخانه است. همکاری با وزارت آموزش و پرورش و نهادهای فرهنگی نیز بخشی از این برنامه‌ریزی است.



صنایع دستی؛ تجلی هویت، جوهره فرهنگ و نبض تپنده میراث ناملموس

پویا برای تداوم آداب و رسوم، باورها و ارزش‌های یک جامعه فراهم می‌آورند و از فراموشی و نابودی آنها در گذر زمان جلوگیری می‌کنند.

در دنیای امروز، که به سرعت به سمت یکسان‌سازی فرهنگی پیش می‌رود و فرهنگ‌های بومی و محلی با تهدید مواجه هستند، صنایع دستی، به‌عنوان سنگری مستحکم در برابر این پدیده عمل کرده و به جوامع کمک می‌کنند تا هویت، اصالت و تمایز خود را در عرصه جهانی حفظ کنند. آنها، به مثابه پاسدارانی امین، از ارزش‌ها و داشته‌های فرهنگی یک ملت محافظت می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که در هیاهوی جهان مدرن، رنگ بپازند و به فراموشی سپرده شوند.

علاوه بر جنبه‌های فرهنگی و هویتی، صنایع دستی نقش مهمی در اقتصاد جوامع نیز ایفا می‌کنند و به‌عنوان یک محرک اقتصادی قوی عمل می‌کنند. آنها، منبع درآمد و اشتغال‌زایی برای بسیاری از افراد، به‌ویژه در مناطق روستایی و محروم هستند، فرصت‌های شغلی متنوعی را ایجاد کرده و به بهبود سطح زندگی مردم کمک می‌کنند. تولید و فروش صنایع دستی، به رونق اقتصادی این مناطق کمک کرده و از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری می‌کند، تعادل و پایداری را در توسعه منطقه‌ای برقرار می‌کند و از تمرکز ثروت و امکانات

فرهنگ و زندگی اجتماعی را روایت می‌کند و مخاطب را به سفری در اعماق فرهنگ و تمدن خود می‌برد، او را با ریشه‌ها و اصالت خود پیوند می‌دهد و احساس غرور و تعلق خاطر را در او بر می‌انگیزد.

به‌عنوان مثال، نقوش هندسی، گیاهی و حیوانی به کار رفته در فرش‌ها و گلیم‌های مناطق مختلف ایران، فراتر از جنبه زیبایی‌شناختی، حامل پیام‌ها و نمادهایی هستند که ریشه در باورها، اعتقادات مذهبی، رویدادهای تاریخی و تعامل انسان با طبیعت دارند. این نقوش، همچون زبانی تصویری، فرهنگ و هویت یک منطقه را به نمایش می‌گذارند.

سفالینه‌ها و سرامیک‌ها نیز با نقوش و رنگ‌های خاص خود، گویای ذوق و سلیقه هنرمندان، سبک زندگی مردم هر منطقه و نوع نگاه آنها به جهان پیرامون هستند.

یکی از مهمترین جنبه‌های اهمیت صنایع دستی، نقش محوری و اساسی آنها در حفظ و انتقال هویت فرهنگی یک جامعه است. صنایع دستی، به‌عنوان نمادها و نشانه‌های فرهنگی، به تقویت حس تعلق خاطر و غرور ملی کمک می‌کنند، پیوند عمیقی میان نسل‌های گذشته، حال و آینده ایجاد کرده و زمینه‌ای را فراهم می‌آورند تا افراد یک جامعه با ریشه‌ها و هویت خود آشنا شوند. آنها، بستری مناسب و

صنایع دستی، فراتر از اشیای تزئینی یا کاربردی، گنجینه‌های ارزشمند و ملموسی هستند که در بطن خود، جوهره هنر، تاریخ و فرهنگ هر سرزمین را جای داده‌اند. این آثار، نه تنها بازتاب‌دهنده مهارت‌ها و دانش فنی پیشینیان و خلاقیت هنرمندان یک جامعه هستند، بلکه به مثابه پلی ارتباطی میان نسل‌ها عمل کرده و حافظ هویت و اصالت فرهنگی یک ملت در گذر زمان به شمار می‌روند. صنایع دستی، در حقیقت، نبض تپنده میراث فرهنگی ناملموس هر ملت است که از طریق دستان هنرمندان و صنعتگران چیره‌دست، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و در تار و پود زندگی اجتماعی رسوخ می‌کنند، رنگ و بویی از اصالت و هنر را به آن می‌بخشد و هویت منحصر به فردی را برای آن رقم می‌زند.

در واقع صنایع دستی، همچون نگینی درخشان، در قلب میراث فرهنگی جایگاهی بی‌بدیل و ارزشمند دارند. این آثار نه تنها بازتاب‌دهنده مهارت‌های فنی و دانش پیشینیان در استفاده از مواد اولیه بومی و خلق آثار هنری هستند، بلکه به شکلی عمیق‌تر، ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم، سنت‌ها، نمادها و حتی جهان‌بینی یک جامعه را به تصویر می‌کشند. هر قطعه دست‌ساز، خواه یک فرش نفیس، یک سفالینه رنگارنگ، یا یک قلمدان منقش، داستانی ناگفته از تاریخ، هنر،





در شهرهای بزرگ جلوگیری می‌کند. همچنین، صنایع دستی به توسعه گردشگری فرهنگی نیز کمک شایانی می‌کنند و به‌عنوان یکی از مهمترین جاذبه‌های گردشگری فرهنگی در سراسر جهان شناخته می‌شوند. گردشگران، به دنبال تجربه‌های اصیل و منحصربه‌فرد هستند و صنایع دستی، با ارائه این تجربه‌ها، می‌توانند نقش به‌سزایی در جذب گردشگر و رونق صنعت گردشگری داشته باشند.

خرید صنایع دستی، نه تنها به اقتصاد محلی کمک می‌کند و درآمدی را برای هنرمندان و صنعتگران ایجاد می‌کند، بلکه به گردشگران این امکان را می‌دهد تا با فرهنگ، هنر و سبک زندگی یک منطقه از نزدیک آشنا شوند و خاطراتی به یاد ماندنی را برای خود رقم بزنند.

حفاظت از صنایع دستی، امری ضروری و حیاتی برای حفظ میراث فرهنگی و تضمین تداوم آن برای نسل‌های آینده است. متأسفانه، صنایع دستی در دنیای امروز با تهدیدات گوناگونی روبه‌رو هستند که بقای آنها را به خطر انداخته است. تولیدات ماشینی، که ارزان‌تر و سریع‌تر تولید می‌شوند، رقابت سختی را برای صنایع دستی ایجاد کرده‌اند و باعث شده‌اند که بسیاری از کارگاه‌های سنتی تعطیل شوند.

بی‌توجهی به آموزش و ترویج صنایع دستی، باعث شده است که بسیاری از مهارت‌ها و دانش‌های سنتی به فراموشی سپرده شوند و تعداد هنرمندان و صنعتگرانی که این مهارت‌ها را بلد هستند، روز به روز کاهش یابد. قاچاق آثار صنایع دستی، نیز یکی دیگر از تهدیدات جدی برای این حوزه است که باعث از بین رفتن آثار ارزشمند و خروج آنها از کشور می‌شود. برای مقابله با این تهدیدات و حفظ صنایع دستی، لازم است که دولت، بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم با همکاری و همدلی، برای حفظ و احیای صنایع دستی تلاش کنند و اقدام‌های مؤثری را در این زمینه انجام دهند. ثبت آثار صنایع دستی در فهرست میراث ملی و جهانی، حمایت از هنرمندان و صنعتگران از طریق ارائه تسهیلات و مشوق‌های مالی، ترویج مصرف صنایع دستی در بین

مردم و آموزش نسل‌های آینده، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به حفظ این گنجینه‌های ارزشمند کمک کنند و آینده‌ای روشن را برای آنها رقم بزنند. در دنیای امروز، که فن‌آوری به سرعت در حال پیشرفت است و زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است، صنایع دستی نیز باید با این تغییرات همگام شوند و از فرصت‌های جدیدی که فن‌آوری در اختیار آنها قرار می‌دهد، بهره‌مند شوند. استفاده از فن‌آوری‌های نوین در طراحی، تولید و بازاریابی صنایع دستی، می‌تواند به افزایش کیفیت، تنوع و فروش این محصولات کمک کند و آنها را با نیازها و سلیقه‌های مشتریان امروزی سازگار کند. تجارت الکترونیک، فرصت‌های بی‌نظیری را برای عرضه صنایع دستی به بازارهای جهانی فراهم کرده است و به هنرمندان و صنعتگران این امکان را می‌دهد تا محصولات خود را به سراسر جهان معرفی کرده و به‌فروش برسانند. همچنین، آموزش و ترویج صنایع دستی باید با استفاده از روش‌های نوین و جذاب انجام شود تا جوانان و نسل‌های آینده به این هنرها علاقه‌مند شوند و در حفظ و تداوم آنها سهیم باشند. صنایع دستی، آیینه تمام‌نمای هویت فرهنگی هر سرزمین هستند و به‌عنوان سفیران فرهنگی، پیام صلح، دوستی و هنر را به جهانیان منتقل می‌کنند. آنها، روایتگر تاریخ، هنر، خلاقیت و زندگی

اجتماعی مردم هستند و به حفظ و انتقال ارزش‌ها، باورها و آداب و رسوم یک جامعه کمک می‌کنند. صنایع دستی، نقش مهمی در اقتصاد و گردشگری نیز ایفا می‌کنند و به رونق اقتصادی مناطق روستایی و محروم کمک می‌کنند. حفاظت از صنایع دستی، وظیفه همگانی است و نیازمند همکاری و همدلی دولت، بخش خصوصی و مردم است. با حمایت از صنایع دستی، می‌توانیم میراث فرهنگی خود را حفظ کرده و به نسل‌های آینده منتقل کنیم و به جهانیان نشان دهیم که چه گنجینه‌های ارزشمندی در اختیار داریم. صنایع دستی، فراتر از یک کالا یا محصول تجاری، نمادی از هویت و اصالت ما هستند و بیانگر روح و فرهنگ یک سرزمین هستند. بیایید با خرید و استفاده از صنایع دستی، به حفظ این گنجینه‌های ارزشمند کمک کنیم و به هنرمندان و صنعتگران این سرزمین، ادای احترام نماییم و از زحمات و تلاش‌های آنها قدردانی کنیم. در پایان ذکر این نکته خالی از لطف نیست که صنایع دستی، نبض تپنده میراث فرهنگی ما هستند و باید همواره زنده و پویا بمانند تا بتوانند در طول تاریخ، هویت و اصالت ما را حفظ کرده و به نسل‌های آینده منتقل کنند. با حمایت از صنایع دستی، در واقع از هویت، فرهنگ و تاریخ خود حمایت می‌کنیم و به ساختن آینده‌ای روشن و پرامید برای فرزندانمان کمک می‌کنیم.

صنایع دستی روایت زنده از فرهنگ ناملموس

مثل غذا، لباس، موسیقی، موتیف‌ها و نقش‌مایه‌ها که سلیقه اجتماعی را می‌سازد، یکی از عناصر پیونددهنده هستند.

در کشوری مثل ایران که اقوام و گروه‌های مختلفی با دستمایه‌های مختلف زندگی و هر کدام از این مولفه‌ها می‌توانند در عین حفظ تمایز، انسجام ایجاد کنند؛ این معجزه فرهنگ هست که در عین به رسمیت شناختن تمایزها و تفاوت‌ها می‌تواند یکپارچگی و هویت را با خود به ارمغان بیاورد.

در هر گوشه‌ای از ایران و تاریخ و جغرافیای این مرز و بوم، مولفه‌های هویتی کشور ما را مثل یک شبکه درهم بافته (همچون فرش‌هایی که تار و پودش نگهدارنده گره‌های منفرد) به هم متصل و این مشخصه‌های فرهنگی امکان حفظ انسجام ملی را نیز دارد.

در واقع جهانی‌سازی به معنای یکسان‌سازی نیست؛ جهانی‌سازی یعنی معرفی تفاوت‌ها برای داشتن صدایی متناسب با صدای جهان است.

اینکه بتوان در شاخص‌های جهانی عملکرد داشته باشیم؛ نمی‌توانیم در حوزه فرهنگ مثل شمشادهای یکسان باشیم، اما همین تنوع مثل یک جنگل زیبا که هر کدام از درخت‌ها از بوته‌ها گرفته تا

فرهنگی را فقط فرسوده می‌کند؛ فرهنگ یک عنصر زنده است، باید بتوانیم به جریان‌سازی فرهنگی و اتصال آن به روزهای جدید و مولفه‌های تازه کمک کنیم.

صنایع دستی، گردشگری و میراث فرهنگی سه رکن اساسی درخت تناور فرهنگ هستند؛ میراث فرهنگی ریشه است که آب‌شخور موادی هست که باید از طریق آوندها، گردش و شبکه‌ای که گردشگری فراهم می‌کند، به صنایع دستی برسد.

نقش‌ها، قصه‌ها و روایت‌ها باید به محصولات تبدیل شود؛ همه برای حفاظت از سه رکن مذکور وظیفه داریم.

اصولاً میراث فرهنگی و صنایع دستی ساحت‌های مختلفی دارد؛ ساحت اجتماعی آن برای پیوند نسلی و ارتقای سطح غیرت اجتماعی استفاده می‌شود. وقتی استادی به شاگردش نقشی را آموزش می‌دهد، نه تنها یک نقش منتقل شده بلکه کل میراث قصه‌ای و تاریخ منتقل می‌شود؛ با این اقدام دستاوردهای تاریخی منتقل و عاطفه، عشق و انسجام تولید می‌شود.

این اقدام همچنین علاوه بر ایجاد پیوند نسلی، در بروز اعتماد به نفس عمومی نیز مؤثر است؛ عناصر هویتی



مریم جلالی

معاون صنایع دستی وزارت
میراث فرهنگی

استفاده از ظرفیت صنایع دستی برای پاسداشت میراث ناملموس با کمک و هم‌افزایی بین‌بخشی امکان‌پذیر است؛ میراث فرهنگی امروز صنایع دستی دیروز بوده و باید برای آیندگان برنامه‌ریزی کرد. وقتی که از میراث فرهنگی حرف به میان می‌آید، در واقع از ریشه‌ها صحبت می‌کنیم؛ این ریشه‌ها محصولات، آداب و رسوم، صنایع دستی و سازه‌هایی باشد که از تاریخ مانده و هر کدام در دل خود روایتی دارد.

صحبت از میراث ملموس و ناملموس یعنی صحبت درباره یک گنجینه فرهنگی که باید مثل سرمایه در گردش در رگ‌های فرهنگی اجتماع به چرخش دربیاید؛ نباید آن را فقط در پستوها نگهداری و حفاظت کنیم، بلکه باید اجازه اشاعه و حفظش را به آن بدهیم.

امروزه آن چیزی که در دنیا برای مراقبت مطرح شده بهره‌برداری و مراقبت به معنای به جریان انداختن، بروز کردن و معاصرسازی است؛ وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در راستای حفظ و صیانت از این ریشه‌های ملموس مثل ساختمان‌ها، صنایع دستی قدیم، اشیاء و محصولات که از دل تاریخ به جامانده و یا میراث ناملموس مختلف مثل قصه‌ها، آداب و رسوم، زبان، شعرها، مناسک و لباس‌ها موظف به حفظ و نگهداری است.

حفظ و نگهداری ایستا این میراث





بالتر از خاتم عنوان کرد: این‌ها همه دستاوردهای تکنولوژی زمان خود بوده و امروز نباید مبهوت فن‌آوری شویم، بلکه باید فکر کنیم که این فن‌آوری‌ها چگونه می‌توانند به هنر، ریشه‌ها، میراث و آن چیزی که ریشه در این مرز و بوم دارد، کمک کنند.

اینکه ما انقطاع پیدا کنیم از ریشه‌ها و فقط به میوه‌ها فکر کنیم، میوه‌هایی که شاید ریشه‌هایشان در سرزمین دیگری هست، مسلماً ما را از تاریخ و فرهنگ خودمان جدا و حداقل بیگانه می‌کند؛ آنها را بین نرفته و همیشه مثل یک گنج پنهان هستند.

اینکه فقط هم به ریشه‌ها توجه و به دستاوردهای روز توجه نکنیم، همه را در یک عقبگرد جهانی از مسابقه‌ای که برای به‌روز شدن هست، دور کند تا نتوانیم نقش‌آفرینی به‌روزی داشته باشیم.

همه این‌ها در یک پیکره شبکه‌ای محقق می‌شود، آن چیزی که روزگار امروز را متفاوت و متمایز می‌کند، در عین توجه به ریشه‌ها توجه به دستاوردهای نوین و به

به جهت شتاب موجود این نوین‌ها نیز سریع متغیر می‌شوند؛ روزگاری فضای مجازی، ایمیل و پلتفرم‌های این شکلی نوین محسوب شده و حالا متاورس، هوش مصنوعی و توکنایز نوین محسوب می‌شود.

شاید فردا فن‌آوری نوین چیز دیگری باشد، اصلاً حفظ مولفه‌های فرهنگی همان بروزآمد کردن آن‌ها است.

روزی که نقاش به جای اینکه با دست زدن در خون شکار روی دیوار غار نقش بزند، قلمو آفریده و ابزارساز شد، یعنی از فن‌آوری نوین برای حفظ هنر استفاده کرد؛ وقتی صنعت چاپ آمد، یعنی فن‌آوری‌های نوین آن روزها استفاده شد. وقتی حوزه شبکه‌سازی، اتصالات تلگراف، تلگرام، رادیو و تلویزیون آمد، یعنی هنر از فن‌آوری‌های نوین استفاده کرد؛ باید بتوانیم ایده‌های خلاقانه را با حفظ ریشه‌ها به دستاوردهای تکنولوژی و فن‌آوری گره بزنیم.

با طرح این سؤالات که چه مهندسی بالاتر از سفال ایران و چه ریاضیدانی

درخت‌ها رنگ و بوی خود را دارند، این تنوع و تعدد باید به رسمیت شناخته شود.

به رسمیت شناختن یعنی هویت بخشی و هویت بخشی یعنی اینکه در جامعه جهانی نقش‌آفرینی کند؛ بعضی مواقع جهانی شدن را با یکسان‌سازی و یکپارچه‌سازی اشتباه می‌گیریم، در صورتی که جهانی شدن به معنای نقش‌آفرینی جهانی در عین توجه به هویت و تمایزهای منطقه‌ای و بومی است.

جهان به این اشراف کار رسیده است، از این رو نقش میراث فرهنگی برای اینکه بتواند، در جهان نقش‌آفرینی کند، به خاطر اتصال به ریشه‌های تاریخی و متفاوت، رنگ و لعاب و قصه متفاوت داشتن است؛ در دنیای امروز که روایت، قدرت نرم ایجاد می‌کند، بی‌بدیل هست، بنابراین باید در نقش‌آفرینی جهانی و دیپلماسی فرهنگی به میراث فرهنگی توجه کنیم.

وقتی از فن‌آوری‌های نوین صحبت می‌کنیم، از لحظه‌ای از زمان هست که



مالکیت جهانی هست با صنایع دستی، نشان جغرافیایی را ثبت می‌کنیم؛ این ثبت‌ها تجلی روایت تازه‌ای هست که برای حوزه فرهنگ قائل هستیم. سازمان‌های بین‌المللی مثل مفاهیم‌هایی هست که در عین همگرایی و هم‌افزایی نسبت به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و تمایزها اقدام می‌کنند؛ در اقلیم‌ها و فرهنگ دیگری نماد و نمود داشته باشد.

در صنایع دستی با ثبت شهرها و روستاها و با مهر اصالت و مرغوبیت محصول که به محصولات می‌دهیم؛ در شهرها حوزه مدیریت شهری و تجلی هویت شهری را با ثبت شهرها اعلام می‌کنیم.

با گنجینه‌های زنده بشری افراد و مؤثرین را به جهان معرفی می‌کنیم؛ اولین گام همکاری با سازمان‌های بین‌المللی شناسایی، حفظ و نگهداری، استفاده از تجارب جهانی برای این حفظ و بهره‌برداری ایده‌های خلاقانه در هر کجای جهان قابل تعمیم است.

این سازمان‌های جهانی هستند که می‌توانند، این موضوع را تعمیم دهند؛ در روایت جهانی غفلت‌هایی داشتیم چون صدای فرهنگ صدای بلندی هست.

می‌توانیم با اقتدار از منظر فرهنگ و از زاویه دید فرهنگ مولفه‌های دیگر را سر و سامان دهیم؛ ولی سازمان‌های

زیست استفاده کرده است؛ بدون اینکه به آن آسیب بزنند، هم ماندگاری را حفظ کرده و صنایع دستی ایران حتماً باید توجه زیست‌محیطی داشته باشد.

اقبال جهانی برای توجه به صنایع دستی و هنرهای سنتی به خاطر توجه به اقلیم و این احترام به طبیعت بوده است؛ با مشاهده یک اثر فرهنگی و دست‌ساز رو به خود تولیدکننده، فرهنگ، محیط زیست و خانواده‌اش تجلی احترام و توجه و حکمت ایرانی برخاسته از این توجه به زیست‌بوم بوده است.

اصولاً همکاری‌های بین‌المللی در ارتقای سواد میراثی و فرهنگی خیلی کمک‌کننده است، چون زاویه دیدهای متفاوتی داری و تشکلهای بین‌المللی کمک می‌کنند که کارایی و اثربخشی حوزه‌های فرهنگی بیشتر باشد. نهادهای غیردولتی که در جهان تشکیل شده مثل اپکو، شورای جهانی صنایع دستی WCC، unwtو نهادهایی که بر پایه فرهنگ آدم‌ها گرد هم آمدند، خیلی به حفظ ریشه‌ها کمک می‌کنند.

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در سه رکن خودش همکاری‌های بین‌المللی زیادی داشته است؛ دنیای امروز دنیای تلفیق اقتصاد، فرهنگ و سیاست است.

سازمان‌هایی مثل فائو یا واپیو که

رسمیت شناختن ایده‌های خلاقانه است. میراث فرهنگی امروز ما صنایع دستی و زیستی دیرپر بوده و ظرف سفالی موجود در موزه‌ها ظرفی مورد استفاده در زندگی بوده است؛ اتفاقاً حکمت ایرانی تطبیقش با زیست‌بوم و محیط زیست زبانزد هست. با نگاه به هر اقلیمی متوجه می‌شوید که صنایع دستی آن متناسب با مواد اولیه در دسترس خودش بوده است؛ جامعه دامداری از پشم، جامعه باغداری از کرم ابریشم و برگ درخت خرما، جامعه کشاورزی از ساقه گندم و برگ درختان استفاده و خود را با اقلیمش تطبیق داده است.

اگر که یک ساحت به مقوله فرهنگ، صنایع دستی و میراث فرهنگی نگاه و تأثیر زیست‌محیطی آن را نادیده بگیریم، نمی‌توانیم متناسب با شرایط اقلیمی حرکت کنیم.

حکمت ایرانی یعنی با تماشای سازه‌های آبی شوستر خواسته از شرایط زیست‌محیطی خود به بهترین نحو استفاده کند.

مرز بین دانش و حکمت همینجاست که میراث فرهنگی و صنایع دستی ایران در لبه حکمت نه در لبه دانش و فن‌آوری حرکت کرده و توجهش به محیط زیست و اقلیم آن چنان بوده که از مواد اولیه بازیافتی، در دسترس و دوستدار محیط



در کسری از ثانیه می‌توانید از همه جا خبر داشته باشید، یک فرصت فوق‌العاده برای گسترش این شبکه است.

سلیقه‌های مشترک را باید پر و بال داده و از ظرفیت‌های حوزه فرهنگ استفاده کنیم؛ هفته میراث فرهنگی هفته صنایع دستی (در پایان خرداد) یک بهانه برای یادآوری سرمایه‌های کشور است؛ امسال سال سرمایه‌گذاری در تولید نامگذاری شده و باید یک بازخوانی مجدد از سرمایه‌گذاری داشته باشیم.

سرمایه‌گذاری فقط ربالی و یا اقتصادی نیست؛ با تقویت توجه، ظرفیت‌شناسی و ظرفیت‌سازی سرمایه‌ها را شناسایی و بر آن‌ها تمرکز کنیم.

با معرفی سرمایه‌های جدیدی که در دل هر قصه، در طرح و نقش، حوزه هنر و رنگ و لعاب هر شیئی که از تاریخ برای ما مانده و هنرمندان مشغول کار روی آن‌ها هستند، خودش یک سرمایه است.

احتیاج داریم که در تولید هم یک بازنگری کنیم؛ باید مولد باشیم، تولید انسجام، غیرت، اعتماد به نفس عمومی، امید، عشق و عاطفه نیز سرمایه‌گذاری در تولید محسوب می‌شود.

تولیدی که مولد اقتصاد باشد و تولید ثروت کند؛ همچنین تولید عشق، عاطفه، انسجام، غیرت و همکاری را به دنبال داشته باشد.

خوشبختانه فرهنگ، جغرافیا نمی‌شناسد و شاید اقلیم آنها توسط آدم‌ها عوض شود ولی سبک و سیاق زندگی، آداب و رسوم می‌تواند همیشه همراه آنها باشد؛ صنایع دستی اتفاقاً روایت پرتابل و روایت قابل حمل ایران است.

یک ملیله قصه خودش را تا اقصی نقاط جهان برده و یک خاتم نیز رویکرد خود را به جهان نشان می‌دهد.

محصول‌سازی و محصول‌پردازی یعنی اگر یک قطعه‌ای در موزه فلک‌الافلاک هست، می‌توان با تبدیل شدنش به زیورآلات با اسباب منزل قصه تاریخ را با خود برد؛ این یعنی هم زمان را درنور دیده و هم مکان را در برمی‌گیرد.

صنایع دستی، خلاق و آن‌هایی که هویت محورند، اسم اقتصاد هویت‌بنیان را روی آنها گذاشتیم؛ این صنعت و محصولات مبتنی بر فرهنگ و تاریخ می‌توانند روایتگر و پیونددهنده آدم‌هایی دور مانده از جغرافیای خود باشند. حوزه صنایع دستی و میراث فرهنگی ایران یک پیوستار کامل بوده که صنایع دستی به غذا، موسیقی، معماری، ارائه‌های معماری، پوشاک و ارائه‌های لباس ربط داشت. این تعلق خاطر برخاسته از سرمایه اجتماعی و فرهنگی است؛ حتی مهاجرت‌ها با توجه به دنیا و سپهر جدید شبکه‌ای موجود که

اقتصادی و سیاسی با تک فریم نگاه کردن و متوسط‌انگاری گاهی حوزه‌های فرهنگ را فراموش می‌کنند.

حالا وقت روزگار دیپلماسی فرهنگی است، صدای فرهنگ و ملت‌ها می‌تواند، کارایی و اثربخشی بیشتری داشته باشد؛ در طی سال‌های گذشته نقش‌آفرینی حوزه‌های سه‌گانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در یک انسجام سه‌گانه و همگرا پیش رفته است.

در ریسباف اصفهان از Unwto مجوز مرکز بین‌المللی معرفی و رشد صنایع دستی را گرفتیم؛ یعنی صنایع دستی به کمک گردشگری آمد. مثلاً در حوزه ایکوم که میراث فرهنگی در محصول‌سازی و محصول‌پردازی کمک می‌کند، برای اینکه بتوانیم اشیای قدیمی را در سبد زندگی روزانه مردم قرار دهیم؛ همچنین موتیف‌ها و نقش و نگاره‌ها را در همکاری با طرح جاده ابریشم چین بیاوریم.

اکنون اتصال حوزه فرهنگ بر حوزه جغرافیا غلبه کرده یعنی بعضی مواقع سازمان‌های جهانی در شرق دور یا در مثلاً آمریکای جنوبی و آفریقا با مغناطیس فرهنگ و با حلقه اتصال فرهنگ کنار هم آمدند؛ تلاش می‌کنیم که بتوانیم این روح جهانی را در عین این تمایز فرهنگی حفظ کنیم.



در گفت‌وگو با رئیس صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی مطرح شد

احیای آثار تاریخی؛ پلی به سوی توسعه پایدار میراث فرهنگی

بی‌نظیر، بلکه به‌عنوان روایتگر فرهنگ، تاریخ و ریشه‌های هویتی، جایگاهی بی‌بدیل در جامعه ایرانی دارد. احیای این آثار پاسخی است به نیاز روزافزون به بازشناسی هویت فرهنگی و حفظ کاراکتر بومی در زمانه‌ای که جهانی‌سازی، تغییرات سریع اجتماعی و بحران‌های زیست‌محیطی ارزش‌های محلی و فرهنگی را تهدید می‌کنند.

احیای میراث تاریخی دو هدف بلندمدت را دنبال می‌کند: حفظ و نگهداری هویت فرهنگی جامعه و ایجاد بستری برای توسعه پایدار. آثار تاریخی، سرمایه‌های ملی‌اند که علاوه بر ارزشی

احیای آثار تاریخی در ایران، کشوری با تمدنی هزاران ساله، نه‌تنها به معنای بازسازی گذشته، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. این فرآیند مهم و راهبردی، با هدف احیا، حفاظت و بهره‌برداری پایدار از میراث ملموس، رویکردی چندوجهی را برای تقویت هویت ملی، انسجام اجتماعی و رونق گردشگری دنبال می‌کند.

ایران به‌عنوان مهد یکی از مهمترین تمدن‌های جهانی، گنجینه‌ای از آثار تاریخی و فرهنگی را در خود جای داده است. جایگاه آثار باستانی، نه فقط به‌عنوان نشانه‌های هنری و معماری



برزین ضرغامی

رئیس صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی



یک سرمایه‌گذاری پایدار در مسیر توسعه همه‌جانبه کشور تبدیل می‌شود. برای بررسی بیشتر موضوع به سراغ برزین ضرغامی، رئیس صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی آمده‌ایم تا از وی جویا شویم.

مرمت و احیای بناهای تاریخی و میراثی و صنایع دستی چه نقشی در توسعه کشور دارند؟ آیا این رویکرد فقط جنبه موزه‌ای و تجلیل از فرهنگ ایرانی است یا می‌تواند در خدمت توسعه کشور باشد؟

ایران کشوری است با بیش از، به عبارتی، ۷ هزار سال تمدن فرهنگی که در هر گوشه‌ای از جغرافیای فرهنگی و سرزمین پهناور ایران نشانه‌ها و آثار آن مشاهده می‌شوند. ایران در چهارراه تمدن شرق و غرب و شمال و جنوب منطقه بوده است.

این سرزمین مرکز تبادل نه فقط اجناس و کالاها مانند پارچه و ابریشم و ادویه و سایر کالاها بلکه مرکز تبادل فرهنگی و فکری و فلسفی بوده است. تاریخ و جغرافیای این سرزمین تاریخ و جغرافیای فقط فرهنگ نبوده بلکه فرهنگ مویید و سازنده تمدن و تمدن نشانگر رشد و گسترش آبادانی و توسعه کشاورزی و دامداری و تجارت و صنعت بومی است. فرهنگ و تجارت و کشاورزی در ایران به هم وابسته و پیوسته بوده‌اند. تجلیل از میراث فرهنگی و تاریخی نیز باید از این منظر نگریسته شود و نباید این تقسیم‌بندی‌های نادرست را دامن زد که فرهنگ با توسعه اقتصادی قابل تفکیک است.

درست است که در یک نگاه باستان‌شناسی کوشش شده که آثار تاریخی را با نگاه فقط موزه‌ای باید حفاظت کرد اما حفاظت از آثار و اشیای موزه‌ای فقط حفاظت صرف از هویت مادی و فیزیکی شی تاریخی نیست بلکه حفاظت و شناخت داستان‌ها و روایت‌های سازندگان و مولدان این اشیاء و نیز نقش تمدن ساز آنها در زندگی جاری و روزمره و هویت اجتماعی و فرهنگی هم هست.

اگر توسعه و پیشرفت اقتصادی با داستان و هویت آثار و اشیای میراثی هم‌راستا و هم‌روایت شود ما می‌توانیم به گونه‌ای از توسعه دست یابیم که با توسعه در کشورهای دومی و برخی کشورهای هم‌جوار متفاوت باشد.

بناهای تاریخی و میراثی و صنایع دستی هنر و داستان خود را نه فقط در کالبد



توسعه پایدار است. بناهای تاریخی و دانش کهن مرتبط با آن‌ها، در دل خود راه‌حلهایی بومی برای تعامل با طبیعت و استفاده بهینه از منابع دارند. این میراث ارزشمند می‌تواند راهنمایی برای معماران، شهرسازان و سیاست‌گذاران در طراحی آینده‌ای هماهنگ‌تر با محیط زیست باشد.

در نهایت، احیای آثار تاریخی با ایجاد بستری برای دیپلماسی فرهنگی و ارتقای تعاملات بین‌المللی، نقشی قابل توجه در ارتقای جایگاه ایران در جامعه جهانی ایفا می‌کند. ثبت جهانی آثار تاریخی، افزایش جذب گردشگر و تقویت همکاری‌های بین‌المللی در حوزه میراث فرهنگی، ابعاد دیگری از این تلاش است که به تقویت تصویر ایران در جهان کمک می‌کند.

در مجموع، احیای آثار تاریخی نه تنها حفظ گذشته بلکه بستری برای ساختن آینده‌ای بهتر است. این فرآیند با تقویت هویت فرهنگی، ایجاد فرصت‌های اقتصادی، تقویت تعاملات اجتماعی و آموزش نسل‌های آینده به

که در خود دارند، با بهره‌برداری مناسب می‌توانند منابع اقتصادی ارزشمندی شوند. این آثار از یک سو فرصت‌های گسترده‌ای را برای اشتغال‌زایی در حوزه‌های مرتبط با گردشگری، صنایع دستی، و هنر فراهم می‌کنند و از سوی دیگر، با جذب گردشگران داخلی و خارجی، اقتصاد محلی را تقویت می‌کنند و جوامع محلی را به مشارکت در حفظ میراث خود ترغیب می‌کنند.

علاوه بر این، احیای آثار تاریخی یک ابزار برای آموزش و آگاهی‌بخشی به نسل‌های آینده است. انتقال دانش بومی و ارزش‌های فرهنگی، از طریق بازسازی و مرمت اصولی آثار، نقشی کلیدی در پیوستگی فرهنگی میان نسل‌ها ایفا می‌کند. این فرآیند به‌ویژه در بافت‌های تاریخی و جوامع روستایی و عشایری که هنوز ریشه در سنت‌ها دارند، به بازتولید فرهنگ و تقویت حس تعلق نسبت به محیط زندگی کمک شایانی می‌کند.

نکته قابل توجه دیگر، ارتباط احیای آثار تاریخی با حفظ محیط زیست و

و هم‌پوشانی داشته باشند؛ اما در برخی موارد، چالش‌هایی ایجاد می‌کنند که نیاز به راهکارهای هوشمندانه و مدبرانه دارد. مثلاً توسعه سریع بدون توجه به حفاظت آثار تاریخی یا تغییر کاربری غیرمطابق با هویت فرهنگی از جمله با حفاظت از هویت بناهای تاریخی ناسازگاری دارد. اما اگر بهره‌برداری و تدابیر توسعه همراه با رعایت اصول حفاظت و احترام به میراث فرهنگی باشد، با هم هم‌پوشانی دارند. بنابراین توسعه اقتصادی بر پایه حفظ میراث فرهنگی می‌تواند جذابیت‌های گردشگری و فرصت‌های اقتصادی پایدار ایجاد کند.

حفظ و تداوم میراث فرهنگی، ارزش‌های هویتی و فرهنگی را تقویت می‌کند و هویت ملی را در برابر تغییرات سریع و ناپایدار صیانت می‌کند. بنابراین، این دو حوزه غالباً در قالب سیاست‌گذاری‌های متوازن و هوشمند، می‌توانند در کنار هم هم‌افزایی داشته باشند، اما با توجه به منابع محدود و نیازهای متفاوت، گاهی میان این دو ناترازی و اختلالی صورت می‌گیرد.

مهمترین مسائل مرمت و احیای اماکن میراثی در ایران چیستند؟

فقدان استانداردهای ملی و بین‌المللی منطبق بر شرایط محلی و نبود دستورالعمل‌های مشخص و جامع برای مرمت، باعث آسیب به اصالت و ساختار بناها می‌شود. مسائل محیط‌زیستی و آلودگی، عواملی مانند زلزله، رطوبت، آلودگی هوا و حرارت‌های نامناسب، خسارت‌های جدی به اماکن میراثی وارد می‌کنند.

کمبود منابع مالی و بودجه‌ریزی مناسب، پروژه‌های مرمت نیازمند سرمایه‌گذاری زیاد است، اما کمبود بودجه و اولویت‌بندی نادرست، انجام آن‌ها را محدود می‌کند. فقدان اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی و ناآگاهی جامعه و مسئولان نسبت به ارزش فرهنگی و تاریخی این آثار، باعث کم‌توجهی و در نتیجه آسیب دیدن آنها می‌شود. تداخل فعالیت‌های شهری و توسعه‌طلبی و ساخت‌وسازهای غیرمجاز و توسعه در اطراف ابنیه تاریخی، تهدید جدی برای حفظ ساختار و اصالت آنها است. مشکلات فنی و فن‌آوری قدیمی در مرمت که استفاده از روش‌ها و مواد قدیمی یا نامناسب، می‌تواند به تخریب بیشتر منجر شود. آسیب‌های ناشی از جنگ و حوادث طبیعی و خسارات ناشی از زلزله و سیل، نیازمند برنامه‌های ویژه و سریع مرمت است.



این برشمرد عبارتند از حفظ هویت فرهنگی و ملی و تقویت احساس تعلق ملی و سربلندی فرهنگی کشور، تحرک گردشگری و توسعه اقتصادی با توجه به جذابیت جهانی بناهای تاریخی که باعث افزایش درآمدهای ارزی، ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی می‌شود. توسعه پایدار و شهرسازی که از طریق مرمت آثار سنتی با حفظ معماری بومی و عناصر فرهنگی، به توسعه شهری پایدار کمک می‌کند و از زوال شهرهای تاریخی جلوگیری می‌کند.

نقش این بناها در توسعه پژوهش‌های علمی، آموزش‌های دانشگاهی و پرورش نسل جدید با ارزش‌های فرهنگی می‌شود. جذب سرمایه‌گذاری فرهنگی و اجتماعی زیرا سرمایه‌گذاری در حفظ میراث، برندسازی کشور و جذب گردشگران فرهنگی را تسهیل می‌کند و باعث برندسازی مثبت در سطح جهانی می‌شود.

پایداری محیطی زیرا ایده‌های مرمت و احیا، اغلب براساس اصول پایداری و استفاده مجدد از ساختارهای قدیمی است، که طراحی و ساخت این بناها خود مبتنی بر کاهش مصرف مواد و انرژی بوده است مانند بادگیرهای یزد.

مرز میان توسعه اقتصادی با گرایش افزایش سود و توسعه مرمت و احیای بناهای تاریخی و صنایع دستی کجاست؟ آیا این دو هم‌پوشانی کامل دارند؟

مرز میان پاسداری از هویت ملی و میراث فرهنگی با توسعه و پیشرفت اقتصادی، همواره موضوعی پیچیده و مهم بوده است. این دو نگاه در بسیاری موارد در تضاد نیستند، بلکه می‌توانند مکمل

این بناها و صنایع بازگو می‌کنند بلکه در هویت تاریخی و زندگی و اجتماعی آنها هم بروز و ظهور دارد. امروزه معماری و هنر ایران اسلامی که این بناها و صنایع آن را بازگو می‌کنند، سرمشق علم معماری و ساخت بناهای پایدار از منظر فرهنگی و هنری هم هست و این مزیت اساسی و ممتاز ما در صنعت گردشگری داخلی و خارجی است.

خود این صنعت به تنهایی می‌تواند نقش برجسته‌ای در درآمدزایی و توسعه اقتصادی داشته باشد. کما این که صنعت فرش روزی نه چندان دور، درصد قابل توجهی از منابع درآمدهای ارزی این کشور را تأمین می‌کرد.

بناهای تاریخی و میراثی و صنایع دستی را نباید با نگاه لکچری و لوکس و موزه‌ای تفسیر و سیاست‌گذاری کرد. باید این فرصت را فراهم کرد که این بناها در زندگی جاری شهروندان ایرانی و فهم و درک آنها از معنای انسان و جغرافیا و تاریخ نقش داشته باشند.

بناهای تاریخ تابوی زیبای هنری صرف نیستند بلکه در ساماندهی بنای زندگی ایرانی اسلامی هم نقش دارند و برای گردشگران خارجی این بناها و صنایع دستی پنجره‌ای است که به سوی آشنایی با فرهنگ و تمدن این کشور و به جای آنکه رسانه‌های خارجی از ایران تصویری کاریکاتوری بسازند، بناهای میراثی و صنایع دستی شایسته‌تر این تصویرسازی را صورت‌بندی می‌کنند.

به‌طور مشخص‌ترین نقش بناهای تاریخی و میراثی و صنایع دستی را توضیح بیشتری دهید؟

اگر بخواهم فهرست وار این موارد



همگانی اقتصادی مانند تورم، رکود و گرانی درگیرند. این گونه خاص از مشاغل و هنر و صنعت به تدریج از زندگی و سبب خرید خانوار محومی شود و مردم با توجه به گرفتاری عمیق‌شان برای تأمین نیازهای معیشتی و روزمره به خرید صنایع دستی و حتی فرش توجهی ندارد و این کالاها دارد به کالاهای لوکس و تزئینی مبدل می‌شوند. با این حال هنرمندان و صاحبان این نوع کسب‌وکارها مسائل افزونتری هم دارند. هنوز بخش قابل توجهی از این اشخاص از بیمه پایه سلامت و تأمین اجتماعی محرومند. در مورد حمایت از این کسب‌وکارها به درستی و کامل از منابع قانونی پیش‌بینی شده استفاده نشده است یا منابع لازم پیش‌بینی نشده یا سازوکارهای اجرای آن طراحی نشده است.

دقیق از ارزش‌های فرهنگی، سنت‌ها و داستان‌های مرتبط با اثر انجام شود، نه فقط از منظر فنی. مشارکت جامعه محلی و بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری و در فرآیند مرمت و نقش جامعه، هنرمندان و خانواده‌های محلی باید لحاظ شود تا اثر مرمت‌شده حس تعلق و اصالت را حفظ کند. پشتیبانی از فن‌آوری‌ها و هنرهای دستی سنتی تا با به کار گرفتن فن‌آوری‌ها و هنرهای بومی در فرآیند مرمت، به نگهداشتن هویت فرهنگی کمک کند.

در بخش صنایع دستی چه مسائل خاصی برای این کسب‌وکارها و صاحبان آن وجود دارد؟

این صنعت و این بخش از مشاغل و حرف و صنعت هم با مشکلات و مسائل

پراکنش گسترده استانی بناها و تعدد نظام تصمیم‌سازی هماهنگ و یکپارچه در مورد رعایت استانداردهای مرمت و احیا و بهره‌برداری و اساسی‌تر از همه؛ فقدان شناسنامه دقیق داراها و بانک اطلاعات جامع از کم و کیف بناها و مالکیت و وضعیت کنونی آنها است که می‌توانند بخش مهمی از مسائل مرمت و احیای بناهای منظور شوند.

چه اصولی در مرمت و احیای بناها باید رعایت شود؟

احترام به معماری و هنر محلی و استفاده از سبک‌ها، مواد و فن‌آوری‌های سنتی هنگام مرمت، تا اثر همچنان پیوند عمیقی با فرهنگ منطقه داشته باشد. درک تاریخ و معناهای فرهنگی و این اصل که مرمت باید با شناخت



میراث فرهنگی و گردشگری؛ روایتگری تاریخ و مسیر آینده ایران

مناطق فرهنگی و حمایت از هنرمندان بومی و حافظان میراث غیرمادی صرف می‌شود. این حمایت مالی، عاملی کلیدی در جلوگیری از فرسایش و نابودی آثار تاریخی و فرهنگی است که در معرض خطراتی همچون تغییرات اجتماعی، بحران‌های اقتصادی و فشار ناشی از زندگی مدرن قرار دارند. گردشگری فرهنگی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، جوامع محلی را به مشارکت در حفاظت از میراث خود ترغیب می‌کند و نقش آن‌ها را در احیای ارتباط بین نسل‌ها پررنگ‌تر می‌سازد.

یکی دیگر از نقاط قوت ارتباط گردشگری و میراث فرهنگی، توانایی آن در ایجاد تعاملات میان فرهنگی است. گردشگران خارجی که به ایران سفر می‌کنند، نه تنها با مکان‌های تاریخی و آیین‌های سنتی آشنا می‌شوند، بلکه فرصت دارند تا ارزش‌ها، باورها، و سبک

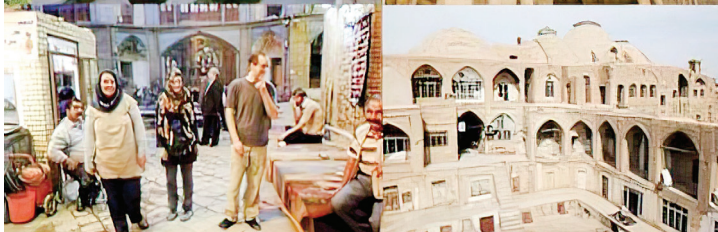
ملموسی همچون تخت جمشید، موزه‌ها، بازارهای سنتی، مساجد تاریخی، و خانه‌های کهن و همچنین میراث ناملموسی همچون موسیقی‌های محلی، صنایع دستی، آیین‌های مذهبی و سنتی و دانش بومی، بخشی از هویت فرهنگی کشور را تشکیل می‌دهند. این میراث نه تنها یک نماد اصالت و تاریخ برای ایران است، بلکه ظرفیتی عظیم برای جذب گردشگران داخلی و خارجی دارد. هر ساله هزاران گردشگر از سراسر جهان برای دیدن آثار تاریخی و تجربه آیین‌های سنتی ایران روانه این سرزمین می‌شوند.

اما گردشگری تنها محدود به ارائه تجربه‌ای جذاب برای گردشگران نیست. این صنعت در ارتباط با میراث فرهنگی، راهی برای حفاظت از گذشته و احیای آن است. درآمد حاصل از گردشگری، در بسیاری از موارد، برای مرمت و حفاظت آثار تاریخی، ایجاد زیرساخت‌های لازم در

ارتباط میراث فرهنگی و صنعت گردشگری در ایران را می‌توان یکی از مهم‌ترین پیوندهای استراتژیک برای توسعه پایدار کشور دانست. ایران، با سابقه‌ای هزاران ساله از تمدن، هنر و تاریخ، همواره میزبان گنجینه‌ای غنی از میراث ملموس و ناملموس بوده است. این سرمایه فرهنگی، که از آثار تاریخی شگفت‌انگیز، آیین‌های سنتی، زبان‌ها و گویش‌های متنوع تا صنایع دستی و میراث غیرمادی گسترده است، بستری ارزشمند برای توسعه گردشگری فراهم کرده است. گردشگری فرهنگی، به‌ویژه در ایران، به‌عنوان یک ابزار قدرتمند برای حفاظت، ارتقای ارزش‌های فرهنگی و اقتصادی و ایجاد تعاملات بین‌المللی مطرح شده است.

ایران به‌عنوان کشوری با هزاران سال تمدن، یکی از غنی‌ترین میراث‌های فرهنگی جهان را در اختیار دارد. میراث

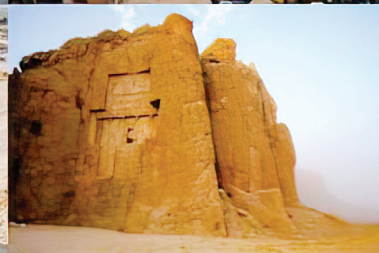
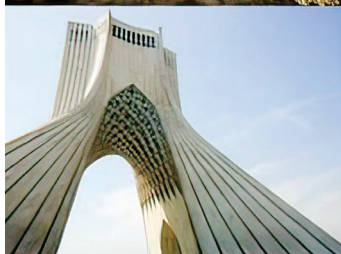




زندگی ایرانیان را از نزدیک تجربه کنند. این تعاملات فرهنگی، تصویری واقعی و مثبت از ایران به جهان ارائه می‌کند و می‌تواند بستری برای ایجاد اعتماد و صلح میان ملت‌ها باشد. در عین حال، گردشگری داخلی نیز می‌تواند نقش مهمی در شناخت و احترام بیشتر میان اقوام ایرانی ایفا کند و به تقویت انسجام اجتماعی منجر شود. با این حال، توسعه گردشگری فرهنگی بدون رعایت معیارهای حفظ و مدیریت پایدار، می‌تواند به تخریب میراث فرهنگی منجر شود. حضور بیش از حد گردشگران در مناطق تاریخی، بی‌توجهی به اصول مرمت و حفاظت و همچنین ایجاد تغییرات نامطلوب در سبک زندگی جوامع محلی، از جمله چالش‌هایی است که در نبود مدیریت صحیح، صنعت گردشگری را آسیب‌پذیر می‌کند. از این رو، تأکید بر اصول گردشگری پایدار برای هماهنگی میان رشد اقتصادی و حفاظت از میراث فرهنگی ضروری است. این

اصول شامل آموزش گردشگران در مورد میراث فرهنگی، احترام به جوامع محلی و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای حفاظت از منابع هستند که همراه با رویکردهای مسئولانه می‌توانند تعادل میان گردشگری و میراث را تضمین کنند. همچنین، نقش فناوری در این مسیر به‌طور فزاینده‌ای برجسته شده است. استفاده از ابزارهای دیجیتال، از جمله اپلیکیشن‌ها، واقعیت مجازی و پلتفرم‌های آنلاین، نه تنها دسترسی به میراث فرهنگی را تسهیل کرده، بلکه به معرفی بهتر ایران در سطح جهانی کمک کرده است. این فناوری‌ها می‌توانند مرزهای فیزیکی را از میان بردارند و امکان تجربه میراث فرهنگی ایران را برای گردشگرانی که قادر به سفر نیستند، فراهم کنند.

در مجموع، ارتباط عمیق گردشگری و میراث فرهنگی، ایران را در مسیر ساخت آینده‌ای پایدار و پویا قرار داده است. این پیوند نه تنها حافظ گذشته و هویت ملی کشور است، بلکه با ایجاد فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بستری برای معرفی ایران به جهان و تقویت نقش بین‌المللی آن فراهم می‌کند. سرمایه‌گذاری در این دو حوزه، با رویکردی هوشمندانه و مسئولانه، می‌تواند میراث فرهنگی ایران را به عامل تحرک در توسعه ملی تبدیل کند و جایگاه این کشور را در عرصه جهانی مستحکم‌تر سازد.



در گفتگو با معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی مطرح شد؛

از داده محوری تا روایت محوری؛ بازتعریف تجربه گردشگری در بستر میراث فرهنگی



شادی کابانی « خبرنگار

این پروژه‌ها، بازدیدکننده قادر خواهد بود با استفاده از عینک واقعیت مجازی، نه تنها بناهای تاریخی را در حال حاضر مشاهده کند، بلکه در یک بازسازی دیجیتالی، تجربه‌ای شبیه‌سازی‌شده از شکوه تاریخی بناها در گذشته داشته باشد. همچنین، اپلیکیشن‌های راهنمای هوشمند چندزبانه با پشتیبانی از هوش مصنوعی و قابلیت پاسخ‌گویی به سؤالات گردشگران در حال توسعه است.

از طرفی دیگر، ما در تلاشیم پایگاه‌های داده‌مان را به‌روز و با استانداردهای جهانی همسان‌سازی کنیم تا هم امکان دسترسی پژوهشگران بین‌المللی فراهم شود و هم زیرساخت‌های لازم برای خدمات دیجیتال فراهم گردد. امروز بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم که با استفاده از فناوری، نه تنها روایت دقیق‌تری از میراث فرهنگی‌مان ارائه دهیم، بلکه تجربه‌ای عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر از بازدید از یک بنای تاریخی یا مراسم فرهنگی را برای گردشگر خلق کنیم.

در کنار فناوری، مسئله آموزش و فرهنگ‌سازی نیز اهمیت زیادی دارد. به نظر شما چگونه می‌توان از ظرفیت پایگاه‌های میراث فرهنگی برای ترویج ارزش‌های زیست‌محیطی و آموزش گردشگری پایدار به بازدیدکنندگان استفاده کرد؟

پرسش بسیار دقیقی است. ما امروز در حوزه میراث فرهنگی فقط با بناهای تاریخی یا اشیای موزه‌ای سروکار نداریم، بلکه با مفاهیمی مانند فرهنگ زیست، تعامل جوامع انسانی با طبیعت و پایداری فرهنگی و زیست‌محیطی مواجه‌ایم. پایگاه‌های میراث فرهنگی در این میان یک نقش آموزشی غیررسمی اما بسیار مؤثر ایفا می‌کنند.

به عنوان نمونه، در برخی محوطه‌های باستان‌شناسی که به صورت زنده در حال کاوش هستند، ما توره‌های آموزشی ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان برگزار می‌کنیم. این بازدیدها نه فقط موجب آشنایی نسل جوان با اهمیت حفاظت از میراث می‌شود، بلکه مباحث مرتبط با منابع طبیعی،

با توجه به ظرفیت عظیم ایران در حوزه میراث فرهنگی و جاذبه‌های تاریخی، طبیعی و ناملموس، توسعه گردشگری فرهنگی نه تنها ضرورتی اقتصادی، بلکه رسالتی فرهنگی در راستای معرفی هویت تاریخی کشور به جهانیان است. گفت‌وگوی پیش‌رو با «دکتر انوشیروان محسنی بندپی»، معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، نگاهی دارد به برنامه‌های نوآورانه این وزارتخانه برای توسعه پایدار گردشگری مبتنی بر میراث فرهنگی، چالش‌های اصلی در این مسیر، و نقش موزه‌ها و پایگاه‌های میراثی در ترویج آموزش، زیست‌بوم پایدار و عدالت گردشگری که از نظران می‌گذرد؛

با توجه به تحولات جهانی و فناوری‌های نوینی مانند هوش مصنوعی، واقعیت مجازی و اینترنت اشیاء، به نظر می‌رسد گردشگری در آستانه ورود به مرحله‌ای نوین قرار گرفته است. در حوزه گردشگری فرهنگی، شما چه برنامه‌هایی برای بهره‌گیری از این فناوری‌ها در دستور کار دارید؟

بدون تردید ورود فناوری‌های نوین به صنعت گردشگری فرصتی بی‌نظیر برای کشورهایی با پشتوانه تمدنی غنی، نظیر ایران است. ما امروز با یک واقعیت مواجهیم: نسل جدید گردشگران، به‌ویژه گردشگران خارجی، با ذهنیتی دیجیتال، انتظاراتی فراتر از شکل سنتی گردشگری دارند. در همین راستا، بهره‌گیری از ابزارهایی مانند واقعیت افزوده و مجازی (AR و VR)، مدل‌سازی سه‌بعدی بناهای تاریخی، تولید پلتفرم‌های هوشمند راهنما و استفاده از هوش مصنوعی در تحلیل الگوهای سفر و علایق گردشگران از جمله طرح‌هایی است که در دستور کار قرار گرفته است.

برخی از پایگاه‌های میراث جهانی ما، مانند تخت جمشید و ارگ بم، هم‌اکنون وارد فازهای اولیه طراحی تجربه‌های گردشگری با کمک فناوری VR شده‌اند. در

بحران‌های زیست‌محیطی و ضرورت گردشگری مسئولانه نیز در این قالب انتقال می‌یابد.

همچنین، با هماهنگی معاونت‌های ذی‌ربط، در دستور کار داریم که سرفصل‌های میراث طبیعی و انسانی ثبت ملی و جهانی را به عنوان بخشی از منابع آموزشی رسمی در دوره‌های گردشگری در مؤسسات آموزشی بگنجانیم. این اقدام کمک می‌کند تا راهنمایان گردشگری، مدیران اقامتگاه‌های بوم‌گردی، و دیگر فعالان صنعت، نگاه عمیق‌تر و پایدارتر به مقوله طبیعت و فرهنگ پیدا کنند.

نکته دیگر، استفاده از نمایشگاه‌های موقت در اماکن تاریخی برای طرح موضوعات زیست‌محیطی است. به عنوان مثال، در یکی از کاروانسراهای ثبت جهانی، نمایشگاهی با موضوع «آب در تاریخ ایران» برگزار شد که هم وجه علمی و هم وجه فرهنگی داشت و مورد استقبال گردشگران داخلی و خارجی قرار گرفت. این نوع رویکردهای بین‌رشته‌ای می‌تواند آموزش و آگاهی بخشی را از سطح شعار به تجربه‌ای ملموس ارتقا دهد.

به نظر شما مهم‌ترین چالش توسعه گردشگری مبتنی بر میراث فرهنگی در ایران چیست؟ و چه راهکاری برای آن پیشنهاد می‌کنید؟

شاید بتوان گفت مهم‌ترین چالش، نبود انسجام اجرایی و گاه ناهماهنگی‌های درون‌سازمانی است. البته طی سال‌های



آینده گردشگری فرهنگی در ایران درخشان است، به شرط آنکه ما با برنامه‌ریزی دقیق، استفاده از ظرفیت‌های قانونی، بهره‌گیری از فناوری و مشارکت جوامع محلی، یک مدل بومی و پایدار از توسعه ارائه دهیم. ما کشوری هستیم با بیش از ۳۸ هزار اثر ثبت ملی، ۵۴ اثر جهانی، شهرها و روستاهای جهانی و مهم‌تر از همه، فرهنگی زنده و متنوع.

گردشگری و میراث فرهنگی، دو بال توسعه فرهنگی، اقتصادی و حتی دیپلماتیک کشورند.

این دو حوزه می‌توانند در کنار هم به مقابله با ایران‌هراسی، تقویت هویت ملی و ارتقای جایگاه بین‌المللی ایران کمک کنند. اما برای تحقق این چشم‌انداز، باید فراتر از اقدامات پراکنده، به سوی هم‌افزایی هدمند حرکت کنیم. ما ظرفیت آن را داریم. اکنون وقت عمل است.

در سیاست‌گذاری جدید ما، موزه‌ها به عنوان نقاط کانونی تعامل با جامعه محلی دیده می‌شوند. از یک سو، مردم در فرآیند تأسیس، مدیریت و محتوای موزه مشارکت می‌کنند و از سوی دیگر، گردشگران با خرید بلیت، اقامت در اقامتگاه‌های بوم‌گردی اطراف، یا خرید صنایع دستی، باعث تقویت اقتصاد محلی می‌شوند.

همچنین پیشنهاد ما در جلسات ملی این بوده است که موزه‌ها بتوانند با نهادهای غیردولتی فرهنگی، شوراهای روستایی و بخش خصوصی وارد همکاری مستقیم شوند تا هم دامنه فعالیت‌شان گسترش یابد و هم فرآیند تصمیم‌گیری و بهره‌برداری از آن‌ها مردمی‌تر شود.

اگر بخواهید یک چشم‌انداز کلی از آینده گردشگری فرهنگی در ایران ترسیم کنید، چه می‌گویید؟

اخیر، با قرار گرفتن میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در یک ساختار سازمانی واحد، این مشکل تا حدودی رفع شده است، اما همچنان در سطوح اجرایی، به‌ویژه در استان‌ها، مواردی مشاهده می‌شود که تأخیر یا برخوردهای سلیقه‌ای، مانع پیشرفت پروژه‌ها می‌شود. به طور خاص، در حوزه مرمت و بهره‌برداری از بناهای تاریخی برای کاربری گردشگری، اگرچه دستورالعمل‌ها و قوانین روشنی مثل ماده ۱۲ قانون حمایت از بافت‌های تاریخی وجود دارد، اما در عمل، بروکراسی اداری یا استعلام‌های غیرضروری (مثلاً از شهرداری‌ها) گاهی سرمایه‌گذاران را سردرگم می‌کند. راهکار ما ایجاد کمیته‌های فنی مشترک در سطح معاونت‌های گردشگری و میراث فرهنگی در استان‌هاست تا از همان ابتدا مسیر صدور مجوزها، بررسی طرح‌ها و نظارت بر اجرا روشن و سریع باشد. همچنین در نظر داریم شرح خدمات مشخص و نظام‌مند برای طرح‌های گردشگری در بناهای تاریخی تهیه کنیم تا همه سرمایه‌گذاران بدانند در چه چارچوبی باید فعالیت کنند. این شفاف‌سازی باعث می‌شود از بروز تفسیرهای سلیقه‌ای یا موانع اداری جلوگیری شود. از طرف دیگر، اگر می‌خواهیم گردشگری فرهنگی را توسعه دهیم، باید از ظرفیت جامعه محلی استفاده کنیم، چرا که حفاظت از میراث فرهنگی بدون مشارکت مردم امکان‌پذیر نیست. بنابراین توسعه گردشگری باید همزمان با آموزش، توانمندسازی و شفافیت در فرآیندها انجام شود.

درباره نقش موزه‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق کم‌برخوردار، به‌ویژه از طریق تعامل با جامعه محلی، چه دیدگاهی دارید؟

موزه‌ها امروزه دیگر فقط محل نگهداری اشیاء نیستند، بلکه نهادهایی فعال در زمینه آموزش، تعامل اجتماعی و حتی کارآفرینی محسوب می‌شوند. در مناطق کم‌برخوردار، ایجاد یا بازسازی یک موزه محلی می‌تواند به فعال شدن جریان‌های گردشگری، احیای صنایع دستی و بازگشت حس هویت و افتخار به مردم منطقه منجر شود. ما در برخی مناطق شاهد تأسیس موزه‌های مردم‌شناسی در بناهای تاریخی رها شده بوده‌ایم که با کمک جامعه محلی و سرمایه‌گذاری اندک اما هدفمند توانسته‌اند جریان پایداری از بازدیدکننده ایجاد کنند. این موزه‌ها با نمایش آداب و رسوم، لباس‌ها، ابزار زندگی سنتی و آیین‌های محلی، هم روایت‌گر فرهنگ منطقه‌اند و هم بستری برای فروش محصولات محلی، جذب گردشگر و اشتغالزایی.



میراث فرهنگی ایران؛ ثروتی فراموش شده در گذر زمان



رسول وطن دوست

پیشکسوت حوزه میراث فرهنگی

میراث فرهنگی ایران در مواجهه با نیازهای جوامع در حال تغییر با چالش‌های زیادی روبه‌روست به‌طوری که عدم درک کافی از ارزش میراث فرهنگی به‌عنوان یک ثروت ملی و عدم معرفی مناسب آن، باعث بی‌توجهی مسئولین و مردم شده است.

به همین منظور تدوین یک برنامه راهبردی بلندمدت با مشارکت همگانی برای معرفی و حفاظت از این میراث و الگوپردازی از کشورهای موفق در این زمینه ضروری است.

برای بررسی بیشتر موضوع به سراغ رسول وطن دوست، پیشکسوت حوزه میراث فرهنگی آمده‌ایم تا از وی جویا شویم.

به نظر شما مهمترین چالش پیش‌روی میراث فرهنگی ایران در پاسخ به نیازهای جوامع در حال تغییر چیست و چه راهکارهایی را برای غلبه بر آنها پیشنهاد می‌کنید؟

متأسفانه ما هنوز به‌طور کامل متوجه نشده‌ایم که میراث فرهنگی چه ثروت عظیمی برای کشور است و علت این کاستی شاید غفلتی است که در طول چندین دهه گذشته نسبت به معرفی میراث فرهنگی به‌عنوان یک ثروت ملی و منبع فرهنگی که می‌تواند نقش خیلی عمده و تأثیرگذار در توسعه پایدار کشور داشته باشد، انجام نشده است.

جوامع کهنی مانند ایران، ایتالیا، چین، هند و... دارای ثروتی یکتا هستند، فرض کنید که در ایران کدام منبع ما لایزال بوده و در دنیا رقیب ندارد. به فرض مثال اگر در حوزه صنعت اگر توسعه پیدا کنیم، باید در هواپیماسازی، بویینگ‌سازی، اتومبیل‌سازی و یا با بنز باید رقابت کنیم. فرض کنید که منابع زیرزمینی

مثل نفت، معادن که نعمت‌های خدادادی هستند و شاید زمانی نیاز باشد که به فکر منابع دیگری باشیم، اما تنها منبعی که در درازمدت ارزش افزوده پیدا کرده و هر سال ارزش بیشتری را به خود اختصاص داده و در جهان یکتا و بی‌نظیر است؛ میراث فرهنگی سرزمین کهن ما ایران است.

واقعیت امر این است که هیچ‌کس میراث فرهنگی ایران را ندارد، حالا چه در بخش محوطه‌های تاریخی و چه در مورد شهرهای تاریخی، بناهای تاریخی و یا موزه‌ها، که متأسفانه به درستی معرفی نشده‌اند.

در ادامه بخش عمده‌ای از جامعه نسبت به میراث فرهنگی حساسیت لازم رو ندارند و حتی بخش عمده‌ای از مسئولین و تصمیم‌گیرندگان کشور نیز آنگونه که باید نسبت به میراث فرهنگی این دیدگاه را ندارند، بنابراین نیاز است تا این نگاه ایجاد شود.

حالا این سؤال مطرح می‌شود که چگونه باید این دیدگاه را میان مسئولان و مردم ایجاد کرد؟ پاسخ این است که ما باید در این خصوص با هدف معرفی این ثروت ملی برنامه‌ریزی دراز مدت داشته باشیم. هر چند ممکن است که این معرفی یک نسل یا چند دهه به طول بیانجامد، اما چه ایرادی دارد؟ بالاخره ما اگر مدت زمان مثلاً ۵۰ سال، ۴۰ سال یا ۳۰ سال دیگر را در نظر بگیریم، بالاخره باید از حالا حرکت کرده تا به چشم‌انداز ۳۰ سال دیگر برسیم. برای اینکه در جوامع در حال توسعه یا در حال پیشرفت بشود از این میراث فرهنگی استفاده کرد، نیاز است تا یک برنامه راهبردی، نه به معنای برنامه راهبردی برای وزارت میراث فرهنگی؛ بلکه برنامه راهبردی برای میراث فرهنگی کشور به‌عنوان یک ثروت فرهنگی در کل جامعه در نظر بگیریم که وزارت میراث فرهنگی، صدا و سیما و مردم نیز بخشی از آن هستند. و رسانه‌ها از رسانه ملی گرفته یا سایت‌های خبری و خبرگزاری و... بخش دیگر آن که نیاز است همگی وارد این عرصه شده و دیده شوند و با تعویض دولت‌ها و تصمیم‌گیرندگان نیز در این برنامه خللی وارد نشود.

به این مفهوم که اگر روزی دولت دیگری سرکار آمد، این برنامه را به‌عنوان یه سرمشق قرار داده و به‌عنوان چشم‌انداز دنبال روی آن باشد. حالا ممکن است که در تغییر مدیریت‌ها یک مقدار سلیقه‌ها هم نقش داشته باشند؛ اما آن سلیقه‌ها نباید تأثیری بر رسیدن و ترسیدن به آن چشم‌انداز نداشته باشند. هر

چند چنین رویداد و دیدگاه بازی تاکنون اتفاق نیافته و به نظر می‌رسد که به سختی اتفاق بیفتد. من در حدود پنجاه سال است که در دستگاه میراث فرهنگی کار میکنم، اما همیشه این دغدغه را داشتم که چه خواهد شد؟ اما در نهایت امیدوارم و به جامعه ایران اطمینان دارم چرا که بالاخره جامعه‌ای که ۵ هزار سال ۶ هزار سال تاریخ مدون دارد و خیلی از بالا و پایین‌های دنیا را در تاریخ خودگذرانده و به چشم دیده و موفق بیرون آمده است؛ نمونه آن ادبیات فارسی است، بله ایران تنها کشوری است که توانسته در طول تاریخ توانسته است زبان خود را حفظ کند و این نشان‌دهنده این جامعه در طول تاریخ و گذر سالیان و رخداد حوادث تا چه میزان منعطف و صبور عمل کرده و خیلی از حوادث بزرگ تاریخی که کشورهای دیگر را کلاً از بین برده و کشور دیگری از آنها ساخته را؛ مردم و سرزمین ما به خوبی تحمل کرده و همچنان پابرجا باقی مانده است. به همین خاطر من فکر میکنم اگر تاریخ‌وار به موضوع نگاه کنیم، بله حفظ آثار تاریخی و میراث فرهنگی ما همچنان ممکن است، فقط نیاز است که در نظام دانشگاهی و رسانه‌ای که شما و هر نوع رسانه‌ای نقش تعیین‌کننده در این امر دارد، با تعریف و تدوین برنامه‌هایی مدون و هدفمند اقدام به فرهنگ‌سازی و معرفی درست این آثار شده و اقدام‌های کارشناسی لازم در این راستا شکل گیرد.

چطور می‌شود نسل جوان را به‌عنوان حافظان آینده میراث فرهنگی کشور درگیر این موضوع کرده و آنها را به‌عنوان سفیران حفظ هویت و فرهنگ ایران که بتوانند در این عرصه حضور فعال داشته باشند تربیت کرد؟

پاسخ شما نیازمند دو مثال است، یک برنامه به اصطلاح جوانان در یونسکو وجود دارد که البته یکی دو دهه اجرا می‌شده و حالا تمام شده است. به نظر من آن الگو می‌تواند الگوی بسیار خوبی برای درگیر و دغدغه‌مند کردن جوانانمان باشد. برنامه دیگری که مرکز بین‌المللی مطالعه و حفاظت و مرمت آثار تاریخی در «روم» داشت که برنامه نسبتاً موفق بود، حالا شاید بگویند که بالاخره اینها الگوهای جهانی است و به دلیل تفاوت فرهنگی و اقلیمی و تاریخی و غیره نتوان آن را با فرهنگ ایرانی تطبیق داد؛ من هم به نوعی این دیدگاه را می‌پذیرم.

بنابراین به‌طور ویژه ما باید در حوزه آموزش کار کنیم، حالا حوزه آموزش یعنی چه؟ به این مفهوم که فقط شعار ندهیم و بگوییم که مثلاً میراث فرهنگی خیلی خیلی مهم است و فوق‌العاده اهمیت دارد. چرا که اینها تأثیر چندانی در جامعه نخواهد داشت، بلکه اگر در آن برنامه دراز مدت راهبردی، وزارت آموزش و پرورش خود را مکلف بدانند که از کودکان و



بخش نرم‌افزاری و سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی و تربیت درست آنها برای نسل‌های آینده است. در بخش دیگر و یا همان بخش سخت افزاری نیز گسترش موزه‌ها، ثبت آثار در فهرست جهانی است. موضوع ثبت آثار یکی از مشکلات مهم موجود در این عرصه است که نیاز است در عرصه ملی به آن توجه شده و رفع موانع و مشکل شود. ضمن اینکه در حوزه میراث فرهنگی یا وزارت میراث فرهنگی به نظر من یکی از مسائل مهم، مسئله اقدام‌ها و فعالیت‌های بعد از ثبت است که نیازمند مدیریت و رسیدگی کارشناسانه است.

به عنوان سخن پایانی چه پیامی به مناسبت روز جهانی میراث فرهنگی با تمرکز بر نقش میراث در جوامع آینده و جوامع در حال تغییر برای مردم ایران دارید؟

به عنوان شخصی که سال‌هاست در حوزه میراث فرهنگی فعالیت دارد، باید بگویم که هم مردم و هم مسئولین و تصمیم‌گیرندگان باید متوجه بزرگی و ارزش این ثروت ملی و دارایی فرهنگی باشند و در همه حوزه‌ها، یعنی در راه‌سازی، پزشکی، آموزش، دانشگاه‌ها و تمامی وزارتخانه‌ها، به سابقه کهن خود مراجعه و از آن بهره‌برداری کنند.

این فرهنگ‌سازی یعنی وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و رسانه ملی در یک برنامه ۳۰ یا ۴۰ ساله یک نسل یا دو نسل اگر هدفمند کار کنند ما به آن نقطه موعود خواهیم رسید. من در سفری که از طرف یونسکو به مصر داشتم دیدم که مصری‌ها چون منابع زیرزمینی مانند نفت ندارند و منابع معدنی ندارند، فهمیده‌اند که بالاخره این میراث فرهنگی بزرگ‌ترین ثروت آنهاست که می‌توانند در توسعه پایدار کشور خود از آن بهره‌مند شوند. به همین خاطر سرمایه‌گذاری خیلی بزرگی در حوزه میراث فرهنگی کرده‌اند و با کشوری مانند ایتالیا یا فرانسه جزء کشورهایی هستند که در این زمینه می‌توان از آنها الگو گرفت. در ادامه کشور چین را می‌بینیم که بعد از دهه ۷۰ میلادی به این طرف به درستی متوجه اهمیت و جایگاه میراث فرهنگی کشورشان شده و سرمایه‌گذاری انسانی و مالی خیلی زیادی در این زمینه کرده و می‌کنند و در حوزه میراث فرهنگی با گسترش موزه‌ها و حفظ بناهای تاریخی و ثبت آنها در عرصه جهانی، خدمت بزرگی به حفظ و ماندگاری میراث فرهنگی و ثروت ملی خود کرده‌اند.

بخش مهم دیگر درخصوص این مهم،

دبستان و دبیرستان و دانشگاه و غیره... میراث فرهنگی را به عنوان یک بخش مهمی از تدریس و آموزش شناخته و معرفی کند، فکر می‌کنم که بتوان در این عرصه امیدوار و منتظر اتفاقات خوب و سازنده بود. این اتفاق میسر نمی‌شود مگر بدون در نظر گرفتن رویکردهای سیاسی. یعنی تصور ما این باشد که یک کودک پنج ساله یا شش ساله، کودک دبستانی و حتی دبیرستانی و... به زبان و درک خود باید متوجه شود که میراث فرهنگی چه نقشی در زندگی آینده او دارد؟ اشکال کار این است که نظام آموزشی ما تقریباً نسبت به میراث فرهنگی غنی کشور بی‌توجه است. ما حتی در نظام دانشگاهی نیز به معماری کمتر توجه داریم، با وجود اینکه ما سابقه کهنی در معماری داریم که در جهان بی‌مانند و یکتاست و هیچ کشوری معماری یا خطاطی ایران یا سابقه شعر ایران را ندارد. ما متوجه نیستیم که این میراث فرهنگی یک ثروت عظیم ملی است. حتی قشر فرهیخته جامعه البته نه همگی آنها، بلکه برخی از آنها هنوز هم میراث فرهنگی را فقط اشیاء عتیقه می‌دانند. حفاظت از میراث فرهنگی یک امر ملی است که همه جامعه باید نسبت به مراقبت و محافظت آن حساسیت داشته باشند.



در گفتگو با چهره ماندگار میراث فرهنگی مطرح شد: حفاظت از تاریخ و فرهنگ با آموزش و آگاهی نسل جوان

چیست؟ در پاسخ به این سوال باید بگویم که یکی از آنها گستردگی موضوع حفاظت است. در مقایسه ۳۰ سال تا ۶۰ سال قبل مرتباً موضوع حفاظت گسترده‌تر از گذشته شد. به عنوان مثال در یک مقطع زمانی بناهای معاصر تحت حفاظت نبودند، اما در حال حاضر در بیشتر شهرهای کشور این امر تبدیل به یک چالش شده است. در زمانی نه چندان دور میراث طبیعی موضوع حفاظت نبود، این در حالی است که در حال حاضر توسعه سرزمینی به نحوی است که یک سازمان یا نهادی باید در موقعیت حفاظت از میراث فرهنگی میراث طبیعی قرار بگیرد.

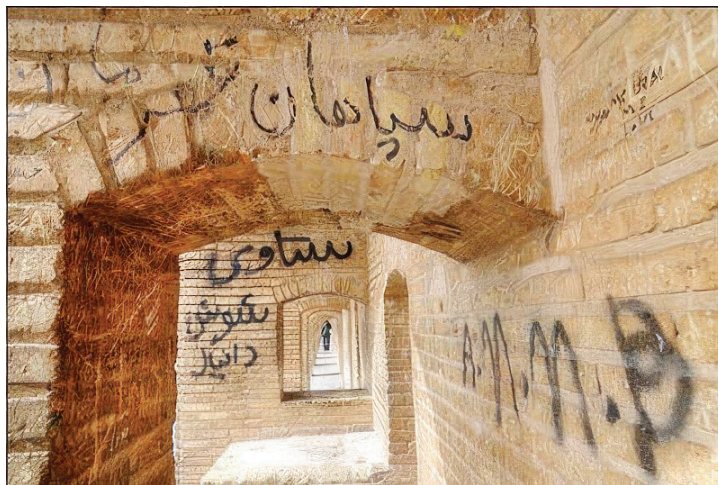
به فرض مثال در بخش منظرهای فرهنگی که هنوز هم بی پناه هستند و تحت حفاظت نیست و این توسعه همه‌جا را در بر گرفته و تحت تأثیر خود قرار داده است و به واسطه آن یک سری ارزش‌ها از دست خواهد رفت.

بخش دیگرش توسعه کمی سرزمین هست؛ که این توسعه کمی فارغ از توسعه کیفی به اجرا در آمده و مرتباً عوارض مخربی را از خود به جا می‌گذارد. این عوارض با سطح‌های بیشمار که دارد،

میراث فرهنگی به عنوان یکی از مهم‌ترین دارایی‌های معنوی ملت‌ها، نقش اساسی در انتقال هویت، تاریخ و فرهنگ به نسل‌های آینده دارد. با این حال، حفاظت و بهره‌برداری مناسب از این میراث با چالش‌های فراوانی در سطح ملی و بین‌المللی همراه بوده است. چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی با استفاده از تجربه‌های خود توانسته‌اند در مواجهه با این چالش‌ها راهکارهایی ارزشمند ارائه دهند و از میراث فرهنگی در برابر تهدیدات مختلف محافظت کنند. در این گفتگو به تجربیات برجسته اسکندر مختاری، چهره ماندگار میراث فرهنگی پرداخته شده است.

مهمترین چالش پیش‌روی میراث فرهنگی ایران، در پاسخ به نیازهای جوامع در حال تغییر، چیست و چه راهکارهایی را برای غلبه بر آنها پیشنهاد می‌کنید؟

فکر می‌کنم که چالش را نباید فقط تحت یک عنوان فرض کرد؛ چرا که این مهم عناوین مختلفی دارد، یا بهتر است بگوییم که بزرگترین چالش‌های نیاز فرهنگی در تقابل با جوامع در حال تغییر



باشند. بنابراین اینکه حفاظت از میراث فرهنگی فقط بر عهده یک وزارتخانه ببینیم که توان کافی ندارد، این هم مخرب است.

با چه راهکارهای می‌توان نسل جوان را به عنوان حافظان آینده میراث فرهنگی درگیر کرد و آنها را به سفیران حفظ هویت و فرهنگ ایرانی تبدیل کرد؟

به نظر من مهمترین شیوه درگیر کردن نسل جوان، آگاهی دادن آنهاست. از نظر من هر وقت که شناخت نسبت به ارزش‌های میراث فرهنگی در نزد هر فردی یا در آحاد جامعه وجود داشته باشد، تخریب کاری سخت و حفاظت کار آسانی خواهد شد. در شرایط فعلی ما مشکل داریم ما در سطوح مختلف سنی، شغلی، تحصیلی، صنفی نیازمند آموزش هستیم. آموزش به دو طریق است یکی مستقیم هست و دیگری هم غیرمستقیم. ولی مهمتر از آموزش این هست که حداقل بدآموزی نداشته باشیم. فرض کنید که در یک فیلمی که از رسانه ملی پخش می‌شود، قهرمان فیلم یه گنج‌یاب است، در حالی که در عالم واقع گنج‌یاب‌ها آدم‌های مریض و روانی هستند که هم خود را بدبخت میکنند و هم جامعه را و در ادامه تخریبی که به میراث فرهنگی می‌زنند غیرقابل جبران است.

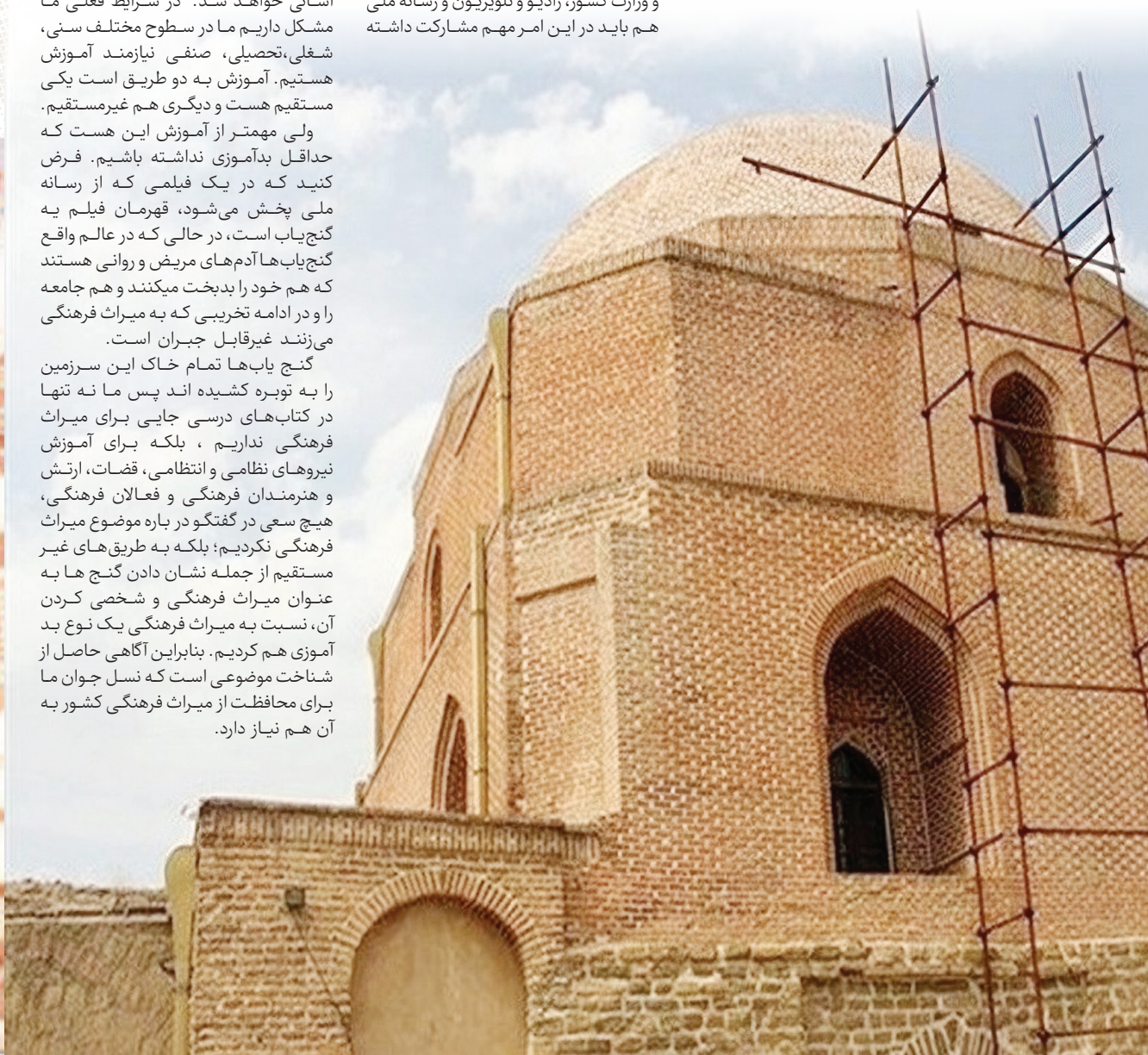
گنج‌یاب‌ها تمام خاک این سرزمین را به توبره کشیده اند پس ما نه تنها در کتاب‌های درسی جایی برای میراث فرهنگی نداریم، بلکه برای آموزش نیروهای نظامی و انتظامی، فضا، ارتش و هنرمندان فرهنگی و فعالان فرهنگی، هیچ سعی در گفتگو در باره موضوع میراث فرهنگی نکردیم؛ بلکه به طریق‌های غیر مستقیم از جمله نشان دادن گنج‌ها به عنوان میراث فرهنگی و شخصی کردن آن، نسبت به میراث فرهنگی یک نوع بد آموزی هم کردیم. بنابراین آگاهی حاصل از شناخت موضوعی است که نسل جوان ما برای محافظت از میراث فرهنگی کشور به آن هم نیاز دارد.

سرزمینی ما چالش بزرگتری است. به نظر من توان میراث فرهنگی برای تقابل با این حجم‌ها به اندازه کافی نیست، چرا که حجم‌ها و آثار فراوان شده است ولی توان میراث فرهنگی نسبت به این حجم‌ها افزایش پیدا نکرده است.

به نظر می‌رسد که راهکار این مشکل حرکت به سمت آموزش ملی باشد و این مهم را باید نسبت به ارزش میراث فرهنگی و لزوم حفاظت از آن جبران کرد. به نظر من یکی از چالش‌ها همین است که حفاظت از میراث فرهنگی آیا وظیفه تنها و تنها وزارت میراث فرهنگی است یا سازمان برنامه و وزارت راه و شهرسازی، شهرداری‌ها و وزارت کشور، رادیو و تلویزیون و رسانه ملی هم باید در این امر مهم مشارکت داشته

تعاریف اقلیمی را تغییر داده و توسعه شهری، توسعه کشاورزی و منابع زیرزمینی آب ما را از دست می‌دهد و اینها در بناهای تاریخی عوارضی دارند. راه‌های قدیمی به تدریج متروک شده و راه‌های جدید عرصه‌های زیست‌های طبیعی را مرتباً تغییر می‌دهند که این امر تأثیر مستقیم بر زیست بوم ما دارد. مناطقی که برای توسعه شهری انتخاب می‌شوند و سطح گستردگی توسعه شهری و آهنگ شتابان آن باعث میشوند که عرصه‌های تاریخی مهجور و مطرود شده و به سمت تخریب بروند.

پس برنامه‌های توسعه شهری ما هم یه چالش عمده است، برنامه‌های توسعه



چه نمونه‌های موفق از کشورهای دیگر را در زمینه تصدیق میراث فرهنگی با تغییرات اجتماعی و زیست محیطی می‌شود آنها را در ایران هم پیاده‌سازی کرد؟

به باور من تغییر یک پدیده ناگزیر در تاریخ جوامع است، یعنی مرتباً تغییرات اجتماعی و تغییرات زیست محیطی در حال وقوع است. بنابراین بحث بر سر مدیریت تغییر در جهان است که هر روز این مدیریت تغییر کار پیچیده‌تری می‌شود به این دلیل که تکنولوژی مرتباً به صورت یک ابزار تهاجمی وارد موضوع نگهداشت اندوخته‌های تاریخی میشود. در این میان کشورهایی هستند که توانسته‌اند این تغییرات را مدیریت کنند. به عنوان مثال کشورهای اروپایی یا کشورهای اروپای غربی این کار را بهتر از کل اروپا انجام می‌دهند. شما وقتی که به کشوری مانند ایتالیا یا جنوب پرتغال بروید، خواهید دید که شهرهای خود را چگونه مانند صد سال، ۲۰۰ سال، یا ۴۰۰ سال قبل نگه داشته و مراقبت کرده‌اند، چرا که خود را تغییر داده و فرهنگ مراقبت از آثار و بناهای تاریخی را آموزش دیده و در خود تقویت کرده‌اند.

مشکل فعلی موجود در کشور ما این است که ما جهانی شدن را با تغییر شرایط زیست یکی فرض کردیم و تخریب آثار گذشته رو یک نوع جهانی شدن فرض کردیم که به نظر من این به چالش جهانی است و ما هم باید بتوانیم خود را در موقعیت جدید تحولات اجتماعی و اقتصادی جهانی تعریف کنیم. البته من اصلاً خودمان رو ناموفق نمی‌بینم و با توجه به حجمه زیادی که برای تخریب وجود داشته، حفاظت گران تاریخ ایران را نسبت به حجمه‌های که وجود داشته بسیار موفق دیده و ارزیابی می‌کنم.

نقش میراث فرهنگی در کاهش تنش‌های اجتماعی و تقویت حس تعلق به جامعه در دوران تحولات سریع را چگونه دیده و ارزیابی می‌کنید؟

عرض کنم که مهمترینش در مورد کشورهایی مثل ما این هست که از تجربیات زیست گذشته در سرزمینمان بتوانیم استفاده کنیم چرا که این تجربیات زیستی ارزشمند هستند، چرا که تغییرات اقلیمی برای اولین بار نیست که در تاریخ سیاره زمین اتفاق افتاده است. در گذشته

نیز سیل و طوفان و خشکسالی و ترسالی بوده است اما به درستی توسط جوامع کهن مدیریت شده است و این روزها نباید آن تجربیات نادیده گرفته شود.

پس یکی از راهکارها اتکا به تجربیات گذشته و دیگری این هست که ما باید آگاهانه از تبعات منفی جهانی شدن پرهیز کنیم. جهانی شدن نباید هم‌معنای از دست دادن هویت ملی باشد. این توصیه‌ای هست که هر روز باید ما به خودمان متذکر شویم و دیگر اینکه پایداری اجتماعی تنها با تکیه بر هویت ملی محقق می‌شود، بدون هویت ملی پایداری اجتماعی وجود نخواهد داشت. این شهرهای جدید را ببینید که هیچ‌کس آدرس خود را در این شهرها نمی‌دهد. در حالی که در شهرهای قدیمی می‌بینید که بازار دارند، گورستان دارند و به نوعی در محل و در موقعیت تثبیت شده و تعلق بین محلی در میان آنها اتفاق افتاده است که همین تعلق بین نسلی، پایداری اجتماعی ایجاد می‌کند. بنابراین اگر پایداری اجتماعی می‌خواهیم به ناگزیر باید به هویت ملی خود ارجاع کنیم.



ارتقای حکمرانی مشارکتی گامی کلیدی در پایداری میراث فرهنگی

حس تعلق اجتماعی، افزایش آگاهی عمومی و پایداری اقدامات حفاظتی یاری می‌رساند. حکمرانی مشارکتی بر چند اصل اساسی استوار است. نخست، اصل شفافیت و مسئولیت‌پذیری که تمامی ذینفعان را ملزم می‌دارد تا به صورت آشکار در فرآیندهای تصمیم‌گیری حضور یابند و نسبت به اقدامات خویش پاسخگو باشند. دوم، اصل شمولیت که به معنای حضور همه گروه‌ها و اقشار مرتبط با میراث فرهنگی، از جمله اقلیت‌ها و گروه‌های کم‌برخوردار، در فرایندهای برنامه‌ریزی و اجرا است. این اصل از بروز تعارضات اجتماعی و طرد گروهی جلوگیری می‌کند. سوم، اصل احترام به دانش بومی و سنتی که نقش بی‌بدیل جوامع محلی را به عنوان حاملان و وارثان میراث فرهنگی تلقی می‌کند و نگاه یک‌جانبه وابسته به

به شمار می‌رود.

در بطن رویکرد حکمرانی مشارکتی، این باور نهفته است که حفظ میراث فرهنگی امری نه صرفاً ملی یا دولتی، بلکه فرآیندی چندسطحی و چندبازیگری است که بدون شراکت و تعامل مؤثر همه ذینفعان، به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. امروزه جامعه‌ی محلی، ساکنان، مالکان بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد، پژوهشگران، متخصصین، و حتی بازار و سرمایه‌گذاران، هر یک نقشی غیرقابل‌انکار در حفاظت و توسعه آن میراث دارند. مشارکت این گروه‌ها، علاوه بر تأمین منابع مالی و انسانی، به پرورش

حفاظت از میراث فرهنگی، چه در قالب آثار ملموس چون بناها و اشیاء تاریخی و چه در قالب میراث ناملموس مانند زبان‌ها، آیین‌ها و سنت‌ها، امروزه به یکی از دغدغه‌های مشترک جوامع تبدیل شده است. گذر زمان، توسعه شهری، جهانی‌سازی و چالش‌های زیست‌محیطی، همگی حفاظت از این میراث را با تهدیدهای جدی مواجه کرده‌اند.

در این روند، رویکردهای سنتی مبتنی بر مدیریت متمرکز و دولتی به تدریج کارآمدی خود را از دست داده و مدل‌های نوین مشارکتی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته‌اند. حکمرانی مشارکتی به عنوان رویکردی که نقش بازیگران متعدد را در فرایند اتخاذ تصمیمات و اجرای سیاست‌ها به رسمیت می‌شناسد، نقطه‌ی عطفی در مسیر حفاظت از میراث فرهنگی



متخصصان خارجی یا الگوهای غربی را تعدیل می نماید.

در فرآیند تحقق حکمرانی مشارکتی، رکن گفت‌وگو و تعامل سازنده میان دولت، جامعه و بخش خصوصی اهمیت مضاعفی می یابد. دولت، علاوه بر نقش سیاست‌گذاری و تامین چارچوب‌های قانونی، باید بستری مناسب برای گفت‌وگوی آزاد و تضارب آراء فراهم آورد و فرآیند تصمیم‌گیری را از سیطره بروکراتیک خارج سازد. در سوی دیگر، جامعه محلی و نهادهای مردمی نیز باید خود را شریک و مسئول بدانند و از نگاه مطالبه‌گر صرف به مشارکت فعالانه و مسئولانه روی آورند. سرمایه‌گذاران بخش خصوصی نیز با درک ارزش‌های فرهنگی و منافع بلندمدت آن، می‌توانند علاوه بر بهره‌برداری اقتصادی، نقشی سازنده در حفاظت ایفا کنند.

تجارب جهانی نشان می‌دهد که هر جا حکمرانی مشارکتی به شکلی واقعی و نه صوری تحقق یافته است، حفاظت از میراث فرهنگی از حالت پروژه‌های مقطعی و کوتاه‌مدت خارج شده و به فرآیندی پایدار و مبتنی بر اجماع تبدیل گردیده است. ورود ساکنان بومی به عرصه تصمیم‌گیری، عموماً به افزایش حس تعلق، ارتقاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های بومی منجر شده است. همچنین نهادهای غیردولتی با برخورداری از چابکی و تخصص، حلقه واسط میان مردم و دولت را تشکیل داده و قادر به جلب حمایت‌های مردمی، رسانه‌ای و حتی مالی گردیده‌اند. مشارکت بخش خصوصی نیز، چه در قالب سرمایه‌گذاری مستقیم در پروژه‌های مرمتی و چه از طریق حوزه گردشگری، منابع

مالی پایدار را وارد عرصه حفاظت از میراث فرهنگی ساخته است.

البته حکمرانی مشارکتی با چالش‌های خاص خود روبروست. نبود چارچوب‌های قانونی کافی یا نامتناقض، تعارض منافع میان گروه‌های مختلف، ضعف فرهنگ گفت‌وگوی اجتماعی، و بی‌اعتمادی میان دولت، مردم و بازار از مهم‌ترین موانع این روند شمرده می‌شوند. گاه نیز سیاست‌های بالادستی، ملاحظات امنیتی یا نگاه‌های صرفاً اقتصادی، مشارکت واقعی را به یک شعار بدل می‌کند و گروه‌های مردمی را به حاشیه می‌برد. برای رفع این چالش‌ها، نیاز به اصلاح سیاست‌ها، آموزش گروه‌های ذینفع، ترویج فرهنگ همکاری و تامین زمینه‌های اعتماد اجتماعی است.

از منظر ابزارهای اجرایی نیز، حکمرانی مشارکتی نیازمند بسترسازی‌های نهادی و ساختاری است. تدوین قانون‌ها و مقررات حمایتی، راه‌اندازی کمیته‌های چند ذینفعه، شکل‌گیری شوراهای محلی و تخصصی، و گسترش مجاری گفت‌وگوی عمومی، از جمله اقدامات ساختاری در این راستا محسوب می‌شود. همزمان بهره‌گیری از ظرفیت فناوری اطلاعات و ارتباطات، با ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال برای اطلاع‌رسانی، همفکری و جمع‌آوری نظرات مردم، این فرایند را تسهیل و شفاف‌تر ساخته است. همچنین آموزش و توانمندسازی جوامع محلی در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی، تضمین‌کننده استمرار و کیفیت مشارکت است.

نکته کلیدی آن است که حکمرانی مشارکتی فرآیندی تدریجی، پویا و در حال تکامل است و گاهی نیازمند آزمون و خطا،

بازتعریف نقش‌ها و موقعیت‌ها و نیز پذیرش انتقاد و بازخورد از سوی تمامی گروه‌هاست. این امر، وقتی به موفقیت می‌رسد که همه بازیگران خود را جزء راه‌حل، نه تنها قسمتی از مشکل بدانند و هر یک سهمی مشخص و موثر در ارتقای وضعیت حفاظت بر عهده بگیرند. در این میان، تغییر نگرش در برخی دستگاه‌های اجرایی و خروج از نگاه مالکیتی نسبت به میراث فرهنگی، نقش تسهیل‌کننده و انگیزشی در روند مشارکت ایفا می‌کند.

در کنار موارد فوق، الزامی است که به عدالت اجتماعی در حکمرانی مشارکتی توجه ویژه شود. میراث فرهنگی متعلق به عموم جامعه است و نباید تبدیل به امتیاز یا ابزار سهم‌خواهی برای گروهی خاص گردد. سیاست‌گذاری آگاهانه و پیگیری توزیع عادلانه منافع و فرصت‌ها، تضمین‌کننده تعادل و پایداری این فرآیند است. همچنین، بهره‌جویی هوشمندانه از میراث فرهنگی در برنامه‌های توسعه پایدار، می‌تواند علاوه بر تامین نیازهای نسل معاصر، موجبات بقای آن برای آیندگان را فراهم سازد.

در نهایت، حکمرانی مشارکتی نه صرفاً یک روش مدیریتی، بلکه رویکردی کل‌نگر است که به کرامت انسانی، خرد جمعی، تنوع فرهنگی و پایایی اجتماعی احترام می‌گذارد. موفقیت این رویکرد مستلزم تجدید نظر در نقش‌ها، قوانین، الگوهای مدیریتی و حتی نگرش جامعه نسبت به میراث فرهنگی است. در جهانی که دگرگونی‌ها و فشارها بر منابع فرهنگی رو به تزاید است، مشارکت گسترده و معنادار تمامی ذینفعان تنها راه حفظ و اعتلای این سرمایه‌های گران‌بها خواهد بود.



مردم و میراث فرهنگی پیوندی ناگسستنی در قلب جوامع محلی

مذهبی، روایت‌ها، سبک زندگی، و حتی دستورهای آشپزی نیز از عناصر میراث ناملموس به شمار می‌آیند. جوامع محلی به عنوان بستر پویای فرهنگ، نقش بی‌بدیلی در حفظ هر دو نوع میراث ایفا می‌کنند. در غیاب چنین جامعه‌ای، اشیاء، رسوم یا حتی زبان‌ها خیلی زود به فراموشی سپرده می‌شوند و هویت فرهنگی جامعه آسیب می‌بیند. از مهم‌ترین ویژگی‌های میراث فرهنگی، پویایی و تحول‌پذیری آن است. برخلاف تصور عموم، میراث چیزی ایستا و غیرقابل تغییر نیست؛

میراث فرهنگی می‌شناسیم، محصول زیست فرهنگی، مناسبات اجتماعی، و تعامل پویای نسل‌های متمادی است که در فراز و نشیب تاریخ، از هویت خود حفاظت کرده و به آن معنا بخشیده‌اند.

در هر جامعه‌ای، میراث فرهنگی نماد هویت و استمرار فرهنگی است. این میراث می‌تواند ملموس یا ناملموس باشد. اشیای تاریخی، بناهای یادبود، صنایع دستی، آثار هنری و بسترهای طبیعی بخشی از میراث ملموس‌اند. در سوی دیگر، هنر شفاهی، آیین‌ها، مراسم

میراث فرهنگی در ساده‌ترین تعریف، مجموعه‌ای از دستاوردهای فکری، هنری، اجتماعی و معنوی یک جامعه در طول تاریخ است. این میراث صرفاً اشیاء یا بناهای تاریخی نیست، بلکه باورها، آیین‌ها، زبان، موسیقی، سنت‌ها و دانش بومی را نیز شامل می‌شود که نسل‌های مختلف در دل تاریخ آن را از خود به یادگار گذاشته‌اند. واقعیت این است که میراث فرهنگی در خلاء شکل نمی‌گیرد و تداوم نمی‌یابد. مردم و جوامع محلی، بنیان و حاملان اصلی این میراث‌اند. آنچه به نام



نیست بلکه منبعی ارزشمند برای توسعه پایدار، کارآفرینی و رونق اقتصادی است. گردشگری فرهنگی که بر پایه میراث ملموس و ناملموس شکل می‌گیرد، می‌تواند منبع درآمد و اشتغال برای جوامع محلی باشد. اما این توسعه زمانی پایدار خواهد بود که مردم محلی در فرآیند برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی نقش محور داشته باشند و منفعت اصلی نصیب خودشان شود. توسعه بدون مردم، به سادگی می‌تواند به تخریب ارزش‌ها، یکسان‌سازی فرهنگ و بهره‌برداری اقتصادی بدون توجه به هویت و اصالت فرهنگی بینجامد. امروزه حفاظت از میراث فرهنگی با چالش‌هایی نظیر جهانی شدن، مهاجرت، تغییرات سریع فناوری و حتی تخریب زیست‌محیطی رو به روست. در این میان، تنها راهکار اثربخش، تقویت سرمایه اجتماعی مردم و مشارکت واقعی آن‌هاست. آموزش رسمی و غیررسمی درباره اهمیت میراث فرهنگی از سنین پایین، فراهم کردن امکان حضور و نقش‌آفرینی مردم در همه سطوح تصمیم‌گیری، حمایت از فعالان فرهنگی و هنری، و فراهم آوردن بسترهای نوآوری و خلاقیت، از جمله اقدامات کلیدی برای تضمین ماندگاری میراث است.

در نهایت، باید تأکید کرد که هر جامعه همان‌قدر که به تاریخ و گذشته خود وابسته است، باید خود را مسئول آینده بداند. آئین‌ها، شیوه‌های زندگی، هنر و جهان‌بینی که امروز حفظ و منتقل می‌شود، ثروتی است که نسل‌های آینده را نیز به این حلقه عظیم فرهنگی پیوند خواهد داد. مردم، نقش‌اولن صحنه میراث فرهنگی‌اند و هر جا این نقش پررنگ‌تر بوده، فرهنگ و هویت آن جامعه پایاتر و بالنده‌تر مانده است. در جهانی که سرعت تغییرات هر روز بیشتری شود، میراث فرهنگی حکم ریشه‌هایی را دارد که بی‌آن‌ها درخت جامعه نیز سرسبز نخواهد ماند.

زندگی روزمره، از رهگذر قصه‌گویی، مراسم، کارگاه‌های دستی، آموزش شفاهی و مشارکت در آیین‌ها صورت می‌گیرد. به این ترتیب اغلب حتی کودکان و نوجوانان بی‌آنکه آگاه باشند، میراث فرهنگی قوم یا سرزمین خود را فرا می‌گیرند و به بازتولید آن کمک می‌کنند. این فرآیند انتقال، نه تنها دانش فنی بلکه نظام ارزش‌ها، جهان‌بینی، باورهای اخلاقی و اجتماعی را نیز به همراه دارد. بدون این حلقه ارتباطی میان نسل‌ها، هیچ فرهنگی دوام نمی‌یابد و میراث معنوی به تدریج از یاد می‌رود. یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی نقش مردم در حفظ میراث فرهنگی، آفرینش خلاقانه است. فرهنگ و میراث نه فقط به معنای تقلید و تکرار گذشته بلکه به معنای بازآفرینی و بازتفسیر آن در بافت جدید است. بسیاری از هنرهای سنتی، موسیقی‌ها، لباس‌ها و حتی معماری‌ها اگرچه ریشه در گذشته دارند اما با ذوق و ذهن خلاق مردم امروز دگرگون می‌شوند تا پاسخگوی نیازهای حال باشند. این نوآوری در دل سنت، ضامن تداوم و زنده بودن میراث در جوامع محلی است. ارتباط میان مردم و میراث فرهنگی، از جنبه هویت‌بخشی نیز اهمیت فراوان دارد. میراث، گذشته را به حال پیوند می‌زند و به افراد احساس تعلق و امنیت خاطر می‌بخشد. در جهانی که مرزهای فرهنگی از میان رفته و سبک زندگی‌ها به هم نزدیک می‌شود، وجود میراث و توجه به آن، همچون سپری در برابر فراموشی و بی‌هویتی عمل می‌کند. مردم هر جامعه، با مشارکت فعال در مراسم بومی، زنده نگه داشتن زبان مادری، حمایت از هنرمندان محلی و تشویق به آموزش سنت‌ها، به استحکام هویت جمعی خود کمک می‌کنند.

توجه به نقش مردم، فقط ناظر به گذشته نیست بلکه آینده را نیز رقم می‌زند. امروز میراث فرهنگی فقط موضوعی برای موزه‌ها و کتاب‌ها

بلکه در فرآیندی مداوم و در مواجهه با تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه، تغییر شکل می‌دهد. در این میان، جوامع محلی بستر اصلی این تحول‌اند. آن‌ها از یک سو سنت‌ها را به نسل جدید منتقل می‌کنند و از سوی دیگر، با پذیرش تحولات جهانی و فناوری‌های نوین، میراث را بازتولید و به‌روز رسانی می‌نمایند. این رابطه دوسویه و تعاملی، راز ماندگاری میراث است. مردم، فاعل و موضوع اصلی میراث فرهنگی‌اند. ارتباط آن‌ها با میراث نه تنها بر پایه خاطرات جمعی و باورهای ریشه‌دار شکل می‌گیرد، بلکه از رهگذر استفاده روزمره، بازآفرینی خلاقانه و حتی نقد و بازنگری تقویت می‌شود. میراث فرهنگی به واسطه مناسک، آیین‌ها و رویکردهای اجتماعی که مردم خلق می‌کنند و معنا می‌بخشند، زنده و پویا می‌ماند. تمامی این عناصر در هم تنیده است و نشان می‌دهد که فرهنگ نه یک پدیده منجمد، که یک فرآیند جاری و متحول است که پویایی خود را مدیون مردم است.

نقش جوامع محلی در ثبت و حفاظت از میراث فرهنگی آن‌قدر بنیادین است که سازمان‌های جهانی همچون یونسکو نیز بر آن تأکید دارند. در اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو درباره حفظ میراث فرهنگی ناملموس، بر ضرورت مشارکت فعال جوامع در هر مرحله از جمع‌آوری، مستندسازی و صیانت از میراث تأکید شده است. نگاه بالا به پایین و متمرکز دولتی، بدون لحاظ کردن دانش زیسته و تجربه مردم، نه تنها ناکارآمد بلکه گاه حتی مخرب بوده است. مردم محلی، با تجربه زیست بومی، سازوکارهای حفظ و انتقال میراث را بهتر از هر نهاد دیگری می‌شناسند. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های مشارکت مردم، انتقال دانش و مهارت‌های بومی از نسلی به نسل دیگر است. این انتقال، نه صرفاً از طریق آموزش رسمی، بلکه در دل



نقش دیپلماسی میراث فرهنگی در تقویت تعاملات جهانی

سرقت میراث را به تصویر می‌کشد. این همکاری‌ها علاوه بر تقویت دیپلماسی فرهنگی، به ایجاد شبکه‌هایی برای تقویت دوستی و اعتماد میان کشورها منجر می‌شود.

از سوی دیگر، میراث فرهنگی و دیپلماسی آن می‌تواند رویکردی برای حفاظت از شراکت‌های تاریخی میان ملت‌ها و جبران آسیب‌های گذشته باشد. در جهان پساجنگ یا درگیری‌های منطقه‌ای، همکاری در بازسازی یا حفاظت از میراثی که تحت‌الشعاع قرار گرفته، می‌تواند روشی تفاهم‌آمیز برای تقویت اعتمادسازی بین کشورها به شمار رود. با این همه، دیپلماسی میراث فرهنگی نمی‌تواند از چالش‌ها و کاستی‌ها به دور بماند. در دنیای امروز، اختلاف‌نظرها بر سر مالکیت معنوی یا تاریخی آثار فرهنگی، استفاده ابزاری از میراث به نفع سیاست خارجی برخی کشورها، و بهره‌برداری‌های نامناسب از این مقوله، چالش‌هایی جدی برای رشد همکاری‌های میان فرهنگی ایجاد کرده‌اند. به این ترتیب، کشورها نیازمند سیاست‌گذاری‌هایی دقیق و شفاف برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی هستند.

در نهایت، دیپلماسی میراث فرهنگی در جهان امروز راهی برای غلبه بر چالش‌های مشترک و ایجاد زبانی جهانی برای تعاملات به شمار می‌رود. این ابزار قدرتمند، زمانی می‌تواند به نتایج مطلوب برسد که رویکردی بین‌المللی، اخلاقی محور و احترام‌آمیز به تنوع فرهنگی در بطن آن وجود داشته باشد. میراث فرهنگی، در این چشم‌انداز، نه تنها به عنوان ابزاری برای حفظ گذشته، بلکه به عنوان نقطه‌ای برای طراحی آینده‌ای مشترک برای نسل‌های آتی در نظر گرفته می‌شود.



به میراث فرهنگی، به ابزاری برای کاهش تنش‌ها، افزایش همبستگی میان ملت‌ها، و حتی حل مناقشات در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است.

در عرصه سیاست خارجی، بهره‌گیری از ابزارهایی نظیر نمایشگاه‌ها، رویدادهای هنری، کنفرانس‌های تاریخی و فرهنگی، و بازسازی میراث مشترک، می‌تواند به توسعه روابط دیپلماتیک بیانجامد. این اقدامات نه تنها پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها محسوب می‌شوند، بلکه توانایی کشورها در روایت روایت‌های خود از تاریخ و هویت ملی را افزایش می‌دهند. به عنوان مثال، بسیاری از کشورها با برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی آثار هنری و تاریخی، توانسته‌اند مخاطبان جهانی را با فرهنگ خود آشنا کرده و تفکر جهانی را نسبت به خود تغییر دهند.

علاوه بر این، همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی، نظیر پروژه‌های یونسکو، نمونه‌هایی از همگرایی ملت‌ها برای مقابله با تخریب فرهنگی یا

در دنیای به هم مرتبط امروز، مفاهیمی مانند دیپلماسی از مرز صرفاً سیاسی فراتر رفته و ابعاد متنوعی همچون فرهنگ، هنر، و تاریخ را در بر گرفته‌اند. در این میان، میراث فرهنگی به عنوان یکی از پررنگ‌ترین سرمایه‌های انسانی و تمدنی، جایگاه ویژه‌ای در مسیر پیشبرد اهداف دیپلماسی مدرن یافته است. میراث فرهنگی، شامل ابنیه تاریخی، آثار هنری، سنت‌ها، زبان‌ها و ارزش‌های ملی، از یک سو پیوند میان ملت‌ها را تسهیل کرده و از سوی دیگر، به عنوان بستری برای اشاعه اهداف و منافع کشورها در صحنه بین‌المللی عمل می‌کند. میراث فرهنگی، با ظرفیت خویش در تقویت شناخت متقابل میان ملت‌ها، ابزار مشترکی برای شکل‌دهی به هویت‌های جهانی به شمار می‌رود. این مفهوم، نه تنها در حفظ و تقویت هویت‌های محلی و ملی نقش دارد، بلکه از قدرتی نمادین برای تقویت تعاملات میان فرهنگی برخوردار است. به این ترتیب، دیپلماسی فرهنگی به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های دیپلماسی نوین، با اتکاء

توسعه آگاهی و سواد میراث فرهنگی ضامن حفظ هویت نسل‌ها

بہترقادر بہ تبیین جایگاه خویش در جهان و تعامل سازندہ با دیگر فرهنگ‌ہاست. این فرآیند بہ شکوفایی حس احترام بہ تفاوت‌ہا، افزایش سرمایہ اجتماعی، توسعہ پایدار و حتی ہمگرایی بین‌نسلی منجر می‌شود و در نہایت، جامعہ‌ای پرتوان و پویا را شکل می‌دہد.

در خاتمہ، توسعہ آگاهی و سواد میراث فرهنگی ضرورتی گریزناپذیر برای پایداری فرهنگی و تقویت پیوندہای اجتماعی در شرایط جہان امروز است. آیندہ متعلق بہ جوامعی خواہد بود کہ توانستہ‌اند پل ارتباطی مستحکم میان گذشتہ، حال و آیندہ خود بسازند و با دانش و آگاهی، میراث ارزشمند خود را پاسداری و ارتقا دہند.

میراث فرهنگی نیازمند بہرہ‌گیری از ابزارہای نوین ارتباطی و فناوری‌های روز است. تبدیل میراث فرهنگی بہ بخشی از زندگی روزمرہ، از طریق پروژہ‌های دیجیتال‌سازی، نمایشگاہ‌های تعاملی، و شبکہ‌های اجتماعی، می‌تواند زمینہ مشارکت مستقیم‌تر و آشنایی عمیق‌تر شهروندان با این حوزہ را فراہم سازد. همچنین، نقش خانوادہ، نہادہای مدنی، و مراکز فرهنگی در ایجاد علاقہ و تعہد بہ نگہداری و انتقال میراث فرهنگی بسیار ارزشمند است. توسعہ سواد میراث فرهنگی نہ تنها برای حفاظت و احیای میراث اهمیت دارد، بلکہ خود زمینہ‌ساز تعالی هویت فردی و اجتماعی است. انسان آگاہ بہ ریشہ‌ها و روایت‌های تاریخی،

در فضای پرتحول جوامع معاصر، مفہوم میراث فرهنگی تنها بہ ابنیہ و آثار تاریخی خلاصہ نمی‌شود، بلکہ مجموعہ‌ای از باورہا، ہنرہا، زبان‌ہا، آیین‌ہا و فرآیندہای فکری و عملی است کہ نسل‌های متوالی آن را شکل دادہ‌اند و بہ عنوان ریشہ‌های هویت جمعی برجای مانده است. توسعہ آگاهی و سواد میراث فرهنگی یکی از مہم‌ترین راہکارہای نگہداری، حفاظت و انتقال معنادار این میراث ارزشمند بہ نسل‌های آیندہ محسوب می‌شود. سواد میراث فرهنگی، بہ معنای قابلیت درک، تفسیر، ارزیابی و مشارکت فعالانہ در حفظ و استفادہ مطلوب از میراث فرهنگی است و فراتر از دانستن صرف، بر عمق دریافت‌ہا و دستاوردهای ذهنی و اجتماعی تکیہ دارد.

در این مسیر، آگاهی بخشی صحیح و ہدفمند یکی از ضروری‌ترین اصول بہ شمار می‌رود. ایجاد حس تعلق و شناخت نسبت بہ میراث‌های فرهنگی، بہ خصوص در نسل جوان، لازمہ بہرہ‌مندی پایدار از این سرمایہ‌ہاست. فقدان این آگاهی، منجر بہ بی‌تفاوتی یا حتی آسیب‌رسانی ناخواستہ بہ میراث می‌شود و نقش مخربی در فراموشی هویت ملی ایفا می‌کند. از این‌رو، ارتقای سطح آموزش میراث فرهنگی در نظام‌های آموزشی، رسانہ‌ها و برنامه‌های عمومی، راہبردی بنیادی برای تقویت این سواد تلقی می‌شود. افزون بر آموزش رسمی، تقویت سواد





